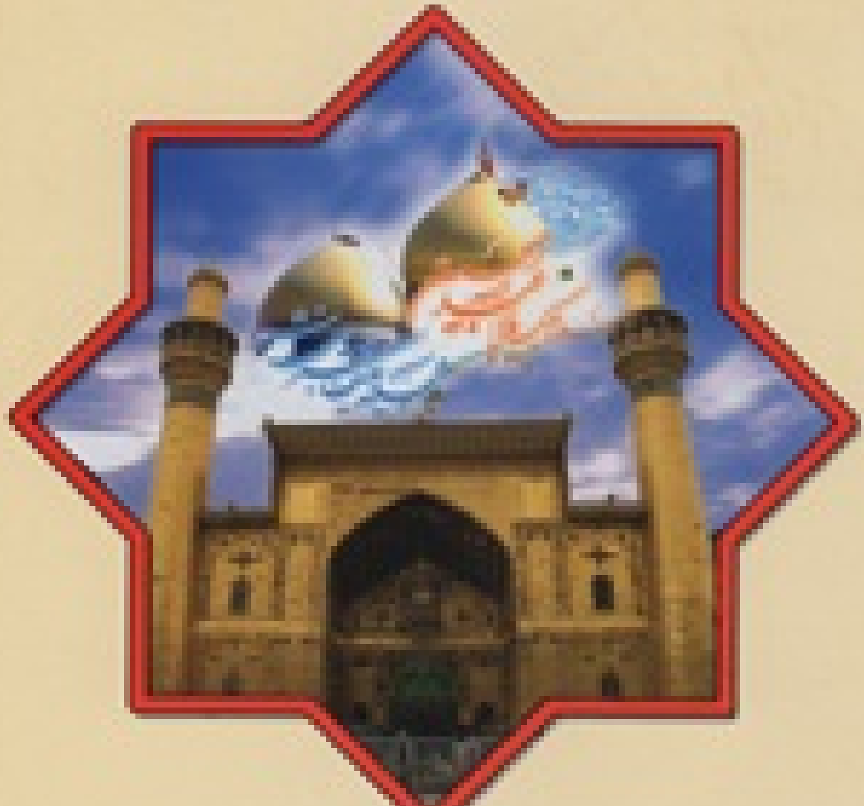
راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

ویژه کارگزاران حج و زیارت



تألیف: دکتر احسان مقدسی

بسم الله الرحمن الرحیم

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

نویسنده:

احسان مقدس

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

مشخصات کتاب

نام کتاب: راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

نویسنده: دکتر احسان مقدس

موضوع: عتبات عالیات و سوریه

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: زمستان ۱۳۸۸

نوبت چاپ: ۳

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

ص:۱۲

ص:۱۳

ص:۱۴

ص:۱۵

ص:۱۶

مقدمه

ص:۱۷

آموزش پرسنل یکی از ابزارهای اصلی ارتقای کیفی برنامه های مذهبی، فرهنگی و توریستی می باشد و بدیهی است در سازمانهای متولی امور فوق این امر می تواند نقشی سازنده و موثر ایفا نماید.

وظایف سازمان حج و زیارت علاوه بر تامین شرایط مناسب برگزاری تورهای مذهبی، در حقیقت شامل آموزش، بستر سازی فرهنگی و ارتقای اطلاعات مذهبی زئران نیز می باشد و اصولا بدون آموزش زائران، اهداف فرهنگی و مذهبی این سازمان تحقق نمی یابد. از این رو بایسته بود که اداره آموزش سازمان حج و زیارت بر خلاف روند گذشته، تحولی در امر آموزش ایجاد نموده و برنامه ای جامع، شامل و کامل در راستای اهداف آموزشی سازمان تهیه و تدوین نماید.

این برنامه در دو راستا تهیه و تدوین و به مرحله اجرا در می آید و این دو راستا عبارتند از:

۱ آموزش پرسنل: شامل آموزش رده های مختلف، نظیر مدیران کاروان ها، راهنماها و سایر پرسنل شاغل در گروه های اعزامی می باشد که این آموزش به صورت مستقیم و از طرف اداره آموزش سازمان حج و زیارت صورت می گیرد.

۲ آموزش زائران: این آموزش به صورت غیر مستقیم صورت گرفته و برنامه ریزی آموزش در طول سفر بر عهده بعثه مقام معظم رهبری در حج وزیارت بوده و دروس و مطالب آموزش تهیه شده و به آموزش دهندگان تحویل داده می شود، از سوی دیگر جزوات و کتب آموزشی در همین راستا بوسیله انتشارات سازمان حج وزیارت (نشر مشعر) تهیه و در اختیار زوار قرار داده می شود تا علاوه بر بهره گیری از جلسات آموزش سازمان در طول سفر چنانچه به اطلاعات بیشتری نیاز داشته باشند می توانند اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق مطالعه شخصی ارتقا بخشند.

هدف اولیه از تهیه کتاب حاضر تامین نیازهای آموزشی پرسنل شاغل در زیارت عتبات عالیات در عراق است و سعی شده است که تمامی اطلاعات مورد نیاز

ص:۱۸

پرسنل تهیه و تدوین و در یک جلد گردآوری گردد و مطالب آن در هشت فصل تهیه شود و طی یک دوره آموزشی ۱۶ ساعته به مدیران و پرسنل گروه های زیارتی تدریس گردد و در پایان هر فصل خلاصه درس تعبیه شده و در آخر کتاب سوالاتی درباره محتویات کتاب آمده است تا دانش آموختگان با خواندن نمونه سوالات مذکور با نحوه طرح سوال های امتحانی دوره آشنا شده و بتوانند به راحتی در امتحان آخر دوره شرکت نموده و مدرک گذراندن دوره را دریافت نمایند.

ص:۱۹

ص:۲۰

فصل اول عراق در یک نگاه

اشاره

ص:۲۱

ص:۲۲

پیشگفتار

بسیاری از کارشناسان معتقدند که واژه عراق عربی بوده و به معنی ساحل است، این واژه در لهجه اهالی حجاز به معنی دامنه کوه است. برخی نیز اصل این واژه را برگرفته از زبان فارسی می‌دانند و خوارزمی معتقد است که اصل کلمه عراق (ایراک) است و از همین ریشه دو اسم ایران و عراق مشتق شده است و معنی این واژه در زبان فارسی (سرزمین پایین دست) است. برخی نیز معتقدند که این واژه از دوران سومری ها و یا قبل از آن وجود داشته و در حقیقت تغییر شکل یافته (اوروک) یا (اونوک) است که به معنی (زادگاه) است. تاریخ نویسی به نام (اومسند) معتقد است که کلمه (اریگا) در اسناد تاریخی برجای مانده از قرن دوازدهم قبل از میلاد دیده می‌شود و کلمه (عراق) در روزگار ساسانیان و در حوالی قرن ششم و پنجم قبل از میلاد به تدریج در شعر جاهلی عرب ظاهر شده است.

در ماده دوم قانون اساسی عراق که در سال ۱۹۵۹ در روزنامه (الوقائع العراقیه) منتشر گردید گفته شده است که کلمه عراق از کلمه قدیمی (أراکی) گرفته شده است که بمعنی سرزمین آفتاب است.

موقعیت جغرافیایی عراق:

عراق در محدوده طول جغرافیایی ۳۸۴۵ و ۴۸۴۵ شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹۵ و ۳۷۱۵ شمالی قرار دارد و این موقعیت جغرافیایی آن را در منطقه معتدله شمالی قرار می‌دهد. این کشور از شمال به ترکیه و از شرق به ایران و از غرب به سوریه و اردن و از جنوب به عربستان سعودی و کویت و خلیج فارس محدود می‌شود که در این میان طول مرز آن با سوریه ۶۰۰ کیلومتر و با

ص:۲۳

اردن ۱۴۰ کیلومتر و با عربستان سعودی ۸۱۲ کیلومتر و با کویت ۱۹۵ کیلومتر و با ترکیه ۳۷۷ کیلومتر و با ایران ۱۳۰۰ کیلومتر می‌باشد.

مساحت عراق بالغ بر ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع است و تعداد جمعیت آن برحسب آمار گیری سال ۱۹۹۷ در حدود ۲۲۰۱۷۹۸۳ نفر است، پایتخت آن شهر بغداد است که در وسط کشور و در دو طرف رودخانه دجله قرار گرفته است.

آب وهوا:

آب وهوای عراق قاره‌ای است زیرا که از اقیانوس ها و دریاها به دور است و از مشخصات این نوع آب و هوا خشکی و گرمای هوا در تابستان و سرد و بارانی بودن آن در زمستان است. در بیشتر مواقع سال عراق تحت تأثیر توده پرفشاری از بادهای گرم و خشک طبقات بالای جو قرار دارد و حرکت این توده هوا در تابستان ها از شمال و شمال غربی می‌باشد، اما در فصل زمستان به علت وزش بادهای دیگر حرکت آن متغیّر است. در مورد میزان بارندگی آن به طور کلی هرچه به سمت شمال شرقی عراق برویم بیشتر می‌شود و میزان آن از ۵۰ میلی متر در زاویه جنوب غربی عراق تا ۱۰۰ میلی متر در مناطق شرقی آن متغیّر است و میانگین دمای سالیانه آن ۲۲/ ۰۵ درجه سانتی گراد است.

عراق از لحاظ منابع زیر زمینی کشوری ثروتمند است و دارای منابع سرشاری از نفت، گاز، گوگرد، فسفات و سایر معادن با ارزش است.

منابع آب عراق:

دو رودخانه مهم دجله و فرات برای این کشور ارزش حیاتی دارند و آب مورد نیاز شرب و کشاورزی این کشور را تأمین می کنند، رودخانه دجله از زمین های ترکیه سرچشمه می گیرد و پس از عبور از سوریه و عراق به

ص:۲۴

خلیج فارس می‌ریزد. میزان میانگین آبدهی آن ۱/ ۲۵ میلیون لیتر در ثانیه است و مساحت آن در حدود ۱۱۱ هزار کیلومتر مربع است و منابع اصلی این رودخانه عبارتند از: رودخانه‌های (زاب بزرگ)، (زاب کوچک) و (دیاله) که رودخانه زاب بزرگ از ترکیه سرچشمه می گیرد و رودخانه‌های زاب کوچک و دیاله از ایران سرچشمه می گیرند. رودخانه دجله درمنطقه (القرنه) در جنوب عراق به رودخانه الفرات می‌پیوندد و اروند رود را تشکیل می‌دهد. در دهه پنجاه میلادی سدی به نام ثرثار در نزدیکی سامرا بر روی رودخانه دجله بسته شد که توانست تا حدودی جلوی سیلاب‌های فصلی این رودخانه را بگیرد. رودخانه دجله در گذشته‌های دور رسوباتی را با خود آورده و دلتای حاصلخیزی را در نزدیکی خلیج فارس به وجود آورده است.

رودخانه فرات دومین رودخانه مهم عراق است که از خاک ترکیه سرچشمه می گیرد و بعد از عبور از خاک سوریه و عراق به خلیج فارس می‌ریزد. طول این رودخانه ۲۷۳۵ کیلومتر است و میزان آبدهی آن ۸۸۷ هزار لیتر در ثانیه و مساحت آن در حدود ۴۴۴ هزار کیلومتر مربع است منابع اصلی این رودخانه عبارتند از رودخانه‌های (قره سو) و (مراد) و تعدادی دیگر از رودها که تمامی آنها در خاک ترکیه جریان دارند سپس این رودخانه وارد سوریه می‌شود و در فاصله ۱۲۰ کیلومتری شمال شرق حلب به رودخانه خابور می‌پیوندد و سپس وارد عراق شده و سمت غربی عراق را آبیاری می کند.

دریاچه‌های عراق:

عراق سه دریاچه دارد که عبارتند از: حبانیه، دوکان، دربندی خان، که در این میان دریاچه حبانیه در فاصله ۸۴ کیلومتری بغداد قرار دارد و از

ص:۲۵

اماکن توریستی مهم عراق به شمار می‌رود، اما دریاچه دوکان در فاصله ۷۱ کیلومتری سلیمانیه و ۱۴۱ کیلومتری کرکوک واقع شده است و دریاچه دربندی خان در فاصله ۶۵ کیلومتری سلیمانیه و ۲۶۸ کیلومتری بغداد قرار دارد.

اقوام ساکن در عراق

: کشور عراق اقوام و نژادهـای مختلفی دارد، اکـثریت ساکنـان عراق را اعراب تشـکیل می‌دهنـد که اینـان خود را از نوادهـای اقوام سـامی دوران باسـتان می‌داننـد اما حقیقت امر این است که هرچنـد قبل از ظهور اسـلام تمـدن‌های عربی منـذریان و غسانیان در این منطقه ساکن بوده‌اند، اما پس از فتح اسـلامی، بسیاری از قبایل شبه جزیره عربستان و برخی از قبایل یمن به این منطقه کوچ کردند و در کنار سواحل پر آب رودخانه‌های دجله و فرات سکنی گزیدند.

کردهـا از اقوام بسـیار مهم عراق هسـتند که از جهت تعـداد در رتبه دوم قرار دارنـد، کردهـا از نژاد آریایی بوده و زبان آنان کردی است اکثریت کردهای عراق سـنی مذهب بوده و در اسـتان های شـمالی عراق سـکونت دارند و در دوران حکومت بعث ظلم و ستم فراوانی بر آنان رفت. قبایلی از کردها نیز شیعه هستند که این قبایل به کردهای فیلی معروف اند.

سومین نژاد مهم عراق ترکمان‌ها هسـتند که اصل وریشه آنها به سرزمین ترکمنستان باز می گردد و در دوره‌های مختلف تاریخی در زمان أموی‌ها و عباسـی‌ها و سـپس مغول‌ها و تاتارها به این سرزمین مهاجرت کردند و درآن مستقر شدند تعداد آنان بین یک و نیم تا دو میلیون نفر تخمین زده می‌شود و از شـهر تلعفر در شمال عراق تا شهر مندلی در جنوب این کشور پراکنده شده‌اند و مرکز آنان شهر کرکوک به

ص:۲۶

شمـار می‌رود. زبان آنان ترکمنی است و تعـداد حروف آنان ۳۲ حرف است. تمامی ترکمان‌ها مسـلمان بوده و در حـدود ۵۰٪ آنها شیعه و ۵۰٪ باقیمانده سنی حنفی و شافعی هستند.

از دیگر اقـوام عراق سـریانی‌ها و کلـدانی‌ها هسـتند کـه از ساکنـان قـدیمی ایـن سـرزمین بـوده ودر قرن اول میلادی پس از این که آرامی‌ها به دین مسـیحیت گرویدنـد، نـام سـریان را به جای نام آرامی بر خود نهادنـد و زبان آنها که زبان آرامی بود زبان رسـمی کلیسای سـریان گردید و در قرون اولیه اسـلامی کتاب های زیادی از این زبان به زبان عربی ترجمه شد و بسـیاری از افراد این طائفه در روزگـار عباسـی‌ها به کار طبابت و تعلیم و تـدریس و کار دیوانی مشـغول بودنـد اکثر سـریان‌ها در شـهر موصل ساکن هسـتند و اکنـون یکی از فرقه‌هـای ارتودکس به شـمار می‌رونـد و امـا کلـدانی‌ها که از اقوام باسـتانی عراق هسـتند، مسـیحی بوده و بیشـتر در شهرهای موصل و بغداد و بصره و روستاهای متفرقه‌ای از استان موصل زندگی می کنند.

صابئه یکی دیگر از اقوام ساکن در عراق هستند که در کنار تالاب های جنوبی عراق سکونت دارند، آنان پیروان حضرت یحیی (ع) هسـتند و تعـدادی از آنها در خوزسـتان ایران نیز ساکن هسـتند. نام این طایفه در قرآن آمده است. کتاب مقدس آنان (کنز أربا) نام دارد. آنان معمولًا در کنار رودخانه ها سـکنی می گزیننـد، زیرا که بسـیاری از آداب ورسوم مذهبی آنان مرتبط با آب جاری اسـت که ازآن جمله می توان غسل تعمید در رودخانه را ذکر نمود.

ص:۲۷

تاریخ عراق:

عراق یکی از قدیمی‌ترین و باستانی‌ترین کشورهـای خاورمیانه است که تاریـخ تمـدن آن به هزاره پنجم قبل از میلاد باز می گردد. ایـن سـرزمین به علت عبـور دو رودخـانه دجله و فرات به سـرزمین بین النهرین معروف است و تـا کنـون شاهـد تمـدن هـای کهن و درخشانی نظیر: سومری‌ها، آشوری ها، بابلی‌ها، آکـدی ها، کلدانی‌ها و غیره بوده است که ما در این جا به صورت بسـیار مختصـر و گذرا به بررسی تاریخ کهن این سرزمین می‌پردازیم.

سومری‌ها) ۴۵۰۰ ۲۳۰۰ ق. م (:

در آغـاز هزاره پنجـم قبـل از میلاـد منطقـه بیـن النهریـن شاهـد جهشــی بزرگ در تمـدن بشـری بـود، و آن جهش انتقـال آدمی از روسـتاهای کوچک زراعی به زنـدگی شـهر نشـینی بود و در همین هنگام بود که شـهرهای اولیه مانند أریدو، أور و ورکاء به وجود آمدند و در همین شهرها بود که آدمی برای اولین بار برای جلوگیری از سیل

ص:۲۸

و ساختن سد و کندن کانال های آبیاری تلاش های با ارزشی را آغاز نمود، به گونه‌ای که پس از مدتی با ساختن کانال های و سیع آبیاری توانستند یکی از معجزه‌های بشری در زمینه آب رسانی به مناطق کشاورزی را از خود به یادگار بگذارند. بسیاری از باستان شناسان جهان معتقدند که سومری‌ها بنیانگذار قدیمی ترین تمدن بشری هستند و این تصور نتیجه مطالعات باستان شناسی متعددی بوده که در این منطقه صورت گرفته است.

در حوالی سال ۳۲۰۰ قبل از میلاد، سومری‌ها حروف الفبا را ابداع کردند و بدین وسیله اولین ملتی بودند که آثار مکتوب از خود برجای گذاشتند. آنان همچنین تلاش کردند که این حروف را در بین سایر ملت های جهان منتشر سازند و بدین گونه بود که اولین مدارس در تاریخ بشریت به وجود آمد. سومری ها بر اثر حملات أکدی‌ها از بین رفتند.

أکدی‌ها ۲۱۵۹۲۳۵۰) ق. م (:

أکدی‌ها یکی از کهن‌ترین اقوام سامی بودند که در سرزمین بین النهرین سکونت گزیدند. آنان از دیر باز در کنار سومری‌ها ساکن بودند و عاقبت در سال ۲۳۵۰ قبل از میلاد موفق شدند که به وسیله سرگون أکدی قدرت را به دست آورده و امپراتوری وسیع خود را پایه گذاری کنند. سرگون أکدی در آغاز تمامی شهرهای عراق را تصرف کرد و سپس نفوذ خود را بر سرزمین های عیلام، سوریه و آناتولی گسترش داد و بدین گونه بود که اولین امپراتوری شناخته شده در جهان را به وجود آورد.

ص:۲۹

بر اساس داستان های تاریخی، مادر سرگون أکدی یکی از زنان معبد الهه عشتار بود و پس از اینکه او را به دنیا آورد، او را در سبدی گذاشت و به رودخانه فرات سپرد تا آنکه عاقبت کشاورزی او را از آب گرفته و پرورش داد و چون سرگون برومند شد مورد توجه الهه عشتار قرار گرفت و بدین گونه او توانست قدرت را در دست گرفته و امپراتوری نیرومند خود را به وجود آورد. در این دوره تاریخی سرزمین بین النهرین به علت توسعه روابط تجاری با همسایگان شاهد رشد اقتصادی چشمگیری بود. لذا مسیرهای کاروان رو زیادی از شهر (أکد) پایتخت امپراتوری به سوی سایر مناطق جهان کشیده شد و از جمله آنها جاده ای بود که به معادن مس در سرزمین آناتول کشیده شده بود و از تولیدات آن برای ساخت اسلحه استفاده می‌شد.

عیلامی‌ها) ۱۸۹۴ ۲۱۵۹ ۱۸۹۴ ق. م (:

عیلامی‌ها یکی از اقوام باستانی ساکن در کوهستان های شمال خوزستان بودند که پایتخت آنها شهر شوش دانیال بود(۱). آنان مردمی دلیر و جنگجو بودند و بر اثر شجاعت و دلاوری های خود توانستند بر أکدی‌ها پیروز شده و شهرهای بین النهرین را به تصرف خود درآورند. عیلامی‌ها آثار باستانی متعددی در مناطقی از ایران و عراق از خود برجای نهادند.

۱- محمد رضا قمی، اماکن زیارتی و سیاحتی عراق

ص:۳۰

بابلی‌ها (۱۵۹۴ ۱۸۹۴)

تعداد پادشاهان بابلی که به سلسله (آموری‌ها) یا (عموری‌ها) معروفند یازده پادشاه بودند که توانستند مدت سه قرن پادشاهی کنند. در این دوره سرزمین بین النهرین به اوج تمدن و شکوفایی خود رسید و زبان بابلی از دو جهت گفتاری و نوشتاری بر منطقه حاکم شد و علوم و معارف بشری به شدت توسعه یافت و تجارت به نحو چشمگیر و بی همانندی رشد نمود. حکومت مرکزی در این دوره بر اساس قوانینی که حمورابی پایه گذاری کرده بود اداره می‌شد. حمورابی پادشاه بزرگ بابلی در طی سال ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ قبل از میلاد می‌زیست. وقتی که او به قدرت رسید کشور دچار ناآرامی و ملوك الطوایفی بود و او توانست با هوش و قدرت خود وحدت و یکپارچگی را برای سرزمینش به ارمغان آورد و امپراتوری بزرگی بنیان نهد که علاوه بر تمامی شهرهای بین النهرین، شهرهایی از سرزمین شام تا سواحل دریای مدیترانه و سرزمین عیلام و مناطق دیگری از جهان را در بر گیرد. حمورابی علاوه بر دانش خوب نظامی، از لحاظ اداری نیز شخصیت برجسته و بزرگی بود و سنگ نوشته معروف او که بر سنگ دیوریت سیاه حك شده است و اکنون در موزه لوور فرانسه نگهداری می‌شود و یکی از بهترین و قدیمی‌ترین قوانین جهانی را شامل می‌گردد. این سنگ نوشته در ۲۸۲ ماده قانونی تمام امور زندگی شهری و کشوری را مورد بررسی و دقت نظر قرار داده است و وظایف افراد را در قبال قانون مشخص و روشن می‌سازد.

پس از حمورابی پنج پادشاه بابلی دیگر به قدرت رسیدند و آخرین آنها (سمسو دیتانا) بود و درسال ۱۵۹۴ قبل از میلاد و در دوران سلطنت همین پادشاه بود که

ص:۳۱

هیتی‌ها به سرزمین بابل یورش بردند و پایتخت آن را ویران کرده و گنج‌های آن را به غارت بردند.

کشی‌ها (۱۱۵۷ ۱۶۸۰ ق م)

کشـی‌ها اقوامی کوهسـتانی بودند که درباره منشأ و ریشه آنها و زبان شان چیزی نمی دانیم و تنها چندین بار نام آنان در متون بابلی آمـده است و به نظر می‌رسـد که آن هـا یکی از اقوام هنـدو اروپـایی باشـند. آنـان از کوه‌های شـمال شـرقی بین النهرین و از منطقه لرستان فعلی به سوی بابل یورش بردند و پس از عقب نشینی هیتی‌ها موفق به تصرف بابل شده و در آن سلسله‌ای از پادشاهان کشی را تأسـیس کردنـد که در حقیقت وارث تمـدن کهن بابلی گردیـد. پادشاهان این سلسـله لقب (پادشاه بابل وأکـد) را برخود نهادند. مشـهورترین پادشاهان این سلسله (کور یکلزو) (۱۴۱۲ ۱۴۳۸ قبـل از میلاـد) بود که همزمان با دوره سـلطنت (امنوفیس دوم) فرعون مصـر می‌زیست و پـایتختی جدیـد به نـام (دور کوریکلزو) برای خود بنا کرد که بقایای تاریخی آن امروزه به نام (عقرقوف) نامیـده می‌شود و در فاصله ۲۵ کیلومتری شـمال غربی بغداد قرار دارد و در آن زیگورات بسیار بلندی برای عبادت انلیل(۱) وجود دارد که تا کنون باقی مانده است.

کشـی‌ها در حقیقت چیزهای تازه‌ای به تمـدن بین النهرین اضافه نکردند بلکه از تمدن های قدیمی منطقه مطالبی را اقتباس کردند و ارتباطات خوبی با سایر

۱- یکی از خدایان قدیمی بین النهرین است که به خدای آسمان نیز معروف است.

ص:۳۲

کشورهای شرق قدیم برقرار کردند وآثار برجای مانده از (تل العمارنه) به این مسأله اشاره دارد.

آشوری‌ها ۱۳۰۰) ۶۰۶ ق. م (:

آشوری‌ها از جمله قبایل سامی بودنـد که در آغاز هزاره سوم قبل از میلاد به شـمال عراق مهاجرت کردند. آنها به مدت طولانی در زیر چتر نفوذ سومری‌هـا و بابلی‌هـا زنـدگی کردنـد تـا آن که عـاقبت در هزاره اول قبـل از میلاد یکی از پادشاهان آنان به نام (أداد نیراری دوم) توانست سایر سـرزمین های مجاور را به زیر سلطه خود درآورده و با بابل هم‌پیمان شود و او بود که توانست با فتوحات پی در پی خود امپراتوری باشکوه آشور را پایه ریزی کند و در سرزمین بین النهرین امپراتوری بزرگی به وجود آورد. این امپراتوری علاوه بر سرتا سر عراق، سرزمین های شرق دریای مدیترانه و شمال آن را تا حدود ارمنستان فعلی درسیطره خود درآورد.

مشـهورترین پادشاهان آشور عبارت بودند از: آشور ناصـیر بال دوم (۸۵۸ ۸۸۴ ق. م)، سنحاریب (۶۸۱ ۷۰۵ ق. م) وآشور بـانی پال (۶۲۹ ۶۶۹ ق. م).

کلدانی‌ها ۵۳۹ ۶۲۶) ق. م (:

در سال ۶۱۲ ق. م شـهر نینوا که پایتخت آشوری‌ها بود توسط پادشاه کلـدانی (نبو بلاسـر) فتح شد و این پادشاه موفق شد که برج و بـاروی شـهر را ویران کنـد و بـه همیـن علت آخرین پادشـاه آشـوری که (سن شـر أشـوکن) نامیـده می‌شـد در قصـر خـود اقـدام به خودکشی کرد و بدین گونه قدرت سیاسی و نظامی آشور رو به افول گذاشت و کلدانی‌ها قدرت را به دست گرفتند.

ص:۳۳

بزرگترین پادشاه کلدانی (بخت النصر) بود که مدت ۴۳ سال سلطنت کرد و به آبادانی پایتخت خود (بابل) اهمیت فراوانی داد. او توانست به فلسطین حمله کرده و حکومت یهودیان بر این منطقه را ساقط نموده و قوم یهود را به اسارت کشیده و به بابل بیاورد.

از مهم ترین کارهای بخت النصر ساختن باغ های معلق بابل است که این باغ ها را بخت النصر به افتخار همسرش شاهدخت (آمانیس) دختر (استیاکیس) پادشاه ماد بنا کرد و چون همسرش به زندگی کوهستانی عادت داشت و از زندگی در دشت های بین النهرین خسته و دلگیر شده بود، بخت النصر دستور داد که قصر چندین طبقه‌ای برای او بنا کنند که هر طبقه آن پر از درخت وگل وگیاه باشد و با روش های مهندسی بسیار دقیقی توانست آب را به بالا انتقال دهد تا این گیاهان سیراب شوند. از دیگر کارهای بزرگ او ساخت دروازه بسیار زیبای (عشتار) بود که اکنون در موزه برلین نگهداری می شود. بر روی این دروازه با شکوه نقش‌های دیواری زیبایی از شیر و گاو نر و حیوان افسانه‌ای (مشخشو) که سمبل خدای مردوک(۱) بود نقش بسته است. ارتفاع دروازه عشتار با برج های آن بالغ بر پنجاه متر و عرض آن هشت متر بود.

۱- خدای بزرگ بابلیان(ویراستار)

ص:۳۴

این دروازه به خیابان (کاروان ها) منتهی می‌شد که طول آن بیش از یکصد متر بود و در دو طرف آن برج های متعددی قرار داشت. کارهای عمرانی بخت النصر همچنین شامل ساختن ترعه‌ها(۱) وسدهای مختلف در بین النهرین بود.

پس از مرگ بخت النصر (سال ۵۶۲ ق. م) جانشینان وی پادشاهانی ضعیف و بی اراده بودند که نتوانستند از امپراتوری بزرگی که او برپا کرده بود محافظت کنند و عاقبت در سال ۵۳۹ ق. م کوروش کبیر پادشاه ایران توانست به کمک یهودیانی که در بابل زندگی می‌کردند به این کشور حمله کرده و پایتخت آن را متصرف شود و بدین گونه بود که به ترتیب پادشاهان هخامنشی و پس از آنها اسکندر مقدونی و سلوکی‌ها و فرتی‌ها و ساسانی‌ها بر این سرزمین حکومت کردند و حتی پایتخت ساسانیان در شهر تیسفون یا مدائن قرار داشت که در خاک بین النهرین واقع شده بود و فاصله چندانی تا بغداد نداشت و در سال ۶۳۷ م در دوران پادشاهی یزدگرد سوم لشکر مسلمانان به رهبری سعد بن ابی وقاص به لشکر ساسانی حمله بردند و پس از نبرد قادسیه توانستند که امپراتوری ایران را ساقط نموده و در سال ۶۴۲ م مجدداً در نبرد نهاوند آنان را شکست دهند و بدین گونه بود که نه تنها عراق بلکه تمامی سرزمین ایران نیز به تصرف اعراب درآمد. یزدگرد سوم فرار کرد و عاقبت در سال ۶۵۱ م کشته شد.

۱- قنات و آبگیر

ص:۳۵

مادها و پارس‌ها (۵۳۹ ۳۳۱ ق. م):

سه قوم ماد، پارس و پارت از اقوام ایرانی بودند که در فلات قاره ایران می‌زیستند، مادها در غرب، پارس‌ها در جنوب و پارت‌ها در شرق سکونت داشتند. ابتدا مادها دولتی را در غرب ایران تشکیل دادند، اما چندی نگذشت که کورش کبیر موفق شد با تصرف سرزمین مادها امپراتوری وسیع هخامنشی را تأسیس کند. این دولت با غلبه بر عراق، آسیای صغیر و مصر توانست دولتی مقتدر و ثروتمند را به وجود آورد. کورش پس از تصرف بابل به یهودی‌های اسیر این شهر اجازه داد که به سرزمین فلسطین بازگردند.

پایتخت امپراتوری هخامنشی تخت جمشید بود و این امپراتوری عاقبت توسط اسکندر مقدونی از بین رفت(۱).

یونانی‌ها (۳۳۱ ۲۴۷ ق. م):

اسکندر مقدونی در راه تصرف تخت جمشید موفق شد که تمامی شهرهای بین النهرین را تصرف کند. پس از درگذشت اسکندر جانشینان وی سلسله پادشاهی سلوکیان را به وجود آوردند که حکومت آنها تا سال ۲۴۷ ق. م ادامه داشت.

۱- محمد رضا قمی، اماکن زیارتی و سیاحتی عراق، ص ۱۳

ص:۳۶

پارتی‌ها (۲۴۷ ق. م ۲۲۶. م):

پارتی‌ها از اقوام آریایی ساکن در خراسان کنونی بودند که به تدریج توانستند متصرفات خود را توسعه داده و عاقبت سلوکیان را از ایران و عراق بیرون کننـد و به مدت ۴۷۳ سال حکومت کنند. پایتخت آنان شـهر تیسفون بود و عاقبت آخرین پادشاه آنان (اردوان) در سال ۲۲۶ م توسط ساسانی‌ها از بین رفت. (۱)

ساسانی‌ها (۲۲۶ م ۶۵۲ م):

امپراتوری ساسانی مدت چهار قرن حکومت کرد، پایتخت آنها شـهر تیسـفون یا مدائن بود و علت تسـمیه این شـهر به مدائن این بود که شهر تیسفون از دوازده محله بسیار بزرگ و آباد تشکیل می‌شد و هنگامی که این شهر در سال ۱۶ ه. ق به دست لشکریان اسلام افتاد عرب‌ها این شهر را مدائن نامیدند که به معنی (شهرها) است. آخرین پادشاه این سلسله یزدگرد سوم بود که پس از شکست در مقابل لشکریان مسلمان فرار کرد و در شهر مرو توسط آسیابانی کشته شد.

دوران اسلامی:

اعراب قبـل از اسـلام نیز موفق شـده بودنـد که دولتهـای محلی کوچکی در بین النهرین برپـا کننـد هرچنـد که این دولت ها مسـتقل نبودنـد و معمولًا دست نشانده یکی از دو قدرت آن روزگار یعنی امپراتوری ایران و یا امپراتوری رم شـرقی بودند اما به هرحال ذکر و شرح این پادشاهان عرب در تاریخ قبل از اسلام به دقت ثبت

۱- همان منبع، ص ۱۴

ص:۳۷

شده است. آنان توانستند شهرهایی را در بین النهرین و بر سرراه قافله‌های تجاری به وجود آورند و دراین شهرها تمدن فارسی و بیزانسی و هلنیستی با تمدن عربی درهم آمیخته بود. از جمله این تمدن ها و شهرها می توان از نبطی‌ها در البتراء، آل نصرو در حضر، اعراب تدمر، غسانی‌ها در وادی حوران جنوب دمشق و منذری‌ها و لخمی‌ها در حیره بابل نام برد که این دولت های محلی کوچک تا دوره فتح اسلامی پابرجا بودند.

لشکریان مسلمان در دوران خلافت عمر به فرماندهی سعد بن ابی وقاص به عراق حمله کردند و موفق به شکست لشکریان امپراتوری ساسانی شده و نه تنها عراق بلکه سرزمین ایران را نیز به تصرف خود درآورند. ابتدا پایتخت این امپراتوری نوپدید شهر مدینه بود، اما سال ۳۶ ه ق امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع) شهر نوبنیاد کوفه را به عنوان پایتخت حکومت اسلامی انتخاب کرد. پس از شهادت حضرت علی (ع) در سال ۴۱ ه ق حکومت به دست أموی‌ها افتاد وآنان شهر دمشق را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند.

اموی‌ها (۴۱ ه ق ۱۳۲ ه ق):

هرچند که در دوران اموی‌ها پایتخت از کوفه به دمشق منتقل گردید و این امر باعث شد که قدرت سیاسی به سرزمین شام منتقل شود اما با این وجود دو مرکز فرهنگی و تجاری بزرگ عراق یعنی کوفه و بصره از اهمیت زیادی برخوردار بوده و دانشمندان این دو شهر در تمامی زمینه‌های فکری و فرهنگی پیشتاز بوده و در جهان اسلام نامدار و معروف بودند و مدارس علمی موجود در این شهرها پذیرای

ص:۳۸

طلاب و فرهیختگان زیادی بود که از اقطار مختلف و سرزمین های دور و نزدیک به منظور کسب علم راهی این منطقه می‌شدند، همچنین از جهت تحرکات سیاسی نیز این منطقه پیشتاز بود و تقریباً تمامی شورش‌ها و انقلاب‌هایی که در دوران بنی امیه اتفاق افتاده بود، در این سرزمین رخ داد.

عباسی‌ها (۱۳۲ ه ق ۶۵۶ ه ق):

پس از سقوط بنی امیه و به قدرت رسیدن بنی عباس، سرزمین عراق مجدداً رونق یافت. در آغاز ابوالعباس سفاح اولین خلیفه عباسی شهر (هاشمیه) در نزدیکی حله را به پایتختی انتخاب کرد، چندی نگذشت که ابوجعفر منصور دوانقی دومین خلیفه عباسی شهر بغداد را به عنوان پایتخت برگزید و این شهر برای قرن ها پایتخت خلافت به شمار می‌رفت. در دوران عباسی بغداد شکوفا گردید و مدارس علمی، بیمارستانها وکتابخانه‌های متعددی در آن ساخته شد و سیل دانشجویان و طلاب علم از اقصی نقاط جهان به سوی آن سرازیر گردید. اوج عظمت بغداد در دوران هارون الرشید و پسرش مأمون بود. هارون الرشید علاوه بر ارتباط با پادشاهان کشورهای همسایه توانست با شارلمانی اول(۱) روابط سیاسی برقرار کند و برای او اولین ساعت ساخته شده در آن روزگار را به عنوان هدیه بفرستد. مأمون نیز به مباحثات علمی علاقه فراوانی داشت و بسیاری از مناظره‌ها و مباحثه‌ها در حضور وی انجام می‌شد. مأمون همچنین با تأسیس دارالحکمه دستور داد تا تمامی

Carolus Magnus

۱- شارلمانی، کارل بزرگCarolus Magnus

(۷۴۸ م ۸۱۴ م) امپراطور فرانکها از نظر اروپائیها پدر کشورهای فرانسه و آلمان می باشد.(ویراستار)

ص:۳۹

آثار علمی یونانی، فارسی، سریانی، قبطی و رومی به زبان عربی ترجمه شود و این کار وی باعث شد که بعدها نهضت بزرگی در علوم مختلف نظیر فلسفه و طب وگیاه شناسی و منطق در جهان اسلام پدید آید. همچنین در این دوران عمران، تجارت و زراعت رونق خاصی داشت وکشتی های تجاری بازرگانان مسلمان دریاها و اقیانوس‌های بزرگ را در می‌نوردیدند و در بین کشورهای مختلف آن روزگار نظیر هندوستان و چین و زنگبار رفت و آمد می‌کردند.

در سال ۶۵۶ ه. ق آخرین پادشاه عباسی که المستعصم نام داشت توسط هلاکوخان به قتل رسید و بدین‌گونه خلافت عباسی منقرض گردید. (۱)

ایلخانی‌ها (۶۵۶ ۷۳۸ ه ق):

پس از درگذشت هلاکو، جانشینان وی که به نام ایلخانی معروف بودند مدت هشتاد سال بر عراق حکومت کردند. برخی از پادشاهان ایلخانی به دین مبین اسلام مشرف شده و برخی نیز بر دین نیاکان خود باقی ماندند. سلسله ایلخانی‌ها عاقبت توسط (شیخ حسن جلایری) منقرض شد.

جلایری‌ها (۷۳۸ ۸۱۳ ه ق):

این خاندان مدت هفتاد و پنج سال بر عراق حکومت کردند و تعدادی از پادشاهان این سلسله در بازسازی و تعمیر اماکن مقدس عراق نقش مهمی را ایفا کردند.

۱- عبدالرزاق الحسنی، العراق قدیما و حدیثا

ص:۴۰

آق قویونلو وقراقویونلو (۸۱۳ ۹۱۴ ه. ق):

دو ایل ترک تبار بودند که مدت یک قرن بر عراق حکومت کردند.

صفوی‌ها ۹۱۴) ۹۴۱ ه ق):

در سال ۹۱۴ ه ق شاه اسماعیل صفوی موفق به فتح بغداد شد و پس از او فرزندش شاه طهماسب نیز تا سال ۹۴۱ ه ق عراق را جزو متصرفات خود داشت. در این سال سلطان سلیمان قانونی، پادشاه عثمانی موفق شد بغداد را تصرف کند. البته شاه عباس صفوی در سال ۱۰۳۳ ه ق موفق شد بار دیگر عراق را به تصرف خود درآورد و این سرزمین تا سال ۱۰۴۹ ه ق در تصرف ایران بود اما عاقبت در سال ۱۰۴۹ ه ق سلطان مراد چهارم بغداد را فتح کرد و عراق را مجدداً به تصرف عثمانی‌ها در آورد.

عثمانی‌ها (۱۰۴۹ ۱۳۳۵ ه ق):

عثمانی‌ها مدت سه قرن بر عراق حکومت کردند و فقط در دوره سلطنت نادرشاه افشار، وی توانست در سال ۱۱۴۶ ه ق این سرزمین را برای مدت کوتاهی به تصرف خود درآورد، اما چندی نپایید که عاقبت عثمانی‌ها مجدداً عراق را به تصرف در آوردند و بدین گونه بود که عراق بعنوان یکی از ولایات عثمانی توسط والی منصوب از طرف خلیفه عثمانی اداره می‌شد. سیطره عثمانی‌ها بر عراق تا جنگ جهانی اول ادامه یافت.

ص:۴۱

استعمار انگلیس (۱۹۱۴ ۱۹۱۸ م):

ذخـایر غنی نفت و موقعیت استراتژیـک سـرزمین عراق اهمیت زیـادی برای انگلیسـی‌ها داشت و بـا آغـاز جنگ اول جهانی در سال ۱۹۱۴ م، انگلیس به بصـره حمله کرد و آنجـا را به تصـرف خـود درآورد و در سـوم ژوئن ۱۹۱۵ میلادی شـهر العماره را به تصرف درآورد و در ۲۵ جولای ۱۹۱۵ شـهر ناصـریه را فتح نمود و به سوی بغداد حمله کرد اما لشـکریان انگلیسـی در شهر کوت شکست سختی خوردند و پس از پنج ماه محاصـره در ۲۹ آوریل ۱۹۱۶ میلادی مجبور به تسـلیم شدند. دراوایل سال ۱۹۱۷ میلادی انگلیس دوبـاره به بغـداد حمله کرد و در روز ۱۱ مارس ۱۹۱۷ لشـکریان انگلیسـی به رهبری ژنرال مود بغداد را فتح کرده و به سوی شـمال عراق حرکت کردند و در ۸ نوامبر ۱۹۱۸ شهر موصل سقوط کرد و بدین گونه بود که عراق کاملا به تصرف انگلیس در آمد.

در سال ۱۹۲۰ میلادی ملت عراق برعلیه انگلیسـی‌ها قیام کردند و هسـته مرکزی این قیام شهر نجف بود، زیرا أکثریت علما و مراجع شیعه در این شـهر زنـدگی می‌کردنـد و بر اثر فتوای آنان و اسـتجابت آن از طرف عشایر شـیعه جنوب و سایر شـهروندان، عاقبت در روز یکشنبه ۱۵ شوال سـال ۱۳۳۸ ه ق قیـامی همه جـانبه علیه انگلیس صـورت گرفت و سـربازان انگلیسـی در جبهه‌هـای مختلف با عراقی‌ها درگیر شـده و بالاجبار از شـهر نجف به کوفه عقب نشـینی کردنـد. عراقی ها موفق شدند که در بسـیاری از جبهه‌ها اسـرای زیادی را دسـتگیر نموده و به مقر فرماندهی انقلاب که در نجف مستقر بود اعزام نمایند، تنها از نبرد (رازنجیه) ۱۶۰ اسیر انگلیسی به شهر نجف اعزام شدند. در این انقلاب، ملت عراق موفق به شکست انگلیس شد و

ص:۴۲

الگوی سایر ملل مسلمان جهان گردیـد. در تاریـخ عراق این جنبش به نام (ثوره العشـرین) شـهرت دارد. (۱) دولت پادشاهی عراق (۱۹۲۱ ۱۹۵۸ م:)

وقتی انگلیسی‌ها مشاهده کردند که در تصرف مستقیم عراق نمی توانند اهداف استعماری خود را پیاده کنند، با آوردن ملک فیصل اول دست نشانـده معروف خـود به عراق سلسـله پادشـاهی جدیـدی را در این کشـور پی ریزی کردنـد وبـدین گـونه عراق کشوری پادشاهی شد ودر سوم اکتبر سال ۱۹۳۲ از طرف مجمع ملل متحد(۲) به عنوان کشور پادشاهی مستقل اعلام گردید.

پس از ملک فیصـل، پادشـاهی به فرزنـدش ملـک غـازی و پس از او به ملـک فیصل دوم رسـید و باتوجه به اینکه ملک فیصل دوم کودکی بیش نبود، دایی وی که (عبـد اله) نـام داشت قیمومیت او را بر عهـده گرفت و بـا کمک نخست وزیر عراق (نوری السـعید) کشور را اداره کرد تا عاقبت در ۱۴ جولای سال ۱۹۵۸ م یکی از افسـران ارتش عراق به نام (عبدالکریم قاسم) علیه سیستم پادشاهی عراق قیام کرده و نظام حکومتی کشورش را جمهوری اعلام کرد.

۱- علمـای بزرگ نجف در این پیروزی نقش مهمی داشـتند از جمله شـیخ الشـریعه(حـاج میرزا فتـح ال .. نمازی) مرجع بزرگ آن وقت که ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را بر عهده گرفت(ویراستار)

۲- (۲) مجمع ملل متحد نام سازمانی بود که بعدها منحل شد و جای خود را به سازمان ملل متحد داد.

ص:۴۳

دولت جمهوری عراق (۱۹۵۸ ۲۰۰۳ م: (

عبدالکریم قاسم سه سال حکومت کرد و عاقبت طی کودتایی توسط عبدالسلام عارف برکنار گردید و خود عبدالسلام نیز پس از مدتی بر اثر سقوط هلی کوپتر خود که عازم بصره بود درگذشت و برادر بی کفایت وی به نام (عبدالرحمن عارف) به قدرت رسید. در ۱۷ جولای ۱۹۶۸ م حزب بعث توانست با کودتایی حکومت را به دست گیرد. در ۲ سپتامبر ۱۹۶۸ م قانون اساسی موقت عراق طرح شد و تاریخ اجرای آن را ۱۶ جولای ۱۹۷۰ اعلام کردند. بدین گونه بود که احمد حسن البکر رئیس جمهور عراق شد، اما چندی نپایید که قدرت تدریجاً به دست صدام حسین معاون قدرتمندش افتاد. در سال ۱۹۷۹ م صدام حسین با برکنار کردن محترمانه احمد حسن البکر قدرت را به دست گرفت و در طی حکومت ظالمانه اش جنگی هشت ساله بر ایران و جنگ یکساله‌ای را برکویت تحمیل نمود وکشور عراق را به مدت بیش از ده سال دچار تحریم اقتصادی نمود. وی در مدت حکومتش بیش از چهار میلیون نفر از مردم عراق را به قتل رساند.

درماه مارس ۲۰۰۳ حمله نیروهای آمریکائی و انگلیسی به عراق آغاز شد و در ۹ آوریل ۲۰۰۳ م پس از سقوط بغداد، صدام حسین توانست از دست نیروهای آمریکایی فرارکرده و در شهر تکریت مخفی شود.

ص:۴۴

در روز ۱۳ جولای ۲۰۰۳ پل بریمر حاکم عراق اقدام به تشکیل مجلس حکومت انتقالی متشکل از بیست وپنج عضو نمود و به این مجلس اختیارات قانونگذاری واجرایی را واگذار نمود که البته آمریکا می‌توانست این تصمیمات را در صورت لزوم وتو کند. عاقبت صدام حسین در شامگاه روز شنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۲ در شهرک الدوره در نزدیکی تکریت توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شد و حکومت ننگین حزب بعث بر عراق پایان یافت.

استانهای عراق:

عراق ۱۸ استان دارد که به ترتیب عبارتند از: بصره، المثنی، ذی قار، میسان، نجف، کربلا، انبار، قادسیه، بابل، واسط، دیالی، بغداد، صلاح الدین، سلیمانیه، التأمیم، نینوی، اربیل و دهوک.

۱. استان بغداد:

مرکز این استان شهر بغداد است که پایتخت عراق به شمار می‌رود. این شهر توسط ابوجعفر منصور خلیفه عباسی بنا شد و جز دوره‌ای کوتاه، در تمام دوران خلافت عباسی پایتخت این دولت به شمار می‌رفت. این شهر محل تولد و درگذشت بسیاری ازشخصیت‌ها و علمای مذاهب مختلف بود و زمانی بزرگترین کتابخانه‌ها و مدارس اسلامی جهان در این شهر قرار داشتند. شهر کاظمین در غرب بغداد واقع است و دربرگیرنده مرقد مطهرحضرت امام کاظم (ع) و امام محمد تقی (ع) می‌باشد. شهر بغداد علاوه بر دربرگرفتن بسیاری از اماکن شیعه، به علت وجود قبر ابوحنیفه که به امام اعظم معروف است و همچنین قبر عبدالقادر گیلانی که

ص:۴۵

به (حرم قـادری) معروف است و شـیخ عمر سـهروردی و معروف کرخی و برخی دیگر از رهبران مـذهبی اهـل تسـنن، برای برادران اهل تسـنن نیز از اهمیت خاصـی برخوردار است. در بغداد همچنین کلیساهای قدیمی نظیر کلیسای لاتین، کلیسای ارمنی ارتودکس، کلیسای کلدانی وکلیسای سریان کاتولیک قرار دارند. آثار تاریخی بغداد نیز شامل: مدرسه مستنصریه، قصرعباسی، مدرسه مرجانیه، کاروانسرای مرجان، باروی بغداد و دروازه‌های قدیمی باب المعظم، باب الظفریه، باب الحلبه و باب البصلیه می‌باشد. از آثار باستانی مهم و نزدیک شهر بغداد، شهر مدائن یا تیسفون است که در حقیقت آثار طاق کسری و یا قصر خسرو پرویز است و در نزدیکی آن قبر صـحابی جلیل القدر سـلمان فارسی و همچنین قبر حذیفه یمانی قرار دارد. شهر بغداد چندین موزه مهم دارد که عبارتند از: موزه عراق، موزه بغـداد، موزه لباس های محلی و فرهنگ ملی، موزه جنگ، موزه تاریخ طبیعی، موزه هنرمندان عراق و موزه هنرهای زیبا که متأسـفانه این موزه‌هـا در خلاـل جنـگ اخیر آمریکا با عراق و پس از سـقوط رژیم حاکم در عراق توسط افراد ناشـناس به تاراج رفتند. استان بغداد سه شهرستان دارد که عبارتند از: بغداد، رصافه وکاظمین.

۲. استان نجف:

مرکز این اسـتان شهر نجف است که از شهرهای قدیمی عراق به شمار می‌رود و به علت وجود مرقد مطهرامام علی (ع) در این شهر، برای شیعیان جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. فاصله نجف تا بغداد ۱۶۱ کیلومتر است. دیگر اماکن مقدس نجف عبارتند از: مرقـد پیامبران خدا هود و صالح (ع)، مرقد صـحابی جلیل القدر (صافی الصـفا)، مرقد صـحابی جلیل القدر (کمیل بن زیاد نخعی) و مرقد امامزاده

ص:۴۶

ابراهیم بن حسن مثنی. در فاصله ده کیلومتری نجف، شهر قدیمی و معروف کوفه واقع است که زمانی پایتخت حکومت حضرت علی (ع) بود. درشهرکوفه مرقد مسلم بن عقیل، مرقد هانی بن عروه، مرقد مختار ثقفی، مرقد میثم تمار و مرقد خدیجه دختر امام علی (ع) قرار دارد. از مساجد معروف استان نجف می‌توان مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد صعصعه بن صوحان را نام برد. در قبرستان شهر نجف که به قبرستان وادی السلام معروف است بسیاری از بزرگان شیعه، شاهان و شاهزادگان و وزرا و علمای معروف به خاک سپرده شده اند.

۳. استان کربلا:

مرکز این استان شهر کربلا است که از شهرهای زیارتی بسیار مهم شیعیان جهان به شمار می‌رود. فاصله کربلا تا بغداد ۱۰۸ کیلومتر است. در این شهر علاوه برمرقد مطهر امام حسین (ع) و مرقد مطهر ابوالفضل العباس (ع) اماکن مقدس دیگری نظیر: مرقد حر بن یزید ریاحی، مرقد عون بن عبدالله، مرقد شهدای کربلا، مرقد امامزاده سید ابراهیم مجاب، مرقد حبیب بن مظاهر اسدی، مرقد أخرس بن کاظم، مرقد ابن حمزه، مرقد احمد بن هاشم، خیمه گاه حسینی و تل زینبیه قرار دارد. استان کربلا دارای سه شهرستان به نام‌های کربلا، سده الهندیه و عین تمر می‌باشد ازآثار باستانی استان کربلا می‌توان از دژ الاخیضر نام برد که در ۴۸ کیلومتری جنوب شهر کربلا و در فاصله ۱۵۰ کیلومتری بغداد و بر سر راه قدیم حلب بصره واقع شده است، غارهای (الطار) که در فاصله ۳۰ کیلومتری جنوب شهرکربلا واقع شده و شامل ۴۰۰ غار باستانی است، منطقه باستانی الاقیصر که در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال غربی دژ الاخیضر و بالاخره قصر شمعون که در شهرستان عین

ص:۴۷

تمر قرار دارد. شـهر کربلا به ساختن سنتی کاشی سرامیک ظروف فلزی مسی و نقره‌ای و برخی از صنایع دستی دیگر معروف است. این شهر دارای ۱۰۲ هتل است که ۴ هتل آن درجه یک، ۱۸ هتل درجه دو، ۲۷ هتل درجه سه، ۵۳ هتل درجه چهار می باشند.

۴. استان بصره:

مرکز این اسـتان شهر بصره است که در فاصله ۵۴۹ کیلومتری بغداد قرار دارد. مساحت اسـتان بصره در حدود ۱۹۰۷۰ کیلومتر مربع است. شهر بصره در سال ۱۴ ه ق/ ۶۳۵ م توسط شخصی به نام عتبه بن غزوان در کنار روستای کوچکی به نام (بصیره) ساخته شد و اولین شـهری بودکه توسط مسـلمانان بنا شد. شـهر بصـره به علت نزدیکی به خلیج فارس اهمیت فوق العاده‌ای برای عراق دارد و دو بندر فاو و ام القصـر در حقیقت تنها راه ارتباط دریایی عراق با جهان خارج را تشـکیل می دهد. فرودگاه بصره بین المللی بوده وآن را به سایر شـهرهای جهان مرتبط می سازد. آب وهوای بصـره گرم و معتدل است. اکثریت اهالی آن را شـیعیان تشـکیل می‌دهند اما اماکن زیارتی چندانی در این شهر وجود ندارد. اماکن زیارتی برادارن اهل تسنن در استان بصره عبارتند از: مرقد طلحه بن عبید الله، مرقد زبیر بن عوام، مرقد حسن بصـری. در اسـتان بصره ۶۳۵ رودخانه وجود دارد که از دو طرف شـرق و غرب بصـره به ارونـد رود می‌ریزنـد و مهمترین این رودخانه‌هـا عبارتنـد از: رودخـانه الربـاط که منسوب به رباط مالک بن دینار صوفی معروف بصـری است، رودخانه الخنـدق که در سال ۲۷۰ ه ق کنـده شده است، رودخانه العشارکه احتمالًا سال ۷۰۰ ه ق توسط برخی از عشایر بصـره حفر شده است، رودخانه الخوره که

ص:۴۸

طول آن ده کیلومتر است و یکی از زیباترین رودخانه‌های بصره به شمار می‌رود، رودخانه السراجی و رودخانه‌های دیگری نظیر: الابله، الداکیر، ابوفلوس، سیحان، بویب، ابوسلال، باب الهوی، شتوی، شبطانیه فجه العرب و مقام است. شهر بصره دارای دانشگاه بزرگی است و یکی از مراکز مهم تولید خرما در عراق می‌باشد.

۵. استان صلاح الدین:

مرکز این استان شهر تکریت است که در فاصله ۱۷۵ کیلومتری بغداد قرار دارد. تکریت زادگاه صدام حسین می‌باشد که براثر تلاش های وی رونق بسیاری یافته و از شهرکی کوچک و دور افتاده به مرکز استان تبدیل شد. استان صلاح الدین دارای ۸ شهرستان است که عبارتند از: شهرستان های تکریت، الدوره، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بالاخره شهرستان بیجی. در این استان علاوه بر مرقد مطهر دو امام همام علی الهادی (ع) و حسن العسکری (ع) در سامرا، اماکن زیارتی دیگری نظیر: سرداب غیبت، مرقد نرگس خاتون مادر محترم امام زمان (ع)، مرقد حکیمه خاتون عمه پدری امام زمان (ع) نیز وجود دارند، مرقد ابراهیم بن مالک اشتر در شهرستان فارس و مرقد سید محمد در شهر بلد قرار دارد. از آثار باستانی استان صلاح الدین می‌توان از مسجد جامع و مناره مارپیچ آن در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا، شهرمتوکلیه و مسجد ابودلف، قصر العاشق، تپه صوان و گنبد صلیبیه نام برد.

ص:۴۹

۶. استان التأمیم:

مرکز این استان شهر کرکوک است که در فاصله ۲۵۵ کیلومتری بغداد واقع است. نام کرکوک ازکلمه (کرکر) گرفته شده که به معنی پاره آتش است و یاقوت حموی در کتاب خود از قلعه کرکوک به نام (کرخیتی) یاد کرده است. استان تأمیم دارای سه شهرستان است که عبارتند از: شهرستان های کرکوک، الحویجه و داقوق. همچنین این استان سه بخشداری به نام های الدبس، تازه و التون کوبری دارد. زیارتگاه‌های شیعیان در این استان شامل مرقد امامزاده زین العابدین و مرقد امامزاده قاسم است که هردو از فرزندان امام کاظم (ع) می باشند. از اماکن زیارتی برادران اهل تسنن نیز می‌توان از امام الهوی از فرزندان شیخ عبد القادر گیلانی نام برد. از مساجد معروف کرکوک می‌توان مسجد العریان، مسجد الکبیر (مریمانه)، مسجد نبی دانیال را نام برد. قابل ذکر است که تعدادی از ساکنان شهر کرکوک را مسیحیان تشکیل می‌دهند و به همین علت در این استان دو کلیسا قرار دارد که یکی از آن ها کلیسای الحمراء است که در جاده کرکوک سلیمانیه واقع شده است و علت این تسمیه واقع شدن آن بر تپه‌ای است که خاک سرخ رنگی دارد، کلیسای جامع بیت الاحزان که در سال ۱۸۶۲ م ساخته شده و در سال ۱۹۳۰ م تجدید بنا شده است. از آثار قدیمی کرکوک می‌توان از قلعه کرکوک و پل سنگی نام برد.

۷. استان نینوا:

مرکز این استان شهر موصل است که فاصله آن تا بغداد ۴۶۵ کیلومتر است. نینوا نام قدیمی شهر موصل است این شهر تاریخچه‌ای بسیار قدیمی وکهن دارد وآشوری‌ها

ص:۵۰

در سال ۱۰۸۰ ق. م آن را به عنوان پایتخت سوم خود انتخاب کردند و با ساختن قلعه‌ها و دژهای متعدد آن را مستحکم و نفوذ ناپذیر ساختند. استان نینوا دارای پنج شهرستان است که عبارتند: از شهرستان موصل، الحضر، باعشیقا، جروانه و جهنه. مرکز شهرستان الحضر، شهر تاریخی (حضر) است که در گذشته‌های دور حکومتی مستقل داشته و یکی از حکام قدیمی آن (سنطروق) پسر کاهن بزرگ (نصر) بود که خود را (پادشاه اعراب) می‌نامید و دستور داد که معبدی برای خدای (شمس) در این شهر بسازند. دوره پر افتخار این شهر از سال ۱۰۰ تا ۳۰۰ م بود. از زیارتگاه‌های این شهر می‌توان از مرقد نبی یونس، مرقد نبی شیث، مرقد امامزاده عون الدین یکی از فرزندان امام حسن (ع) نام برد. مساجد معروف موصل عبارتند از: مسجد نوری کبیر، مسجد اموی، مسجد توبه (نبی یونس) و مسجد نبی شیث.

مسجد نوری کبیر: در وسط شهر موصل قرار دارد و در سال ۵۶۶ ۵۶۸ ه ق بنا شده و مهمترین اثر باقیمانده مسجد مناره ۵۴ متری آن است.

مسجد توبه (نبی یونس): در سمت شمال شرقی رودخانه دجله و بر بالای تپه نبی یونس قرار گرفته است. بنابر آثار موجود اهالی منطقه در سال ۷۶۷ ه ق قبر نبی یونس را در آن یافتند و نام آنجا را به مسجد نبی یونس تغییر دادند.

مسجد اموی: در سمت شمال شرقی موصل قرار دارد و در سال ۱۶ ه ق/ ۶۳۷ م و در دوران خلافت عمر ساخته شده و امروزه تنها بخشی از محراب آن برجای مانده است.

ص:۵۱

مسجد نبی شیث: در سال ۱۰۵۷ ه ق قبری متعلق به نبی شیث کشف شد و بر روی قبر مذکور مرقدی ساخته شد و در سال ۱۲۰۶ ه ق در کنار مرقد مذکور مسجدی به نام نبی شیث بنا گردید.

موصل دارای تعداد زیادی کلیسا و دیر است که برخی از مهمترین کلیساهای آن عبارتند از:

کلیسای مارتوما: در محله خزرج قرار دارد و به عنوان کلیسای جامع طایفه ارتودکس به شمارمی‌رود بنای آن به سال ۱۱۶۸ م باز می‌گردد، در سال ۱۹۶۵ م کلیسا باز شد و هنگام بازسازی استخوان‌های مارتوما(۱) از زیربنا ظاهر شد و در معرض دید پیروان طایفه ارتودکس قرارگرفت.

کلیسای قدیمی الطاهره: این کلیسا در محله (حوش الخان) قراردارد. این کلیسا از کلیساهای قدیمی موصل است که درطی سالهای ۷۴۴ ه ق و سال ۱۸۰۹ م تجدید بنا شد و متأسفانه در دهه سی میلادی ویران شد و تنها دو در ازآن که به درهای ملوکی و خارجی معروف بودند برجا ماند. کلیسای مذکور در سال ۱۹۶۷ م مجدداً تجدید بنا شد.

کلیسای بانوی انتقال (کلیسای جدید الطاهره): این کلیسا در کنار کلیسای قبلی قرار دارد. در سال ۱۸۶۵ م ساخته شد و در سال ۱۹۶۹ م تجدید بنا شده است.

۱- مارتوما: از قدیسان هم عصر حضرت عیسی(ع)(ویراستار)

ص:۵۲

کلیسای ارمنی‌ها: این کلیسا در کنار دو کلیسای فوق الذکر در محله (حوش الخان) موصل قرار دارد.

کلیسای لاتین: در محله الاوس و یا منطقه الساعه قرار دارد ومتعلق به طایفه دومنیکن است و در سال ۱۸۷۲ م ساخته شده است.

دیر شیخ متی: در شرق موصل و در فاصله ۳۰ کیلومتری آن بر روی کوه مقلوب قرار دارد. بنای آن به قرن چهارم و پنجم میلادی باز می‌گردد. این کلیسا کتابخانه گرانبهایی دارد که برخی از کتاب های خطی آن به قرن یازدهم و دوازهم میلادی باز می‌گردد.

دیر ماربهنام: به دیر الجب معروف است و در فاصله کوتاهی از موصل و در جنوب شرقی آن واقع شده است. این کلیسا متعلق به طایفه کاتولیک سریان است وکلیسای مذکور یکی از آثار باستانی دیدنی موصل به شمارمی‌رود. تاریخ بنای این دیر به سال ۱۱۶۴ م باز می‌گردد.

آثار باستانی موصل عبارتند از:

تپه باستانی نبی یونس: در داخل شهر موصل قرار دارد و در آن قصر اسرحدون و قصر سنحاریب پادشاهان باستانی آشور قرار گرفته است.

تپه باستانی قوینجق: باستان شناسی به نام بوتا در سالهای ۱۸۴۲ م ۱۸۵۱ م آن را کشف نمود و شامل قصر آشوربانی پال وکتابخانه معروف او می‌باشد.

تپه الرماح: در فاصله هشتاد کیلومتری غرب موصل قرار دارد و در آن معبدی منتظم الشکل است که تاریخ بنای آن به ۱۸۰۰ ق. م می‌رسد.

ص:۵۳

باروی موصل: محیط این بارو ۱۲ کیلومتر است و به صورت مستطیل بنا شده و دارای تعدادی برج و دروازه است و دروازه‌های آن عبارتند از: العمادی، الجصاصین، المیدان، کنده، السر، العراق، لکش، القصابین، المشرعه، الجسر و القلعه.

قلعه باشطابیا: تاریخ بنای آن به قرن ششم هجری باز می‌گردد و معنی باشطابیا (قلعه بزرگ) است این قلعه در محاصره موصل (سال ۱۱۵۶ ه ق) نقش مهمی را ایفا کرد. قلعه دو دروازه دارد که یکی ازآنها باب السر است که رو به رودخانه باز می‌شود و دیگری باب القلعه است که به طرف میدان باز می‌شود.

۸. استان واسط:

مرکز این استان شهرکوت (واسط) است که در فاصله ۱۷۲ کیلومتری جنوب شرقی بغداد قرار دارد و بدین علت واسط نامیده می‌شود که در وسط عراق قرار گرفته است. این شهر را حجاج بن یوسف ثقفی در سال ۷۸ ه ق بنا کرد و در سال ۸۶ ه ق بنای آن را تکمیل کرد تا پایگاه سربازان شامی وی باشد. این شهر به صورت شبه جزیره است وآب از سه طرف شرق و غرب و جنوب آن را در برگرفته است. استان واسط دارای شش شهرستان است که عبارتند از: واسط، الکوت، النعمانیه، الحی، الصویره و بدره است. اهالی این استان شیعه بوده و اماکن زیارتی آن عبارتند از: مرقد امامزاده علی الصاله در شهرستان بدره، مرقد امامزاده سید محمد ابوالحسن از نوادگان امام زین العابدین (ع) که در شهرستان کوت و در فاصله سه کیلومتری جنوب غربی شهر کوت قرار دارد، مرقد امامزاده سید تاج الدین ابومحمد که در بخشداری الحفریه در فاصله یکصد کیلومتری شهر واسط قرار دارد و نسب وی به

ص:۵۴

امام علی (ع) بر می‌گردد ومردم روزهای چهارشنبه هر هفته به زیارت وی مشرف می‌شوند، مرقد امامزاده سید نور الهلال که در مرکز استان قرار دارد و نسب وی به امام علی (ع) بر می‌گردد، مرقد صحابی جلیل القدر سعید بن جبیر که در شهرستان الحی قرار دارد. این صحابی به علت پافشاری بر محبت حضرت علی (ع) توسط حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید.

۹. استان دیاله:

مرکز این استان شهر بعقوبه است. علت تسمیه این استان رودخانه دیاله است که مهمترین رودخانه استان است. نام قدیمی رودخانه مذکور در سنگ نوشته‌های دوران آشور ناصر بال در نیمه اول قرن نهم قبل از میلاد (دیالاس) بود و بعدها نام سریانی (تأمرا) جایگزین آن گردید. در دوران عباسی و عثمانی به این منطقه (راه خراسان) می‌گفتند زیرا که جاده خراسان از این منطقه می‌گذشت. شهر بعقوبه فعلی در حقیقت پس از انقلاب مردمی دهه بیست میلادی علیه انگلیسی‌ها به شکل امروزی ظاهر گردید. استان دیاله در منطقه میانی عراق و در شرق رودخانه دجله و در فاصله طول جغرافیایی ۴۶ ۴۴ شرق و عرض جغرافیایی ۳۵ ۳۳ شمال قرار دارد. مساحت این استان بالغ بر ۱۲۰۸۱۳ کیلومتر مربع است که حدود ۴/ ۴٪ مساحت کل کشور را در بر می گیرد. در شمال آن استان های سلیمانیه و صلاح الدین و در غرب آن کشور ایران و در جنوب آن استان واسط و در شرق آن استان های صلاح الدین و بغداد قرار گرفته اند. بخش شرقی استان دیاله را زمین های مرتفع وکوهستانی در برمی گیرد که در حقیقت ادامه سلسله جبال حمرین است. در این منطقه رودخانه هایی نظیر (قزانیه) و (أبی نفط) جریان دارند.

ص:۵۵

زمین این منطقه برای کشاورزی چندان مناسب نیست درحالی که زمین های غرب و شمال غربی این استان برای کشاورزی مناسبند. آب وهوای استان دیاله متغیر است گاهی مدیترانه‌ای وگاهی گرم وخشک است.

استان دیاله دارای تپه‌های باستانی فراوانی است که تاریخچه آنها از هزاره پنجم قبل از میلاد شروع می‌شود و مهمترین این تپه‌ها، تپه أسمر است که در شهر باستانی اشنونا قرار دارد و درآن معابد، کاخ‌ها و تندیس های فراوانی وجود دارد، از این تپه‌ها همچنین می‌توان تپه (أجرب) و تپه (أشجالی) را نام برد. استان دیاله هفت شهرستان دارد که عبارتند از: بعقوبه، مقدادیه، خالص، خانقین، بلدزور، کفری و مدائن.

۱۰. استان دهوک:

استان دهوک در منتهی الیه شمال غربی عراق واقع شده است. این استان نیز همانند سایر استان های عراق از اهمیت تاریخی بسیاری برخوردار است وآثار یافت شده در تپه‌ها وغارهای آن نمایانگر اهمیت تاریخی این منطقه می‌باشد. استان دهوک از لحاظ استراتژیک نیز حایز اهمیت است وخط لوله نفت کرکوک به ترکیه از این استان می گذرد.

مساحت این استان بالغ بر ۱۰۷۱۵ کیلومتر مربع است و دارای پنج شهرستان به نام‌های دهوک، سمیل، زاخو، شیخان و عقره است. علت تسمیه دهوک از نظر تاریخ نویسان چنین است که این واژه از دو کلمه (دو) فارسی و (هوک) کردی به معنی پیمانه غله می‌باشد و در کل به معنی (دو پیمانه غله) است. به

ص:۵۶

گفته‌مورخین امیر این منطقه که (آخ شـندو) نـام داشت در دوران حکومت (نوزی) بابت عبورکاروان ها از این منطقه، دو پیمانه غله به عنوان مالیات دریافت می‌نمود. کوه‌ها از سه طرف شـهر دهوك را فرا گرفته‌انـد به طوری که کوه (جبل الابیض) در شـمال شـهر وکوه (شـندوخا) در جنوب و کوه (مام سـین) در شرق آن واقع شده‌اند. این شهر از سمت غرب به دشت کشاورزی سمیل راه دارد. دهوك آثـار باسـتانی بسـیاری دارد که مهمترین آنهـا قلعه دهوك است، ضـمناً در شـهر زاخوی این اسـتان نیز بیش از پـانزده مکان باستانی وجود دارد.

۱۱. استان اربیل:

این اسـتان در شـمال عراق قرار دارد و مرکز آن شـهر (اربیل) است. از شـمال به ترکیه و از شرق به ایران محدود می‌گردد. مساحتی بالغ بر ۱۳۱۶۵ کیلومتر مربع دارد. آب وهوای آن نسـبتاً سـرد است، رطوبت نسبی آن پـایین می‌باشـد و میزان بارنـدگی سالیـانه آن حدود ۲۰۰ تا ۶۰۰ میلی متر است. نام قدیمی شهر (أربیلو او) است که اسمی آشوری و به معنی (چهار خدا) است و علت این تسمیه وجود معابد مهم آشور در این شهر است. این شهر در دوره آشوری ها مرکز عبادت الهه باروری (عشتار) بود و آشوری‌ها قبل از هر حمله نظامی به زیارت معابد موجود در اربیل می‌رفتند.

این شهر در سال ۳۲ ه ق در دوران خلافت عمر بن الخطاب به وسیله (عتبه بن فرقد) فتح شد و بعدها به عنوان یکی از شهرهای مهم عراق به شمارمی‌آمد. در

ص:۵۷

سال ۱۹۱۸ م انگلیسی‌ها آن را تصرف کردند و شخصی به نام (های) را به عنوان فرماندار آن منصوب کردند.

در اربیـل بیش از یکصـد و ده تپه باسـتانی از دوران پـارینه سـنگی تا دوره فتـح اسـلامی وجود دارد و از مهمترین آثار باسـتانی آن می‌توان قلعه اربیل، تپه سید احمد و مناره مظفریه را نام برد.

استان اربیل پنج شهرستان دارد که عبارتند از: مخمور، کوی سنجق، راوندوز، رانیه و زیبار.

اقتصـاد این اسـتان متکی برکشاورزی و صـنعت است و درآن محصولاتی نظیر: گنـدم و جو وگل آفتابگردان و ذرت و سبزیجات و پیاز و سـیب زمینی و هویج و دانه‌های روغنی و حبوبات کاشـته می‌شود. همچنین این استان از لحاظ دامپروری غنی بوده و علاوه بر پرورش گاو وگوسفند و بز تعداد زیادی مرغداری و جوجه کشی دارد.

۱۲. استان الانبار:

مرکز این اسـتان شـهر رمادی است. اسـتان الانبار بزرگترین اسـتان عراق است و مساحت آن بالغ بر ۱۳۸۵۷۹ کیلومـتر مربع است که حدود ۳۲٪ از مساحت عراق را در برمی گیرد.

برخی عقیـده دارنـدکه کلمه (انبار) واژه‌ای فارسـی است و علت این تسـمیه وجود انبارهای آذوقه لشـکر ساسانی در این منطقه بوده است و برخی دیگر این کلمه را از مصدر عربی (نبر) می‌دانند که به معنی مکان مرتفع است اما به هرحال ناگفته نماند

ص:۵۸

که این شهر در دوران امپراتوری ساسانی از شهرهای مهم واستراتژیک بود که کار آن حمایت از پایتخت ساسانی (شهر تیسفون) در برابر حملات رومیان بوده است.

در سال ۱۳۴ ه ق ابوالعباس محمد بن عبد الله عباسی این شهر را به عنوان پایتخت خود برگزید و در آن قصرها وکاخ هایی بنا کرد و ابوجعفر منصور دوانیقی نیز مدتی را در این شهر گذراند تا آن که در سال ۱۴۵ ه ق شهر بغداد را بنا کرده وآن را به عنوان پایتخت خود برگزید. شهر انبار یکی از مناطق مشهور در زمینه تولید قیر و کشتی سازی در عراق قدیم بوده است.

زمین استان انبار در حقیقت امتداد فلات جزیره العرب بوده و پوشیده از تپه‌های کوچک وکم ارتفاع و تعداد زیادی از دره‌ها نظیر دره حوران و غیره می‌باشد. زمین این منطقه از لحاظ پوشش گیاهی فقیر بوده و در معرض بیابان زایی شدید قرار دارد. مرتفع‌ترین نقطه این سرزمین نزدیک مرز اردن واقع است که ارتفاع آن حدود ۸۰۰ متر از سطح دریا است و پست‌ترین نقطه آن در منطقه (الحبانیه) قرار دارد و ارتفاع آن حدود ۷۵ متر از سطح دریا است. رودخانه فرات در سمت غربی این منطقه جریان دارد.

این منطقه آب وهوای نیمه بیابانی دارد و میزان بارندگی سالیانه آن پایین و حدود ۱۱۵ میلی متر است. اختلاف دمای روز و شب آن زیاد بوده و درجه رطوبت آن بسیار پایین است. دمای هوا در تابستان به ۳۲ درجه سانتی گراد و در زمستان به ۹ درجه سانتی گراد می‌رسد.

ص:۵۹

مهمترین محصولات کشاورزی آن سیب زمینی، گندم، جو، ذرت، سبزیجات، پیاز و علوفه دامی می‌باشد. در این استان حدود ۲/ ۵ میلیون درخت وجود دارد و کشاورزی آن متکی بر کشت آبی است وآب مورد نیاز کشاورزی از چاه‌ها و چشمه‌ها وآب باران تأمین می‌شود.

۱۳. استان المثنی

استان المثنی در جنوب عراق واقع شده است و مساحت آن بالغ بر ۵۱ هزار کیلومتر مربع است و از این لحاظ بعد از استان انبار قرار می گیرد و دومین استان پهناور عراق به شمارمی‌رود. استان المثنی دارای چهار شهرستان به نام‌های السماوه، الرمیثه، الخضر و السلمان و هفت ناحیه به نام‌های الورکاء، المجد، النجمی، الهلال، الدراجی، الصوبر و البصیه می‌باشد. جمعیت این استان در حدود ۴۴۰ هزار نفر است. مرکز این استان شهر السماوه است که ۲۸۲ کیلومتر تا بغداد فاصله دارد و در حدود ۳۳۳ کیلومتری شمال بصره واقع است. جمعیت شهر سماوه حدود ۱۵۰ هزار نفر است. تاریخ بنای سماوه به دوره سومری‌ها باز می گردد و یاقوت حموی علت تسمیه سماوه را زمین صاف و هموار این منطقه دانسته است. رودخانه فرات از وسط شهر سماوه می گذرد وآن را به دو بخش بزرگ وکوچک تقسیم می کند.

از آثار شهر سماوه دریاچه ساوه است که گفته می‌شود هنگام تولد پیامبر اکرم طغیان کرد. این شهر در جریان قیام مردمی عراق علیه انگلیس در سال ۱۹۲۰ م نقش فعالی را برعهده داشت.

ص: ۶۰

۱۴. استان بابل

مرکز این استـان شـهر (حله) است که در وسط عراق قرار گرفته و فاصله آن تا بغداد حدود یکصد کیلومتر است. مساحت آن ۶۷۹۳ کیلومتر مربع بوده و حدود ۲٪ از مساحت کل کشور را شامل می‌شود. این استان حدود ۳۵ متر بالاتر از سطح دریا ارتفاع دارد. آب وهوای آن بیابـانی بوده و میزان بارنـدگی سالیانه آن انـدك و در حـدود ۵۰ تا ۲۰۰ میلی متر می‌باشـد. دما در تابسـتان به ۵۰ درجه سانتی گراد می‌رسـد و در زمسـتان آب‌وهوایی معتـدل دارد. جمعیت این استـان بنا به آمار سال ۱۹۹۸ م بـالغ بر ۱۱۰۹۵۷۴ نفر بوده است. از لحاظ کشاورزی و دامپروری غنی می‌باشـد. کشاورزی در این اسـتان به روش آبی بوده و به علت کاهش شدیـد بارنـدگی آن، کشـاورزی به شـکل دیم وجود نـدارد. در این اسـتان مرغـداری های متعـدد و کارخانجات تهیه غـذای دام و طیور وجود دارد. علت تسـمیه این اسـتان به بابل، وجود آثار باسـتانی شـهر بابل در این اسـتان است که به مرکز استان بسیار نزدیک است و در دوران حکومت صدام حسین سالیانه در شهر حله جشنواره‌ای به نام (جشنواره بین المللی بابل) برگزار می‌شد.

۱۵. استان سلیمانیه:

مرکز این اسـتان شـهر سـلیمانیه است و این اسـتان از شـمال و غرب به اسـتان های اربیل و التأمیم و صـلاح الدین، از جنوب به استان دیاله، و ازشـرق به کشور جمهوری اسـلامی ایران محـدود می‌شود. این اسـتان زمینی حاصـلخیز و پر آب دارد، لـذا متکی بر اقتصاد زراعی و دامپروری است. در این استان دو سد معروف دربندی

ص:۶۱

خان و دوکان واقع شده اند که در پشت این دو سد دریاچه‌های مصنوعی دوکان و دربندی خان قرار گرفته اند.

۱۶. استان قادسیه:

این استان از شمال با استان بابل و از شرق با استان های واسط وذی قار و از جنوب با استان المثنی و از غرب با استان نجف همجوار است. ساکنین این استان را عشایر شیعه تشکیل می‌دهند.

۱۷. استان میسان:

مرکز این استان شهر العماره است. استان میسان از شمال و شرق با کشور ایران و از غرب با استان واسط و از جنوب و جنوب غربی با استان های بصره و ذی قار همجوار است. رودخانه دجله از وسط آن عبور می کند و آن را به دو بخش مساوی تقسیم می کند. تالاب های بزرگ جنوب عراق که به نام (هور) معروف است در این استان واقع است و یکی از صنایع معروف شهر العماره و مناطق همجوار آن نظیر قلعه صالح، کحلاء و مشرح قایق سازی وکشتی سازی است و بیشتر صُبّی‌های(۱) عراق در این استان ساکن بوده وبه کار قایق سازی مشغول می‌باشند. در این استان همچنین کشاورزی، پرورش گاومیش، ماهیگیری و استفاده از نی در صنایع دستی رواج دارد.

۱- پیروان حضرت یحیی

ص:۶۲

میسان نامی قدیمی است و قبلًا به (میسین) معروف بوده است که نام مملکتی باستانی است که از ناحیه غرب به دو رودخانه دجله و فرات و از شرق به رودخانه کارون محدود بود. این مملکت بعد از سقوط سلسله پادشاهی سلوکیان به وجود آمد ومملکتی کوچک بود که در جنوب بابل قرار داشت و در دوران حکومت سلوکیان تابع حکومت سلوکی بود و پس از سقوط انتیوکوس سوم آخرین پادشاه سلوکی (سال ۱۸۷ ق. م) تا حدودی استقلال خود را به دست آورد. این مملکت در دوران اشکانی تابع امپراتوری اشکانی بود.

۱۸. استان ذی قار:

مرکز این استان شهر ناصریه است. این استان از شمال با استان های قادسیه و واسط و از غرب با استان المثنی و از جنوب با استان بصره و از شرق با استان میسان همجوار است. رودخانه فرات از این استان عبور می کند، این استان نیز به داشتن تالاب ها (هور) مشهور است. تمامی ساکنین این استان را عشایر شیعه تشکیل می‌دهند.

ص:۶۳

خلاصه درس فصل اول:

عراق کشوری کهن و باستانی است که در سرزمین بین‌النهرین واقع شده است و برخی معتقدند که اصل کلمه عراق (ایراک) است و از همین ریشه دو نام ایران و عراق مشتق شده است و معنی این واژه در زبان فارسی (سرزمین پایین دست) بوده است. مساحت عراق ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع است و تعداد جمعیت آن برحسب آمارگیری سال ۱۹۹۷ م در حدود بیست و دو میلیون نفر بوده است. پایتخت آن بغداد است که در وسط کشور و در دو طرف رودخانه دجله قرار گرفته است. آب و هوای عراق خشک بوده و در تابستان‌ها گرم و در زمستان‌ها سرد وبارانی است. عراق از لحاظ منابع زیرزمینی کشوری ثروتمند است ودارای منابع سرشاری از نفت، گاز، گوگرد، فسفات وسایر معادن با ارزش است. عراق دو رودخانه مهم به نام‌های دجله و فرات دارد که برای این کشور ارزش حیاتی داشته وآب مورد نیاز شرب و کشاورزی این کشور را تأمین می‌کنند. عراق سه دریاچه دارد که عبارتند از: حبانیه، دوکان، دربندی خان، که در این میان دریاچه حبانیه در فاصله ۸۴ کیلومتری بغداد قرار دارد واز اماکن توریستی مهم عراق به شمار می‌رود، اما دریاچه دوکان در فاصله ۷۱ کیلومتری سلیمانیه و ۱۴۱ کیلومتری کرکوک واقع شده است و دریاچه دربندی خان در فاصله ۶۵ کیلومتری سلیمانیه و ۲۶۸ کیلومتری بغداد قرار دارد. اقوام ساکن در عراق عبارتند از عرب‌ها، کردها، ترکمن‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها و سریانی‌ها از ساکنان قدیمی این سرزمین بوده و درقرن اول میلادی پس از اینکه آرامی به دین مسیحیت گرویدند، نام سریان رابه‌جای نام آرامی بر خود نهادند و زبان آن‌ها که زبان آرامی بود زبان رسمی کلیسای سریان گردید و در قرون اولیه اسلامی کتاب‌های زیادی از این زبان به زبان عربی ترجمه شد.

صابئه یکی دیگر از اقوام ساکن در عراق هستند که در کنار تالاب‌های جنوبی عراق سکونت دارند، آنان پیروان حضرت یحیی (ع) هستند وتعدادی از آن‌ها در خوزستان ایران ساکن هستند.

عراق ۱۸ استان دارد که به ترتیب عبارتند از: بصره، المثنی، ذی قار، میسان، نجف، کربلا، انبار، قادسیه، بابل، واسط، دیالی، بغداد، صلاح‌الدین، سلیمانیه، التأمیم، نینوی، اربیل، دهوک.

ص:۶۴

فصل دوم

شهر مقدس نجف

اشاره

شهر مقـدس نجف در حاشـيه فلاـت غربی عراق و در جنوب غربی بغـداد واقع شـده است و فاصـله آن تا بغـداد ۱۶۰ کیلومتر است. ارتفـاع این شـهر از سـطح دریا هفتاد متر است و در طول جغرافیایی ۴۴ درجه و ۱۹ دقیقه و عرض جغرافیـایی ۳۱ درجه و ۵۹ دقیقه قرار دارد. در ۸۰ کیلومتری سمت شمال و شمال شرقی آن شهر کربلا

ص:۶۵

واقع است و در سـمت جنوب و غرب آن سرزمین های پست جلگه دریاچه خشک شده نجف و شهر (ابی صخیر) قرار دارد و فاصله ابی صخیر تا نجف ۱۸ کیلومتر است، در سـمت شـرق آن شهر کوفه است که فاصله آن تا نجف حدود ۱۰ کیلومتر است. نجف در زبان عربی به معنی مکان مستطیل محصور و بلندی است که آب نمی تواند آن را فراگیرد و جمع آن (نجاف) است. برخی نیز معنی نجف را (تل) یا (تپه) ذکر کرده‌اند. یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان می گوید: (نجف نام شـهری در پشت شهر کوفه است که هماننـد تپه‌ای جلوی سیل را گرفته و اجـازه نمی‌دهـد که سیل به سـوی شـهر کـوفه سـرازیر شود). نجف نام‌هـای دیگری دارد که دراحـادیث وارده از اهل بیت (ع) نیز آمـده است، از جمله نام‌های متعارف این شـهر: بانقیا، جودی، ربوه، ظهر الکوفه، غریان، وادی السـلام، غربی، لسـان، طور، غری و مشـهد است که در این میـان نام های نجف، غری و مشـهد متـداول تر است. معنی لغوی (غری) جایی در جاهلیت بود که در آن قربانی می دادند و (غریان) نام دو بنای صومعه مانند بوده که در نزدیکی قبر حضرت علی (ع) قرار داشـتند، اما (وادی السـلام) به معنی دشت سـلامتی است و این نام در برخی از احادیث اهل بیت (ع) بر این منطقه اطلاق شده اسـت که در حال حاضر این نام بر گورستان معروف شهر نجف اطلاق می گردد که آرامگاه بسیاری از بزرگان و علمای شیعه می‌باشد.

ص:۶۶

برخی را گمان بر این است که محل کنونی نجف در گذشته کوه بلندی بوده و فرزند حضرت نوح (ع) آنجا که می گوید: (سأوی إِلَی جَبَلٍ یْعصِمُنِی مِنَ الْماء) (۱) (به سوی کوهی پناه می‌برم که مرا از طوفان نجات خواهد داد) منظورش همین کوه نجف بوده است که بعدها به فرمان الهی کوه از بین رفته و به صورت تپه‌ای درآمد و دریای اطراف آن که (نی) نام داشت خشک شده و به همین علت نام آن (نی جف) شده است. البته نظریه اخیر نظریه منطقی و مستدلّی نیست، هرچند که نباید فراموش کرد براساس شواهد و قراین تاریخی و باستان شناسی ظاهراً طوفان نوح در همین منطقه اتفاق افتاده است و این داستان در سنگ نوشته‌های سومری، آشوری و بابلی برجای مانده در بین النهرین، ذکر شده است.

مساحت شهر در حدود ۱۳۳۸ کیلومتر مربع است، خیابان های آن پهن و مستقیم و ساختمان های آن مرتفع و بازارهای آن پهن و مرتب است مخصوصاً بازار بزرگ آن (السوق الکبیر) که از باروی شرقی شهر آغاز می‌شود و تا حرم مطهر حضرت علی (ع) ادامه می‌یابد.

۱- سوره هود آیه ۴۳

ص:۶۷

تاریخچه نجف

این شـهر تـاریخی کهن دارد و در دوران حکومت (منـذریان) یـا (پادشاهـان حیره) که کارگزاران امپراتوری ساسانی بودنـد، منطقه نجف به عنوان ییلاـق مورد اسـتفاده قرار می گرفت و به علت آب و هوای منـاسب، برخی از پادشاهان حیره قصـرها و منازلی درآن منطقه ساخته بودند.

شـاپور برای جلوگیری از حمله اعراب بـادیه نشـین اقـدام به حفر خنـدقی در ناحیه غربی شـهر نجف نمود که بقایای این خنـدق بین نجف وکربلا همچنان پابرجا است و امروزه (بکری سعده) نامیده می‌شود. قبل از فتح مسلمانان تعدادی از دیرها وکلیساهای مسیحی در این منطقه بنا شده بود. پس از دفن حضرت علی (ع) در سال ۴۰ ه ق تا مدت ها محل قبر آن حضرت ناشناخته و مخفی بود اما با این وجود اهـل بیت (ع) و شـیعیان خـاص آنـان که از محل دقیق دفن آن حضـرت آگاه بودنـد مخفیانه وگاهی اوقات شـبانه به این منطقه آمده و قبرآن حضـرت را زیارت می کردند. در سال ۱۳۵ ه ق پس از بر ملا شـدن محل دفن حضـرت علی (ع) این منطقه به تدریج زیارتگاه عاشـقان و شـیفتگان آن حضرت گردید(۱) و رفته رفته برخی از شـیعیان در اطراف آن مسـتقر شدنـد و هسـته اولیه شهر پی ریزی شـد و بعـدها با گـذشت زمان توسـعه یافت تا اینکه به شـهر بزرگ و مشـهوری مبدل شد. شـهر نجف در طی مراحل توسعه شاهد سه مرحله بوده است که عبارتند از:

۱- در زمان منصور عباسی به سال(۱۳۵» ه ق و در زمان امام صادق(ع) برای نخستین بار مکان قبر نمایان شد. شـیخ مفید، الارشاد، ۱۳(ویراستار)

ص:۶۸

مرحله اول: مرحله آبادانی اولیه که از زمان (عضـد الـدوله آل بویه) در سال ۳۳۸ ه ق آغاز گردیـد و تا قرن نهم هجری ادامه یافت. این مرحله در حقیقت مرحله نوباوگی شهر بوده است و در اوایل این مرحله باروی شهر ساخته شد که تمامی شهر را در برمی‌گرفت و در سال ۴۰۰ ه ق (ابو محمد بن سهلان) وزیرآل بویه باروی دیگری اطراف شهر کشید.

مرحلـه دوم: مرحلـه آبـادانی ثـانویه شـهر اسـت و از قرن نهـم هجری تـا اواسـط قرن سـیزدهم هجری ادامـه داشـت، در ایـن دوره از شکوفایی شـهر کاسـته شده و به علت بروز جنگ های طولانی بین ترک های عثمانی و پادشاهان صفوی آسیب‌هایی نیز به این شهر وارد گردید.

مرحله سوم: دوران اخیر است که از اواسط قرن سـیزدهم هجری آغاز شـده و تا امروز ادامه دارد. در این دوران شـهر دوباره شـکوفا شـده و تغییرات فرهنگی و عمرانی فراوانی در آن روی داده و پس از آن که مـدت هـا به صورت شهرسـتان تـابع اسـتان کربلاـ بود، عاقبت به استان تبدیل شد.

در سال ۱۲ ه. ق خالـد بن ولیـد پس از فتـح سـرزمین یمـامه هنگامی که عازم فتـح سـرزمین حیره بود در منطقه نجف اطراق کرد و اهالی منطقه از ترس خالد به قصـر سـفیدی که درآن منطقه قرار داشت پناه بردند، در این منطقه جنگ سختی درگرفت که بعدها به نام جنگ بویب معروف شد.

ص:۶۹

در سال ۱۴ ه. ق منطقه نجف محل درگیری نیروهای نظامی ساسانیان و لشکر مسلمانان بود و در منطقه (بانقیا) مسلمانان موفق شدند که اولین جزیه را از ایرانیان بگیرند.

در سال ۳۷ ه. ق صحابی جلیل القدر (خباب بن الارت) اولین کسی بود که در نجف دفن شد و حضرت علی (ع) بر سر جنازه او نماز خواند و برای او طلب آمرزش نمود.

در سال (۴۰ ه. ق/ ۶۶۱ م) حضرت علی (ع) درکوفه به شهادت رسید و جسد پاکش بنا به وصیت وی به وسیله دو فرزندش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

در سال ۲۵۰ ه. ق اولین رود به سوی نجف کشیده شد. این رود را شخصی به نام (سلیمان بن أعین) و در منطقه‌ای به نام (السنیق) احداث کرد، بعدها باغ های شهرکوفه و یران شدند و بسیاری از اهالی کوفه به شهر قم و برخی نیز به شهر واسط و منطقه‌ای به نام (خراب الکوفه) هجرت کردند.

در قرن چهارم هجری یکی از خوارج به نام (مره بن قیس) به نجف حمله کرد تا جسد مبارك حضرت علی (ع) را از قبر خارج کند. وی باروی شهر را منهدم ساخت و پس از جنگ و محاصره شش روزه عاقبت شهر را فتح نمود. اما از نبش قبر مطهر امام علی (ع) منصرف شد.

در سال ۴۴۸ ه. ق/ ۱۰۵۶ م در دوران آل بویه شهر نجف از مراکز مهم تدریس امور دینی شد و این امر بویژه پس از هجرت شیخ ابوجعفر طوسی از بغداد به

ص:۷۰

نجف فزونی گرفت، زیرا که شیخ طوسی در بغداد مورد بی مهری فراوان قرار گرفت وکتابخانه وی آتش زده شد. مهاجرت شیخ طوسی به نجف باعث روی آوردن طلاب علوم دینی به نجف شد.

در سال ۵۰۸ ه. ق شخصی به نام (مشعشعی) که حاکم منطقه الجزایر و بصره در جنوب عراق بود به نجف وکربلاـ حمله کرد و اهالی نجف را کشته یا اسیر کرد و حرم های مطهر نجف وکربلا را به تاراج برد.

در بین سالهای (۵۵۰ ه. ق و ۶۵۶ ه. ق) خلیفه عباسی (الناصر لدین الله) توجه زیادی به بنا و توسعه شهر نجف نموده و حرم مطهر حضرت علی (ع) را بازسازی نمود.

در پایان قرن هفتم و هشتم هجری ودر دوران حکومت خاندان پادشاهان (ایلخانی و جلایری) شهر نجف ازجهت آبادانی و جمعیت و ساختن مدارس علمیه پیشرفت چشمگیری نمود.

در سال ۹۹۷ ه. ق (عبد المؤمن خان) پادشاه ازبک با لشکر بزرگی به نجف حمله کرد و مردم شهر را قتل عام نمود.

در آغاز قرن دهم هجری قمری شاه عباس صفوی بر بغداد و بسیاری از شهرهای دیگر عراق دست یافت و سپس به زیارت عتبات عالیات، ازجمله شهر مقدس نجف مشرف شد و دستور داد شاخه‌ای از رودخانه فرات به سوی آن کشیده شود. پس از آن سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) دوباره عراق را بازپس گرفت و وی

ص:۷۱

نیز در سال ۹۴۱ ه ق قبل از بازگشت به قسطنطنیه عازم زیارت نجف وکربلا شد.

در سال ۱۰۳۲ ه. ق در دوران سلطنت سلطان سلیم عثمانی، ترک‌ها موفق به محاصره نجف شدند. اما به علت مقاومت دلیرانه اهالی شهر موفق به فتح شهر نشدند.

در دوران سلطنت (سلطان مراد) عثمانی‌ها به بغداد حمله کردند، نجف نیز در معرض حملات آنان قرار گرفت اما لشکریان شاه عباس اول که در شهر مستقر بودند به دفاع از شهر پرداختند.

در سال ۱۰۴۰ ه. ق فرمانده عثمانی (کنج عثمان) با موفقیت شهرهای نجف وکربلا را فتح کرد.

در سال ۱۰۴۱ ه. ق سردار عثمانی (خسرو پاشا) که موفق نشده بود شهر بغداد را از چنگ لشکریان صفوی خارج کند، مجدداً به شهر نجف حمله کرده وآن را دوباره فتح نمود.

در سال ۱۱۰۹ ه. ق رودخانه فرات طغیان کرد و شهر نجف و زمین های پیرامون آن غرق شد و در همین حین برخی از رؤسای قبایل دست به چپاول شهر زدند.

در قرن دهم و یازدهم هجری اهالی شهر به بیماری های واگیردار بسیاری مبتلا شدند که منجر به از بین رفتن اهالی و متوقف شدن رشد و توسعه شهر شد.

ص:۷۲

در سال ۱۲۱۶ ه. ق وهابی‌ها شهر کربلا را تصرف نموده و اهالی آن را کشته و حرمت حرم حسینی را هتک کردند و سپس رهسپار شهر نجف شدند وآن را برای مدتی محاصره کردند اما چون به نتیجه نرسیدند به سرزمین خود بازگشتند.

در سال ۱۲۱۷ ه. ق وهابی‌ها بار دیگر در روز عید غدیر به نجف حمله کردند و تعدادی از علما و مردم بی دفاع شهر را کشتند.

در سال ۱۲۲۱ ه. ق خبر حمله مجدد وهابی‌ها به شهر نجف سبب شد تا اهالی نجف خزانه امیر المؤمنین (ع) را به کاظمین منتقل کنند تا از دست غارتگران در امان باشد. این کار توسط شیخ جعفر کاشف الغطاء و تعداد دیگری از علمای بزرگ نجف صورت گرفت و تعداد زیادی از اهالی شهر نیز ازترس وهابی‌ها به عشایر منطقه پناهنده شدند و تنها دویست تن از مردان شهر به منظور مقاومت و مقابله با وهابی‌ها در شهر سنگر گرفتند. ابن سعود به سرکردگی پانزده هزار نفر از وهابی‌ها به شهر رسید و یک شبانه روز شهر را محاصره کرد اما بدون نتیجه‌ای به سرزمین خود بازگشت، برخی از منابع ذکر می‌کنند که دلیران نجفی شبانه به لشکر ابن سعود حمله کرده و هفتصد نفر از لشکریان او را کشتند و این امر باعث هراس شدید در بین لشکریان وهابی گردید وآنان را ناچار کرد که دست خالی از آن منطقه کوچ کنند.

در سال ۱۲۲۶ ه. ق (۱۸۱۱ م) نظام الدوله محمد حسین خان علّاف صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار به علت هجوم پی درپی وهابی‌ها جهت تخریب اماکن مقدسه شیعه دستور داد تا قوی ترین باروی ممکن برای شهر ساخته شود.

ص:۷۳

در سال ۱۲۲۸ ه. ق (۱۸۱۳ م) در دوره شیخ جعفر کاشف الغطاء حوادث تفرقه آمیزی در بین رهبری جامعه شیعیان پدید آمد که باعث تقسیم مردم به دو گروه رقیب (زکرت) و (شمرت) گردید و دشمنی و اختلاف و درگیری بین این دو گروه حدود یکصد سال طول کشید وآخرین جنگ آن ها در سال ۱۳۲۳ ه. ق رخ داد که منجر به پیروزی (گروه زکرت) گردید.

در خلال جنگ اول جهانی به موجب فتوای علمای شیعه، اهالی نجف با ترک‌های عثمانی متحد شده به دفاع از اسلام برخاستند و بسیاری از علمای بزرگ شیعه ازجمله آیت الله سید محمد سعید حبوبی به فرماندهی لشکری از رزمندگان در جبهه شعیبه با انگلیسی‌ها به مقابله برخاستند، با این وجود ترک های عثمانی در جنگ مغلوب شده و پس از شکست، رفتار بسیار بد و زننده‌ای با عراقی‌ها و به خصوص اهالی نجف داشتند که این امر منجر به قیام نجفی‌ها برعلیه حکومت عثمانی و اخراج آنان از شهر گردید. در پی این امر نجفی‌ها حکومتی محلی ایجاد کردند و به مدت دوسال اداره شهر را برعهده گرفتند.

انگلیسی‌ها پس از تصرف بغداد سعی کردند شهر نجف را نیز به زیر سلطه خود درآورند، اما بار دیگر اهالی نجف به مقابله با آنان پرداختند و اولین برخورد نظامی اهالی با انگلیسی‌ها در بیرون شهر رخ داد و در اثر آن انگلیسی‌ها که چهل هزار سرباز را به منطقه گسیل کرده بودند حدود هفتصد سرباز را از دست دادند و ازعراقی‌ها فقط چهل نفر به شهادت رسیدند که اغلب آنان را زنان و بچه‌های بی‌دفاع شهر تشکیل می‌دادند. مقاومت دلیرانه مردم تا مدت ها ادامه داشت اما عاقبت شهر به تصرف انگلیسی‌ها درآمد.

ص:۷۴

در سال ۱۳۲۵ ه. ق (۱۹۰۸ م) یک شرکت خصوصی اقدام به ساختن راه‌آهن (تراموا) بین مدینه النبی و نجف وکوفه کرد.

در سال ۱۳۳۳ ه. ق (۱۹۱۵ م) نجف علیه ترک های عثمانی قیام کرد وآن ها را از منطقه راند.

در سال ۱۳۳۵ ه. ق (۱۹۱۷ م) انگلیسی‌ها شهر نجف را به تصرف خود درآوردند، اما دیری نپایید (سال ۱۳۳۶ ه ق/ ۱۹۱۸ م) مردم نجف قیام کردند و انگلیسی‌ها را از آنجا بیرون راندند.

قیام ملی عراق علیه انگلیسی‌ها در سال ۱۹۲۰ م اتفاق افتاد و هسته مرکزی این قیام شهر نجف بود، زیرا که اکثریت علما و مراجع شیعه در این شهر زندگی می‌کردند و بر اثر فتوای آنان و استجابت آن از طرف عشایر شیعه جنوب و سایر شهروندان این کشور، عاقبت در روز یکشنبه ۱۵ شوال سال ۱۳۳۸ ه ق قیامی همه جانبه علیه انگلیس صورت گرفت و سربازان انگلیسی در جبهه‌های مختلف با عراقی‌ها مشغول نبرد شدند و لشکر آنان ناچار شدکه از شهر نجف به کوفه عقب نشینی کند و عراقی‌ها موفق شدند که در بسیاری از جبهات اسرای زیادی را دستگیر نموده و به مقر فرماندهی انقلاب که در شهر نجف مستقر شده بود اعزام نمایند، که در این میان تنها از معرکه (رازنجیه) ۱۶۰ اسیر انگلیسی به شهر نجف اعزام شدند. در این انقلاب، عاقبت عراقی‌ها موفق شدندکه انگلیسی‌ها را شکست داده و الگویی مناسب برای سایر ملل مسلمان گردند.

ص:۷۵

در سال ۱۳۴۸ ه ق (۱۹۲۹ م) بین نجف وکوفه لوله کشی شد وآب شهر نجف که قبلًا از طریق چاه و قنات تأمین می شد ازآن پس به وسیله لوله‌های مذکور از رودخانه فرات تأمین گردید.

در سال ۱۳۵۰ ه ق (۱۹۳۱ م) حکومت محلی دوره قائم مقام سید جعفر حمندی پنج دروازه در باروهای شهر بنا کرد و در جنوب شهر میدان بزرگی ساخت و اهالی شهر نیز در کنار میدان مذکور شروع به ساختن خانه‌ها و مغازه‌ها و قهوه خانه‌ها نمودند.

در دوران پادشاهی ملك غازی، دولت اقدام به ساختن مدارس، پارك ها و یک بیمارستان عمومی نمود که بعدها این محله به نام (غازیه) معروف شد.

در سال ۱۹۴۸ م پس از ساختن راه آسفالته بین کوفه و نجف، استفاده از راه آهن از رونق افتاد.

محله‌های شهرنجف

الف محله‌های قدیمی:

اشاره

محله‌های قدیمی شهر عبارتند از:

محله العلا:

این محله جنوب شرقی حرم مطهر قرار دارد و امروزه به آن (المشراق) می گویند.

محله العماره:

در شمال محله العلا و در زاویه شمال شرقی حرم مطهر قرار دارد و یکی از بزرگترین محلات قدیمی نجف به شمارمی‌رود.

ص:۷۶

محله الحویش:

درغرب محله العماره واقع شده و بر زاویه شمال غربی حرم مطهر مشرف است.

محله البراق:

جنوب محله الحویش قرار دارد و از بقیه محله‌های فوق تازه سازتر است.

ب محله‌های جدید:

محله‌های جدید شهر عبارتند از: حی الامیر، حی الغدیر، حی السعد، حی الحنانه، حی الجدیده، حی الصناعی، حی الاسکان، حی العلماء و حی المثنی.

خیابانهای نجف:

خیابان های معروف شهر عبارتند از: شارع المدینه، شارع الرسول (ص)، شارع الامام زین العابدین (ع)، شارع الامام صادق (ع)، شارع الکوفه، شارع السور، شارع الخورنق، شارع السدیر، شارع الطوسی و شارع ابو صخیر.

مساجد معروف نجف:

اشاره

مساجد معروف نجف عبارتند از:

مسجد شیخ طوسی:

که در کنار مقبره ایشان واقع است و همچنان محل تدریس اساتید حوزه نجف می‌باشد.

مسجد شیخ انصاری:

مشهور به مسجد ترک ها که امام خمینی (قدس سره) درآن به اقامه نماز جماعت و تدریس می‌پرداختند.

ص:۷۷

مسجد هندی:

از مساجد بزرگ و مشهور نجف و یکی از مراکز تدریس حوزه علمیه نجف است و در کنار آن کتابخانه آیت الله حکیم و آرامگاه او قرار دارد.

مسجد خضراء:

از مساجد مشهور نجف است که سال ها محل تدریس حوزه علمیه نجف بود.

مسجد جواهری

: به علت دفن مرحوم صاحب جواهر (رحمه الله) در آن بدین نام مشهور است.

مسجد صافی الصفا:

گفته می‌شود امیر مومنان (ع) در آنجا نماز گزارده و در گوشه‌ای از آن مدفن یکی از یاران حضرت (ع) قرار دارد.
مسجد حنانه، مسجد عمران بن شاهین، مسجد الرأس یا بالاسر، مسجد شیخ جعفر شوشتری، مسجد صاغه (طلافروشان)، مسجد حیدری، مسجد مراد، مسجد آل کاشف الغطاء، مسجد حاج میرزا حسین خلیلی، مسجد شیخ مشکور، مسجد شیخ مرتضی، مسجد الشیخ الطریحی، مسجد آل المشهدی، مسجد علی رفیش، مسجد حاج حسین بهبهانی، مسجد شیخ آقا رضا همدانی و بالاخره مسجد علامه حسن شیرازی از دیگر مساجد مشهور نجف هستند.

مدارس دینی نجف:

اشاره

شهر نجف بیش از ده قرن است که بزرگترین حوزه دینی شیعیان به شمار می‌رود لذا مدارس بسیاری در آن به هدف سکونت و تدریس طلاب ساخته شدکه مهمترین آنها عبارتند از: (۱)

۱- جعفر الدجیلی، موسوعه النجف الاشرف،

ص:۷۸

۱. مدرسه مقداد سیوری:

منسوب به فاضل عالی قدر مقداد سیوری که سال ۸۲۶ ه ق درگذشت.

۲. مدرسه صدر:

از بزرگترین مدارس است که تنها در یک طبقه آن ۳۰ حجره وجود دارد.

۳. مدرسه معتمد:

درسال ۱۲۶۲ ه ق ساخته شد وبعدها تجدید بنا شد. این مدرسه ۲۰ حجره دارد.

۴. مدرسه شیخ مهدی:

در سال ۱۲۸۴ ه ق ساخته شد و دارای ۲۲ حجره است.

۵. مدرسه قوام:

در سال ۱۳۰۰ ه ق تأسیس شد و ۲۶ حجره دارد.

۶. مدرسه سلیمیه:

در سال ۱۲۵۰ ه ق ساخته شد و ۱۲ حجره دارد.

۷. مدرسه ایروانی:

در سال ۱۳۰۵ ه ق ساخته شد و ۱۹ حجره دارد.

۸. مدرسه قزوینی:

سال ۱۳۲۴ ه ق توسط محمدامین قزوینی با ۳۳ حجره ودر ۲ طبقه ساخته شد.

۹. مدرسه بادکوب

ه ای: که در سال ۱۳۲۵ ه ق ساخته شد.

۱۰. مدرسه شربیانی:

که در سال ۱۳۲۰ ه ق ساخته شد و ۱۲ حجره دارد.

۱۱. مدارس خلیلی:

که عبارت از دو مدرسه کوچک و بزرگ است، مدرسه کوچک با دو طبقه و ۱۸ حجره در سال ۱۳۲۲ ه ق ساخته شد و مدرسه بزرگ در سال ۱۳۳۰ ه ق ساخته شد و دو طبقه و ۴۶ حجره دارد.

ص:۷۹

۱۲. مدارس آخوند:

که عبارت از سه مـدرسه بزرگ وکوچک و متوسط است. مدرسه بزرگ در سال ۱۳۲۱ ه ق ساخته شد و دو طبقه و ۴۰ حجره دارد و دیوارآن کاشی کاری شده است. این مدرسه در سال ۱۳۸۵ ه ق نوسازی شد و تعداد حجره‌های آن به ۸۰ حجره افزایش داده شد، مدرسه متوسط سال ۱۳۲۶ ه ق ساخته شد و ۳۳ حجره دارد و دیوارآن کاشـی کاری شده است، مدرسه کوچک درسال ۱۳۲۸ ه ق ساخته شد و دوازده حجره دارد.

۱۳. مدرسه هندی:

که بیست حجره دارد.

۱۴. مدرسه بخاری:

در سال ۱۳۲۹ ه ق ساخته شده و در سال ۱۳۸۰ ه ق تجدید بنا شد.

۱۵. مدارس سید محمد کاظم رشتی:

شامل دو مدرسه است، اولی در سال ۱۳۲۵ ه ق دردو طبقه و ۸۰ حجره ساخته شد که دیوارهای آن کاشی کاری شده است، مدرسه دوم در سال ۱۳۸۰ ه ق به دستور آیت الله سید محسن حکیم ساخته شد.

۱۶. مدرسه مجدد شیرازی:

دارای دو طبقه بوده و قبر مؤسسش در آن قراردارد.

۱۷. مدرسه بروجردی:

دارای سه طبقه و ۶۴ حجره می‌باشد که در سال ۱۳۷۳ ه ق ساخته شـد و در آن کتابخانه‌ای لبریز از کتاب های علمی و فقهی وجود دارد.

۱۸. مدرسه عبدالعزیز بغدادی:

از مدارس تازه تأسیس واقع در محله (حی السعد) بوده که شامل حجره‌های زیادی می‌باشد.

۱۹. مدرسه دار الحکمه:

مؤسس این مدرسه آیت الله محسن حکیم است.

ص:۸۰

۲۰. جامعه النجف الدينيه:

بزرگترین مـدرسه دینی نجف اشـرف می‌باشـد و در سه طبقه ساخته شده و شامل ۱۰۰ حجره و یک مسـجد می‌باشد. این مدرسه را تاجری ایرانی به نام حاج محمـد تقی اتفاق طهرانی در سال ۱۳۷۶ ه ق در محله (حی السعد) بنا کرد. زیربنای این مدرسه ۵۰۰۰ متر مربع است.

۲۱. مدرسه لبنانیه:

در منطقه (الجدیده) نجف واقع است.

۲۲. مدرسه أزریه:

این مدرسه نیز در (الجدیده) قرار دارد.

۲۳. مدرسه دار العلم:

متعلق به آیت الله خوئی بوده و در انتفاضه سال ۱۹۹۱ م ویران شد.
مـدارس دیگر نجف عبارتند از: مدرسه شـیخ ملا عبدالله (صاحب حاشـیه در منطق)، مدرسه صدر اعظم، مدرسه جوهرچی، مدرسـه امیر المؤمنین (ع). (۱)

کتابخانه‌های نجف:

اشاره

نجـف شـهری فرهنگی اسـت، علمـا و شـعرای بسـیاری از ایـن شـهر برخاسـته‌اند و معمولًـا در هر مـدرسه‌ای از مـدارس دینی نجف کتابخانه‌ای وجود دارد لیکن تعدادی از این کتابخانه‌ها مهمترند که عبارتند از:

۱. کتابخانه حسینیه:

که این کتابخانه را حاج علی محمد نجف آبادی تأسیس کرد.

۲. کتابخانه شیخ محمد رضا آل فرج

: که حدود چهار هزار جلد کتاب نفیس دارد.

۱- جعفر الدجيلى، موسوعه النجف الاشرف،

ص:۸۱

۳. کتابخانه عمومی آل حنوش:

حاج کاظم حسون آل حنوش در سال ۱۳۷۰ ه ق آن را تأسیس کرد.

۴. کتابخانه عمومی نجف:

که در سال ۱۹۴۶ م تأسیس شد.

۵. کتابخانه امیرالمؤمنین (ع):

علامه امینی مؤلف الغدیر در سال ۱۳۷۳ ه ق آن را تأسیس کرد و حاوی کتاب های بسیاری به زبان های مختلف بوده وآثار با ارزش فراوانی را در خود جای داده است. این کتابخانه در محله حویش قرار دارد و آرامگاه آن مرحوم نیز در جوار آن است.

۶. کتابخانه عمومی حکیم:

آیت الله سید محسن حکیم در سال ۱۳۷۷ ه ق آن را در مجاورت مسجد هندی تأسیس کرد. آرامگاه آن مرحوم در گوشه‌ای از مسجد قرار دارد.

۷. کتابخانه العلمین:

درمسجد طوسی قرار دارد و به نام دو دانشمند شیعه، بحرالعلوم و شیخ طوسی نامگذاری شده است.

۸. کتابخانه حیدریه:

تأسیس آن به قرن چهارم هجری و به دوره آل بویه بر می گردد و دارای نسخ بسیار نفیسی بوده است که امروزه این کتاب ها در یکی از حجره‌های صحن نگهداری می شوند.

سایر کتابخانه‌های نجف عبارتند از: کتابخانه حسینیه شوشتری‌ها، کتابخانه مدرسه قوام، کتابخانه مدرسه بزرگ و مدرسه کوچک الخلیلی، کتابخانه شیخ جعفر کبیر، کتابخانه شیخ فخر الدین طریحی، کتابخانه الرابطه العلمیه، کتابخانه عبدالعزیز بغدادی، کتابخانه منتدی النشر (بعدها به دانشکده فقه در خیابان کوفه نقل مکان

ص:۸۲

کرد)، کتابخانه بروجردی، کتابخانه دانشکده نجف، کتابخانه شیخ محمد باقر اصفهانی، کتابخانه آخوند، کتابخانه الرحیم، کتابخانه سید جعفر بحر العلوم، کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)، کتابخانه یعقوبی، کتابخانه نوری، کتابخانه بلاغی، کتابخانه الخطباء کتابخانه ملالی (متعلق به خاندان آل مله)، کتابخانه شیخ آقا بزرگ طهرانی، کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء متوفی سال ۱۱۵۱ ه ق، کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء(۱).

چاپخانه‌های معروف نجف:

شهر نجف یکی از مراکز قدیمی چاپ ونشر کتاب های شیعه است و بسیاری از چاپ های اول کتابهای شیعه در این شهرانجام شده است. چاپخانه‌های نجف بسیارند و اولین چاپخانه‌ای که در این شهر تأسیس شد چاپخانه (حبل المتین) بود. چاپخانه‌های دیگر این شهر عبارتند از: مرتضوی، نعمان، الزهراء، الاداب و غیره.

شخصیت های مهم مدفون در شهر نجف:

اشاره

نجف مدفن بسیاری از انبیاء وصالحین وعلماء بوده است وگفته می‌شود که قبر آدم و نوح و هود و صالح در این شهر قرار دارد. افراد سرشناس مدفون در این شهر عبارتند از: (۲)

۱- جعفر الدجیلی، موسوعه النجف الاشرف،

۲- (۲) محمد علی جعفر التمیمی، مشهد الامام أو مدینه النجف ص ۹۸۱۰۳

ص:۸۳

۱ خباب بن الارت (متوفی سال ۳۷ ه ق)

۲ سهل بن حنیف (متوفی سال ۳۸ ه ق)

۳ خریم بن الاخرم (متوفی سال ۴۱ ه ق)

۴ ابوموسی الاشعری (متوفی سال ۴۲ ه ق)

۵ الاشعث بن قیس (متوفی سال ۴۲ ه ق)

۶ المغیره بن شعبه (متوفی سال ۵۰ ه ق)

۷ سمره بن جناده (متوفی سال ۵۹ ه ق)

۸ هانی بن عروه (متوفی سال ۶۱ ه ق)

۹ میثم التمار (متوفی سال ۶۱ ه ق)

۱۰ عبدالله بن یقطر (متوفی سال ۶۱ ه ق)

۱۱ زید بن الارقم (متوفی سال ۶۸ ه ق)

۱۲ عدی بن حاتم الطائی (متوفی سال ۶۸ ه ق)

۱۳ جابر بن سمره (متوفی سال ۷۴ ه ق)

۱۴ کمیل بن زیاد (متوفی سال ۸۲ ه ق)

۱۵ عبد الله بن اوفی (متوفی سال ۸۱ ه ق)

۱۶ شیخ طوسی (متوفی سال ۴۶۰ ه ق)

۱۷ سید رضی الدین علی بن طاووس (متوفی سال ۶۶۴ ه ق)

ص:۸۴

۱۸ جمال الدین بن طاووس (متوفی سال ۶۷۳ ه ق)

۱۹ علامه حلی (متوفی سال ۷۲۶ ه ق)

۲۰ مقدس اردبیلی (متوفی سال ۹۹۰ ه ق)

۲۱ شیخ فخر الدین طریحی (متوفی سال ۱۰۸۷ ه ق)

۲۲ شیخ احمد جزائری (متوفی سال ۱۱۵۱ ه ق)

۲۳ سید مهدی بحر العلوم (متوفی سال ۱۲۱۲ ه ق)

۲۴ سید عبدالله شبّر (متوفی سال ۱۲۴۲ ه ق)

۲۵ شیخ احمد نراقی (متوفی سال ۱۲۴۵ ه ق)

۲۶ شیخ مرتضی انصاری (متوفی سال ۱۲۸۱ ه ق)

۲۷ شیخ راضی بن شیخ محمد نجفی (متوفی سال ۱۲۹۰ ه ق)

۲۸ سید مهدی قزوینی (متوفی سال ۱۳۰۰ ه ق)

۲۹ سید محمد حسن شیرازی (متوفی سال ۱۳۱۲ ه ق)

۳۰ حاج حسین خلیلی (متوفی سال ۱۳۲۶ ه ق)

۳۱ سید محمد سعید حبوبی (متوفی سال ۱۳۳۳ ه ق)

۳۲ علامه سید علی داماد (متوفی سال ۱۳۳۶ ه ق)

۳۳ سید محمد رضا استرآبادی (متوفی سال ۱۳۴۶ ه ق)

۳۴ علامه محمد جواد بلاغی (متوفی سال ۱۳۵۴ ه ق)

ص:۸۵

۳۵ شیخ نائینی (متوفی سال ۱۳۵۵ ه ق)

۳۶ شیخ ضیاء الدین عراقی (متوفی سال ۱۳۶۱ ه ق)

۳۷ سید ابوالحسن اصفهانی (متوفی سال ۱۳۶۵ ه ق)

۳۸ سید محمد کاظم یزدی (متوفی سال ۱۳۷۰ ه ق)

۳۹ شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (متوفی سال ۱۳۷۳ ه ق)

۴۰ سید محسن حکیم (متوفی سال ۱۳۷۵ ه ق)

۴۱ سید ابوالقاسم خوئی (متوفی سال ۱۴۱۳ ه ق)

۴۲ سید عبد العلی سبزواری (متوفی سال ۱۴۱۴ ه ق)

۴۳ سید عبدالمجید خوئی (متوفی سال ۱۴۲۴ ه ق)

۴۴ سید محمد باقر حکیم (متوفی سال ۱۴۲۴ ه ق)

مدفن یاران خاص حضرت علی (ع):

در منطقه‌ای به نـام (الثویه) که امروزه به صورت تپه‌ای در کنار مسـجد حنانه قرار دارد بسـیاری از اصـحاب خاص امیر المومنین (ع) دفن شده‌انـد که ازجمله می‌توان افراد زیر را نـام برد: خبـاب بن الارت، احنف بن قیس، جویریه بن مسـهر عبـدی، سـهل بن حنیف، کمیل بن زیاد نخعی، عبد الله بن أوفی و رشید هجری.

ص:۸۶

شهر نجف از دید جهانگردان

ابن جبیر (متوفی ۵۸۰ ه ق) جهانگرد معروف اندلسی که شرح سفر خود را در سفرنامه خویش ثبت کرده است در این باره می گوید:

(در سمت غرب شهرکوفه و در فاصله یک فرسخی، مرقد مشهوری وجود دارد که به حضرت علی بن ابی طالب (ع) نسبت داده می‌شود وگویند که شترآن حضرت که حامل جنازه وی بود، چون بدین جا رسید بر روی زمین زانو زد و فرزندان آن حضرت وی را در همان جا به خاک سپردند و گویند که اکنون قبر وی در همان جاست و خداوند به صحت آن داناتر است. آن طور که به ما گفته شد مرقد آن حضرت بنایی باشکوه است که ما به علت ضیق وقت موفق به مشاهده آن نشدیم زیرا که در شهر کوفه فقط شنبه شب را اقامت کردیم) (۱).

هروی در کتاب خود (الاشارات فی معرفه الزیارات) نیز از نجف سخن می گوید. ابن بطوطه که در سال ۷۲۶ ه ق از شهر نجف دیدن کرده است، در سفرنامه خود درباره شهر نجف و مرقد مطهر حضرت علی (ع) چنین می گوید: از قادسیه حرکت کردیم و به نجف که مدفن علی بن ابی‌طالب (ع) است رسیدیم. این شهر نیک در زمینی پهناور و سخت واقع شده است و یکی از بهترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای عراق می‌باشد که بازارهای خوب و تمیزی دارد. از باب الحضره وارد نجف شدیم و بعد از عبور از بازار بقالان و طباخان و خبازان به بازار میوه فروشان

۱- ابن جبیر، الرحله ص ۱۶۶

ص:۸۷

و خیاطان و قیصریه و بازار عطاران رسیدیم. آخر بازار عطاران باب حضرت است و قبری که معتقدند از آن علی (ع) می‌باشد در این محل است. روبروی مقبره، مدارس و زوایا و خانقاه‌ها قرار دارد که دایر و با رونق می‌باشند دیوارهای مقبره از کاشی است که چیزی همانند (زلیج) است اما از حیث جلاـ و نقش زیباتر از آن است. از باب حضرت وارد مدرسه بزرگی می‌شود که طلاب و صوفیان شیعه در آن سکونت دارند. در این مدرسه از هر مسافر تازه وارد تا سه روز پذیرایی می‌شود و هر روز دوبار غذایی مرکب از نان وگوشت وخرما به مهمانان می‌دهند. از مدرسه وارد باب القبله می‌شوند. حاجبان، نقیبان و سرایداران در این محل مراقب زوار می باشند و چون کسی برای زیارت وارد می‌شود به نسبت وضع و مقامش همگی آن جماعت یا یکی از آن ها بلند می شوند و با او در آستانه حرم می‌ایستند و اذن دخول می‌خوانند به این مضمون: (به فرمان شما ای امیرالمومنین (ع) این عبد ضعیف اذن می‌خواهد به روضه وارد شود اگر اذن می‌فرمائید که بیاید وگرنه باز گردد و اگر او اهلیت و شایستگی این مقام را ندارد باری شما اهلیت کرامت و عفو و اغماض را دارید) سپس اشارت می کنند که آستانه را و دو طرف چارچوبه در ورودی را ببوسد و داخل حرم بشود. (۱) داخل حرم با انواع فرش های ابریشمین و غیره مفروش است و قندیل‌های بزرگ و کوچکی از طلا ونقره در آن آویخته اند، در وسط حرم مصطبه چارگوشی است که

۱- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه ترجمه دکتر محمد علی موحد

ص:۸۸

صندوقی چوبین دارد وبر روی صندوق صفحات طلای پرنقش و نگاری که در ساختن آن کمال استادی و مهارت را به کار برده‌اند با میخ های نقره فروکوفته‌اند چنان که از هیچ جهت چیزی از چوب نمودار نیست. ارتفاع مصطبه کمتر از ارتفاع قامت آدمی است و در آن سه قبر هست که می گویند یکی از آن آدم (ع) و دیگری از آن نوح (ع) و سومی از آن علی (ع) می‌باشد و بین این سه قبر در طشت های زرین و سیمین، گلاب و مشک و انواع عطریات دیگر گذاشته‌اند که زوار دست خود را در آن فروبرده به عنوان تبرک بر سر و روی خود می کشند.

در دیگرحرم که آستانه‌ای نقره ای و پرده‌های ابریشمین الوان دارد به سوی مسجدی باز می‌شود که آن خود چهار در دارد و هر چهار در دارای آستانه‌های نقره و پرده‌های ابریشم می‌باشد. داخل مسجد نیز فرش های عالی انداخته‌اند و دیوارها و سقف آن با پرده‌های حریر مستور است. همه مردم این شهر رافضی(۱) مذهب می‌باشند و از این روضه کرامت ها ظاهر می‌شود که منشأ عقیده مردم بر این که قبر علی (ع) در آن است همین کرامت ها می‌باشد. از جمله آن که در شب بیست وهفتم رجب که (لیله المحیا) می‌نامند عراقیان و خراسانیان و فارسیان و رومیان گروه گروه سی تن و چهل تن بعد از نماز خفتن در آنجا گرد می‌آیند و بیماران افلیج و زمین گیر را روی ضریح مقدس می گذارند و خود به نماز و ذکر و قرآن و زیارت مشغول می‌شوند و چون پاسی از شب گذشت همه مریض‌ها که شفا یافته

۱- علی رغم اینکه وی شیعیان را رافضی خطاب کرده ولی خود اقرارمی کند که شفا یافتن بیماران رابه حد استفاضه درک کرده است.(ویراستار)

ص:۸۹

و صحیح و سالم گشته‌اند برخاسته ذکر لااله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله می‌گویند و این حکایت در میان آنان به حد استفاضه رسیده و گرچه من خود آن شب را درک نکردم داستان آن را از اشخاص مورد اعتماد شنیدم و در مدرسه حرم سه تن از این اشخاص را دیدم که هر سه زمین گیر بودند یکی از روم آمده بود و دیگری از اصفهان و سومی از خراسان، از حالشان جویا شدم گفتند که امسال به (لیله المحیا) نرسیده‌اند و منتظرند که سال آینده آن شب را درک کنند. در این شب مردم ازشهرهای مختلف در نجف جمع می شوند و بازار بزرگی در آن شهر برپا می‌شود که تامدت ده روز برقرار می‌ماند.

در شهر نجف نه مأمور عوارض و مالیات هست و نه والی. تمام کارهای شهر دست نقیب الاشراف است. اهل نجف تجارت پیشه‌اند و در اقطار جهان به مسافرت و بازرگانی می‌پردازند و به شجاعت و سخاوت موصوف‌اند و در سفر بسیار خوش معاشرت هستند اما همگی درباره حضرت علی (ع) غلو می‌کنند. از شهرهای عراق هرکس که بیمار می‌شود نذری برای روضه علی (ع) می‌کند. بیشتر اشخاص که مثلًا از ناحیه سر دچار مرضی می شوند از طلا یا نقره علامتی به شکل همان عضو نذر و به خزانه هدیه می کنند. خزانه مزبور بسیار بزرگ و موجودی آن به قدری است که قابل ضبط نمی‌باشد.

نقیب الاشراف از سوی پادشاه عراق تعیین می‌شود و او نزد پادشاه مقامی بلند و منزلتی رفیع دارد. هنگام مسافرت نقیب تشریفات خاصی را که برای امرای بزرگ مرسوم است در حق او هم مرعی می‌دارند و علم‌ها و طبل‌ها با او به راه می‌اندازند و بر در خانه او هر صبح و شام طبلخانه نوبتی فرو می‌کوبند. حاکم و مالیات بگیر

ص:۹۰

شهر نجف هم او است. نقیب نجف هنگام مسافرت من به آن شـهر نظام الدین حسین بن تاج الدین الاوی بود (آوه شهری است در عراق عجم که سکنه آن رافضـی مـذهب اند) پیش از این نقیب هم جماعتی یکی پس از دیگری متصدی این منصب بوده‌اند مانند جلال الدین بن الفقیه و قوام الدین بن طاووس و ناصر الدین مطهر هروی و ابو غره بن سالم مدنی.

عبـدالوهاب عزام در سـفرنامه خود می‌نویسـد که در سال ۱۳۴۹ ه ق از نجـف دیـدن کرده اسـت، او می گویـد: بـه حرم بزرگ آن حضـرت وارد شـدیم، هنگـام غروب بود و عظمت آن محل مارا فراگرفته بود اما این ها باعث نشـد که از زیبایی گنبـد با شـکوه آن وزر و زیور آویخته در داخل حرم غافل شویم.

در سال ۱۱۵۴ ه ق عبـدالکریم کشـمیری که یکی از درباریان نادرشاه افشار بود از نجف دیـدن نموده و در سـفرنامه خود که (بیان واقع) نام دارد درباره نجف چنین می گوید:

(آبادی این شهر به دلیل نبودن کشاورزی و رودخانه، از آبادی کربلا کمتر است و سکان این مکان کرامت بنیان، بیشتر مردم صالح و قانع هسـتند و در بیرون حصار از بیم تاراج اعراب بادیه نمی توان نشست و مردم همه در داخل (شهر پناه) (حصار) سکونت دارند وگنبد شاه ولایت پناه رضی اللّه تعالی عنه و کرم الله وجهه در کمال عظمت و تزیین در وسط شهر است. جواهر آبدار بر مرقد منوّره نصب کرده اند).

ص:۹۱

در این هنگام نادرشاه، ابراهیم خان زرگرباشی را مأمور فرموده بود که به کربلا و نجف رفته، گنبد حضرت علی (علیه السلام) و حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را مطلا سازند. چنان که گنبد حضرت امام رضا (علیه السلام) در مشهد و مساجد ظفرخان روشن الدوله در شاه جهان، آباد است. زرگر باشی به حضور بنده در تهیه این امر، که متضمّن سرخ رویی آمر و مأمور بود، مشغول گردید و آن را به مدد حضرات به وجه أحسن به اتمام رسانید. در باب آوردن آب فرات به نجف اشرف نیز سعی بسیار کرده بود. اما سه فرسخ از نهر کنده شده بود که نادرشاه کشته شد و کار نهر معطّل ماند.

می گفتند که قبر نوح و آدم صفی اللّه (علیهما السلام) در گنبد حضرت شاه ولایت پناه است. لیکن قبر این دو بزرگوار ظاهر و بلند نیست.

اماکن زیارتی شهر نجف

۱. حرم مطهر حضرت علی (ع):

اشاره

مهمترین مکان مقدس شهر نجف حرم مطهر حضرت علی (ع) است که اصولًا شهر نجف به برکت این مکان مقدس ساخته شد و اماکن زیارتی بعدی در کنار آن قرار گرفته‌اند هرچند که زیارتگاه‌های دیگری متعلق به حضرت آدم و نوح و هود و صالح قبلًا در این مکان وجود داشته است اما در حقیقت عزت شأن این محل به دربرگرفتن جسد مطهر حضرت علی (ع) است.

ص:۹۲

الف توصیف حرم مطهر:

اشاره

ساختمان فعلی مرقد در حقیقت همان ساختمانی است که شاه صـفی ساخته است، قبر مطهر در زیر گنبد بلندی است که سرتاسر آن طلاـپوش است و در اطراف قبر مطهر روضه‌ای است که طول هر ضـلع آن سـیزده متر است ودر چهـار سوی روضه مطهر رواق های مسقفی وجود دارد. در سمت شرقی روضه، ایوان طلا قرار دارد که در دو سوی آن دو مناره طلاپوش قرار دارند.

اعجاز هندسی حرم:

شکل بنای مطهر حضرت علی (ع) به گونه‌ای ساخته شده است که:

۱. چون آفتاب ظهر بر بنای حرم سایه افکند، بنا به گونه‌ای ساخته شده است که سایه آن چون بر نقطه معینی فرود آید، آن امر دلیل وقوع ظهر شرعی است و این مسأله در هنگام تابستان و زمستان تفاوتی نمی کند.

۲. در هر سپیده دم اولین اشعه آفتاب بر ضریح مطهر می‌تابد و این مسأله در هنگام تابستان و زمستان تفاوتی نمی کند.

این امر احتیاج به دقت فراوان وآشنایی کافی با علم نجوم و هیئت دارد.

روضه شریف:

قبر مطهر حضرت علی (ع) در وسـط روضه مربعی شـکل شـریف قرار گرفته و بر بالاـی قبر مطهر دو گنبـد خارجی و داخلی وجود دارد، گنبد خارجی نوک تیز بوده و ضـخامت دیواره‌های آن هشت سانتی متر وارتفاع آن از سطح ضریح ۴۲ متر وقطر آن ۱۶ متر و محیط قاعده آن ۵۰ متر است، گنبد داخلی دایره‌ای شکل بوده و

ص:۹۳

ضخامت دیواره آن ۶۰ سانتی متر و ارتفاع آن از سطح ضریح ۳۵ متر وقطر آن ۱۲ متر است.

گنبد بر روی حاشیه‌ای بلند که ارتفاع آن ۱۲ متر است قرار گرفته و این حاشیه ۱۲ پنجره برای نورگیری وتهویه دارد. گنبد از درون و بیرون بـا نقش و نگارهـای بسـیار زیبـای اسـلامی مزین شـده است و مقرنس کاری آن از داخل با آیینه کاری زیبا وکاشـیکاری و خطـاطی و نقش‌های زیبا مزین شـده است. سـطح خارجی گنبـد قبلًا کاشـیکاری بود و پس از مشـرف شـدن نادرشاه به زیارت حرم مطهر، نامبرده دستور داد که کاشیکاری گنبد و ایوان وگلدسته را طلاکاری کنند ومبالغ هنگفتی را در این راه صرف نمود.

در زیر گنبد قبر شـریف قرار دارد و صندوقی از چوب ساج هندی که یکی از شاهکارهای منبتکاری اسلامی است و در آن صدف، عاج، آبنوس و انواع دیگری از چوبهای گرانقیمت و زیبا کار شـده است و بر روی آن نوشـته هایی به زبان عربی کنـده کاری شـده است، تاریخ ساخت این صـندوق ۱۲۰۲ ه ق است بر بالای صـندوق مقصـوره‌ای از آهن قرار دارد و بر بالای آن مقصـوره دیگری وجود دارد که از نقره خالص ساخته شده و ظاهراً در دوره صـفویان قرار داده شده بود. مقصوره اخیر در سال ۱۳۶۱ ه ق با مقصوره جدیـد دیگری تعویض شـد که این مقصوره حاوی ده هزار و پانصد مثقال طلا و دو میلیون مثقال نقره بوده است و شاهکاری از هنر طلاکاری و نقره کاری به شمارمی‌رود.

ص:۹۴

دیوارهای روضه که گنبـد بروی آن قرار دارد هفـده متر ارتفاع دارد و تا ارتفاع یک متر و نیم از زمین با مرمر پوشـیده شده و بالای آن نیز کاشـیکاری بوده و مزین به نقوش و نوشـته هایی از آیات قرآن کریم است، سـپس تا حاشـیه گنبد از سنگهای گرانبها و نادر پوشانده شده است و پس از آن آیینه کاری قرار دارد که توسط هنرمندان اصفهانی در دهه چهل شمسی انجام شده است.

روضه شـریف شـش در دارد، دو در غربی به رواق منتهی نمی‌شود زیرا که در پشت آن پنجره‌ای از نقره قرار گرفته، دو در شرقی به سمت رواق مقابل در ایوان طلا منتهی می شونـد، ودو در شـمالی که در پشت سـر امام قرار گرفته و به رواق منتهی می‌شوند. دو در شرقی عبارتند از در سمت راست که در سال ۱۳۷۶ ه ق نصب شده و توسط لطف علی خان ایروانی اهدا شده بود و در سـمت چپ که در سال ۱۲۸۷ ه ق نصب شـده است و ناصـر الدین شاه قاجار آن را اهدا کرده بود هردو در مذکور از نقره ساخته شده بود و در سال ۱۳۷۶ ه ق بـا دو در طلاـیی زیبـا که هزینه سـاخت آنهـا را حاج محمـد تقی اتفاق طهرانی پرداخته بود تعویض گردیـد. دو در شمالی که به پشت ضـریح منتهی می‌شوند از نقره خالص ساخته شده و در گذشته یک در بوده است اما در سال ۱۳۶۶ ه ق از جای خود برداشته شد و بجای آن دو در گذاشته شد(۱).

چهار در فوق الذکر راه‌های ورود و خروج مردم به روضه مطهر است.

۱- محمد علی جعفر التمیمی مشهد الامام أو مدینه النجف ص ۲۲۱۲۴۱

ص:۹۵

صحن شریف:

اشاره

اطراف صحن شریف را دیواری مربع شکل فرا گرفته که طول هر یک از دو ضلع غربی و شرقی آن از خارج ۸۴ متر و از داخل ۷۷ متر است. ضلع شمالی آن از خارج ۷۴ متر و از داخل ۷۲ متر طول دارد و اما طول ضلع جنوبی دیوار از خارج ۷۵ متر واز داخل ۷۲ متر است. ارتفاع دیوار ۱۷ متر بوده و از دوطبقه تشکیل شده است، طبقه اول از ۵۴ ایوان سقف دار تشکیل شده که در مقدمه آنها حجره‌ای است که قبر یکی از مشاهیر درآن قرار دارد و معمولًا طلبه‌ها در آن سکونت می‌کنند و اکنون محل قرائت قرآن بر اموات شده است. اما طبقه دوم حوالی ۷۸ حجره دارد که این حجره‌ها نیز محل سکونت طلبه‌ها بوده و دیوارهای آن کاشیکاری شده و بر بالای آن کتیبه‌هایی از آیات قرآنی وجود دارد. دیوار مذکور تمامی صحن شریف را که مساحت آن بالغ بر هشت هزار متر مربع است در بر می‌گیرد. کف صحن پوشیده از مرمر است و قبلًا کف صحن پوشیده از قبرها و سنگ قبرهای مختلف بود که باعث دشواری رفت وآمد زوار می‌شد. در سال ۱۲۰۶ ه‍ ق سرداب هایی ساخته شد و بسیاری از قبرها به آن منتقل شد و سپس کف صحن هموار شده و با مرمر پوشانده شد. (۱) دیوار صحن شریف پنج در دارد که عبارتند از:

۱- یعنی اوائل دوره قاجاریه و باتلاش علامه سید مهدی بحر العلوم(ویراستار) آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها،(۸۷)

ص:۹۶

۱. باب الکبیر یا دربزرگ:

که رو به بـازار (سوق الکبیر) یـا بازار بزرگ باز می‌شود و بر بالای این در ساعتی نصب شـده که آن را وزیر ایرانی (امین السـلطان) در سال ۱۳۰۵ ه ق به حرم مطهر اهدا نمود و در سال ۱۳۲۳ ه ق چهار سوی این ساعت و همچنین گنبدی که بر بالای در قرار گرفته با آجرهای طلایی تزئین گردید.

۲. باب مسلم بن عقیل:

در سمت راست باب الکبیر واقع شده و در اصلی محسوب نمی‌شود.

۳. باب الطوسی:

این در رو به قبر شیخ طوسی متوفی سال ۴۶۰ ه ق باز می‌شود.

۴. باب القبله

: در قبله کوچکترین در صحن به شمارمی‌رود و بارها بازسازی شده است.

۵. باب السلطانی:

یا در سـلطانی که در سمت غربی صحن قرار گرفته و علت تسمیه آن این است که در سال ۱۲۷۹ ه ق و در دوران سلطنت عبدالعزیز عثمانی افتتاح شد. نام دیگر این در باب الفرج است زیرا که منتهی به مقام امام زمان (عج) می‌شود. (۱)

گلدسته‌ها:

گلدسـته‌های حرم در دو گوشه ایوان و در سـمت شـرقی روضه شـریف قرار گرفته‌انـد و قطر هرکدام از آنها ۲/ ۵ متر و محیـط آنها هشت متر و ارتفاع هرکدام ۳۵ متر

۱- محمد علی جعفر التمیمی مشهد الامام اؤ مدینه النجف ص ۲۶۵۲۶۶

ص:۹۷

است. گفته می‌شود که هر گلدسته چهار هزار آجر از طلای خالص دارد و در ارتفاع ۲۵ متری گلدسته‌ها نواری به پهنای یک متر وجود دارد که با خط زیبای عربی آیاتی از سوره جمعه نقش بسته و بر بالای نوشته‌ها مقرنس کاری هایی وجود دارد که به جایگاه مؤذن منتهی می گردد که قطر آن یک متر و نیم و ارتفاع آن سه متر است و بر بالای آن استوانه‌ای باریک قرار گرفته که قطر آن یک متر و نیم و ارتفاع آن شش متر است و در انتهای این استوانه کلاهکی وجود دارد که بر بالای آن نقش هلال قرار گرفته است. در سال ۱۱۵۶ ه ق نادر شاه افشار دستور داد که کاشیکاری گلدسته‌ها وگنبد و ایوان را جمع نموده و بجای آنها آجرهای طلا استفاده شود. در سال ۱۲۸۱ ه ق گلدسته جنوبی را کاملاـ تخریب کرده و بازسازی نمودند. در سال ۱۳۵۲ ه ق مجدداً گلدسته مذکور تخریب و بازسازی شد. اما گلدسته شمالی که در مجاورت قبر علامه حلی قرار دارد دوبار، یکی سال ۱۳۱۵ ه ق و بار دیگر در سال ۱۳۶۷ ه ق تخریب و مجدداً بازسازی گردید.

رواق حرم مطهر:

رواق‌ها چهار سوی روضه مطهر را فرا گرفته‌اند و همگی آنها مفروش بوده و دیوارهای آن به دیوار روضه شریف متصل است. سقف این رواق و قسمتی از دیوارها آیینه کاری شده است. بخش پایینی دیوارها مرمرکاری شده است. ارتفاع دیوار رواق مساوی ارتفاع دیوار روضه و دیوار صحن می‌باشد و مساحت رواق از شرق به غرب در حدود ۳۰ متر و از شمال به جنوب در حدود ۳۱ متر است.

ص:۹۸

رواق سه در دارد: دو در از آنها روبروی یکدیگرند و عبارتند از در شمالی و درجنوبی، در شمالی مقابل درصحن است که به نام باب الطوسی معروف است، و درجنوبی مقابل باب القبله است. این در از نقره ساخته شده وآب طلا داده شده است و در سال ۱۳۴۱ ه ق نصب شده است و هزینه آن را مادر حاج عبدالواحد شیخ قبیله آل فتله پرداخت کرده است و این در به نام باب المراد معروف است، اما در سوم، دری است که در ایوان طلاـ قرار دارد و یکی از درهای گرانبهای حرم مطهر است که در سال ۱۳۷۳ ه ق نصب شده و علاوه بر میناکاری، سنگهای گرانبها در آن جاسازی شده وآیات قرآن و اشعار زیبا روی آن خطاطی شده است.

سال ۱۳۷۳ ه ق در جدید دیگری باز شد که به رواق راه دارد و از کنار مرقد علامه حلی می گذرد. دیوارهای روضه و ایوان‌های خارجی همه کاشیکاری شده ودر بالای آن نواری پهن مزین به خط زیبای ثلث وجود دارد. این آثار بیشتر متعلق به دوره عثمانی‌ها است.

ایوان طلای بزرگ:

ایوان طلا در سمت شرقی حرم قرار دارد که دیوارها و سقف آن با آجر طلا پوشانده شده است. در دو گوشه ایوان طلا دو گلدسته طلاـ قرار دارند و دوسوی در قصیده‌ای با خط طلای برجسته به زبان فارسی نوشته شده است و بالای آن تاریخ تذهیب گنبد، گلدسته‌ها و ایوان به دستور نادر شاه افشار ذکر شده است. در ایوان طلا بسیاری از علما و بزرگان شیعه دفن شده اند، بطوری که در سمت راست ایوان حجره‌ای است که قبر علامه حلی درآن واقع شده است و در سمت چپ حجره دیگری است که قبر مقدس اردبیلی در آن قرار دارد و امروزه این مکان

ص:۹۹

محل نگهداری بعضی از اشیاء نفیس حرم مطهر است. جلوی ایوان فضایی باز وجود دارد که یک متر از سطح صحن مطهر بالاتر است و طول آن ۳۳ متر و عرض آن ۲۰ متر است.

ب تاریخچه حرم مطهر حضرت علی (ع):

مرقد مطهر حضرت علی (ع) در طول دوران حکومت بنی امیه مخفی و پنهان بود و بجز فرزندان آن حضرت و برخی از خواص شیعیان کسی از محل آن اطلاعی نداشت. پس از سقوط حکومت اموی و سرکار آمدن عباسی ها، با برملا شدن راز محل دفن آن حضرت به تدریج شیعیان بسوی آن رو آوردند.

هنگامی که داود بن علی عباسی اقبال مردم بسوی آن مرقد شریف را مشاهده کرد، تعدادی کارگر را به سر قبر فرستاد تا آن را نبش کنند و محتویات آن را برایش بیاورند، کارگران چون قبر را به اندازه پنج ذراع نبش کردند به زمین سختی رسیدند که نتوانستند آن را بشکافند، پس از غلام نیرومندی خواستند که به کمک آنها بشتابد، غلام چون سه بار کلنگ زد ناگهان فریادی کشید و در جای خود مرد، چون این خبر را به داود رساندند، از کار خود توبه کرد و به علی بن مصعب بن جابر دستور داد که صندوقی ساخته و بر روی قبر بگذارند.

چندی نگذشت که شیعیان دوباره تحت آزار و فشار حکومت عباسی‌ها قرار گرفتند و بدین علت زیارت مرقد آن حضرت متروک شد.

ص:۱۰۰

هنگامیکه ابوجعفر منصور به خلافت رسید، سعی کرد مرقد مطهر را دوباره نبش کند و به غلام خود دستور داد که آن را بشکافد، و چون به قبر مطهر رسید، از آن کار پشیمان شد و دستور داد دوباره آن را بپوشانند.

در سال ۱۷۰ ه ق بنا به گفته ابن طحال در کتاب فرحه الغری هارون الرشید خلیفه عباسی دستور داد که ساختمانی با آجر سفید رنگ و به طول و عرض یک ذراع بر روی قبر مطهر حضرت علی (ع) ساخته شود. همچنین وی دستور داد که گنبدی از گل سرخ نیز برای مرقد آن حضرت ساخته شود. علت این امر این بود که روزی هارون الرشید به منظور شکار بیرون رفت و سگهای شکار وبازهای او دنبال آهوئی کردند و آهو به زمینی پناهنده شد که سگهای شکاری وبازها بدان زمین وارد نشدند، پس هارون الرشید در شگفت شد و از یکی از کهن سالان کوفه علت امر را جویا شد و او پاسخ داد که آهو به قبر حضرت علی (ع) پناه آورده است و از این رو حیوانات شکاری از دنبال کردن آن روی برگردانده اند. هارون الرشید چون این را شنید دستور داد که ساختمان فوق الذکر را بر روی قبر آن حضرت بنا کنند(۱).

هنگامی که متوکل عباسی به خلافت رسید دستور داد قبر مطهر حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) را ویران کنند.

۱- همان منبع ص ۱۹۹۲۰۰

ص:۱۰۱

در سال ۲۵۰ ه ق عمر بن یحیی فرماندار کوفه دستور داد که قبر مطهر حضرت علی (ع) را بازسازی کنند.

در قرن سوم ه ق والی طبرستان محمد بن زید داعی (متوفی سال ۲۸۷ ه ق) ساختمان مرقد را تجدید بنا کرد و گنبدی برای مرقد ساخت و دورتادور آن را دیوار کشی کرد.

در اواخر قرن سوم شاهزاده ابو الهیجاء عبدالله بن حمدان (متوفی سال ۳۱۷ ه ق) که یکی از شاهزادگان خاندان شیعی مذهب بنی حمدان بود مرقد مطهر را باز سازی کرد وآن را با پرده‌های نفیس و حصیر گران قیمت فرش کرد.

در سال ۳۷۲ ه ق عضدالدوله بویه (متوفی سال ۳۷۲ ه ق) مرقد مطهر را دوباره بازسازی کرد و اموال بسیاری در این راه خرج نمود وکارگران و نجاران بسیاری از سایر مناطق به آنجا برد و مردم را به رفتن به آنجا تشویق نمود.

ابن جبیر جهانگرد معروف (متوفی سال ۵۸۰ ه ق) در این باره می گوید:

(در غرب شهر کوفه و در فاصله یک فرسخی مرقد معروفی است که به حضرت علی بن ابی طالب (ع) نسبت داده می‌شود که متأسفانه بعلت کمبود و قت موفق به زیارت آن نشدیم).

ساختمان عضد الدوله در آتش سوزی سال ۷۵۵ ه ق در آتش سوخت زیرا که دیوارهای مرقد از جنس چوب ساج نقش دار بود. البته این آتش سوزی همه آثار عضد الدوله را از بین نبرد بلکه قسمتی از آثار بنا برجای ماند به طوریکه محمد

ص:۱۰۲

حسین کتابدار می‌گوید بخشی از بنای عضد الدوله تا سال ۱۰۴۱ ه ق هنوز پابرجا بوده است.

در سال ۷۶۰ ه ق سلطان اویس بن حسن جلایری آن را بازسازی کرد.

شاه عباس کبیر در دوران پادشاهی خود و تحت نظر شیخ بهائی اقدام به بازسازی روضه، گنبد وصحن شریف نمود.

در سال ۱۰۴۷ ه ق شاه صفی صفوی، نواده شاه عباس، مرقد مطهر را مجدداً بازسازی کرده وآن را توسعه داد و پس از درگذشت او در سال ۱۰۵۲ ه ق، پسرش شاه عباس دوم کار پدر را ادامه داده وآن را به اتمام رساند.

در سال ۱۱۵۵ ه ق نادر شاه افشار در سفری به عتبات عالیات دستور تعمیر و بازسازی خرابی‌ها را داده و او اولین کسی است که دستور داد گنبد حرم مطهر طلا آذین شود.

در سال ۱۲۰۴ ه ق، محمد خان پسر حسن خان قاجار مؤسس سلسله قاجار ضریحی از نقره ساخت و فرستاد که بر روی قبر مطهر نهاده شد.

در سال ۱۲۱۷ ه ق بعلت حملات مکرر وهابی‌ها به شهرهای نجف و کربلا، دورتادور شهر نجف بارویی کشیده شد که آثار برجای مانده آن تا سال ۱۳۸۵ ه ق همچنان پابرجا بود.

در سال ۱۲۲۰ وهابی‌ها به رهبری خاندان آل سعود به شهرهای نجف وکربلا حمله کردند و طلاها ونقره‌های موجود در حرم مطهر حضرت علی (ع) را غارت کردند.

ص:۱۰۳

در سال ۱۳۶۱ ه ق طایفه شیعیان اسماعیلی بهره، دوباره ضریح نقره حرم مطهر را بازسازی کردند که این ضریح تا روزگار ما باقی مانده است.

در سال ۱۳۷۶ ه ق تاجری ایرانی به نام حاج محمد تقی اتفاق در طلا را به حرم مطهر حضرت علی (ع) هدیه نمود و با تلاشهای سید محمد کلانتر این در نصب گردید(۱).

ج. موزه یا گنجینه حرم مطهر:

در حرم مطهر حضرت علی (ع) موزه‌ای قرار دارد که هدایای بسیاری را در برمی گیرد، این هدایا درطی قرون متمادی توسط پادشاهان، سلاطین، وزرا، بزرگان حکومتی، سران لشکری، تجار و اشراف به مرقد مطهر هدیه شده اند. کهن ترین این اشیاء متعلق به قرن چهارم هجری و دوران حکومت آل بویه است. این اثر عبارت است از پارچه گرانبهایی که عضد الدوله بویه در سال ۳۷۲ ه ق بعنوان روپوش قبر هدیه کرده است و یکی از شاهکارهای فن نساجی وگلدوزی وگلابتون کاری است که حتی ساختن آن در قرن بیستم نیز دشوار به نظر می‌آید.

علاوه براین هدایای گرانبهای دیگری نیز در این موزه وجود دارد که تعداد آنها بالغ بر ۲۰۲۰ قطعه بوده و در خزانه‌ای که در جوار روضه مطهر در رواق جنوبی حرم واقع شده است نگهداری می گردد. این قطعات به شرح زیر می‌باشند:

۱- قائدان اصغر، عتبات عالیات عراق، ص ۳۸

ص:۱۰۴

۱. تعـداد زیـادی قرآن خطی گرانبها که بالغ بر ۵۵۰ نسـخه است که قـدیمی ترین آنهـا متعلق به قرن اول هجری است وآخرین آنها متعلق به قرن چهاردهم است.

۲. آثـار گرانبهای فلزی که ۴۲۰ قطعه می‌باشـند و از زیورآلات زرینی تشـکیل شده‌اند که با جواهراتی نظیر زمرد، الماس، مروارید، فیروزه وغیره آراسـته شـده انـد. همچنین قنـدیل‌های طلایی که با سـنگهای گرانبها مرصع شـده و نیز بخور دان‌ها، کاسه‌ها، آفتابه‌ها، زیارتنامه‌های فلزی، گلدانها، کشکول و مجموعه مختلفی از سلاح نیز ازجمله این آثارند.

۳. منسوجات که شامل ۴۴۸ قطعه بوده و عبارتند از پوشـش قبر، پرده‌ها، خیمه‌ها، لباس‌ها وغیره که برخی از آنها با سنگهای گرانبها تزئین شده اند.

۴. فرشهای نفیس که شامل ۳۲۵ قطعه فرش بوده و از نفیس‌ترین فرشـهای جهان به شمارمی‌روند، در این مجموعه فرشی وجود دارد با دو رو که نقشه هر روی آن با دیگری متفاوت است.

۵. آثار شیشه‌ای که ۱۲۱ قطعه بوده و شامل بلور و ظرفهای شیشه‌ای نادر و قندیل هاست.

۶. آثار چوبی که شامل ۱۵۶ قطعه بوده و بیشتر آنها را کشـکولهای ساخته شده از چوب ساج هندی با کنده کاریهای زیبا، همچنین رحلهای قرآن و زیارتنامه های چوبی تشکیل می‌دهند.

ص:۱۰۵

د. شخصیت‌های مهم مدفون در حرم مطهر حضرت علی (ع):

اشاره

در روضه و حرم مطهر حضرت علی (ع) بسیاری از شخصیات مختلف تاریخی مدفون شده‌اند که بعنوان مثال می‌توان افراد زیر را نام برد:

قبور موجود در روضه شریف:

۱. عضد الدوله بویه متوفی سال ۳۷۳ ه ق که در زیرپای حضرت به خاک سپرده شده است.

۲. شرف الدوله پسر عضد الدوله متوفی سال ۳۷۹ ه ق.

۳. بدربن حسنویه از شاهزادگان آل بویه که به شجاعت وعدالت وسیاستمداری مشهور بود.

بسیاری از شاهزادگان و وزرای آل بویه در این محل دفن شده‌اند و از جمله می‌توان بهاء الدین بن عضد الدوله و فیروز ابی النصر ملقب به بهاء الدوله را نام برد.

قبور موجود در رواق زیر گنبد:

۱. شاه عباس اول

۲. سلطان محمد قاجار متوفی سال ۱۲۱۱ ه ق که در رواق و در سمت شمال آن نزدیک منبر خاتم و در حجره مخصوصی دفن شده است که به حجره سلاطین معروف است.

ص:۱۰۶

۳. شاهزاده ملک کیومرث ملقب به ملک آرا پسر فتحعلی شاه قاجار متوفی سال ۱۲۸۸ ه ق که در ایران درگذشت و جنازه او به نجف منتقل شد.

۴. سلطان محمد حسن خان که جنازه اش به نجف منتقل شد.

۵. ملک حسین قلی خان که جنازه اش به نجف منتقل شد.

۶. فخر الملک ابوغالب وزیر سلطان الدوله متوفی سال ۴۰۶ ه ق

۷. ابوالقاسم حسین بن علی بن حسین بن علی، وزیر شرف الدوله متوفی سال ۴۱۸ ه ق

۸. یعقوب بن داود بن ظماء متوفی سال ۴۱۸ ه ق

۹. وزیر شرف الدین انوشیروان بن خالد متوفی سال ۵۳۳ ه ق

۱۰. حکمرانی به نام طاشکین متوفی سال ۶۰۲ ه ق

۱۱. امیر عماد الدین ابو المظفر حربدار.

۱۲. وزیر معز الدین معروف به ابن الحدید.

۱۳. مظفر الدین بن زین الدین.

۱۴. بدر الدین لؤلؤ.

۱۵. عماد الدین ابو الخیر فرزند وزیر نصر الدین.

۱۶. ملک عز الدین بن عبد العزیز متوفی سال ۶۷۲ ه ق.

۱۷. ملک عز الدین بن زید الاصفر، پادشاه سواکن.

ص:۱۰۷

۱۸. تیمور لنگ (متوفی سال ۸۰۷ ه ق) در سردابی نزدیک قبر شیخ طوسی دفن شده است.

۱۹. سید علاء الدین حسین وزیر شاه عباس اول متوفی سال ۱۰۶۴ ه ق

۲۰. مظفر الدین شاه که ابتدا جنازه اش در شاه عبدالعظیم حسنی به امانت گذاشته شد و بعداً به نجف منتقل شد.

علاوه برافراد فوق الذکر بسیاری از امیران، شاهزادگان خاندان آل حمدان، پادشاهان ایلخانی، ملوک مهاباد، پادشاهان مصر، وزرای دولت فاطمیین، امرا و شاهزادگان هند و پادشاهان ایران در حرم مطهر دفن شده اند. اما آرامگاه‌های علما و فقهای نامدار شیعه عبارتند از:

علامه حلی(۱): در اتاقی واقع در راهروی جنب گلدسته شمالی مدفون است. در این مقبره حاج آقا مصطفی خمینی هم دفن شده است.

مقدس اردبیلی: (۲) در اتاقی در ایوان طلا و جنب گلدسته جنوبی مدفون است.

سید محمد کاظم یزدی(۳): در مقبره بزرگی که در سمت شمال صحن قرار دارد دفن است.

۱- علامه حلی(۶۴۷ ه ق ۷۲۶ ه ق)

۲- (۲) مقدس اردبیلی(۱۲۴۹ ه ق ۱۳۵۰ ه. ق)

۳- (۳) سید محمد کاظم یزدی(۱۲۴۷ ه. ق ۱۳۲۸ ه. ق)

ص:۱۰۸

شیخ مرتضی انصاری(۱): در سمت غرب راهرو و دالان باب القبله و درون اتاقی دفن است.

میرزای نائینی(۲): که مدفون در دومین مقبره پیش از زاویه جنوبی است.

آخوند خراسانی(۳): در مقبره جنوبی واقع در دالان باب الذهب قرار دارد. نزدیک او مدفن فقیه مشهور میرزا حبیب الله رشتی و سید ابوالحسن اصفهانی واقع است.

آیت الله بهبهانی: وی از رهبران مشروطیت بود که به دست مخالفان و عوامل بیگانه ترور شد. قبر او در دومین مقبره پس از دروازه باب السوق، به سمت شمال قرار گرفته است.

علاوه بر بزرگان فوق الذکر که دارای مقابر مشهوری هستند، در صحن و حجره‌های اطراف آن نیز گروه زیادی از شخصیتهای دینی مدفونند که برخی از آنان عبارتند از: آیات عظام سید محمد سعید حبوبی، شربیانی، شیخ محمد حسن

۱- شیخ مرتضی انصاری(۱۲۱۴ ه. ق ۱۲۸۱ ه. ق)

۲- (۲) میرزای نائینی(متوفی ۱۳۵۵ ه. ق)

۳- (۳) آخوند خراسانی(۱۲۵۵ ه. ق ۱۳۲۹ ه. ق)

ص:۱۰۹

آشتیانی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمود شاهرودی، حاج آقا حسین قمی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید عبدالحسین شرف الدین، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، حاج محمد حسین امین الضرب و دیگر علما.

۲. مقام امام زین العابدین (ع):

این مقام در کنار حرم مطهر حضرت علی (ع) و در سمت قبله قرار دارد. گفته‌اند که امام زین العابدین (ع) هنگامیکه به زیارت جدش مشرف می‌شده، در این مکان شتر خود را می‌بست و با پای برهنه به زیارت قبر مطهر می‌شتافت و سپس بر می گشته و در همین مکان شب را به صبح می‌رسانده و باز می گشت. صفوی‌ها این مکان را ساختند که بعدها تجدید بنا شد، در محراب آن صخره ای زیبا و خوش‌تراش وجود دارد که بر روی آن حروف مقطعه‌ای حک شده است و گفته می‌شود که این نوشته ازکارهای شیخ بهائی است و عبارتست از طلسمی که برای نیش مار مفید است. برخی از مردم کرامات زیادی را به این محل نسبت می‌دهند.

۳. مقام حضرت مهدی) عج (:

این مقام در سمت غربی شهر و در قسمت آغازین قبرستان وادی السلام قرار دارد و اولین کسی که این مقام را بنا کرد (سید محمد مهدی بحر العلوم) بود اما این بنا در سال ۱۳۱۰ ه ق ویران شد و بعدها دوباره به شکل سابق بازسازی گردید وگنبدی با کاشیکاری فیروزه‌ای بر روی آن بنا گردید(۱)، در حالیکه قبلًا گنبد آن از

۱- در داخل ساختمان چاهی قرار دارد که به(بئر امام مهدی(عج)) معروف است.

ص:۱۱۰

گچ و سنگ ساخته شده بود. در داخل این مقام جائی وجود دارد که مقام (امام صادق (ع)) خوانده می‌شود، وظاهراً علت تسمیه این مقام حدیثی است که از امام صادق در هنگام زیارت مرقد مطهر جدش روایت شده است که چون آن حضرت به نجف رسید از شترش پیاده شد و دو رکعت نماز خواند، سپس کمی آن طرف تر رفت و دو رکعت دیگر خواند، سپس کمی آن طرف تر دو رکعت دیگر خواند و هنگامیکه از آن حضرت درباره اماکن مذکور پرسیدند، فرمود: اولین جا موضع قبر امیرالمؤمنین و دومین جا موضع رأس الحسین و سومی موضع منبر حضرت قائم (ع) است. و ظاهراً منظور آن حضرت از موضع رأس الحسین (ع) جائی است که سر مطهر امام حسین پس از آوردن به کوفه در این محل قرار داده شده است وگرنه صحیح آنست که سر مطهر امام حسین همراه با جسد مطهر وی در حرم شریفش در کربلا مدفون شده است.

۴. مرقد هود و صالح:

در قبرستان وادی السلام، در شمال شهر نجف، قبر پیامبران خدا هود و صالح (ع) قرار دارد وآرامگاه آنان بسیار معروف بوده و در میان خاص و عام مشهور است.

اولین کسی که بر سر قبر این دو پیامبر بزرگوار گنبدی از سنگ گچ بنا کرد، سید محمد مهدی بحر العلوم بود که متأسفانه این بنا بعد از مدتی ویران شد و مجدداً گنبد دیگری با کاشیکاری‌های فیروزه‌ای برآن بنا شد و در سال ۱۳۳۷ ه ق مرقد آنان دوباره بازسازی گردید.

ص:۱۱۱

۵. مرقد آدم و نوح:

در زیارتنامه حضرت علی (ع) می‌خوانیم که (وسلام بر تو، وسلام برآدم و نوح که درکنار تو دفن شده‌اند ...) و این موضوع دلالت دارد بر اینکه آدم و نوح در داخل روضه مطهر و درکنار قبر حضرت علی (ع) مدفون شده‌اند. ابن بطوطه در سفرنامه‌اش نیز می‌گوید که در هنگام دخول به روضه مطهر شاهد سه قبر بوده است که یکی متعلق به حضرت علی (ع) و دو قبر دیگر متعلق به آدم و نوح بوده است. جهانگرد دیگری به نام (سید علی ترکی) در کتاب خویش (مرآه الممالیك) می‌گوید که: در سال ۹۶۱ ه ق پس از زیارت حضرت علی (ع) در نجف به زیارت آدم و نوح و شمعون رفته است و این درحالی است که هیچ منبعی از دفن شمعون در نجف سخن نگفته است و هیچ کسی چنین مرقدی را سراغ ندارد.

۶. مسجد حنانه:

گویند که قبل از اسلام در این منطقه بنایی ایستاده قرار داشت که به آن (قائم) می‌گفتند و هنگامیکه جنازه مطهر حضرت علی (ع) را برای دفن به نجف می‌بردند، از جلوی این بنا عبور کردند و این بنا کمی انحنا پیدا کرد، از اینرو منطقه مذکور بعدها به نام حنانه معروف شد. برخی دیگر می‌گویند که ابن زیاد در محرم سال ۶۱ ه ق قافله اسرای اهل بیت را به همراهی سر مطهر امام حسین و سرهای سایر شهدا در این منطقه جای داد تا شهر کوفه را برای ورود آنان آماده کند و زمین از این مصیبت بزرگ سر به نوحه و زاری برداشت و برخی گویند اهل بیت (ع) با

ص:۱۱۲

دیدن سرهای شهدا سر به نوحه وزاری برداشتند و این منطقه به حنانه (ناله و نوحه کننده) معروف شد و بعدها در این محل مسجدی بنا شد که به مسجد حنانه معروف گردید.

مسجد حنانه از مساجد متبرکه شهر نجف است و یکی از سه جائی است که امام صادق در آنها نماز خوانده است. این مسجد در جاده نجف به کوفه و در شمال شهرنجف واقع شده است و نزدیک منطقه‌ای به نام الثویه است که مدفن بسیاری از خواص امیرالمؤمنین (ع) است که قبرهای آنان ویران شده است.

۷. مرقد کمیل بن زیاد:

این مرقد در بین راه نجف کوفه قرار دارد و بصورت حرم بزرگی با گنبد با شکوهی است. کمیل بن زیاد نخعی یکی از اصحاب نزدیک حضرت علی (ع) بود که حضرت علی (ع) دعای معروف به دعای کمیل را به او یاد داد. او در جنگ نهروان همراه آن حضرت بود و مردی مورد اعتماد و قلیل الحدیث بود و از عابدان کوفه به شمارمی‌رفت و حضرت علی (ع) او را به فرمانداری شهر هیت اعزام کرد. در دوران حجاج و بنا به دستور او کمیل دستگیر وکشته شد.

شیخ مفید در کتاب ارشاد گوید که چون حجاج به حکومت رسید، کسانی را به دنبال کمیل فرستاد وکمیل از دست آنها فرار کرد، حجاج نیز برای انتقام گرفتن از او، مقرری قوم او را از بیت المال قطع کرد و چون این خبر به کمیل رسید گفت: من پیرمردی بیش نیستم که عمرم به سر رسیده است و اکنون شایسته نیست که قوم من به خاطر من از مقرری خود محروم شوند، پس به نزد حجاج رفت و خود

ص:۱۱۳

را تسلیم کرد. حجاج چون او را دید گفت: دلم می‌خواست که به هر وسیله‌ای تو را دستگیر کنم. کمیل گفت: دندان هایت را برای من تیز نکن و سپس در ادامه به او گفت بـدان که امیرالمؤمنین (ع) به من خبر داد که تو قاتل من هستی، حجاج گفت: حجت بر تو تمام است. کمیل گفت: آری، این قضا و قدر است. سپس حجاج دستور داد که گردن او را زدند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقد می گوید: بر مرقد او در (الثویه) گنبدی سفید است و قبر او بر روی تپه‌ای قرار دارد که در حدود یک میل تا باروی شهر نجف فاصله دارد و امروزه مرقد او در جاده کوفه به نجف مشهور و معروف است و اطراف آن را مسجد بزرگی فرا گرفته که آن را سید محمد کلانتر تجدید بنا کرده است(۱).

در حیاط حرم کمیل بن زیاد مرقد شیخ احمد وائلی قرار دارد، شیخ احمد وائلی در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۴۷ ه ق در شهر مقدس نجف بـدنیا آمـد. خانواده او از طایفه بنی لیث بودند که از خاندان‌های بزرگ ناحیه فرات وسطی از قرن ششم هجری به بعد به شمارمی‌رفته‌انـد. در خانواده وائلی دهها شخصیت و چهره فرهنگی و مذهبی به ظهور رسیده است پدرش شیخ احمد حسون وائلی نام داشت که خطیبی مشهور و در عین حال کاسبی مغازه‌دار بود. شیخ احمد وائلی تحصیل در حوزه را از

۱- حرزر الدین، مراقد المعارف، جلد دوم ص ۲۱۹

ص:۱۱۴

نوجوانی آغاز کرد و همزمان به تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های فقه و ادب عرب در دانشگاه بغداد وسپس در دانشگاه قاهره پرداخت.

اشعار وائلی از محبوبیت واعتبار ادبی واجتماعی ویژه‌ای برخوردار بود. در میان اشعار او علاوه بر مضامین مذهبی، توجه جدی به مسائل اجتماعی و همچنین مسأله فلسطین دیده می‌شود. با این حال مهمترین مشخصه وائلی منبرهای پر شور وجذاب او بود.

شیخ احمد وائلی پس از به قدرت رسیدن صدام و افزایش فشار بر شیعیان، ۲۵ سال گذشته را دور از وطن گذرانـد و تنها پس از سقوط صدام حسین در اردیبهشت ۱۳۸۲، توانست به میهن خود باز گردد. با اینحال حضور او در عراق چندان نپایید و روز ۱۴ جمادی الاول سال ۱۴۲۴ ه ق (مصادف با دوم مردادماه ۱۳۸۲) در شهر کاظمین به رحمت ایزدی پیوست. جنازه او با حضور میلیونی شیعیان عراق تشییع شد و پیکر او در حیاط حرم کمیل بن زیاد در منطقه حنانه نجف اشرف به خاک سپرده شد.

۸. مسجد عمران بن شاهین:

از قدیمی‌ترین مساجد نجف است که در اواسط قرن چهارم هجری توسط عمران بن شاهین ساخته شد. عمران یکی از شورشیان علیه حکومت عضد الدوله بویه بود که شکست خورد و با خود عهد کرد که چنانچه سلطان از وی درگذرد دو رواق یکی در نجف ودیگری در کربلا بنا کند. رواقی که در نجف ساخت در سمت شمالی حرم مطهر قرار داشت و در آن هنگام حرم مطهر کوچک بوده و عبارت بود

ص:۱۱۵

از روضه مطهر و رواق آن همـان صـحن بود و در کنار صـحن ایوان شـرقی آن قرار داشت و مسـجد عمران چنـدگامی تا آن فاصـله داشت ... در دوران شاه عباس صـفوی صـحن را از جهت شـمال توسـعه دادنـد و این امر باعث شـد که قسـمتی از مسـجد عمران بن شاهین به صـحن افزوده شود. در دوران شاه صـفی باز خانه‌های اطراف حرم خریداری شد و بدینوسیله صحن بزرگی ساخته شد که تا امروز برجا مانده است. در سال ۱۳۶۸ ه ق دولت قسمت دیگری را تخریب نموده، خیابان کشی کرد و تنها قسمتی از مسجد باقی ماند که این قسمت تا روزگار ما باقی مانده است که در مسجد اکنون در راهروی حرم که به باب الطوسی منتهی می‌شود قرار دارد.

۹. مسجد الخضراء:

این مسـجد در جهت شـمال شـرقی دیوار خارجی صـحن شـریف واقع شده و مدخل آن از ایوان دوم دیوار شـرقی است، این مسجد بسـیار قـدیمی است و تاریـخ ساختن آن معلوم نیست و گمان می‌رود که آن را علی بن مظفر ساخته باشـد. مسـجد مـذکور در سال ۱۳۸۸ ه. ق به طرز زیبایی بازسازی شد و برای دهها سال از مراکز اصلی تدریس در حوزه علمیه نجف به شمارمی‌رفت. (۱)

۱- علاوه بر این، این مسـجد حوزه درس و بحث مرحوم آیت الله خویی بوده است و توسط شـیخ احمـد انصاری قمی بازسازی شده است(قائدان، عتبات عالیات عراق ص ۴۸)(ویراستار)

ص:۱۱۶

۱۰. مسجد الرأس (بالاسر):

مسجدی بسیار قدیمی است که در آن رو به صحن شریف و در سمت ایوان بزرگ مقابل رواق باز می‌شود و چون در سمت بالاسر مطهر حضرت قرار دارد به آن مسجد رأس می گویند. تاریخ بنای آن به دوره پادشاهان ایلخانی باز می گردد که بارها تجدید بنا شده است وآخرین بار در سال ۱۳۰۶ ه ق از طرف نادر شاه افشار تجدید بنا شده است. در محراب این مسجد قطعاتی از کاشی‌های خشتی متعلق به قرن ششم هجری به چشم می‌خورد. این مسجد به شکل مستطیل بوده و در وسط آن صحن بزرگی قرار دارد و در دو سمت شمالی و جنوبی صحن دو ایوان بزرگ وجود دارد که تعداد زیادی ایوان مرمری در آنها قرار دارند. در سال ۱۳۶۸ ه ق در حدود پنج متر از مسجد گرفته و به خیابان مجاور آن افزوده شد.

۱۱. مسجد شیخ طوسی:

این مسجد در اصل خانه شیخ طوسی بود و وی قبل از وفات وصیت کرده بود که درآن به خاک سپرده شود و محل مذکور بصورت مسجدی درآید. این مسجد روبروی در طوسی حرم مطهر و در سمت شمالی آن قرار گرفته است و در کنار آن مقبره سید محمد مهدی بحر العلوم واقع شده است. مسجد طوسی بارها تجدید بنا شده است، این مسجد در سالهای ۱۱۹۸ ه ق، ۱۳۰۵ ه ق و ۱۳۸۰ ه ق تجدید بنا شده است. شیخ طوسی یکی از مشاهیر فقهای امامیه و مؤسس حوزه علمیه نجف

ص:۱۱۷

است که در سال ۴۶۰ ه ق وفات یافت. مسجد شیخ طوسی در ده قرن گذشته یکی از مراکز تدریس حوزه نجف شمرده می‌شود(۱).

۱۲. تکیه بکتاشیه:

این تکیه در کنار مسجد بالاسر قرار دارد و ساختاری بسیار محکم داشته و از سنگهای بزرگ ساخته شده است که شبیه بنای صحن شریف است. برخی اعتقاد دارند که این محل قبلًا کتابخانه حرم مطهر بوده است و به نظر می‌رسد که در دوران حاج بکتاش در قرن هشتم هجری ساخته شده باشد و از دو بخش تشکیل شده که بخش اول آن مخصوص نماز جماعت و برپایی دروس دینی بوده و از چهار ایوان تشکیل می‌شود. و اما بخش دوم مربعی شکل و دو طبقه بوده و تعدادی اتاق دارد که درآن برخی از عابدان و زاهدان به کار عبادت مشغولند. این تکیه محل تجمع و برگزاری مراسم (صوفیان بکتاشی) بوده است. ساختمان این تکیه امروزه به انبار آستانه تبدیل شده است.

۱۳. وادی السلام:

نام گورستان عمومی و معروف شهر نجف است و یکی از کهن‌ترین گورستان‌های جهان به شمارمی‌رود. این گورستان تنها متعلق به اهالی نجف نبوده بلکه مدفن بسیاری از شیعیان جهان و از کشورهای مختلف نظیر: هندوستان، ایران، پاکستان، کویت، جبل عامل لبنان و غیره می‌باشد. در این گورستان پادشاهان، وزرا، امرا

۱- ماضی النجف و حاضرها، المجلد الاول الطبعه الاولی، سنه ۱۹۸۶

ص:۱۱۸

وشاهزادگان، علما و دانشمندان وعامه مردم به خاک سپرده شده‌اند. برخی از قبرها منهدم شده و برخی رو به ویرانی است در این میان تعدادی از قبرها نیز تازه احداث شده است. قبرها بزرگ وکوچک بوده، برخی دارای دکه‌های بلند و برخی دارای دکه‌های کم ارتفاع، برخی قبرها دیوار کشی شده است و برخی دیگر دارای اتاقی است که قاری قرآن در آن می‌نشیند و روزها پی‌درپی برای مرده قرآن می‌خواند و دستمزد خود را از بستگان مرده دریافت می‌کند. برخی از قبرها نیز دارای باغچه هستند. بر روی برخی از قبرها نیز گنبدهایی دیده می‌شود که رنگ و نوع آن بسته به اهمیت متوفی با یکدیگر تفاوت دارد. بر روی هر قبری سنگ قبری وجود دارد که بر روی آن نام متوفی و تاریخ درگذشت او نقش بسته است و نوع این سنگ قبرها بسیار متفاوت است و معمولًا بر روی برخی از آنها ابیات شعری به زبان عربی فصیح و عامیانه نقش بسته است.

از جمله مراقد موجود در قبرستان وادی السلام مرقد پیامبران خدا (هود و صالح) است که در سمت غربی وادی السلام و در پشت باروی قدیمی شهر نجف و شمال شرقی حرم مطهر حضرت علی (ع) قرار دارد. این دو پیامبر در یک حرم مدفونند و بر روی این حرم گنبدی متوسط بنا شده است. قبلًا بر روی این مرقد صخره سرخ قدیمی وکهنی قرار داشت که طول آن به اندازه یک ذرع و چند انگشت و عرض آن به اندازه یک وجب بود و بر روی آن با خط کوفی مطالبی نوشته شده بود که نشان می‌داد، این محل قبر حضرت هود و صالح است. اولین کسی که بر روی این قبرها صندوقی چوبین گذاشت عالم جلیل القدر سید محمد مهدی بحر العلوم بود و پس از آن بانویی به نام (ملاحفیره) همسر ملایوسف نقیب وخزانه دار حرم

ص:۱۱۹

مطهر حضرت علی (ع)، متوفی سال ۱۲۷۰ ه ق که نذر کرده بود در صورت بچه دار شدن، گنبدی بر بالای قبر آنها بسازد گنبد آجری کوچکی بر روی قبر آنان ساخت.

در سال ۱۳۳۳ ه ق که انگلیسی‌ها شهر نجف را به مدت چهل روز محاصره کرده بودند، بسیاری از اماکن مقدسه و از جمله آنها مرقد هود و صالح را ویران کردند(۱) و پس از برطرف شدن حصار، اهالی متوجه شدند که انگلیسی‌ها نه تنها گنبد و مرقد مطهر آنان را ویران کرده‌اند بلکه سنگ نوشته کوفی را نیز به سرقت برده‌اند.

شهر کوفه

اشاره

کوفه یکی از شهرهای مهمی است که مسلمانان صدر اسلام آن را پایه گذاری کردند و حضرت علی (ع) آن را بعنوان پایتخت خود انتخاب کردند. گویند محل بنای این شهر را دو صحابی جلیل القدر یعنی سلمان فارسی و حذیفه یمانی در سال ۱۷ ه ق و در دوره خلافت عمر انتخاب کردند و در آغاز به این شهر (کوفه الجند) می‌گفتند که به معنی (محل تجمع لشکریان) بود و بعدها این واژه خلاصه شده و به آن کوفه می‌گفتند. در سال ۲۲ ه ق و در زمان حکمرانی مغیره بن شعبه، تعداد هفت محله به تعداد قبایل ساکن در شهر کوفه، که هفت قبیله بودند پایه گذاری شد و در سال ۳۶ ه ق حضرت علی (ع) پس از جنگ جمل این شهر را بعنوان پایتخت انتخاب فرمودند و به تدریج این شهر رونق علمی و تجاری فراوانی

۱- این مرقد بعدها در سال ۱۳۳۷ توسط یکی از نیکوکاران ایرانی تجدید بنا و مرمت شده است(ویراستار)

ص:۱۲۰

پیـدا کرد ویکی از مراکز مهم علمی و سیاسـی جهان اسـلام گردیـد و جمعیت آن را که بیشتر ایرانیان تشـکیل می‌دادند بالغ بر یک میلیون نفر شد.

در دوران اموی‌هـا علی رغم انتقال پایتخت به شـهر دمشق، این رونق ادامه داشت اما با به قـدرت رسـیدن عباسـی‌ها پایتخت در سال ۱۳۲ ه ق به شهر هاشمیه و سپس به بغداد منتقل شد و روز به روز از اهمیت کوفه کاسته شد و بنا به گفته جهانگرد معروف ابن جبیر که در سال ۵۸۰ ه ق از آن دیدن کرده است، شهر روبه ویرانی رفته است.

ابن بطوطه در سـفرنامه خود این شـهر را چنین توصیف می‌کند: (۱) (کوفه یکی از مهمترین شـهرهای عراق می‌باشـد و امتیاز آن بر دیگر شـهرها این است که مسـکن صحابه و تابعین و جایگاه علما و صلحا و مرکز خلافت امیرالمومنین علی (ع) بوده است لیکن در حال حاضـر بسـبب حمله‌های متمادی وضع آن شـهر رو به ویرانی کشـیده است. مایه تباهی شـهر کوفه اعراب خفاجه هسـتند که در اطراف آن سـکونت دارنـد. این اعراب کارشان راهزنی است. کوفه بارو نـدارد و بنای آن از آجر و دارای بازارهای نیک می‌باشـد. غـالب متـاعی که در بـازار کوفه معـامله می شود خرمـا و ماهی است. جامع اعظم کوفه، مسـجد بزرگی است با هفت شبسـتان که بر روی ستونهای

۱- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه

ص:۱۲۱

سنگی قطور و بلنـد بنا شـده است این سـتونها از قطعه سـنگهای تراش شـده تشـکیل یافته که روی هم قرار داده شده و وسط آنها را فلزقلع ریخته‌اند(۱).

مسـجد کوفه دارای آثار متبرکه‌ای است، از جمله مقابل محراب از طرف راست اطاقی است که می گویند (مصـلای حضرت ابراهیم خلیل) بود و نزدیک آن محرابی وجود دارد که چوبهای ساج بلنـد گرداگرد آن را گرفته‌انـد وآن، (محراب علی بن ابی طالب (ع)) بود که ابن ملجم شقی در همین جا بر سر آن حضرت زخم زد و مردم برای نماز به آن محراب می‌روند. در زاویه دیگر این شبستان مسـجد کوچکی است که دورتـادور آن نیز بـا چوبهـای سـاج احـاطه شـده است و می گوینـد (تنوری که در طوفان نوح) آب از آن جوشیده در اینجا بوده است. در قسمت عقبی شبستان مزبور در خارج مسجد اطاقی وجود دارد که می گویند منزل (نوح پیامبر) بوده و روبروی آن اطـاق دیگری هست که به اعتقـاد مردم محـل عبادت (ادریس) بوده است. محوطه متصل به همین قسـمت که با دیوار جنوبی مسـجد مربوط است محلی بوده که نوح کشتی خود را در آنجـا سـاخته و در منتهی الیه این محوطه خـانه علی ابن ابی طالب (ع) و اطـاقی که جنـازه او را در آن غسل دادهانـد واقع شـده و اطاق دیگری در مجاورت خانه آن حضـرت است که آن هم به نوح پیامبر منسوب می‌باشد و خدا بهتر می‌داند از این نسبت‌ها کدام درست وکدام نادرست است.

۱- همان منبع

ص:۱۲۲

شرق مسجد و داخل بالاخانه‌ای، مقبره (مسلم بن عقیل (ع)) واقع شده و در نزدیکی آن خارج مسجد، قبر (عاتکه و سکینه) دختران امام حسین (ع) قرار دارد. اما از قصر الاماره کوفه که سعد بن وقاص بنا کرد اکنون جز پایه‌های آن چیزی برجا نمانده است.

امروزه شهر کوفه موقعیت پیشین خود را از دست داده و بعنوان یکی از بخشهای تابع شهر نجف شمرده می‌شود، فاصله این دو شهر هشت کیلومتر است و تقریباً به یکدیگر متصل شده‌اند. شهر کوفه بعلت موقعیت جغرافیایی‌اش از آب‌وهوای ملایم‌تری نسبت به نجف برخوردار است.

اماکن زیارتی در شهر کوفه

۱. مسجد کوفه:

مسجد کوفه یکی از مساجد بسیار قدیمی اسلامی است و گفته می‌شود در سال ۱۷ ه ق که شهرکوفه تأسیس شد اولین بناهایی که در شهر ساخته شدند مسجد و دارالاماره(۱) بودند. مسجد مذکور مربعی شکل بوده و برای

چهل هزار نمازگزار گنجایش دارد.

در وسط حیاط مسجد جایی پایین‌تر از سایر جاها وجود دارد که به آن (سفینه) می‌گویند و عامه مردم معتقدند که جای مذکور محل فرود آمدن و یا ساختن شدن

۱- سعد ابن ابی وقاص این منطقه را برای استقرار دائم سپاهیان و غازیان در نظر گرفت و نخستین کاری که انجام داد ساخت مسجد بود.(ویراستار)

ص:۱۲۳

سفینه نوح است، که امری باطل است و در حقیقت جای مذکور فقط نشان دهنده عمق قبلی کف مسجد است زیرا که بعلت بالا آمدن مجرای آب فرات، آب به داخل مسجد که در گودی قرار گرفته بود نفوذ نمود و بنا به دستور و همت سید مهدی بحر العلوم کف مسجد را با ریختن خاک کافی بالا آوردند و برای نشان دادن میزان خاک ریخته شده این محل را به همان صورت سابق نگاه داشتند.

در فضل مسجدکوفه احادیث فراوانی روایت شده است که برخی از آنها عبارتند از:

امام باقر (ع) فرمود: (صلاه فی مسجد الکوفه، الفریضه تعدل حجه مقبوله والتطوع فیه تعدل عمره مقبوله) یعنی نماز خواندن در مسجد کوفه، چنانچه فریضه یومیه باشد معادل حج مقبولی است و چنانچه فریضه مستحبی باشد معادل عمره مقبولی است.

امام باقر (ع) فرمود: (مسجد کوفان روضه من ریاض الجنه، صلّی فیه الف نبی وسبعون) یعنی مسجد کوفه باغی از باغهای بهشت است، و در آن یکهزار و هفتاد پیامبر نماز خوانده است.

حضرت علی (ع) فرمود: (النافله فی هذا المسجد تعدل عمره مع النبی (ص)، والفریضه تعدل حجه مع النبی (ص) وقد صلّی فیه ألف نبی و وصی) یعنی نماز نافله در این مسجد مساوی حج عمره گذاردن همراه با پیامبر خداست و نماز فریضه خواندن در آن مساوی حج تمتع گذاردن همراه با پیامبر خداست. در این مسجد هزار نبی و وصی نماز خوانده است.

ص:۱۲۴

از رسول خدا (ص) روایت شده است که: در شب اسراء که به آسمان رفت، جبرئیل به ایشان عرض کرد: ای محمد (ص) آیا می‌دانی که اکنون کجا هستی؟ تو اکنون مقابل مسجد کوفه هستی. پیامبر فرمود: از خداوند برایم اجازه بگیر که دو رکعت درآن نماز بخوانم، سپس پیامبر در آنجا فرود آمد و در آن نماز خواند، به درستی که مقدمه مسجد همانند باغی از باغهای بهشت است و سمت چپ و سمت راست و وسط آن همانند باغی از باغهای بهشت است و نماز فریضه خواندن درآن مساوی خواندن هزار رکعت نماز است و نماز نافله خواندن در آن مساوی پانصد رکعت نماز است.

از جاهای زیارتی و متبرک مسجد می‌توان از مقام امیرالمومنین (ع) نام برد که در سمت قبله قرار دارد، البته قابل ذکر است که دورتادور مسجد را حجره‌های زیادی فراگرفته که بزرگترین آنها همین مقام است که در سمت قبله قرار دارد و در آن محرابی هست که گویند حضرت علی (ع) در آنجا نماز می‌خوانده است و در همان جا به شهادت رسیده است و در کنار محراب دری وجود داشت که به قصر دار الاماره منتهی می‌شد که خرابه‌های آن همچنان در کنار مسجد قرار گرفته است و در فاصله هشتاد و پنج متری دارالاماره خانه امام علی (ع) قرار دارد که همچنان پابرجاست و بر روی آن گنبد سبزی دیده می‌شود. شیعیان در هنگام ورود به مسجد نخست به نزد محراب علی (ع) می‌روند و در کنار آن دو رکعت نماز به جا می‌آورند. در سال ۱۹۷۴ م، رهبر اسماعیلیان(۱) بهره اقدام به نصب پنجره‌ای از طلا و نقره در مقام امیر المومنین (ع) نمود.

۱- اسماعیلیان بهره طایفه ای از اسماعیلیان ساکن در هند و پاکستان هستند که رهبر آن آقاخان نام دارد.

ص:۱۲۵

از اعمال مسجد، خواندن دو رکعت نماز در وسط مسجد است که به مقام رسول خدا (ص) معروف است و مردم معمولًا این نماز را برای قضای حاجت می‌خوانند و در رکعت اول پس از حمد سوره اخلاص و در رکعت دوم پس از حمد سوره الکافرون را می‌خوانند و پس از نماز تسبیحات حضرت زهرا (ع) را می‌خوانند و سپس این دعا را می‌خوانند:

(اللّهم أنت السلام ومنک السلام والیک یعود السلام ودارک دار السلام حیّنا ربّنا منک بالسلام، اللّهم إنی صلّیتُ هذه الصلاه إبتغاء رحمتک ورضوانک ومغفرتک وتعظیماً لمسجدک، اللّهم فصلّ علی محمد وآل محمد، وارفعها فی علّیین وتقبّلها منّی یا أرحم الراحمین)

همچنین در این مسجد ستونها و محرابهای هفت گانه‌ای وجود دارد که این محرابها محل نماز گزاردن برخی از معصومان و پیامبران (ع) بوده است.

از دیگر جاها دکه القضاء است که بنا به روایاتی جایگاه قضاوت حضرت امیرالمومنین (ع) بوده و در شمال شرقی مسجد قرار دارد و در مجاورت آن جایی به نام (بیت الطشت) قرار دارد که محل ظهور یکی از معجزات حضرت علی (ع) است و تفصیل آن در مفاتیح الجنان آمده است.

باب الثعبان یا دروازه اژدها یکی از دروازه‌های نخستین و کهن مسجد کوفه است که در میانه دیوار شمالی قرار دارد و در اینجا یکی دیگر از معجزات امیر المومنین علی (ع) ظاهر شده است.

ص:۱۲۶

۲. حرم مسلم بن عقیل:

اشاره

مسلم بن عقیل اولین شهید از شهدای حماسه کربلا بود و امام حسین (ع) او را بعنوان سفیر خود به کوفه فرستاده بود تا به بررسی وضع پرداخته و درباره نامه‌هایی که اهل کوفه برای امام حسین فرستاده بودند اطمینان حاصل کند و برای امام حسین (ع) بیعت بگیرد، اما اهل کوفه چندی پس از بیعت با وی از حمایت او خودداری کردند و مسلم به همراهی یار وفادارش هانی بن عروه در روز عرفه به شهادت رسیدند.

هنگامیکه امام حسین (ع) او را به نزد اهل کوفه گسیل می‌کرد نامه زیر را به او داد تا برای اهل کوفه بخواند:

(بسم الله الرحمن الرحیم از حسین بن علی به گروه مؤمنان، اما بعد به درستی که هانی و سعید نامه‌های شما را به من رساندند وآخرین کسانی بودند که نامه‌های شما را به من رساندند وآنچه را که در نامه حکایت کرده و یادآور شده بودید دانستم، وآن این که ما رهبری نداریم به نزد ما بیا، چه بسا که خداوند بوسیله شما ما را بر سر جاده حق و هدایت گردآورد، پس اکنون من برادر و پسر عمویم، و شخص مورد اطمینان از بین اهل بیتم یعنی مسلم بن عقیل را به نزد شما می‌فرستم و او برگزیده اهل بیت من است، و به او گفتم که از وضعیت شما و نظر شما برایم بنویسد، وچنانچه او برایم بنویسد که فاضلان و عامه شما بر این نظر که در نامه‌هایتان نوشته‌اید متفق القول هستید، به زودی إن شاء الله به نزد شما خواهم آمد ...) هنگامیکه مسلم به شهر کوفه رسید، در خانه مختار بن أبی عبیده ثقفی فرود آمد و شیعیان گروه گروه به نزدش آمدند و مسلم نیز نامه امام حسین را برای آنان

ص:۱۲۷

خواند وآنان نیز با او بیعت کردند تا آن که تعداد بیعت کنندگان به بیست و پنج هزار نفر رسید، پس مسلم در آن شب نامه‌ای برای امام حسین فرستاد که مضمون آن بشرح زیر بود:

(اما بعد، پیشرو قبیله هیچگاه به قوم خود دروغ نمی گوید، و بدان که هیجده هزار نفر از اهالی کوفه با من بیعت کردند، پس چون نامه من به شما رسید به سرعت حرکت کن، به راستی که همه مردم با شما هستند، و آنان را علاقه‌ای به خاندان معاویه نیست والسلام).

از سوی دیگر عبید الله بن زیاد با چهره‌ای مبدل و با لباس علوی وارد کوفه شد و مردم گمان کردند که او امام حسین (ع) است، اما هنگامیکه وارد دارالاماره شد او را شناختند. عبید الله چون چنین دید به بالای قصر رفت و مردم کوفه را به فراخواندن لشکر شام تهدید کرد شایعات فراوانی پراکنده کرد تا در مردم تفرقه بیندازد، سپس گروهی را مأمور یافتن مسلم بن عقیل نمود. مسلم نیز ناچار شد که از خانه‌ای به خانه دیگر پناه برد و عاقبت به خانه هانی بن عروه پناه برد و ابن زیاد هانی را فراخوانده و مسلم را از او خواستار شد، اما هانی از دادن مسلم امتناع کرد و ابن زیاد با تازیانه بر بینی او زد و دستور داد که او را در قصر دارالاماره زندانی کنند. مسلم چون چنین دید از خانه هانی بیرون آمد و سرگردان کوچه و برزن شد تا اینکه به خانه زنی به نام (طوعه) رسید و دید که او کنار در منتظر بازگشت فرزند خود است، پس مسلم بر او سلام کرد و از او آب خواست، (طوعه) برایش آب آورد، مسلم پس از آنکه آب نوشید در گوشه‌ای نشست. (طوعه) گفت: آی بنده خدا مگر آب ننوشیدی؟

ص:۱۲۸

مسلم گفت: آری

(طوعه) گفت: پس اکنون به خانه خود برو.

(طوعه) سه بار این سخن را تکرار کرد، اما مسلم از جای خود تکان نخورد.

(طوعه) گفت: سبحان الله! من نشستن تو را در اینجا شایسته نمی بینم.

مسلم گفت: من در این شهر خانه و عشیره‌ای ندارم، آیا می‌توانی در حق من نیکی کنی و باشد که من این کار تو را جبران کنم.

(طوعه) گفت: مگر تو کیستی؟

مسلم گفت: من مسلم بن عقیل هستم و این قوم مرا به اینجا دعوت کرده و فریب دادند.

(طوعه) چون این سخن را شنید به او گفت: به خانه من بیا.

سپس او را به درون خانه برد و در اتاقی جای داد و برایش شام آورد، اما مسلم از خوردن امتناع کرد و چون پسرآن زن آمد، ملاحظه کرد که مادرش رفت‌وآمد زیادی به آن اتاق می‌کند، علتش را پرسید و مادر از گفتن امتناع کرد و چون بر او زیاده اصرار ورزید، از او قول گرفت که چیزی به کسی نگوید و سپس به او خبر داد که مسلم در خانه آنهاست، و چون صبح فرا رسید، پسرش به نزد محمد بن الاشعث رفت و او را از جای مسلم باخبر کرد، سپس دو نفری به نزد ابن زیاد رفتند و او را از موضوع مطلع ساختند. ابن زیاد پنجاه نفر را برای دستگیری مسلم فرستاد. هنگامیکه مسلم صدای پای اسب‌ها را شنید از خانه بیرون آمد و نبرد سختی با آنان

ص:۱۲۹

آغاز کرد و ابن زیاد چون نبرد سرسختانه او را دیـد گروهی دیگر را نیز به یاری آنها فرستاد. هنگامیکه لشکریان ابن زیاد مشاهده کردند که مسلم بسیاری از آنان را کشته و یا از میدان به در برده است از این رو با تیراندازی و پرتاب سنگ وآتش به مقابله با او پرداختند، تا آنکه عاقبت مسلم زخمی شد و از ادامه نبرد عاجز شده به دیواری تکیه داد. در همین هنگام محمد بن أشعث جلو آمده و به او گفت:

ای جوان خود را به کشتن نـده و بـدان که مـا به تو أمان می‌دهیم و به تو دروغ نمی‌گوییم و به تو نیرنگ نمی‌زنیم، و بـدان که این قوم عموزادگان تو هستند و هیچگاه تو را نخواهند کشت.

مسلم به سخنان آنـان توجهی نکرد و به جنـگ خود دلیرانه ادامه داد و لشکریان ابن زیاد چون چنین دیدنـد بر سـر راه او گودالی کنـده و سرآن را پوشاندنـد، سپس او را به سـمت آن هـدایت کرده درون گودال انـداخته و دسـتگیر کردند و بالاخره به شـهادت رساندند.

تاریخچه مرقد مسلم بن عقیل:

مرقـد مسلم بن عقیل در جوار مسجد کوفه و در سـمت شـرق آن قرار دارد. بربالای مرقد گنبدی طلایی قرار دارد و وزارت اوقاف عراق در سال ۱۹۶۰ م اقدام به توسعه صحن شریف واقع بین قبر مطهر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه نمود و رواق‌هایی در آنجا ساخت. در سال ۱۹۶۵ م مجدداً رواق اطراف ضریح توسعه یافت و دیوارهای داخلی حرم کاشیکاری وآینه‌کاری شد. در سفرنامه (ثیبور) آمده است که او از خلال سنگ نوشته‌ای که بر روی قبر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه بوده،

ص:۱۳۰

دریافته است که محمد بن محمود رازی وابوالمحاسن بن احمد شیرازی در سال ۶۸۱ ه ق این مرقد را بنا کرده‌اند. همچنین او اضافه می کند که بانوی نیکوکار (عادله) دختر احمد پاشا و همسر والی سلمان پاشا دستور داد که دیوار شمال غربی مسجد کوفه را با هزینه شخصی خود بازسازی کنند(۱).

شیخ حرز الدین در کتاب المراقد جلد دوم صفحه ۳۰۹ می گوید: (تولیت مرقد مسلم بن عقیل جناب آقای شیخ طعمه کوفی پنجره دیگری را به ما نشان داد که تاریخ ساختن آن به سال ۱۰۵۵ ه ق باز می گردد و در یکی از گوشه‌های آن نوشته شده است که این پنجره به نفقه بانوی نیکوکار (مادر آغاخان) ساخته شده است.

در ماه ربیع الاول سال ۱۲۳۲ ه ق شخصی به نام حافظ محمد عبدالحی خان اقدام به بازسازی حرم نمود.

سید محسن حکیم نیز دستور داد که پنجره‌هایی برای مرقدهای مطهر حضرت ابوالفضل (ع)، مسلم بن عقیل، قاسم بن موسی بن جعفر و مقام امیرالمؤمنین (ع) در مسجد کوفه ساخته و نصب شود.

در سال ۱۳۸۴ ه ق حاج محمد رشاد میرزا اقدام به تجدید بنای صحن و مرقد شریف نمود.

در سال ۱۳۸۷ ه ق حاج محمد حسین رفیعی بهبهانی کویتی بنا به دستور سید محسن حکیم اقدام به تذهیب گنبد مرقد مسلم بن عقیل نمود.

۱- موسوعه العتبات المقدسه، قسم النجف، المجلد الاول

ص:۱۳۱

۳. مرقد هانی بن عروه:

هـانی بن عروه شـیخ و رهـبر قبیله (مراد) بود که چون در هنگـام جنـگ بر اسب می‌نشـست چهـار هزار سوار زره‌پوش و هشت هزار سرباز پیاده و نیز قبایل هم‌پیمان او از کنـده و غیره گرداگردش را فرا می‌گرفتند که تعداد کل آنها بالغ بر سـی هزار سـرباز زره‌پوش می‌شد(۱). در تاریخ طبری آمده است که چون ابن زیاد از وجود مسـلم بن عقیل در خانه هانی مطلع شد به دنبال او فرسـتاد و مسلم را از او مطـالبه کرد. هـانی گفت: مسـلم میهمـان من است و من هیچگـاه او را از خـانه خود بیرون نخواهم کرد. زیاد گفت: آیا فکر نمی‌کنی که پـدرم بر پـدرت حقی دارد، زیرا که معـاویه را از کشـتن او بـاز داشت، و حال تو چنین می‌گویی؟ هانی گفت: حال نیز من از تو می‌خواهم که حقی بر گردن من داشـته باشی و جان کسی را که میهمان من است حفظ کنی و من قول می‌دهم که او را از کوفه بیرون برم. ابن زیاد چون این سـخن شـنید خشمگین شد و با تازیانه بر صورت هانی نواخت و بینی او را شکست. سپس دستور داد تا هانی را به زندان اندازند.

در روایتی دیگر گوینـد: ابن زیـاد به هـانی گفت: تو خوب می‌دانی که پـدرم تمـامی شـیعیان، بجز پـدرت را کشت، و تو را گرامی می‌داشت و حتی در طی نـامه‌ای به امیر کوفه رعـایت حال تو را توصـیه کرد، حال پاداش این کارها را چنین می‌دهی و مردی را در خانه خود پناه داده‌ای که قصد دارد مرا بکشد.

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۳ ص ۶۹

ص:۱۳۲

هانی گفت: من چنین کاری نکرده ام!

پس ابن زیاد غلام هانی را که معقل نام داشت فراخواند، و چون هانی غلام خود را دید در بهت و حیرت فرو رفت. آنگاه به ابن زیاد گفت: تو نسبت به من نیکوکار بوده‌ای و من اکنون می‌خواهم که نیکی‌های تورا جبران کنم.

ابن زیاد گفت: چگونه؟

هانی گفت: اجازه می‌دهیم که تو و خانواده‌ات به همراه اموالت سالم به شام بروی، چرا که شخصی عازم این دیار است که از تو و صاحب تو به خلافت سزاوارتر است.

ابن زیاد گفت: هانی را به نزد من آورید.

سپس با قضیبی آهنین (تازیانه) که در دست داشت ضربه‌ای محکم بر صورت هانی نواخت. هانی نیز بسوی نگهبانی که شمشیر به دست در کنارش ایستاده بود یورش برد تا شمشیر را از دست او بیرون آورد اما نگهبان مقاومت کرد و شمشیر را به او نداد. برخی گفته‌اند که هانی با شمشیر بسوی ابن زیاد یورش برد و زخمی کاری بر او زد و نگهبانان به یکباره بر او یورش برده و او را دستگیر کردند(۱) چون خبر به آل مذحج رسید، همگی بسوی قصر ابن زیاد یورش بردند وچون ابن زیاد این حالت را دید از خشم جمعیت ترسیده و دستور داد که هانی را در اتاق مجاور مجلس خویش زندانی کنند و سپس به شریح قاضی دستور داد که به بالای قصر

۱- همان منبع، ص ۶۷

ص:۱۳۳

برود و از همان جا با مردم سخن گوید تا آرام شوند، شریح نیز به بالای قصر رفته و چنین گفت: (ای مردم پراکنده شوید! و بدانید که شایعه کشته شدن سرورتان شایعه‌ای باطل و نادرست است، و او هم اکنون در کمال احترام در محضر امیر عبدالله بن زیاد است و امیر را نسبت به او نیت سوئی نبوده و به زودی در کمال عزت و احترام به شما ملحق خواهد شد).

مردم چون این سخنان را شنیدند متفرق شدند.

عبید الله بن زیاد در روز ۹ ذی حجه سال ۶۰ ه ق پس از کشته شدن مسلم بن عقیل، دستور داد که هانی بن عروه را از زندان بیرون آورده و در بازار گوسفند فروشان کوفه گردن بزنند و سپس جسد مطهر او را همراه با جسد مسلم بن عقیل در بازارهای کوفه بگردانند.

ابن زیاد سرهای مسلم بن عقیل و هانی را به نزد یزید فرستاد وآل مذحج جنازه‌ها را از او گرفته و هردو را در نزدیکی مسجد کوفه به خاک سپردند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقد در باره قبر هانی می‌گوید: (مرقد او در پشت مسجد کوفه و در جوار زاویه شمال شرقی مسجد قرار دارد و حرم و رواقهای متعددی دارد که تمامی زیارت کنندگان مسلم به زیارت او نیز می‌شتابند و بر بالای حرم او گنبد بزرگی با کاشیکاری فیروزه‌ای ساخته شده است(۱).

۱- حرزالدین، مراقد المعارف، ج ۲ ص ۳۵۹

ص:۱۳۴

۴. مرقد مختار ثقفی:

مختـار ثقفی یکی از خون‌خواهـان امـام حسـین (ع) و یاران او بود که برعلیه بنی امیه قیام کرد و توانست افراد بسـیاری را که در قتل آن حضرت دخیل بودند دستگیر نموده و به مجازات برساند. علامه امینی در کتاب خود الغدیر مطالب با ارزشی درباره مختار نوشته و او را یکی از بزرگـان دیـن و مخلص و وفـادار دانسـته و اینکـه نهضـت مبـارک وی تنهـا برای اقـامه عـدل و ریشه‌کنی ملحـدان و مقـاومت در برابر ظلم اموی‌هـا بوده است، واینکه او را متهم به مـذهب کیسانی(۱) کرده‌انـد و یا سایر تهمت‌های وارده، به هیچ‌وجه صحت نداشـته و ائمه اطهار (ع) و از جمله امام سـجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بر او ترحم نموده‌انـد و بویژه امام باقر (ع) او را مـدح کرده است. (۲) گوینـد پس از حمـاسه کربلا، ابن زیـاد بسـیاری از شـیعیان و از آن جمله مختار ثقفی و میثم تمار را به زندان افکند و قصد داشت که آنان را به شـهادت برساند، اما چندی نگذشت که پیکی از جانب یزید بن معاویه رسـید و به ابن زیاد دسـتور داد کـه مختـار را بعلـت شـفاعت قـومش آزاد سـازد و میثـم در زنـدان به مختـار می‌گفت: (به زودی آزاد خـواهی شـد و به خون‌خواهی امام حسین (ع) قیام خواهی کرد و ابن زیاد را که در سر هوای کشتن تو را دارد، خواهی کشت).

۱- کیسانیه یکی از فرقه های شـیعه است که پس از امام حسـین(ع) به امامت محمد بن الحنفیه فرزند رشید حضرت علی(ع) معتقد شدند.

۲- (۲) علامه امینی، الغدیر ج ۲ ص ۳۴۳

ص:۱۳۵

سپس علامه امینی ادامه می‌دهد:

بزرگان شیعه و ازجمله شهید اول او را گرامی داشتند و شهید اول در کتاب (مزارات) زیارتی مخصوص به او را ذکر می‌کند که نشان دهنده محبت مختار نسبت به امام زین العابدین (ع) است و اینکه وی جان خود را بر سر راه رضایت ائمه اطهار و یاری این خاندان پاک داده است.

ظاهراً قبر مختار در دوره‌های پیشین از مزارهای مشهور شیعه در کوفه بوده و بر بالای آن گنبدی قرار داشته و ابن بطوطه، درسفرنامه معروف خود، در این باره چنین می‌گوید:

(در طرف مغرب قبرستان کوفه جائی را دیدم که درآن چیزی به رنگ سیاه تند در میان زمینه سفیدی جلب نظر می‌کرد گفتند قبر ابن ملجم شقی است که مردم کوفه همه ساله هیزم فراوان بدانجا می‌برند و هفت روز آتش بر گور او می‌افروزند. در نزدیکی قبر ابن ملجم گنبدی است که می‌گویند مدفن مختار بن ابی عبیده است) شیخ حرز الدین در کتاب المراقد می‌گوید: (قبر مختار در زاویه محل اتصال قصر دارالاماره و مسجد کوفه واقع شده است و قبر او به مرور زمان مخروبه و از دیده‌ها مخفی شده بود تا اینکه عاقبت عالم ربانی بزرگوار سید محمد مهدی بحر العلوم در هنگام تتبع آثار باقیمانده مسجد کوفه در اطراف، به سنگ قبری برخورد کرد که نام و نسب مختار برآن نقش بسته بود. در اوایل روزگار ما مدخل قبر مختار از حجره‌ای بود که در زاویه جنوب شرقی مسجد کوفه واقع شده بود، اما در این اواخر تاجری به نام حاج محسن بن عبود شلاش خفاجی نجفی با کمک تنی چند

ص:۱۳۶

از علمای نجف اشرف، حرمی برای مختار ساخته و آن را به جنوب رواق و حرم مسلم بن عقیل ملحق ساخت و برای قبر او پنجره‌ای جدید ساخت. (۱)

۵. مرقد میثم تمار:

میثم تمار یکی از اصحاب خاص حضرت علی (ع) بود که در روز بیستم ذی حجه سال ۶۰ ه ق، توسط ابن زیاد به شهادت رسید. مرقد او در فاصله سیصد متری مسجد کوفه و در مسیر جاده کوفه به نجف قرار دارد. ساختمان فعلی مرقد به تازگی بازسازی شده است و بر روی قبر صندوقی چوبی و پنجره‌ای نصب شده است. بر بالای حرم گنبدی بلند قرار دارد که کاشیکاری شده است و در اطراف آن رواق وسیعی وجود دارد و در سمت ضریح ایوان بزرگی است که سیمانکاری شده و در وسط صحن وسیعی قرار گرفته است.

عبید الله بن زیاد پس از به شهادت رساندن مسلم و هانی بن عروه، میثم تمار و مختار را دستگیر نموده و به زندان انداخت، اما چندی نگذشت که بستگان همسر مختار شفاعت او را در نزد یزید کردند و یزید پیکی را به نزد ابن زیاد فرستاد تا مختار را آزاد کنند و در همان نامه از ابن زیاد خواسته شده بود که میثم را به دار آویزند. ابن زیاد نیز دستور داد او را بر چوبه داری که نزد خانه عمرو بن حریث برپا شده بود ببندند، اما با این همه حال میثم همچنان به ذکر فضایل علی (ع) گویا بود و مردم گرداگرد او جمع می‌شدند. چون این خبر را به ابن زیاد دادند، دستور

۱- حرزالدین، مراقد المعارف ج ۲ ص ۷

ص:۱۳۷

داد که بر دهان او لجام ببندند و او اولین کس در اسلام است که بر دهانش لجام بسته شد، وچون سه روز از این واقعه گذشت، به او نیزه‌ای زدند واو تکبیری گفت وبه شهادت رسید.

روزی حضرت علی (ع) به میثم فرمود: ای میثم تو را دستگیر خواهند کرد و به صلابه خواهند کشید و در روز سوم با نیزه‌ای به تو ضربه خواهند زد و ریش و محاسنت خون‌آلود خواهد شد. محل دار زدن تو در نزدیکی خانه (عمرو بن حریث) خواهد بود و در کنار تو ده نفر دیگر نیز به دار آویخته خواهند شد و چوبه‌دار تو از همه آنها کوتاهتر خواهد بود و به ساحل رودخانه نزدیکتر خواهد بود.

میثم در بازار کوفه مغازه خرما فروشی داشت و هر بار که عمرو بن حریث را می‌دید به او می‌گفت: به زودی همسایه‌ات خواهم شد، پس حق همجواری را درباره من مراعات کن.

عمرو بن حریث منظورش را متوجه نمی‌شد و می‌پرسید: آیا می‌خواهی خانه ابن مسعود را بخری یا ابراهیم حکیم را؟

در سال ۱۳۸۸ ه ق، ۱۹۶۸ م حاج محمد رشاد میرزای نجفی اقدام به بازسازی مرقد میثم تمار نموده و حرم وگنبد بلند آن را ساخته و با کاشیکاری مزین نمود و در کنار مرقد او رواقهایی برای زائرین ساخته و در گرداگرد مرقد صحن بزرگی متناسب با گنبد بلند آن ساخت.

ص:۱۳۸

۶. مسجد سهله:

مسجدی قدیمی است که در سمت شمال غربی کوفه قرار گرفته و فاصله آن تا مسجد کوفه دو کیلومتر است و تا کنون بارها بازسازی شده است و از صحنی وسیع به ابعاد ۱۴۰ متر در ۱۲۵ متر و با دیواری مرتفع تشکیل گردیده و در آن محرابهای متعددی قرار دارد که منسوب به معصومین (ع) است و در میانه سمت جنوب مسجد جایگاه بزرگی است که بر روی گنبدی قرار دارد و به مقام حضرت حجت (ع) مشهور است.

این مسجد مورد اهتمام و توجه أئمه اطهار (ع) قرار داشته و احادیث فراوانی درباره آن رسیده است. امام زین العابدین (ع) فرمود: (من صلّی فی مسجد السهله رُکعتین، زاد الله فی عمره سنتین) یعنی هرکه در مسجد سهله دو رکعت نماز گذارد، خداوند دو سال به عمر او بیافزاید.

امام باقر (ع) می‌فرماید: (مسجد سهیل الذی لم یبعث الله نبیاً إلا و قد صلّی فیه، وفیها یظهر عدل الله، و فیها یکون قائمه و القوام من بعده و هی منازل النبیین والأوصیاء والصالحین) (۱)

یعنی مسجد سهیل مسجدی است که خداوند پیامبری را مبعوث نکرده است مگر آنکه در آن نماز خوانده باشد. از همین مسجد عدل الهی ظاهر خواهد شد و قائم در آن خواهد بود و قائمان بعد از وی نیز در آن خواهند بود. این مسجد منزل پیامبران و صالحین است.

۱- التهذیب، ج ۶، ص ۳۱

ص:۱۳۹

و درجای دیگر امام صادق (ع) فرمود: (إذا دخلت الكوفه، فأت مسجد السهله فصلّ فيه وأسأل الله حاجتك لدينک و دنياك فإنّ مسجد السهله بيت إدريس النبی الذی كان يخيط فيه ويصلی فيه، ومن دعا الله فيه بما أحب، قضى له حوائجه ورفعه يوم القيامه مكاناً علياً إلى درجه إدريس واجاره من مكروه الدنيا ومكايد أعدائه(۱) (یعنی چون به کوفه درآمدی، به مسجد سهله برو و در آن نماز بخوان و از خدا بخواه تا حاجت دین و دنیای تو را برآورده سازد، به درستی که مسجد سهله خانه حضرت ادریس است وآن حضرت در این محل به کار خیاطی مشغول بود و در همان جا نیز نماز می‌خواند، و هرکه درآن چیزی را از خداوند بخواهد، حاجتش را برآورده سازد و در روز قیامت جایگاه او را همانند جایگاه ادریس نبی قرار دهد و از حوادث ناگوار و توطئه دشمنانش بازدارد.

از اعمال این مسجد است که آدمی باید بعد از نماز مغرب شبهای چهارشنبه به این مسجد برود و دو رکعت نماز برای قضای حاجت خود بجای آورد و سپس این دعا را بخواند:

(أنت الله لاإله إلا أنت مبدئ الخلق ومعيدهم، وأنت الله لا إله إلا أنت خالق الخلق ورازقهم، وأنت الله لا إله إلا أنت القابض الباسط، وأنت الله لا إله إلا أنت مُدبّر الأمور وباعث من فی القبور، أنت وارث الأرض ومن عليها، أسألُک بأسمک

۱- مستدرك الوسائل، باب استحباب الصلاه فی مسجد السهله، ج ۳، ص ۴۱۳، شماره ۳۹

و نیز بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶ حدیث ۱۷۷ و ص ۳۸۱ حدیث ۱۹۱ به نقل از الغیبه شیخ طوسی ج ۹۷ ص ۴۴۰ حدیث ۱۷ به نقل از کامل الزیارات

ص:۱۴۰

المخزون المكنون الحى القيوم، وأنت الله لا إله إلا أنت عالم السر وأخفى، أسألُك بأسمك الذى إذا دُعيت به أُجبت وإذا سُئِلت به أعطيت، وأسألُك بحقك على محمد وأهل بيته، وبحقهم الذى أوجبته على نفسك أن تُصلّى على محمد وأهل بيته، وأن تقضى لى حاجتى الساعه الساعه يا سامع الدعاء، ياسيداه، يا مولاه، يا غياثاه، أسألُك بكل اسم سميت به نفسك، أو استأثرت به فى علم الغيب عندك أن تصلّى على محمد وآل محمد، وأن تُعجّل فرجنا الساعه يا مقلب القلوب والأبصار يا سميع الدعاء).

۷. مسجد صعصعه بن صوحان:

یکی از مساجد متبرکه و بسیار قدیمی است که در کنار مسجد سهله و مسجد زید بن صوحان قرار دارد. صعصعه بن صوحان یکی از یاران وفادار و مخلص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بود. این مسجد (پس از این‌رو به ویرانی نهاده بود) و اخیراً تعمیرات زیادی در آن انجام شده است. نماز خواندن و دعا کردن در این مسجد بسیار مستحب است و بویژه برخواندن دعائی که صعصعه بن صوحان در نماز شب می‌خوانده تأکید شده است.

برخی را گمان بر اینست که صعصعه در کوفه مدفون باشد اما در حقیقت صعصعه را با معاویه تنش‌ها و درگیری‌های فراوانی بود که باعث شد مغیره بن شعبه به دستور معاویه او را از کوفه به (جزیره) و یا (بحرین) و یا جزیره (ابن کافان) تبعید کند و او در همان جا درگذشت(۱).

۱- ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۳، ص ۲۰۰

ص:۱۴۱

در کتاب الاستیعاب آمده است که صعصعه بن صوحان در زمان پیامبر کودکی بیش نبود و موفق به زیارت پیامبر نگردید. او مردی فاضل، دیندار و سخنوری بلیغ و از اصحاب نزدیک حضرت علی (ع) بود.

در کتاب رجال کشی آمده است که: چون معاویه به کوفه درآمد تعدادی از اصحاب نزدیک حضرت علی (ع) که امام حسن (ع) برای ایشان امان‌نامه دریافت کرده بود بر معاویه وارد شدند و چون صعصعه بر معاویه وارد شد، معاویه گفت: به خدا سوگند که خوش نداشتم روزی را ببینم که تو با امان‌نامه بر من وارد شوی.

صعصعه گفت: به خدا سوگند که من نیز خوش نداشتم که روزی بعنوان امیرالمومنین بر توسلام کنم. سپس بر او سلام کرد.

معاویه گفت: اگر راست می‌گویی بر بالای منبر برو و علی (ع) را لعن کن.

پس صعصعه بر بالای منبر رفت و پس از حمد وثنای الهی چنین گفت: (ای مردم من اکنون از نزد مردی می‌آیم که شر خود را پیشاپیش فرستاده وکار خیر خود را به تأخیر انداخته است و او به من دستور داده که علی (ع) را لعن کنم، پس او را لعن کنید که خدا او را لعن کند). پس همه اهل مسجد آمین گفتند.

معاویه گفت: به خدا سوگند که منظور تو لعنت کردن من بود، پس باید دوباره بر بالای منبر بروی و او را نام برده و سپس لعنت نمایی. پس صعصعه دوباره بالای

ص:۱۴۲

منبر رفت و گفت: ای مردم امیرالمومنین معاویه مرا فرمان داده که علی بن ابی طالب (ع) را لعن کنم، پس او را لعن کنید.

این بار نیز مردم آمین گفتند و باز معاویه گفت: به خدا سوگند که این بارهم منظور او من بودم، او را از اینجا بیرون کنید و اجازه ندهید که در شهری که من درآن هستم سکونت اختیار کند، پس او را از شهر کوفه بیرون کردند.

صعصعه در پایداری برحق استوار و در مبارزه با ستمکاران پابرجا ومحکم بود ودر روایات آمده است که روزی صعصعه بن صوحان بیمار شد و حضرت علی (ع) به عیادت او رفت و به او گفت: ای صعصعه مبادا که عیادت من از تو باعث فخر کردنت بر قوم وخویشان گردد.

صعصعه گفت: ای امیر مؤمنان هرگز چنین نیست، بلکه عیادت تو ذخیره و اجر آخرت من است.

حضرت علی (ع) فرمود: به خدا قسم که تو دوستی کم خرج هستی ولی در عوض یاری دهنده بزرگی هستی.

صعصعه جواب داد: ای امیر مؤمنان به خدا سوگند که به خداوند عالم‌تری، و خداوند در چشمت بزرگ و عظیم است و تو در کتاب خداوند حکیم هستی و تو نسبت به مؤمنین رئوف و رحیم هستی.

در کتاب تهذیب الکمال آمده است که: (صعصعه در جنگ صفین در کنار امیرالمؤمنین (ع) بود و یکی از فرماندهان حضرت به شمارمی‌رفت، و اما در جنگ جمل او و دو برادرش زید و سبحان حضور داشتند و در بین این سه برادر سبحان

ص:۱۴۳

خطیب بود و پرچم نیز در دست او بود و چون به شهادت رسید زید برادر دیگرش پرچم را به دست گرفت و چون او نیز به شهادت رسید، صعصعه پرچم را به دست گرفت. او در روزگار معاویه در کوفه درگذشت.

در شبی که حضرت علی (ع) از دنیا رحلت فرمود فرزندان آن حضرت جنازه مطهرش را از کوفه به نجف حمل نمودند و صعصعه از جمله مشیعین بود و چون از کار دفن آن حضرت فارغ شدند صعصعه نزد قبر مقدس ایستاد و مشتی از خاک برگرفت و بر سر خود ریخت و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای امیرالمؤمنین گوارا باد تو را کرامتهای خدا، ای ابوالحسن! به راستی که مولد تو پاکیزه بود و صبر تو قوی و جهاد تو عظیم و تو به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارتی سودمند کردی و به نزد پروردگار خود رفتی و از این نوع کلمات بسیار گفت و گریه سختی کرد و سایرین را نیز به گریه در آورد و او در حقیقت سر قبر آن حضرت و در آن دل شب مجلس روضه منعقد کرد و درآن صعصعه روضه خوان بود و مستمعین امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) و محمد بن الحنفیه و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت بودند و چون این کلمات به پایان رسید روی به جانب امام حسن و امام حسین (ع) و سایر آقا زادگان کردند و ایشان را تعزیت و تسلیت گفتند و سپس جملگی به کوفه مراجعت نمودند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقد می‌گوید: قبر صعصعه بن صوحان در منطقه (الثویه) در نجف واقع شده است و برخی از بحرینی‌ها به من گفتند که در سرزمین ما قبر مشهور و معروفی است که می‌گویند قبر صعصعه بن صوحان است.

ص:۱۴۴

این قبر در جزیره عسکر قرار دارد و در نزد عامه مسلمانان چه شیعه و چه سنی مورد احترام و تقدیر است. (۱)

۸. مسجد زید بن صوحان:

مسجد زید(۲) بن صوحان یکی دیگر از مساجد شریف کوفه است و منسوب به زید بن صوحان است که از بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین (ع) بوده و یکی از ابدال روزگار به شمارمی‌رفته است که در جنگ جمل در رکاب امیرالمؤمنین به فیض شهادت نائل شده است و شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان دعائی را نقل می‌کند و اظهار می‌دارد که این دعا دعای زید بن صوحان بوده است که در نماز شب می‌خوانده است و شایسته است که این دعا پس از خواندن دو رکعت نماز تحیت در مسجد زید خوانده شود:

(إلهی قَدْ مَدّ الَیکَ الخاطِئُ الُمذْنِبُ یَدَیهِ بِحُسنِ ظَنّه بکَ الهی قَدْ جَلَسَ الُمسیئ بَینَ یَدَیکَ مُقرّ اً لکَ بِسُوءِ عَمَلِه وَ راجِیاً منک الصفح عن زلَلِهِ إلهی قَدْ رَفَعَ إلیکَ الظّالِمُ کَفَّیهِ راجِیاً لِما لَدَیکَ فَلاتُخَیِّبْهُ بِرَحمَتِکَ مِن فَضلِکَ إلهی قَدْجَثا العائِدُ إلی المَعاصِی بَینَ یَدَیکَ خائِفاً مِنْ یَوم تَجْثُو فِیهِ الخَلائِقُ بَینَ یَدَیکَ إلهی جاءَکَ العَبدُ الخاطِئُ فَزِعاً مُشفِقاً و رَفَع إلیکَ طَرفَهُ حَذِراً راجِیاً وَ فاضَت عَبرَتُهُ مُستَغفِراً نادِماً وَ

۱- حرزالدین، مراقد العارف ج ۱ ص ۴۰

۲- (۲) زید برادر صعصه

ص:۱۴۵

عِزَّتِکَ وَجَلالِکَ ما ارَدتُ بِمَعْصِیَتی مُخالَفَتَکَ وَ ما عَصَیْتُکَ اذ عَصَیْتُکَ وَ أنا بِکَ جاهِلٌ وَلا لِعُقُوبَتِکَ مُتَعَرِّضٌ وَلا لِنَظَرِکَ مُسْتَخِفٌّ وَلَکِنْ سَوَّلَتْ لِی نَفْسی وَأعانَتنی عَلی ذلِکَ شَقْوَتی وَغَرَّنی سِترُکَ الْمُرْخی عَلَیَّ فَمِنَ الأنَ مِنْ عَذابِکَ مَنْ یَسْتَنقِذُنی وَبِحَبْلِ مَنْ اعْتَصِمُ إن قَطَعْتَ حَبْلَکَ عَنّی فَیاسوأتاهُ غَداً مِنَ الوُقُوفِ بَینَ یدَیکَ إذا قیلَ لِلمُخِفّینَ جُوزُوا وَ لِلمُثقِلینَ حُطّوا افَمَعَ المُخِفّینَ اجوزُ ام مَعَ المُثقِلینَ احُطُّ وَیلی کُلَّما کَبُرَ سِنّی کَثُرَت ذُنوبی وَیلی کُلَّما طال عُمری کَثُرت مَعاصیَّ فَکَم اتُوبُ وَکَم اعُودُ اما أنَ لی أن استَحْیِیَ مِن رَبّی اللّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ اغْفِر لِی وَارْحَمْنی یا ارحَمَ الرَّاحِمین وَخَیرَ الغافِرینَ)

۹. خانه امام علی (ع):

این خانه در زمین مرتفعی قرار دارد و در مجاورت باروی غربی دارالاماره قرار دارد و بسیاری از شیعیان به زیارت آن می‌روند. خانه مذکور در اصل منزل مسکونی (ام هانی) خواهر حضرت علی (ع) بود که حضرت پس از انتقال به کوفه آن را منزل خود قرار داد. این خانه در بیرون مسجد کوفه و در زاویه جنوب غربی آن قرار دارد. ساختمان کنونی آن گرچه قدیمی نیست لیکن در محل همان خانه حضرت ساخته شده است(۱).

۱- از خانه تا مسجد ۲۰ متر فاصله است و چندین اتاق برای هریک از اولاد امام علی(ع) وجود دارد.

ص:۱۴۶

۱۰. مرقد خدیجه دختر حضرت علی (ع):

این مرقـد در مقابل مسـجد کوفه قرار دارد و گوینـد که مغازه خرما فروشـی میثم تمار که از خواص یاران حضـرت علی (ع) بود در این مکان قرار داشته است.

۱۱. مرقد اولاد الحسن (ع):

شامل قبور تعدادی از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) است و این مرقد در جاده قدیمی کوفه به مسجد سهله قرار دارد.

۱۲. مرقد سید ابراهیم غمر:

سید ابراهیم فرزند حسن المثنی پسـر امام حسن مجتبی (ع) است و مرقد وی در محله (حی کنده) و در سـمت مغرب قبر میثم تمار و نزدیک جاده اصلی کوفه به نجف قرار دارد. او جد سادات طباطبایی است.

۱۳. قصر دار الاماره:

این بنا قـدیمی‌ترین بنای اسـلامی عراق است که در سال ۱۷ ه ق بوسـیله سـعد بن ابی وقاص و پس از ساختمان مسـجد کوفه ساخته شد. دارالاماره ساختمانی مربع شـکل به ابعاد ۱۱۰/ ۳۶ متر و ۲۴/ ۱۱۰ متر است که امروزه تنهـا پایه‌ها و برخی دیوارهای فرو ریخته آن باقی مانده است. این قصر یکی از ساختمانهای عبرت‌انگیز روزگار است. در این قصـر مسـلم به شهادت رسید و سر مبارک امام حسین (ع) و شهدای کربلا به نمایش گذاشته شد و چندی نگذشت که سرهای قاتلان آن

ص:۱۴۷

بزرگواران از سوی مختار ثقفی و یارانش به نمایش در آمد و باز چندی نگذشت که سر مختار ثقفی را نیز بریدند و در آن به نمایش درآوردند(۱).

۱۴. مسجد و مقام یونس (ع):

اشاره

این جایگاه که امروزه شکل و هیئت مسجد دارد، در میان عامه مردم به غلط به آرامگاه حضرت یونس بن متی (ع) شهرت یافته است. این مقام در کنار رودخانه فرات و در فاصله یک کیلومتری مسجد کوفه واقع است. نام قدیمی این مسجد الحمراء است و شیعیان را به این مسجد اعتقادی نیست. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار(۲) به نقل از شیخ طوسی در کتاب الامالی(۳) از حضرت علی (ع) روایت می کند که فرمود: در کوفه مساجد مبارک و مساجد ملعون وجود دارند و از مساجد ملعون مسجد الحمراء است که بر روی قبر ستمکاری از ستمکاران ساخته شده است. مجلسی گوید: ظاهراً منظور از مسجد الحمراء همان مسجدی است که امروزه به نام مسجد یونس (ع) معروف است و گفته می‌شود قبر حضرت یونس (ع) در آن قرار گرفته است ولی هیچگونه سندی ندیده‌ایم که قبر آن حضرت در

۱- این قصر توسط نخستین حاکم کوفه سعد بن ابی وقاص ساخته شده و پس از آن حاکمان این مکان بجز علی(ع) برای حکومت در آن استقرار یافتند(ویراستار)

۲- (۲) علامه مجلسی، بحار الانوار(ج ۱۰۰ ص ۴۳۹)

۳- (۳) شیخ طوسی، الامالی، ص ۱۷۱

ص:۱۴۸

آنجا باشد، از سوی دیگر گفته می‌شود که آرامگاه حضرت یونس (ع) در شهر موصل بر بلندای تپه‌ای قرار دارد و دارای گنبد و صحن و سرا است.

شهر کفل:

این شهر در فاصله سی و پنج کیلومتری شمال شرق کوفه و در مسیر بزرگراه نجف بغداد قرار دارد، شهر کوچکی است و نام خود را از قبر حضرت ذی الکفل (ع) که یکی از بزرگان پیامبران بنی اسرائیل است و در این شهر مدفون است گرفته است.

برخی از منابع اسلامی نام عبری وی را (عویدایا بن إدریم) و برخی دیگر او را (بشر بن أیوب) و برخی (یهودا بن یعقوب بن اسحاق نبی) دانسته‌اند. قرآن کریم در دو جا از وی نام برده است که عبارتند از آیه ۸۵ سوره انبیاء که می‌فرماید: (وإسماعِیلَ وإدریس و ذَا الْکِفْلِ کُلٌّ مِن الصَّابِرِین) و آیه ۴۸ سوره ص که می‌فرماید: (واذْکُر إسماعیلَ والْیَسَع وذَا الْکِفْلِ وکُلٌّ مِن الْأَخْیار). برخی نیز معتقدند که نام این پیامبر حزقیل یا حزقیال است و بعلت آنکه کفالت قوم یهود را در دوران اسارت در بابل به عهده داشت، به نام ذو الکفل معروف شده است. این پیامبر نزد قوم یهود از مقام والایی برخوردار است، زیرا توانست تورات حضرت موسی (ع) را پس از آتش گرفتن هیکل حضرت سلیمان در اورشلیم از سوی بخت نصر، مجدداً بازنویسی کند. تا سالهای پیش از دهه پنجاه میلادی، هر ساله در ماه ژوئن، هزاران یهودی برای زیارت آرامگاه او به این شهر کوچک می‌آمدند و به مدت یک هفته مراسم مذهبی انجام می‌دادند. ساختمان آرامگاه از دوران مغول است و دارای

ص:۱۴۹

گنبـدی است مخروطی وکنگره دار. در قسـمتی از آرامگـاه، مسـجدی کهن با گلدسـته‌ای برافراشـته از همان دوران وجود دارد. در گوشه وکنار این آرامگاه، قبور بسـیاری از بزرگان یهود دیده می شود. بر روی دیوار آرامگاه سـنگ نوشته‌ای به خط عبری و بسیار قدیمی وجود داشت که پس از اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی، مفقود گردید.

امروزه شـهر کفل مرکز بخشـداری الکفل در اسـتان بابل عراق بوده و در وسط راه حله به کوفه قرار دارد. نام این شـهرک در معجم البلدان حموی (برملاحه) است.

در مدخل جنوبی شـهر کفل و درمیان نخلسـتانها، آرامگاه رشـید هجری یکی از یاران و شاگردان باوفای امیرالمؤمنین علی (ع) قرار دارد. وی در دوران معاویه به جرم پایداری در دوستی و محبت به امیرالمؤمنین (ع) و به دستور معاویه به شهادت رسید.

همچنین در شـرق شهر کفل جایگاه شهادت زید بن علی (ع) قرار دارد، که در سال ۱۲۰ ه ق و پیرو قیام فراگیرش علیه خلفای ظالم و سـتمکار بنی امیه، در حین جنگ به شـهادت رسـید و توسط یارانش به خاک سپرده شد، اما دشـمنانش گور او را شکافته و جسد مطهر وی را بیرون آوردند و سـرش را بریدند و جسد مبارکش را آتش زدند. امروزه در جایگاه دفن نخستین او آرامگاهی با شکوه ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

ص:۱۵۰

خلاصه درس فصل دوم:

شهر مقدس نجف در حاشیه فلات غربی عراق و در جنوب غربی بغداد واقع شده است و فاصله آن تا بغداد ۱۶۰ کیلومتر است. نجف در زبان عربی به معنی مکان مستطیل محصور و بلندی است که آب نمی‌تواند آن را فرا گیرد و جمع آن (نجاف) است. برخی نیز معنی نجف را (تل) یا (تپه) ذکر کرده‌اند. اما (وادی‌السلام) به معنی دشت سلامتی است و این نام در برخی از احادیث اهل بیت (ع) بر این منطقه اطلاق شده است که در حال حاضر این نام به گورستان معروف شهر نجف اطلاق می گردد که آرامگاه بسیاری از بزرگان و علمای شیعه می‌باشد. مساحت شهر در حدود ۱۳۳۸ کیلومتر مربع است، خیابان‌های آن پهن و مستقیم و ساختمان‌های آن مرتفع و بازارهای آن پهن و مرتب است مخصوصاً بازار بزرگ آن (السوق الکبیر) که از باروی شرقی شهر آغاز می‌شود و تا حرم مطهر حضرت علی (ع) ادامه می یابد. این شهر تاریخی کهن دارد و در دوران حکومت (منذریان) یا (پادشاهان حیره) که کارگزاران امپراتوری ساسانی بودند، منطقه نجف به عنوان ییلاق مورد استفاده قرار می گرفت و به علت آب و هوای مناسب، برخی از پادشاهان حیره قصرها و منازلی در آن منطه ساخته بودند. شاپور برای جلوگیری از حمله اعراب بادیه‌نشین اقدام به حفر خندقی در ناحیه غربی شهر نجف نمود که بقایای این خندق بین نجف و کربلا همچنان پابرجا است و امروزه (بکری سعده) نامیده می‌شود. قبل از فتح مسلمانان تعدادی از دیرها و کلیساهای مسیحی در این منطقه بنا شده بود. پس از دفن

ص:۱۵۱

حضرت علی (ع) در سال ۴۰ ه. ق تـا مـدت‌ها محل قبر آن حضـرت ناشـناخته و مخفی بود اما با این وجود اهل بیت (ع) و شـیعیان خـاص آنـان که از محـل دقیق دفن آن حضـرت آگاه بودنـد مخفیانه و گاهی اوقات شـبانه به این منطقه آمـده و قبر آن حضـرت را زیـارت می‌کردنـد. در سال ۱۳۵ ه. ق پس از برملا ـ شـدن محـل دفـن حضـرت علی (ع) ایـن منطقه به تدریـج زیارتگـاه عاشـقان و شیفتگان آن حضـرت گردیـد و رفته رفته برخی از شـیعیان در اطراف آن مسـتقر شدنـد و هسـته اولیه شـهر پی‌ریزی شـد و بعـدها با گذشت زمان توسعه یافت تا اینکه به شهر بزرگ و مشهوری مبدل شد.

نجـف شــهری فرهنگی اسـت، علمـا و شـعرای بسـیاری از ایـن شـهر برخاسـته‌اند و معمولًـا در هر مـدرسه‌ای از مـدارس دینی نجف کتابخانه‌ای وجود دارد و قبل از به قدرت رسـیدن حزب بعث در عراق، شـهر نجف یکی از مراکز مهم نشـر کتاب‌های تشیع به‌شمار می‌رفته است.

در نجف امـاکن زیارتی متعـددی وجود دارد که از جمله آنان می‌توان از حرم مطهر حضـرت علی (ع)، مرقـد کمیل، مسـجد حنانه، مقام هود و صالح و غیره نام برد. شـهر کوفه در فاصـله ده کیلومتری شهر نجف واقع شده است و در آن زیارت‌گاه‌هایی نظیر مسجد کوفه، حرم مسلم بن عقیل، مرقد هانی‌بن عروه، مرقد مختار ثقفی، مرقد میثم تمار و غیره وجود دارد.

ص:۱۵۲

فصل سوم مسیر حرکت امام حسین (ع) به کربلا

اشاره

ص:۱۵۳

مسیر حرکت کاروان امام حسین از مکه به کربلا

امام حسین (ع) پس از دریافت نام مسلم بن عقیل و احساس خطر از دژخیمان یزید، حج خود را به عمره تبدیل کرد و پس از انجام مراسم عمره از احرام بیرون آمد و در روز جمعه روز ترویه (هشتم ذی‌الحجه سال ۶۰ ه. ق) پس از شصت و پنج روز اقامت در مکه به اتفاق حدود هشتاد و شش نفر مرد از اهل‌بیت، یاران و دوستان خود از مکه بیرون آمده و به‌سوی عراق رهسپار شد. در این مسیر امام حسین در بیست‌و یک منزل توقف نمود که به‌ترتیب نام منازل مذکور را به همراه تاریخ وصول آن حضرت بدان‌جا و مدت توقف حضرت در آن‌ها را به‌همراه حوادث واقع شده در آن منازل می‌آوریم:

۱. التنعیم:

این دشت بین سرف و مکه و در فاصله ۱۳ کیلومتری آن است و در آن درختانی وجود دارد که به‌نام درختان تنعیم معروف‌اند و در آن مساجد و مخازن آب وجود دارد و اهالی مکه که تصمیم به حج عمره بگیرند بدین‌جا رفته و احرام می‌بندند. امام در روز شنبه ۹ ذی‌حجه سال ۶۰ وارد منزلگاه التنعیم شد.

۲. الصفاح:

این کلمه جمع واژه (صفحه) است و نام زمینی بین وادی حنین و نخل‌الشرائع است و در حدود ۲۸ کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در این منزلگاه حضرت امام حسین (ع) فرزدق شاعر را ملاقات کرد که از سوی عراق می‌آمد و از وی درباره اهل عراق پرسید و ایشان جواب داد: دل‌های آنان با شما و شمشیرهای آنان با بنی‌امیه است.

ص:۱۵۴

۳. وادی عقیق:

حضرت امام حسین (ع) در روز سه‌شنبه ۱۲ ذی‌حجه سال ۶۰ ه. ق وارد وادی عقیق شد. این منزلگاه در غرب مدینه منوره و در فاصله ۲۸ کیلومتری مدینه قرار دارد و در این محل برخی برای حج احرام می‌بندند و به مکه نزدیکتر از ذوالحلیفه بوده است. (۱) در این منزل عون و محمد، فرزندان عبدالله بن جعفر طیار و زینب کبری (س)، به او ملحق شدند و نامه پدرشان عبدالله بن جعفر را به امام حسین (ع) رساندند که در آن نامه از امام حسین (ع) درخواست کرده که از سفر به کوفه خودداری کند.

۴. وادی صفرا:

حضرت امام حسین (ع) در روز چهارشنبه ۱۳ ذی‌حجه وارد وادی صفرا شد وادی صفراء از اعمال مدینه است و در آن‌جا چشمه بزرگی وجود دارد که از درون شنزاره می‌جوشد. این چشمه را نُجَیْر گویند و علت تسمیه این وادی به (صفرا)، کوه‌های زرد رنگی است که در این منطقه دیده می‌شوند و در این مکان دو تن از یارانش به نام‌های مجمّع و عبّاد به ایشان پیوستند(۲)

۱- مقتل الحسین، مقرم، ص ۲۰۴، به نقل از معجم البلدان.

۲- (۲) بکری، ص ۱۵۷.

ص:۱۵۵

۵. ذات‌العرق:

امام در روز پنجشنبه ۱۴ ذی‌حجه وارد ذات‌العرق شـد و در آن‌جا با بشـربن‌غالب ملاقات کرد. و ذات‌العرق نام دشتی است که کنار کوهی به نام عرق قرار دارد. محل توقف اهالی فارس و خراسان قبل از رسیدن به مکه بوده است.

۶. حاجر بطن ارمه:

امام در روز جمعه ۱۵ ذی‌حجه وارد حاجر بطن ارمه شد و این منزلگاه وادی معروفی در مسیر راه مکه بود که اهالی بصره در هنگام عزیمت به مـدینه در آن توقف می‌کردنـد و معمولًا محل تجمع اهل کوفه و اهل بصـره بود و امروزه این منزلگاه در جنوب ریاض و شمال مسـتوره واقع شده است و در این منزل قیس‌بن مسهر صیداوی را به‌عنوان سفیر خود، همراه با نامه‌ای، به نزد اهل کوفه فرستاد، اما قیس پس از رسیدن به کوفه توسط لشکریان ابن‌زیاد دستگیر شده و به شهادت رسید.

۷. فَید:

امام در روز شنبه ۱۶ ذی‌حجه وارد فَیـد شـد. فَید نام منزلگاهی در بین راه مکه و بغداد بوده است که بعدها توسـعه زیادی یافته و به شهر تبدیل شد و هنگامیکه که خلیفه دوم، سـعد بن ابی‌وقاص را به فتح عراق گسـیل نمود، وی به مدت یک ماه به همراه لشـکریان خود در این منزلگاه اقامت گزیـد. ابن‌رسـته در کتاب خود الاعلاق النفسـیه ذکر می‌کند که این شـهر در سال ۳۱۰ ه. ق شهری آباد بود و در آن مسجد جامع وجود داشته است و مردم آن از قبیله طی بوده‌اند.

ص:۱۵۶

۸. احفُر:

امام در روز یکشنبه ۱۷ ذی‌حجه وارد احفُر شد و در آن‌جا عبدالله بن مطیع عدوی را ملاقات کرد.

۹. خُزیَمیه:

امام در روز دوشنبه ۱۸ ذی‌حجه به خزیمیه رسید و خزیمیه یکی از منزلگاهان معروف حاجیان است که به نام (خزیمه‌بن خازم التمیمی) نامیده شده است و بر اساس آنچه در تاریخ ذکر گردیده است، نخستین باری که زینب (س) با خبر اندوهبار شهادت برادر روبه‌رو گردید، در منزل خزیمیه بود.

امام حسین (ع) در مسیر حرکت خود از مکه به عراق یک شبانه‌روز در این منزل رحل اقامت افکند. هنگام صبح عقیله بنی‌هاشم، خدمت برادر رسید، عرض کرد: (ای برادر! آیا تو را از آنچه دیشب شنیدم با خبر نسازم؟) امام (ع) فرمود: (آن چیست؟) زینب گفت: (دیشب هنگامی که برای انجام کاری از خیمه خود خارج شدم، شنیدم هاتفی ندا می‌دهد: (ای چشم بسیار گریه کن و کیست که در آینده بر شهیدان بگرید بر گروهی که مرگ آنان را به‌سوی وعده‌ای معین به پیش می‌راند!)

امام حسین (ع) فرمود: (ای خواهر! هر آنچه را که خداوند تقدیر کرده است، انجام خواهد شد.) (۱)

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد ۴۴، ص ۳۷۲

ص:۱۵۷

۱۰. شقوق:

امام در روز چهارشنبه ۲۰ ذی‌حجه به شقوق وارد شد و در این منزل حضرت با مردی که از سوی کوفه می‌آمد مواجه شد و از وی اوضاع کوفه را جویا شد.

آن مرد عرض کرد: (یابن رسول‌الله! مردم عراق در مخالفت با شما متحد و هماهنگ گردیده و بر جنگ با شما هم‌پیمان شده‌اند.

امام علیه‌السلام در پاسخ وی فرمود: (انَّ الْامْرَ للّه یَفْعَلُ ما یَشاءُ) یعنی پیشامدها از سوی پروردگار است و آنچه خود صلاح بداند انجام می‌دهد. امام علیه‌السلام سپس اشعاری را به شرح زیر فرمودند:

فَان تَکُن الدُّنْیا تعَدُّ نفَیسَهفَانَّ ثَوابِ الله اعْلا وَ انْبَلُ

وَ انْ تَکُن الامْوالُ لِلتَّرْکِ جَمْعُهافَما بالُ مَتْروکِ بِهِ الْمَرْءُ یَبْخَلُ

وَ انْ تَکُن الارزاقُ قِسْماً مُقَسماًفَقِلَّهُ حِرْص الْمَرْءِ فِی الْکَسْبِ اجْمَلُ

وَ انْ تَکُن الْابْدانُ لِلْمَوْتِ انْشِاءتفَقَتْلُ امریء بالسَّیْفِ فی الله افضلُ

عَلَیْکُمْ سَلامُا لله یا الَ احْمَدَفَانِّی ارانی عَنْکُمْ سَوْفُ ارْحَلُ

زندگی این جهان گرچه از نظر عده‌ای نفیس و پربهاست ولی خانه پاداش و جزا بالاتر و پربهاتر است.

و اگر جمع‌آوری مال و ثروت برای این‌است که باید یک‌روز از آن دست برداشت پس مرد نباید برای چنین ثروتی بخل ورزد.

ص:۱۵۸

و اگر روزیها مقدر و تقسیم شده است پس مرد در کسب ثروت هرچه کم آزتر باشد بهتر است.

و اگر این بدنها برای مرگ آفریده شده است پس کشته شدن مرد در راه خدا چه بهتر.

درود بر شما ای خاندان پیامبر! که من به این زودی از میان شما خواهم رفت.) (۱)

۱۱. زرود:

امام در روز پنجشنبه ۲۱ ذی‌حجه وارد منطقه زرود شد. زرود نام شنزاری بین ثعلبیه و خزیمیه و در حقیقت امتداد طبیعی صحرای (نفود) به‌شمار می‌رود. این منزلگاه در مسیر راه حجاج کوفه به مکه می‌باشد زرود در لغت عرب به معنی مکنده است و علت این تسمیه بدین‌خاطر بوده است که شنزارهای آن آب باران را به‌سرعت جذب می‌کرده است و در آن چاه‌های زیادی وجود دارد که آب آن ناگوار است. فاصله آن تا مدینه ۵۸۵ کیلومتر است. زهیربن قین در این منطقه به جمع یاران امام پیوست.

زهیر از لحاظ عقیده، عثمانی بود و علاقه‌ای به اهل‌بیت نداشت وی از بزرگان طایفه خود بود در کوفه زندگی می‌کرد و در میدان‌های جنگ، رشادت‌هایی از خود نشان داده است. در سال شصت همراه خانواده‌اش به حج رفت و در مراجعت مسیر حرکت او با قافله امام حسین (ع) یکی گردید، منتها از این‌که با حضرت برخورد کند پرهیز می‌کرد به این‌نحو که اگر حضرت راه می‌رفت، او می‌ایستاد و اگر امام (ع) توقف می‌کرد او حرکت می‌نمود تا بالاخره در منزلی به‌ناچار هردو رحل اقامت افکندند، منتها با فاصله از همدیگر، زهیر با خانواده‌اش مشغول غذا خوردن بود که قاصد امام حسین (ع) آمد و چنین گفت: (ان

۱- سخنان حسین‌بن علی از مدینه تا کربلا، تألیف محمد صادق نجمی

ص:۱۵۹

اباعبـدالله الحسـین (ع) بعثنی الیـک لتـاتیه) یعنی: (اباعبـدلله (ع) مرا نزد تو فرسـتاده و از تو می‌خواهـد که به دیـدن ایشـان بروی). با شنیدن این پیغام، لقمه غذا از دست همه افتاد و حالت تحیر و سکون به همه آنان دست داد زوجه زهیر گفت: چرا نشسته‌ای؟

زهیر حرکـت کرد و شـرفیاب حضـور امـام (ع) گشت، در این تشـرف چه گفته و شـنیده شـد، تاریـخ مطلبی را ضـبط نکرده است، همین‌قـدر آمـده که زهیر بـا حـالت خوشـحالی و بشارت برگشت و اثاثیه خود را از سایر اثاثیه‌ها جـدا کرد و حسـینی شـد. در شـب عـاشورا هم آن‌وقتی که امـام (ع) بیعت خود را از اصـحاب برداشت زهیر برخاست و گفت: (به خـدا قسم! دوست دارم کشـته شوم، بعـد زنـده شوم، باز کشـته شوم و بعد زنده شوم تا هزار مرتبه، تا بدینوسـیله خداوند متعال، مرگ را از شـما و از جوانان این خاندان دفع کند.) صـبح عاشورا امام حسـین (ع) زهیر را در میمنه و حبیب را در میسـره لشـکر قرار داد. بعد از شهادت حبیب، صحنه جنگ داغ شد، موقع ظهر، حضرت، نماز را خواند، زهیر جلو آمد و حمله را آغاز کرد و این رجز را خواند:

انا زهیر و انا بن القین‌اذودکم بالسیف عن حسین

(من زهیربن القین هستم و با شمشیر از امام حسین (ع) حمایت می‌کنم)

دوباره خدمت حضرت رسید و با این اشعار با امام (ع) وداع کرد:

فدتک نفسی هدیا مهدیاالیوم القی جدک نبیا

و حسنا و المرتضی علیاو ذاالجناحین الشهید الحیا

(ای هـدایت‌گر هدایت‌شـده جانم فـدایت باد، امروز من به‌دیـدار جد شـما پیامبر خدا می‌روم و امام حسن (ع) و مرتضـی علی (ع) و جعفر طیار (ع) یعنی آن شهید زنده را زیارت خواهم کرد.)

ص: ۱۶۰

مـدتی جنگیـد تـا بر زمین افتـاد، ابا عبـدالله الحسـین (ع) خودش را بر بالین زهیر رسانـد و فرمود: (لا یبعـدنک الله یا زهیر! و لعن الله قاتلیـک لعن الـذین مسـخوا قرده و خنازیر) (ای زهیر خداونـد تو را از ما دور نگردانـد و خداونـد قاتلان تو را لعنت کنـد و به لعنتی گرفتار کند که مسخ‌شدگان و خوک و میمون به‌آن دچار شدند.)

در زیارت ناحیه، خطاب به زهیر چنین می‌خوانیم: (السـلام علی زهیربن‌القین البجلی القائل للحسین و قد اذن له فی الانصراف، لاوالله لا یکون ذلک ابدا اترک ابن رسول الله اسیرا فی ید الاعدا و انجوا انا لا ارانی الله ذلک الیوم) یعنی: (و سام بر زهیربن‌القین بجلی که در هنگام رفتن به میـدان جنگ به امام حسـین (ع) فرمود: به خـدا سوگنـد هرگز چنین نخواهـد شـد که من فرزنـد رسول خـدا را به صورت اسیر در دست دشمنان رها کنم و خود را نجات دهم، خداوند چنین روزی را به من نشان ندهد.)

۱۲. ثعلبیه:

امـام در روز جمعه ۲۲ ذی‌حجه وارد ثعلبیه شـد و این نـام از نـام شخصـی به نام (ثعلبه بن مزیقا) از بنی‌اسـد گرفته شـده است و امام حسـین (ع) شب را در این منزل ماند. مردی نصـرانی به‌نام وهب با مادرش مسلمان شد و همراه او رهسپار کربلا شدند. در ثعلبیه بود که خبر شـهادت مسلم‌بن عقیل و هانی‌بن عروه را به‌امام دادند. امام حسین علیه‌السلام در بین راه شخصی را دیدند که از طرف کوفه می‌آمـد. (در زمین عربسـتان جـاده و راه شوسه نبوده که از کنار یکـدیگر رد بشونـد. بیابان بوده است و افرادی که در جهت خلاف هم حرکت می‌کردنـد، با فواصلی از یکـدیگر رد می‌شدنـد.) لحظه‌ای توقف کردند به‌علامت این‌که من با تو کار دارم و می‌گویند این شـخص امام حسـین علیه‌السلام را می‌شناخت و از طرف دیگر حامل خبر تاسف‌باری بود. فهمید که اگر نزد امام حسین برود، از او خواهد پرسید که از کوفه چه‌خبر و باید خبر بدی را به ایشان بدهد و لذا راهش را کج کرد و

ص:۱۶۱

رفت طرف دیگر. دو نفر دیگر از قبیله بنی‌اسد که در مکه بودند، بعد از آنکه کار حجشان به‌پایان رسید، چون قصد نصرت امام حسین را داشتند، به سرعت از پشت‌سر ایشان حرکت کردند تا خودشان را به قافله اباعبدالله برسانند. اینها تقریباً یک منزل عقب بودند. برخورد کردند با همان شخصی که از کوفه می‌آمد. به‌یکدیگر که رسیدند به رسم عرب انتساب کردند، یعنی بعد از سلام‌و علیک، این دو نفر از او پرسیدند: نسبت را بگو، از کدام قبیله هستی؟ گفت: من از قبیله بنی‌اسد هستم. اینها گفتند: عجب! (نحن اسدیان) ما هم که از بنی‌اسد هستیم. پس بگو پدرت کیست، پدربزرگت کیست؟ او پاسخ گفت، اینها هم گفتند تا همدیگر را شناختند. بعد، این دو نفر که از مدینه می‌آمدند گفتند: از کوفه چه خبر؟ گفت: حقیقت این است‌که از کوفه خبر بسیار ناگواری است و ابا عبدالله که از مکه به کوفه می‌رفتند وقتی مرا دیدند توقفی کردند و من چون فهمیدم برای استخبار از کوفه است نخواستم خبر شوم را به حضرت بدهم. تمام قضایای کوفه را برای اینها تعریف کرد.

این دو نفر آمدند تا به حضرت رسیدند. به منزل اولی که رسیدند حرفی نزدند. صبر کردند تا آنگاه که اباعبدالله در منزلی فرود آمدند که تقریباً یک شبانه‌روز از آن‌وقت که با آن شخص ملاقات کرده بودند فاصله زمانی داشت. حضرت در خیمه نشسته و عده‌ای از اصحاب همراه ایشان بودند که آن دو نفر آمدند و عرض کردند: یا ابا عبدالله! ما خبری داریم، اجازه می‌دهید آن را در همین مجلس به عرض شما برسانیم یا می‌خواهید در خلوت به شما عرض کنیم؟ فرمود: من از اصحاب خودم چیزی را مخفی نمی‌کنم، هرچه هست در حضور اصحاب من بگویید. یکی از آن دو نفر عرض کرد: یا ابن رسول‌الله! ما با آن مردی که دیروز با شما برخورد کرد ولی توقف نکرد، ملاقات کردیم، او مرد قابل اعتمادی بود، ما او را می‌شناسیم، هم قبیله ماست، از بنی‌اسد است، ما از او پرسیدیم در کوفه چه‌خبر است؟ خبر بدی داشت، گفت من از کوفه خارج نشدم مگر این‌که به‌چشم خود دیدم که مسلم و هانی را شهید کرده بودند و بدن مقدس آنها را در حالی‌که ریسمان

ص:۱۶۲

به پاهایشان بسته بودند در میان کوچه‌ها و بازارهای کوفه می‌کشیدند. اباعبدالله خبر مرگ مسلم را که شنید، چشمهایش پر از اشک شد ولی فوراً این آیه را تلاوت کرد: (من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضـی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا(۱)

> ۳۱.

زباله:

امام حسین (ع) همراه کاروان خود شنبه ۲۳ ذی‌حجه به زباله رسیدند. این منزلگاه روستای آبادی بود که بازار آن در جاهلیت معروف بوده و در آن دژی و مسجدی متعلق به بنی‌اسد وجود داشته است و برخی گویند که علت تسمیه آن به زباله این‌بوده است که زمین آن آب را حفظ می‌کرده است و برخی دیگر معتقدند که تسمیه آن به علت وجود شخصی به عنوان (زباله بنت مسعر) بوده است و آورده‌اند که در این منزل خبر شهادت عبدالله بن‌یقطرالحمیری، مسلم‌بن عقیل و هانی‌بن عروه رسید و آن حضرت آن خبر را برای اصحاب بیان کردند و فرمودند: خبر ناگوار و جانسوزی به ما رسیده و آن اینکه مسلم‌بن عقیل، هانی‌بن عروه و عبدالله یقطر حمیری به شهادت رسیده‌اند و شیعیان کوفه ما را بی‌یار و بی‌یاور گذاشته‌اند، هرکس از شما خواهد، می‌تواند بازگردد و بر او ملامتی نیست چرا که تعهدی نداشته است.

همراهان بی‌وفای امام (ع) از گرد او پراکنده شدند و از راست و چپ راه بیابان را پیش گرفتند و تنها همان کسانی که از مدینه همراه امام (ع) بودند با تعداد کمی از مردان دیگر که در راه به امام ملحق شده بودند، باقی ماندند.

۱- سوره احزاب، آیه ۲۳

ص:۱۶۳

امام (ع) این‌کار را برای آن کرد که گروهی از اعراب می‌پنداشتند که عازم شهری می‌شوند که مردم آن شهر تحت فرمان امامند و امام (ع) می‌خواست که همراهانش آگاهانه در این مسیر گام بردارند و بدانند که با چه مشکلاتی مواجه می‌شوند.

چون امام (ع) به زباله رسید، وصیت‌نامه مسلم‌بن عقیل به دست آن حضرت رسید، امام نامه را خواند و صحت خبر شهادت مسلم و هانی را تایید شده دید، سخت آزرده خاطر شد و این رنجش وقتی شدت پیدا کرد که قاصد خبر قتل قیس‌بن مسهر را نیز به اطلاع امام (ع) رساند.

امام حسین (ع) برادر رضایی خود عبدالله بن یقطر را قبل از شهادت مسلم به‌سوی او فرستاد که به‌دست حصین‌بن تمیم گرفتار و به نزد عبیدالله بن زیاد برده شد و او فرمان داد که عبدالله بن یقطر را به بالای قصر دارالاماره برده تا در منظر عام، حسین و پدرش را لعنت کند! هنگامی‌که ابن یقطر، بالای قصر رفت خطاب به مردم گفت: ای مردم! من فرستاده حسین فرزند دختر رسول خدای شما هستم، به یاری او بشتابید و بر پسر مرجانه لعنت الله علیه بشورید.

عبیدالله چون چنین دید فرمان داد تا او را از بالای قصر به زیر انداختند و در حال جان دادن بود که فردی آمد و او را به قتل رساند، به او گفتند: وای بر تو! چرا چنین کردی؟ گفت: می‌خواستم او را راحت کنم.

اکثر نویسندگان خبر شهادت عبدالله بن یقطر و قیس‌بن مسهر صیداوی، فرستاده امام به کوفه را در منزل زباله ذکر کرده‌اند و بعضی در منازل دیگر یا بعد از ملاقات با حربن یزید ریاحی نقل کرده‌اند. ولی قول صحیح همان منزل زباله می‌باشد، البته ممکن است که خبر شهادت آنها در منازل دیگر نیز به امام داده شده باشد.

۱۴. ذی القاع:

ص:۱۶۴

روز یکشنبه ۲۴ ذی‌حجه بود که امام حسین (ع) همراه با یارانشان وارد منزل ذی‌القاع شدند. طبری از ابو محنف نقل کرده که شخصی به نام عمرو بن نوران به‌حضور امام رسیده و از آن حضرت سؤال کرد. عزم کجا دارید؟ امام فرمود: عازم کوفه هستم. آن مرد به امام گفت: تو را به خدا سوگند که از این راه برگرد زیرا تو به استقبال نیزه‌ها و شمشیرها می‌روی، اگر کسانی که نامه و پیک نزد شما فرستاده‌اند، هزینه این جنگ را برعهده می‌گیرند و مقدمات کار را از هرجهت برای شما فراهم می‌آوردند، به نزد آنها برو که این عزم پسندیده‌ای است ولی آنگونه که شما بیان کردید من مصلحت شما را در رفتن بسوی مردم کوفه نمی‌بینم. امام (ع) فرمود: ای بنده خدا! آنچه را که تو گفتی بر من پوشیده نیست و رای همان است که تو دیده‌ای ولی بر مقدرات الهی کسی غالب نخواهد شد.

۱۵. بطن العقبه:

روز دوشنبه ۲۵ ذی‌حجه سال ۶۰ هجری قمری امام حسین (ع) همراه با کاروان خود به بطن العقبه رسیدند و بطن العقبه نام دشتی است که در آن منبع آبی برای بنی عکرمه بن بنی وائل وجود دارد. ابن عبدریه از امام صادق (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمود: چون حسین بن علی (ع) از بطن العقبه بالا رفت و به یاران خود فرمود: نمی‌بینم خود را جز اینکه کشته خواهم شد. اصحاب گفتند: یا اباعبدالله! علت چیست؟ فرمود: به سبب آنچه که در خواب دیدم. اصحاب از خواب امام پرسش کردند.

فرمود: در خواب دیدم سگانی به من یورش می‌برند که در میان آنها سگی دو رنگ بود که از همه درنده‌تر به‌نظر می‌رسید. طلحه‌بن زید از امام صادق (ع) روایت کرده که امام حسین (ع) فرمود: سوگند به خدایی که جانم به دست اوست حکومت بنی‌امیه برای آنها گوارا نخواهد شد مگر اینکه مرا بکشند و اینها قاتل من خواهند بود.

ص:۱۶۵

۱۶. شراف:

نام منزلگاهی در جنوب کوفه و در فاصله ۵/ ۵ کیلومتری آن است و به نام شخصی به نام شراف نامگذاری شده که در آن چشمه‌ای بنا کرد و در آن چاه‌های متعددی وجود داشت و امام حسین (ع) روز سه‌شنبه ۲۶ ذی‌حجه سال ۶۰ هجری قمری وارد منزل شراف شدند، کسی که از مکه به طرف کوفه می‌آید بعد از عقبه به منزل دیگری می‌رسد بنام واقعه ولی چون در شراف امکانات و خصوصاً آب بیشتر بوده لذا امام حسین (ع) در واقعه که آن را واقعه الحزون نیز گویند توقف نکردند و در شراف منزل گزیدند. ابو مخنف از عبدالله بن مسلم و مردی از بنی‌اسد نقل کرده که امام حسین (ع) در منزل شراف فرود آمدند و سحرگاهان به جوانان دستور دادند که آب زیادی بردارند و از این منزل حرکت کرده و صبح را تا هنگام غروب آفتاب طی طریق نمودند. گویا امام تصمیم داشتند در قرعاء که منزل دیگری است از منازل حجاج منزل کنند و بعد از آن‌جا تا مغیثه که آخرین منزل حجاز است و از مغیثه تا قادسیه که ابتدای عراق است کوچ کنند. عبیداللهبن زیاد چون از حرکت امام حسین (ع) بسوی کوفه آگاه شد، حصین بن تمیم را که رئیس شرطه او بود به قادسیه فرستاد و او لشکرش را در فاصله قادسیه تا خفان و قطقطانیه تا لعلع و نیز از واقعه تا راه شام و راه بصره مستقر کرد تا راه‌ها را دقیقاً زیر نظر بگیرند به‌طوری که اگر کسی از آن محدوده خارج و یا وارد می‌شد، اطلاع یابند.

امام (ع) بسوی عراق می‌آمد تا این‌که گروهی از اعراب را در راه ملاقات کرد و از آنها سؤال فرمود گفتند: ما چیزی جز این نمی‌دانیم که ما نمی‌توانیم وارد و یا خارج شویم امام (ع) در همان مسیر ادامه راه دادند. گفته‌اند که حصین‌بن تمیم با چهارهزار نفر مرد نظامی به منطقه اعزام شده بود که از جمله آنها حربن یزید ریاحی بود که نزدیک به هزار نفر

ص:۱۶۶

همراهش بودنـد و در روایت دیگری آمـده است که حربن یزیـد ریاحی به همراه هزار سواره از کوفه جـداگانه به منطقه اعزام شـده بود.

ابو مخنف از آن دو نفر مرد اسدی نقل کرده است در میانه راه هنگام ظهر ناگهان مردی فریاد زد الله اکبر! امام حسـین (ع) نیز تکبیر گفت و فرمود: برای چه تکبیر گفتی؟ آن مرد گفت: درخت خرما در این مکان مشاهـده می کنم! آن دو مرد اسـدی گفتنـد: در این مکان درخت خرمایی وجود ندارد. امام (ع) به آنها فرمود: شـما چه می‌پندارید؟ گفتند: اینها طلایه‌داران لشـکر دشـمن و گردن‌های اسبان آنهاست. امام (ع) فرمود: من نیز آنها را می‌بینم.

پس امـام (ع) فرمود: آیا در این منطقه پناهگاهی وجود دارد که ما بـدان‌جا برویم و این پناهگاه در پشت سـر ما قرار گیرد و دشـمن در روبـه‌روی مـا قرار گیرد؟ گفتنـد: آری در نـاحیه چپ منزلی به نـام ذوحسـمی است که این مشـخصات را دارد. پس امـام (ع) به قسـمت چپ جاده به طرف ذوحسـمی روی آورد. سپاه دشمن نیز به‌طرف این منزل می‌تاخت. ولی امام (ع) و همراهان زودتر به این منزل رسیدند.

۱۷. ذوحسمی:

روز چهارشنبه ۲۷ ذی‌حجه سال ۶۰ هجری قمری امام حسـین (ع) وارد ذوحسـمی شدند و دستور دادند که خیمه‌ها را در این مکان برپا کردند. و ذوحسـمی نام کوهی است که نخجیرگاه نعمان‌بن منذر پادشاه حیر بوده و نابغه ذبیانی درباره این کوه ابیاتی را سروده است. حربن‌یزید با هزار سوار هنگام ظهر از راه فرا رسـید و برابر امام (ع) با لشکریانش قرار گرفت. امام رو به اصحاب خود کرده و فرمود: این گروه را سـیراب کنیـد و اسب‌های آنان را نیز آب بدهیـد. یاران امام (ع) فرمان بردند و لشـکریان دشـمن حتی اسب‌های آنان را نیز سیراب کردند.

ص:۱۶۷

عتبه بن ابی‌العیزار گوید امام حسین (ع) در ذوحسمی ایستاد و پس از حمد وثنای الهی و درود بر پیامبر (ص) فرمود: (آنچه را که روی داد و پیش آمده است می‌بینید و دنیا دگرگون شد آنچه نیکو بود از آن روی گردانده و از آن نمانده است مگر ته‌مانده‌ای همانند آن آب که در ته ظرفی بماند و آن را دور ریزند و زندگی پست و ناچیز است مثل چراگاه ناگوار، مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل پرهیز نمی‌کنند. مومن باید حق‌طلب و مایل به لقای پروردگار باشد، مرگ را من جز شهادت نمی‌یابم و زندگانی با ستمگران را غیر از ننگ و خفت نمی‌دانم.)

حربن یزید ریاحی پیوسته همراه امام حسین (ع) رکاب می‌زد و هنگامی که مجال می‌یافت به امام عرض می‌کرد از برای خدا حرمت جان خویش را پاس بدار که من بر این باورم که اگر ستیز شود، کشته گردی. امام (ع) فرمود: مرا از مرگ می‌ترسانی؟ آیا اگر مرا بکشید، دیگر مرگ گریبان شما را نمی‌گیرد؟ من همان را می‌گویم که آن مرد از قبیله اوس با پسر عم خود گفت هنگامی که می‌خواست رسول خدا (ص) را یاری کند.

سامضی و مابالموت عار علی الفتی

اذا مانوی حقاً و جاهد مسلما

و واسی الرجال الصالحین بنفسه

و فارق مثبوراً و خالف مجرماً

فان عشت لم اندم و ان مت لم الم

کفی بک ذلا أن تعیش و تزعما

(من می‌روم و مرگ برای جوانمرد ننگ نیست اگر برای خدا باشد و مخلصانه بکوشد و با مردان نیکوکار به جان مواسات نماید، چون بمیرد مردم بر مرگ او اندوه خورند و

ص:۱۶۸

نابکاران از سر عناد برخیزند. پس اگر زنده ماندم پشیمان نیستم و اگر بمیرم ملامت نشوم، ذلت تو را بس که زنده باشی، خوار گردی و ناکام بمانی.)

چون حر این اشعار را از امام شنید کناره گرفت و با همراهان خود با فاصله کمی از امام، مسیر دیگری را انتخاب کرد.

۱۸. البیضه:

نام دشت وسیعی بین واقصه و عذیب الهجانات است که متعلق به بنی یربوع بن حنظله بوده و در همین محل بوده است که امام حسین (ع) سومین خطبه خود را برای سربازان حربن‌یزید ریاحی قرائت نمود.

۱۹. عذیب الهجانات:

روز پنجشنبه ۲۸ ذی‌حجه سال ۶۰ هجری قمری امام حسین (ع) به منزل عذیب‌الهجانات رسیدند. علت تسمیه این محل به عذیب این بوده است که در آن آب گوارا وجود داشته است و متعلق به بنی تمیم بوده و بین قادیه و مغیثه قرار دارد و در دوران حکومت ساسانی محل تجمع لشکریان ایرانی بوده است. در این منزل چهار سوار به نام‌های نافع‌بن هلال، مجمع‌بن عبدالله، عمروبن خالد و طرماح در حالی‌که اسب نافع‌بن هلال که کامل نام داشت را یدک کرده بودند از راه رسیدند و راهنمای آنها طرماح بن عدی بود، هنگامی‌که بر امام حسین (ع) وارد شدند حر رو بدان‌ها کرد و گفت: این چندتن از مردم کوفه‌اند، من آنها را بازداشت کرده و یا به کوفه برمی‌گردانم. امام (ع) فرمود: من اجازه چنین کاری را به تو نمی‌دهم. و همان‌طوری‌که خود را از گزند تو حفظ می‌کنم از آنان نیز محافظت خواهم کرد زیرا اینها یاران منند همانند اصحابی که با من از مدینه آمدند، پس اگر بر آن

ص:۱۶۹

پیمان که با من بستی، استواری، آنها را رها کن و گرنه باتو می‌جنگم، حر از بازداشت آنها صرف نظر کرد.

طرماح به امام (ع) عرض کرد: با شما یاران اندکی را می‌بینم و همین لشکریان حر در مبارزه بر شما غالب آیند و من یک روز پیش از آمدن از کوفه، مردم انبوهی را در بیرون شهر دیدم پرسیدم که اینان کیانند؟ گفتند: لشکری است که سرگرم سان هستند که آماده جنگ با حسین (ع) گردند و من تاکنون چنین لشگر عظیمی را ندیده بودم تو را به خدا سوگند تا توانی به آنان نزدیک مشو و اگر خواهی که در مأمنی فرود آیی که سنگر تو باشد تا تدبیر کار خویش کنی و تو را چاره کار معلوم گردد، با من بیا تا تو را در کوه اجا فرود آورم، بخدا سوگند که این کوه سنگر ما بوده و هست و ما را از پادشاهان حمیر و نعمان بن منذر حفظ کرد و به خدا سوگند هیچگاه تسلیم نشدیم و این خواری را به خود نخریدیم قاصدی نزد قبیله طی در کوه اجا و سلمی بفرست ده روز نگذرد که قبیله طی سواره و پیاده نزد تو آینـد و تا هر زمان خواهی نزد ما باش و اگر خـدای ناکرده اتفاقی رخ دهد من با تو پیمان می‌بندم که ده هزار مرد طایی پیش روی تو شمشیر زنند و تا زنده‌اند نگذارند دست هیچکس به تو رسد.

امام (ع) فرمود: خداونـد تـو را و قـبیله‌ات را جزای خیر دهـد و این گروه (یعنی اصـحاب حر) پیمانی بسته‌ایم که نمی‌توانم از آن بازگردم و معلوم نیست عاقبت کار ما و آنها به کجا می‌انجامد. اگر قصد یاری داری شتاب کن، خدا تو را ببخشاید.

طرماح می‌گوید: دانستم به یاری مردان محتاج است پس به نزد قوم خویش رفته و وصیت کردم و سعی کردم در بازگشت شتاب کنم و از راه بنی‌ثعل روانه گردیدم تا به عـذیب الهجانات رسیدم و سماعه بن بدر را ملاقات کردم و همو بود که خبر کشته‌شدن امام حسین (ع) را به من داد سپس بازگشتم.

ص:۱۷۰

۲۰. القطقطانیه:

روز جمعـه ۲۹ ذی‌حجه سـال ۶۰ هجری قمری امـام حسـین (ع) همراه کـاروانش بـه القطقطـانیه رسـیدند. امـام حسـین (ع) از عـذیب‌الهجانات حرکت کرد و حربن یزیـد ریـاحی هم بـا او بود تا روز جمعه ۲۹ ذی‌حجه به قطقطـانیه رسیدند. و قطقطانیه از واژه قطقط گرفته شده است که در زبان عرب به قطره باران اطلاق می‌گردد و این منزلگاه در نزدیکی کوفه واقع شده و قبلًا زندان نعمان بن منذر در آن قرار داشته است.

در امـالی شیخ صـدوق آمـده است که امـام حسین (ع) در این مکـان با عبیـدالله بن حر جیفی ملاقات کرد ولی به قول مشـهور این ملاقات در قصر بنی مقاتل صورت گرفته است.

۲۱. قصر بنی مقاتل:

این منزل منسوب به مقاتل بن حسان بن ثعلبه و در نزدیکی کثفه و جنوب اخیضـر قرار دارد وو عیسـی بن علی عباسی عموی منصور عباسـی آن را ویران و دوباره بازسازی نمود. این محل امروزه جزو شهرسـتان عین تمر از توابع اسـتان کربلا می‌باشـد و فاصـله آن تا کربلا ۷۰ کیلومتر است و در قرن سوم میلادی از شـهرهای بارو دار بوده که توسط شاپور پسـر اردشـیر ساسانی ساخته شده بود. امام علیه السلام روز یکشنبه اول ماه محرم‌الحرام سال شصت و یک هجری بر این منزل وارد شدند.

عمرو بن مشـرقی گفت: بـا پسـر عمویم بر امام حسـین علیه‌السـلام وارد شـدم و آن حضـرت در (قصـر بنی مقاتل) بود و بر او سـلام کردیم، امام پرسید: آیا به یاری من می‌آیی؟!

من گفتم: مردی هسـتم که عـائله زیادی دارم و مال بسـیاری از مردم نزد من است و نمی‌دانم کار به کجا می‌انجامـد و خوش نـدارم امانت مردم از بین برود؛ و پسر عمویم نیز همانند من پاسخ داد.

ص:۱۷۱

امام علیه‌السلام فرمود: پس از این‌جا بروید که هرکس فریاد ما را بشنود و یا ما را ببیند و لبیک نگوید و به فریاد برنخیزد، بر خداوند است که او را ببینی در آتش اندازد.

عقبه بن عثمان می‌گوید: در اواخر شب، امام حسین (ع) دستور داد از (قصر بنی مقاتل) آب برداشته و کوچ کنیم، چون حرکت کردیم و ساعتی رکاب زدیم امام علیه‌السلام همانگونه که سوار بود مختصری به خواب رفت، سپس بیدار شددر حالی‌که می فرمود: (انا لله و انا الیه راجعون و الحمدلله رب العالمین) و دو یا سه مرتبه به این جمله را تکرار کرد.

علی‌بن الحسین علیه‌السلام روی به پدر نمود و گفت: ای پدر! جانم به فدای تو بادو خدا را حمد کردی و آیه استرجاع خواندی، علت چیست؟ امام (ع) فرمود: پسرم! در اثنای راه مختصری بخواب رفتم شخصی را دیدم که سوار بر اسب بود و گفت: این قوم سیر می‌کنند و اجل هم بسوی آنان در حرکت است، دانستم که خبر مرگ ماست که به ما داده شده است.

امام علیه السلام فرمود: سوگند بآن کسی که بازگشت بندگان بسوی اوست ما برحقیم. علی‌بن الحسین علیه‌السلام گفت: پس ما را باکی از مرگ نیست که بمیریم و بر حق باشیم.

امام علیه‌السلام فرمود: خداوند تو را جزای خیر دهد آنگونه که پدری را به فرزندش جزای خیر دهد.

چون سپیده صبح دمید، امام پیاده شد و نماز صبح گزارد و با شتاب سوار شد و با یاران خود حرکت کردند؛ حر می‌خواست آن حضرت را به‌سمت کوفه حرکت دهد ولی امام به‌شدت امتناع می‌کرد تا چاشتگاه که به نینوا رسیدند، ناگاه سواری از دور پدیدار شد که مسلح بود و از کوفه می‌آمد، همه ایستادند و او را تماشا می‌کردند. همین که رسید به حر و همراهانش سلام کرد بی‌آنکه به امام حسین (ع) و اصحابش سلام کند، و بعد مکتوبی را

ص:۱۷۲

به‌دست حر داد که از عبیدالله بن زیاد بود و به این مضمون: چون نامه من به تو رسید و فرستاده من نزد تو آید، حسین (ع) را نگاه دار و کار را بر او تنگ گیر، و او را فرود میاور مگر در بیابان بی‌سنگر و بدون آب! ومن به قاصد گفته‌ام از تو جدا نگردد تا خبر انجام دادن فرمان مرا بیاورد، والسلام.

حر خدمت امام آمد و نامه را برای آن حضرت قرائت کرد، امام به او فرمود: بگذار در (نینوا) و یا (غاضریات) و یا (شفیه) فرود آییم. حر گفت: ممکن نیست زیرا عبیدالله این آورنده نامه را بر من جاسوس گمارده است!

زهیر گفت: بخدا سوگند چنان می‌بینم که پس از این کار سخت‌تر گردد، ای پسر رسول خدا! قتال با این گروه در این ساعت برای ما آسانتر است از جنگ با آنها که بعد از این می‌آیند، بجان خودم قسم که بعد از ایشان کسانی آیند که ما طاقت مبارزه، با آنها را نداریم. امام علیه‌السلام فرمود: من جنگ با این جماعت را آغاز نمی‌کنم. پس از آن حضرت به حر التفات کرد و فرمود: کمی جلوتر برویم! پس مقداری از مسافت را امام علیه‌السلام با حر و همراهانش پیمودند تا به زمین (کربلا) رسیدند.

۲۲. ورود به کربلا:

امام در روز دوشنبه دوم محرم سال ۶۱ ه. ق وارد کربلا شد. وقتی به آن‌جا رسیدند، حضرت فرمود: نام این زمین چیست؟ عرض شد: کربلا. حضرت فرمود: (پروردگارا! از اندوه وبلا به تو پناه می‌برم. سپس حضرت فرمود: توقف کنید و رحل اقامت بیفکنید. به خدا این‌جا محل خوابیدن شتران ما و جای ریخته شدن خون ما و قتلگاه و مدفن ماست و به‌خدا در این‌جا حریم حرمت ما شکسته می‌شود و جدم همین را به من خبر داده است.)

ص:۱۷۳

سپس اصحاب امام پیاده شدند و حر و لشکرش هم در ناحیه مقابل امام پیاده شدند. حضرت در گوشه‌ای نشست و به اصلاح شمشیر خود پرداخت در حالی که این اشعار را می‌خواند:

یا دهر اف لک من خلیل

کم لک بالاشراق و الاصیل

(ای روزگـار! چه بسیار صبح و شـام که صـاحب و طالب حق کشـته گشـته و روزگار بـدل نمی‌پـذیرد و امور به خـدای بزرگ باز می‌گردد و هر موجود زنده‌ای این راه را که من رفتم خواهد رفت.)

زنـان حرم نـاله سر دادنـد ... ام کلثوم داد زد ای‌وای یـا محمـد، ای‌وای یا علی، ای‌وای یا فاطمه، ای‌وای یا حسن، ای‌وای یا حسـین، ای‌وای از بیچارگی بعد از تو یا اباعبدالله!

هنگـامی که قـافله کربلا به منزل رسـید و لشـکر حر جلوی امام حسـین (ع) و اصـحابش را گرفت و خبر می‌رسـید که از کوفه لشـکر آماده آمدن به کربلاست، جریان واضح گشت و معلوم شد که حسـین (ع) و یاران همراهش کشـته می‌شوند. ابی‌عبدالله (ع) یارانش را جمع کرد و خطبه‌ای خوانـد و پس از حمـد و ثنـای الهی فرمود: اما بعـد ای اصـحاب من، می‌بینیـد که چه پیش آمـده ست. یعنی صحبت از کشته‌شدن است.

خیلی مختصر می‌فرمایـد: از عمر ما به همین انـدازه باقی مانده است. از آن‌جمله فرمایشات امام حسـین (ع) است که می‌فرماید: (آیا نمی‌بینید که کار به‌جایی رسـیده که حق پایمال شده و به آن عمل نمی‌شود و باطل رواج یافته است و به معروف عمل نمی‌شود و از منکر نهی نمی‌گردد جـا دارد که مومن آرزوی مرگ کنـد امـا من مرگ را جز سـعادت نمی‌بینم و زنـدگی بـا این ظلم‌هـا جز ذلت نیست.)

ص:۱۷۴

مقصود آن حضرت را اصحاب فهمیدند و اعلام جان نثاری کردند. خورشید خود را به مکه رسانده و گرمای طاقت‌فرسایش امان همه را ربوده بود و تشنگی بر هر دو سپاه غلبه کرده بود امام (ع) دستور داد که به همه سپاه حر و اسب‌های آنان آب بدهند و آنان را سیراب کنند و امام (ع) و یاران هم آب نوشیدند.

همچنین در این روز امام حسین (ع) اولین خطبه خود را برای سپاه حر را خواندند. آفتاب به وسط آسمان رسیده بود هنگام نماز ظهر بود. امام به حجاج بن مسروق جعفر امر کرد اذان بگوید: سپس امام (ع) با عبا، ردا، و نعلین بعد از حمد و سپاس خداوند چنین فرمود: ای مردم! من از خدای شما و شما پوزش می‌طلبم من پیش شما نیامدم مگر وقتی که نامه‌هایتان رسید قبل از این‌که من شما را بیابم، نامه‌های شما به من رسید که ما را امامی نیست، شاید خداوند ما را بر ما هدایت مجتمع کند اگر بر همان گفتار هستید، من به‌سوی شما آمدم اگر شما به عهدها و پیمانهای خود، آنگونه که من اطمینان یابم، به من قول می‌دهید به سرزمین شما وارد می شوم آنها ساکت بودند به مؤذن گفته شد اذان را بگوید امام علیه السلام به حر گفت: تو با یارانت نماز بگذار حر گفت: نه شما بخوان ما نیز به همراه تو نماز می‌خوانیم سپس امام با آنها نماز خواند. (۱)

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به الامام الحسین و اصحابه، قزوینی شیخ فضل علی

ص:۱۷۵

خلاصه درس فصل سوم:

امام حسین (ع) در روز هشتم ذی‌حجه سال ۶۰ هجری قمری شهر مکه را به سوی کوفه ترک نمود. در این مسیر علاوه بر اهل بیت و نزدیکان آن حضرت، یاران وی که بالغ بر هشتاد نفر بودند وی را همراهی می‌کردند. امام حسین (ع) در مسیر حرکت به سوی کوفه در بیست و یک منزل توقف داشتند و در هر یک از منازل افرادی به دیدن حضرت می‌شتافتند. در منزل دوم فرزدق شاعر که از سوی کوفه عازم مکه بود به آن حضرت رسید و وضعیت سیاسی شهر کوفه را برای آن حضرت تشریح نمود در منزل سوم عون و عبدالله فرزندان عبدالله بن جعفر طیار به آن حضرت پیوستند. در منزل ششم حضرت (ع)، قیس بن مسهر صیداوی را به عنوان سفیر خود رهسپار کوفه نمودند. در منزل یازدهم امام حسین (ع) کسی را به دنبال زهیربن القین فرستاد و وی به همراه خانواده خود به قافله امام حسین ملحق شد. در منزل دوازدهم وهب نصرانی به همراه مادرش مسلمان شده و به قافله امام حسین (ع) پیوست.

در منزل سیزدهم خبر شهادت مسلم بن عقیل به همراه وصیت‌نامه وی به دست حضرت (ع) رسید.

در منزل هفدهم حربن یزید ریاحی با هزار سوار به قافله امام حسین (ع) رسید و امام دستور داد تا او و لشگریانش و اسب‌های آنان را سیراب نمایند.

و عاقبت امام حسین (ع) در روز دوشنبه دوم محرم سال ۶۱ هجری قمری وارد کربلا شد و وقتی به آن‌جا رسیدند، حضرت فرمودند: نام این زمین چیست؟ عرض شد: کربلا. حضرت فرمود: پروردگارا! ازا ندوه و بلا به تو پناه می‌برم. سپس حضرت فرمود: توقف کنید و رحل اقامت بیفکنید. به خدا این‌جا محل خوابیدن شتران ما و جای ریخته شدن خون ما و قتلگاه و مدفن ماست و به‌خدا در این‌جا حریم حرمت ما شکسته می‌شود و جدم همین را به من خبر داده است.

ص:۱۷۶

ص:۱۷۷

ص:۱۷۸

ص:۱۷۹

فصل چهارم شهر مقدس کربلا

اشاره

ص:۱۸۰

ص:۱۸۱

شهر مقدس کربلا

دومین شـهر مقدس عراق است که در فاصـله ۱۰۵ کیلومتری جنوب غربی بغـداد ودر حاشـیه صـحرا و در غرب رودخانه فرات و در سمت چپ آبراه (حسـینیه) که از فرات منشـعب شده قرار دارد شـهر کربلا بر روی طول جغرافیایی ۴۴ درجه و عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۱ دقیقه قرار دارد در شـمال آن استان (انبار) و در جنوب آن استان نجف و در شرق آن استان حله و بخشی از استان بغداد و در غرب آن صحرای شام وکشور عربستان سعودی قرار گرفته است.

بنـا به گفته مورخان، تاریـخ این شـهر به دوران بابلی‌ها می‌رسـد و قبل از فتـح اسـلامی این منطقه گورسـتان مسـیحیان بود. برخی از صاحب نظران معتقدنـد که معنی کلمه (کربلا) که یک واژه قـدیمی بابلی است، (نزدیکی به خـدا) است و برخی دیگر معتقدند که این کلمه تحریـف شـده واژه عربی (کور بابـل) به معنی روسـتاهای بابـل است، برخی نـام این منطقه را نینوی می‌داننـد که در حـال حاضـر نام منطقه‌ای در شهرسـتان (سده الهندیه) در اسـتان کربلا است. از نامهای دیگر منطقه: غاضریه، عقر بابل، نواوویس، الطف، الروضه، الحائر والحیر است علت تسمیه این منطقه به الحائر این بوده است که در دوران المتوکل خلیفه عباسی، خلیفه دستور داد که قبر شـریف امام حسـین (ع) را به آب ببندنـد تا ویران گردد و هنگامیکه آب رودخانه را بدین سو سـرازیر کردند آب تا نزدیک قبر رسـید و تنهـا گرداگرد آن را فرا گرفت و از همـان زمان به نام الحائر (آب سـرگردان) نامیـده شـد. برخی نیز اعتقاد دارنـد که واژه کربلا از کلمه آشوری (کرب) به معنی معبد (أیل) به معنی خدا مشـتق شده است و معنی آن (معبد الهی) است. گروهی دیگر براین گمان هستند که این واژه

ص:۱۸۲

فارسی بوده و ریشه آن دو کلمه (کار) و (بالا) به معنی (کاری برجسته و با ارزش) است. با این همه به نظر می‌رسد که ریشه کلمه کربلا از واژه عربی (الکربه) گرفته شده باشد که به معنی زمین نرم و سست است و همچنین این واژه معنی غربال شده را نیز می‌دهد و عرب‌ها وقتیکه گندم را غربال نموده و تمیز می‌کنند از این واژه استفاده می‌کنند وشاید علت این تسمیه این باشد که گویی خاک این منطقه از سنگ وکلوخ غربال شده است و باید افزود که (کربله) نام دیگر گیاه (ترشک) است و این گیاهان در منطقه مذکور به وفور دیده می‌شود.

مساحت کربلا در حدود ۵۲۸۵۶ کیلومتر مربع است و خاک این شهر نرم و بدون سنگ و شن می باشد. گرداگرد شهر را باغهایی فرا گرفته که آب آنها از رودخانه فرات تأمین می گردد. شهر کربلا دارای دو راه ارتباطی است یکی از این راه ها، راه کربلا بغداد است که از شهر (مسیب) می‌گذرد و طول آن بالغ بر ۹۷ کیلومتر است و راه دوم راه نجف کربلاـ است و در هر دو مسیر باغها و نخلستان‌های متعدد گرداگرد کربلاـ و راه‌های ارتباطی را فرا گرفته است. شهر کربلا به دو بخش (قدیمی) و (جدید) تقسیم می شود، قسمت قدیمی شامل هسته اولیه شهر است که تا حدودی همچنان بافت سنتی خود را حفظ کرده است و قسمت جدید شهر بعدها به آن اضافه شده و شامل خیابانهای پهن، ادارات دولتی، مدارس دینی و ساختمانهای جدیدمی باشد. شهر کربلا در مسیر راه آهن بصره بغداد قرار دارد و شاخه ای از این راه آهن به کربلا رسیده و سپس به شهرستان (سده هندیه) که از توابع استان کربلا است منتهی می گردد و طول آن ۳۶ کیلومتر است.

ص:۱۸۳

تاریخچه شهر کربلا

هنگـامیکه حضـرت علی (ع) در دوران خلافـت عـازم جنگ صـفین بود چون به سـرزمین کربلا رسـید چهره اش افسـرده شـد، پس اطرافیان از آن حضـرت (ع) در این باره پرسـیدند حضرت فرمود: این سرزمین در نزد خدا ارج و قرب زیادی دارد، آری اینجا محل خیمه‌گاه آنان است و این محل قتلگاه آنان است. هنگامیکه اصـحاب بیشتر جویا شدند حضرت فرمود: آنان گروهی گرانقدر از آل محمد (ص) خواهند بود که در اینجا کشته می شوند.

هنگامیکه در سال ۶۱ ه ق امام حسـین (ع) به این منطقه رسـید و لشـکریان عبید الله قافله آن حضرت را محاصره کردند، حضرت به روسـتای (عقر) اشـاره کرد و فرمود: نـام این روسـتا چیست؟ جواب دادنـد: نامش (عقر) است. حضـرت فرمود: از (عقر) به خـدا پناه می‌بریم. سپس فرمود: نام این سرزمین چیست؟ گفتند: کربلا. فرمود: سرزمین درد و رنج و بلا.

دو روز پس از واقعه عـاشورا یعنی در روز دوازهم محرم سـال ۶۱ ه ق قبیله (بنی اسـد) اقـدام به دفن اجساد مطهر امام حسـین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) و سایر یاران آن حضرت (ع) نمودند و با این کار خود پایه گذار تأسیس شهری بزرگ در سالهای بعد شدند. گفته می شود که قبیله بنی اسد بر بالای قبر شریف آن حضرت سایبانی ساختند و بر روی قبرهای مطهر شهدا نشانه‌هایی گذاشتند تا بتوان قبور مطهر را از یکدیگر باز شناخت.

ص:۱۸۴

در ماه ربیع الاول سال ۶۵ ه ق گروه (توابین) که تعدادشان در حدود چهار هزار نفر بود و رهبری آنان به عهده سلیمان بن صرد خزاعی بود قبل از رفتن به جنگ با لشکر امویان، به زیارت مرقد مطهر امام حسین (ع) رفتند و در گرداگرد قبر شریف تجمع کردند و با صدای بلند به گریه و زاری پرداخته و همگی تمنای شهادت در راه خدا را کردند و سپس سلیمان بن صِرَد خزاعی از جای برخاسته و گفت: (بارخدایا، سرور شهیدمان حسین را بیامرز، آن شهید فرزند شهید، وآن مهدی فرزند مهدی وآن راستگوی فرزند راستگو، بار خدایا گواه باش که بر دین و راه او می‌رویم و دشمن دشمنان او و دوست یاران او هستیم) آنگاه یک شب را در کنار مرقد مطهر ماندند و روز بعد عازم جنگ در منطقه (عین الورده) شدند.

در دوران یزید بن معاویه تعدادی از شورشیان به رهبری یزید بن مهلب قیام کردند و در منطقه عقر نزدیک کربلا و در حاشیه رودخانه فرات جنگ سختی بین آنان و لشکریان یزید به رهبری مسلمه بن عبدالملك درگرفت که در این جنگ شورشیان به شدت سرکوب شدند.

در سال ۶۶ ه ق هنگامیکه مختار ثقفی بر شهر کوفه مستولی شد، بر بالای قبر شریف گنبدی از آجر وگچ ساخت و محمد بن ابراهیم بن مالك اشتر متولی این کار شد و مرقد مذکور دارای دو در شرقی و غربی بود و این گنبد تا دوران خلافت هارون الرشید پابرجا بود.

ظاهراً گنبد مذکور تا سال ۱۳۲ ه. ق که امام صادق (ع) به زیارت جدشان مشرف شده بودند پابرجا بوده است و صفوان جمال از امام صادق روایت می کند که

ص:۱۸۵

فرمود: چون خواستی که به زیارت حسین (ع) در کربلا مشرف شوی، بیرون از مقام ایستاده و نگاهی به قبر شریف بینداز و سپس وارد حرم شو و بالاسر امام بایست و هنگامیکه خواستی بیرون روی از دری خارج شو که در جهت پای علی بن الحسین (ع) قرار دارد، سپس رو بسوی قبور شهدا کن تا به قبرابوالفضل (ع) برسی، و چون بدان جا رسیدی در زیر سایبان بایست و سلام کن). از سخنان امام صادق در می‌یابیم که مرقد امام حسین (ع) در روزگار آن حضرت دارای گنبد و سایبان و چندین در بوده که یک درآن در سمت شرق و در دیگری شاید در سمت غرب بوده است و مرقد امام حسین (ع) و فرزندش علی اکبر در این حرم بوده است در حالیکه قبور سایر شهدا بیرون از حرم بوده است. مساحت حرم مذکور ۲۵* ۲۵ ذراع و یا در حدود ۵۰* ۴۵/ ۲۲/ ۸۳/ ۹۱ متر بوده است. برخی دیگر از مصادر تأکید می‌کنند که در دوران اموی در کنار حرم آن حضرت درخت کنار یا سدری بوده است که بعنوان نشانه بازشناسی حرم به شمارمی آمده است و به همین علت است که در شمال غربی صحن را بعدها (باب السدره) نامیده بودند. (۱) هارون الرشید بوسیله حکمران خود در کوفه که موسی بن عیسی نام داشت، عرصه را بر زائران امام حسین (ع) تنگ نموده و دستور داد که درخت سدر را از ریشه درآوردند و بنای حرم مطهر را خراب کرده و زمین آن را شخم زده و بکارند.

۱- سلمان هادی آل طعمه، تاریخ مرقد الحسین(ع) و العباس(ع)

ص:۱۸۶

در سال ۱۹۸ ه ق گروهی از شیعیان مجدداً حرمی بر سر قبر مطهر ساختند ودرسال ۱۹۳ ه ق مأمون عباسی دستور داد که حرم وگنبدی بهتر از قبل بر سر قبر مطهر امام حسین (ع) ساخته شود. (۱) در سال ۲۳۶ ه ق متوکل عباسی به خلافت رسید و تلاشهای بسیاری را برای خراب کردن آثار باقیمانده اهل بیت و از بین بردن قبور مطهر آن نمود و در طی سالهای ۲۳۲ و ۲۳۶ و ۲۳۷ ه ق اقدام به تخریب حرم مطهر و شخم زدن زمینهای آن نمود تا بتواند آثار آن را از بین ببرد ولی تمامی تلاشهای وی با شکست مواجه شد.

در سال ۲۴۷ ه ق منتصر عباسی پس از کشته شدن پدرش المتوکل دوباره آثار متبرکه اهل بیت (ع) را تجدید بنا کرد و دستور داد که در اطراف مشهد حسینی خانه‌هایی ساخته شود و بدین گونه اولین شخصی که در کربلا سکونت اختیار کرد یکی از نوادگان امام حسین (ع) به نام (سید ابراهیم مجاب فرزند محمد عابد فرزند امام کاظم (ع)) بود.

در سال ۲۷۱ ه ق (حسن علوی) حاکم طبرستان و دیلم به زیارت حرم مطهر رفته و دستور داد که مسجدی در جوار آن ساخته شود.

۱- تاریخ طبری، ۳۶۵/ ۷

ص:۱۸۷

در سال ۲۸۳ ه ق در اثر ازدحام زائران حرم مطهر، سقف حرم فروریخت و تعدادی از زائران کشته و زخمی شدند و گفته می‌شود که این‌کار بر اثر توطئه الموفق بالله ولیعهد بوده است. (۱) در سال ۲۸۰ ه ق محمد بن زید حاکم گرگان به زیارت مرقد مطهرآمد و دستور داد که گنبد مجلل و باشکوهی برای حرم ساخته شود و در کنار آن بارویی کشیده و خانه‌هایی برای زائرین و مجاورین حرم ساخت.

در سال ۳۱۳ ه ق رهبر قرمطیان (ابو طاهر جنابی) به زیارت حرم مطهر مشرف شد و خود و پیروانش گرد حرم طواف کردند و سپس بدون آنکه به کسی آزاری برسانند بازگشتند.

در سال ۳۶۶ ه ق امیر عز الدوله آل بویه به زیارت حرم مطهر امام حسین (ع) مشرف شد و این امر باعث افزایش مهاجرت شیعیان به کربلا وساخت و ساز آنان گردید.

در سال ۳۶۷ ه ق عضدالدوله آل بویه بر بغداد مستولی شد و از آنجا عازم زیارت امام حسین (ع) گردید و از آن پس سالی یک بار به زیارت مرقد مطهر می‌رفت.

در سال ۳۶۹ ه ق (ضبه بن محمد اسدی) حکمران شهر (عین تمر) با کمک برخی از عشایر عرب، به شهر کربلا یورش برد وآن را متصرف شد و اهالی آن را کشته و اموال آنان و اموال موجود در خزانه حرم مطهر را به تاراج برده و به بیابان

۱- محمد صادق الکرباسی، تاریخ المراقد(الحسین(ع) و اهل بیته و انصاره)

ص:۱۸۸

بازگشت. هنگامیکه عضد الدوله از این موضوع آگاه شد لشکری را به جنگ او فرستاد و چون (ضبه اسدی) تاب مقاومت در برابر لشکر عضد الدوله را در خود ندید، زن و بچه و اموال خود را رها کرده و از معرکه گریخت.

در سال ۳۷۲ ه ق اولین باروی شهر در دوران حکومت عضد الدوله آل بویه گرداگرد آن کشیده شد و مساحت آن ۲۴۰۰ متر مربع بود. وی برای شهر رودخانه‌ای کشید و زمینهای آن را وقف حرم مطهر کرد تا از پول وقف هزینه روشن کردن چراغهای حرم تأمین شود و همچنین خانه‌ها و بازارهایی ساخت و به ساکنان شهر هدایا و عطایا داد و دستور ساختن مدرسه اولیه عضدیه را داد و مسجدی به نام (رأس الحسین) ساخت. (۱)

از سال ۴۰۷ تا ۴۱۲ ه ق وزیر معروف آل بویه (حسن بن فضل بن سهلان رامهرمزی) باروی دوم شهر را بنا کرد و در چهار سوی آن دروازه آهنی نصب کرد. (۲) در سال ۴۸۹ ه ق در دوران حکمرانی سیف الدوله اهالی شهر (خفاجه) به کربلا یورش بردند. (۳)

۱- در سال ۲۸۳ ه. ق محمدبن زید بن علوی داعی صغیر بقعه را مرمت کرده(دایره المعارف تشیع ۷۵/ ۱)

۲- (۲) ابن جوزی، المنتظم، ۲۸۳/ ۷

۳- (۳) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۷۷/ ۱۰، سپس سیف الدوله که فرمانروای حلب بود با لشکریانی عازم کربلا شد و شورش را سرکوب کرده و خفاجه را به قتل رسانیده و امنیت را برقرار ساخت و زیانهای وارده را جبران نمود(ویراستار)

ص:۱۸۹

در سال ۷۹۵ ه ق تیمور لنگ به کربلا حمله کرد وآن را متصرف شد.

در سال ۸۵۸ ه ق حکمران خودمختار بصره (علی مشعشعی) به کربلا حمله کرد و حرم مطهر امام حسین (ع) را غارت کرد و تعداد زیادی از اهالی کربلا را کشته و تعدادی را نیز بعنوان اسیر به پایتخت خود بصره منتقل کرد.

در سال ۹۱۴ ه ق شاه اسماعیل صفوی به کربلا رفت و رودخانه‌ای در آنجا حفر کرد و مرقد مطهر امام حسین (ع) را تجدید بنا کرد(۱).

در سال ۹۵۳ ه ق سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) دو حرم امام حسین (ع) و ابوالفضل (ع) را تجدید بنا کرد و باغهای اطراف کربلا را که زیر شن رفته بودند دوباره احیا کرد.

در سال ۱۰۱۳ ه ق قبیله (آل مهنا) به رهبری شیخ قبیله که (ناصر بن مهنا) نامیده می‌شد به کربلا حمله کرد وآن را به تصرف خود درآورده و تا سال ۱۰۵۳ ه ق شهر کربلا در تصرف آنان بود.

۱- دایره المعارف تشیع ۷۵۷۷/ ۱

ص:۱۹۰

در سال ۱۲۱۶ ه ق وهابی‌ها به رهبری (سعود بن عبدالعزیز) به شهر کربلا حمله کردند و بسیاری از اهالی کربلا را در بازارها و خانه‌ها از دم شمشیر گذراندند و گنبد حرم مطهر امام حسین (ع) را ویران کردند و تمامی اموال و طلا و نقره و اسلحه موجود در حرم را به تاراج بردند، طوریکه مردم این حادثه تلخ را (کربلای دوم) نامیدند.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی و بعد از حمله وهابی‌ها در سال ۱۲۱۶ ه ق یکی از پادشاهان هند به زیارت کربلا آمد و در آن بازارهای زیبا و خانه‌های متعدد ساخت و تعدادی از شیعیان را در آنها اسکان داد و باروی مرتفعی برای شهر بنا کرد.

در سال ۱۲۱۷ ه ق پس از حمله مجدد وهابی ها، سید علی طباطبائی (صاحب الریاض) اقدام به بنای باروی سوم شهر کرد و برای این بارو شش دروازه ساخت که هر یک از دروازه‌ها به نام معینی خوانده می‌شد.

در سال ۱۵۳۴ م ترکهای عثمانی عراق را تصرف نمودند و سلطان سلیمان قانونی دستور حفر نهری از رودخانه فرات را صادر کرد که به نام (نهرسلیمانی) معروف شد و امروزه آن را به نام نهر حسینیه می‌نامند.

در سال ۱۶۲۳ م لشکر ایران به فرماندهی شاه عباس صفوی کربلا را به تصرف خود درآورد.

در سال ۱۶۳۸ م سلطان عثمانی (مراد چهارم) شهر کربلا را محاصره و دوباره به تصرف عثمانی در آورد.

ص:۱۹۱

در سال ۱۲۴۱ ه ق (۱۸۲۵ م) نبرد میرآخور اتفـاق افتـاد و جریـان از این قرار بود که در دوره حکمرانی داود پاشا بر عراق، نیروهای نظامی داود پاشا به فرماندهی سـلیمان میرآخور به کربلا حمله کردند و پس از محاصره، شهر را تصرف کرده و در عرض هشت ماه آن را تاراج نمودند.

در سال ۱۲۵۸ ه ق (۱۸۴۲ م) محمد نجیب پاشا به کربلا حمله و با فشارهای نظامی آن را به زیر یوغ عثمانی‌ها درآورد.

در سال ۱۸۶۰ م سیم کشی تلگراف به کربلا رسید و این شهر قادر شد که با جهان خارج در ارتباط باشد.

در سال ۱۲۸۵ ه ق (۱۸۶۸ م) و در دوران حکومت مـدحت پاشـا، ادارات دولتی بنا شـد و تعـدادی از بازارها و ساختمانهای جـدید ساخته شد و قسـمتی از باروی شـهر که رو به شـهر نجف بود ویران شد و محله جدیدی به شـهر اضافه شد که بعدها محله (عباسـیه) نامیده شد.

در سال ۱۹۱۴ م پس از پایان جنگ اول جهانی ساختمانهای جدید و خیابان پهن در شهر ساخته شد و با تهیه سیستم فاضلاب جدید آبهای زیر زمینی به بیرون شهر هدایت شد و زمین کربلا خشک گردید.

در سال ۱۹۲۰ م انقلاـب عراق از شـهر کربلا آغاز شـد و این شـهر بعنوان پایگاه انقلاب نقش خود را ایفا کرد و در این میان مرجع شیعیـان آقـای شـیخ محمـد تقی حـائری شـیرازی فتوای معروف خود درباره تحریم انتخاب غیر مسـلمان به حکمرانی عراق را صادر کرد.

ص:۱۹۲

در سال ۱۹۸۰ م حکومت بعث عراق اقدام به قتل‌عام زائران حرم مطهر امام حسین (ع) در مراسم اربعین نمود.

در سال ۱۹۹۱ م در جریان قیام مقدس شیعیان و پس از جنگ دوم خلیج فارس حکومت صدام اقدام به قتل‌عام مردم کربلا نموده و بخشی از گنبد حرم مطهر امام حسین (ع) را تخریب نمود.

شهرستانهای تابعه کربلا:

استان کربلا سه شهرستان دارد که عبارتند از:

۱ شهرستان کربلا: دو بخش دارد به نام‌های بخش (حر) و بخش (حسینیه)

۲ شهرستان (سده هندیه): دو بخش دارد به نام‌های بخش (الخیرات) و بخش (الجدول الغربی)

۳ شهرستان (عین تمر)

محله های کربلا:

محله‌های کربلا عبارتند از: حی(۱) الحسین، حی المعلمین، حی العباس، حی النقیب، حی الثوره، حی الحر، حی رمضان، حی الصحه، حی الاسکان، حی القزوینیه، حی العداله، حی البنوک، حی الانصار، حی الموظفین، حی البلدیه، حی السعدیه، حی العلماء، حی الملحق، حی التعلیب، حی الاصلاح الزراعی، حی العامل.

۱- حی در زبان عربی به معنی محله است

ص:۱۹۳

خیابانهای کربلا:

خیابانهای مهم کربلا عبارتند از:
شارع الرسول الاعظم (ع)، شارع الامام علی (ع)، شارع الحسین (ع)، شارع العباس (ع)، شارع علی الاکبر (ع).

زیارتگاه های کربلا:

علاوه بر حرم مطهر امام حسین (ع) و حرم مطهر ابوالفضل (ع) زیارتگاه‌های دیگری در شهر کربلا وجود دارد که شیعیان به زیارت آن اماکن متبرکه مشرف می‌شوند. این زیارتگاه‌ها عبارتند از:
مرقد سید ابراهیم مجاب (ع)، مرقد حبیب بن مظاهر اسدی، مرقد سایر شهدای کربلا، مرقد قاسم بن الحسن، نخل مریم، مقام حر بن یزید ریاحی (ع)، خیمه گاه امام حسین (ع)، مقام حضرت مهدی (ع)، تل زینبیه، مقام کف دست راست حضرت ابوالفضل (ع)، مقام کف دست چپ حضرت ابوالفضل (ع)، مقام امام جعفر الصادق (ع)، مقام عون بن عبدالله، مقام ابن فهد حلی، مقام فضه، مقام امام علی (ع)، مقام موسی بن جعفر (ع)، مقام علی اکبر (ع)، مقام رأس الحسین (ع)، مقام ام البنین (ع)، مقام أخرس بن الکاظم (ع)، مقام ابن حمزه.

اماکن سیاحتی کربلا:

اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از:

دژ الاخیضر، قلعه الهندی وخان العطشان.

ص:۱۹۴

مساجد کربلا:

شهر کربلا بیش از یکصد مسجد دارد که معروفترین آنها عبارتند از: مسجد رأس الحسین (ع)، مسجد عمران بن شاهین، مسجد شهید ثانی، مسجد سردار حسن خان، مسجد ناصری، مسجد شهرستانی، مسجد حمیدیه، مسجد سید علی نقی طباطبائی، مسجد کبیس، مسجد شیخ یوسف بحرانی، مسجد شیخ خلف، مسجد اردبیلی‌ها، مسجد حاج نصر الله، مسجد خیمه گاه.

حسینیه‌های کربلا:

با توجه به اینکه کربلا شهری زیارتی است و سالیانه صدها هزار مسلمان از سرتاسر کشورهای شیعه نشین برای زیارت به این شهر مقدس مشرف می‌شوند، از این رو بسیاری از مردم شهرهای گوناگون به ساختن حسینیه وزائرسرا پرداخته‌اند وتعداد حسینیه‌ها در این شهر به بیش از یکصد حسینیه می‌رسد که مهمترین آنها متعلق به ایرانیان است مانند: حسینیه تهرانی‌ها، اصفهانی‌ها، مازندرانی‌ها، قمی‌ها وآذربایجانی‌ها و دهها حسینیه دیگر که قسمت عمده این مراکز در سالهای اخیر منهدم و ویران شده است.

مدارس دینی کربلا:

با توجه به اینکه حوزه علمیه کربلا ـ از حوزه‌های علمیه کهن و قدیمی شیعه است و از لحاظ اهمیت بعد از حوزه نجف اشرف می‌آید از این رو مدارس دینی بسیاری در کربلا وجود دارند که برخی از آنها عبارتند از:

ص:۱۹۵

۱ مدرسه محسنیه ۱۳۲۷ ه ق

۲ مدرسه جعفریه ۱۳۳۳ ه ق

۳ مدرسه احمدیه ۱۹۲۱ م

۴ مدرسه فیصلیه ۱۹۲۱ م

۵ مدرسه رضویه ۱۳۴۵ ه ق

۶ مدرسه امام باقر (ع) ۱۳۸۱ ه ق

۷ مدرسه مجاهد ۱۲۷۰ ه ق

۸ مدرسه بادکوبه ۱۲۷۰ ه ق

۹ مدرسه صدر اعظم ۱۲۷۶ ه ق (ویرانه شده)

۱۰ مدرسه حاج عبدالکریم ۱۲۸۷ ه ق

۱۱ مدرسه بقعه ۱۲۵۰ ه ق

۱۲ مدرسه سلیمیه ۱۲۵۰ ه ق

۱۳ مدرسه هندیه کبری ۱۹۲۰ م

۱۴ مدرسه هندیه صغری ۱۳۰۰ ه ق

۱۵ مدرسه ابن فهد حلی ۱۲۷۶ ه ق (به تازگی تجدید بنا شده است)

۱۶ مدرسه زینبیه ۱۲۷۶ ه ق (ویرانه شده)

۱۷ مدرسه مهدیه ۱۲۸۷ ه ق

ص:۱۹۶

۱۸ مدرسه بروجردی ۱۳۸۱ ه ق

۱۹ مدرسه شریف العلماء مازندرانی ۱۳۸۴ ه ق

۲۰ مدرسه الخطیب ۱۳۵۵ ه ق

۲۱ مدرسه امام صادق (ع) ۱۳۷۶ ه ق

۲۲ مدرسه حسینیه ۱۳۸۸ ه ق

۲۳ مدرسه سردار حسن خان ۱۱۸۰ ه ق (این مدرسه قبلًا ۷۰ حجره داشت که در حال حاضر تنها ۱۶ حجره آن باقی مانده است).

کتابخانه‌های کربلا:

۱ کتابخانه‌های عمومی:

کتابخانه عمومی کربلا عبارتند از: کتابخانه جعفریه، کتابخانه سید الشهدا (ع)، کتابخانه عمومی مرکزی، کتابخانه ابوالفضل العباس (ع)، کتابخانه روضه حسینیه، کتابخانه سید علی اکبر حائری، کتابخانه مولی عبدالحمید فراهانی، کتابخانه رسول اعظم (ص)، کتابخانه نهضت اسلامی، کتابخانه حضرت زینب کبری (س)، کتابخانه قرآن کریم.

۲ کتابخانه‌های خصوصی:

کتابخانه‌های خصوصی کربلا- عبارتند از: کتابخانه حرم مطهر امام حسین (ع)، کتابخانه سید نصر الله حائری، کتابخانه شیخ عبدالحسین تهرانی، کتابخانه سید عبدالحسین کلیدار آل طعمه، کتابخانه سید حسین قزوینی، کتابخانه سید محمد باقر

ص:۱۹۷

حجه طباطبائی، کتابخانه شیخ احمد بن زین الدین حائری، کتابخانه شیخ محسن ابوالحب، کتابخانه شیخ محمد بن داود خطیب، کتابخانه سید مهدی حکیم شهرستانی، کتابخانه سید محسن جلالی کشمیری.

گورستان‌های کربلا:

کربلا پنج گورستان دارد که عبارتند از: گورستان (ساحه المخیم)، گورستان وادی العتیق که امروزه به آن مدرسه غره می گویند و در مقابل مقام امام صادق (ع) واقع شده است، گورستان وادی الجدید که مقابل ایستگاه راه آهن قرار دارد و گورستان هندی‌ها که در بستان (ابن ذرب) مقابل مرقد ابن حمزه واقع است.

بازارهای قدیمی و جدید کربلا:

بازارهای کربلاـ عبارتند از: بازار (مخضر)، بازار نجارین یا درودگرها، بازار هرج، بازار صفارین یا مسگرها، بازار صاغه یا طلافروشان، بازار بزازین یا پارچه فروشان، بازار علاوی، بازار حسین (ع)، بازار زینبیه، بازار باب الخان.

کاروانسراهای قدیمی و معروف کربلا:

کاروانسراهای کربلا عبارتند از: کاروانسرای (الکهیه)، کاروانسرای (زاد)، کاروانسرای (پیر) کاروانسرای مزراقچی، کاروانسرای (اخیر).

ص:۱۹۸

ب توصیف حرم مطهر امام حسین:

روضه الشریف:

در وسط صحن روضه شریف قرار دارد که بر روی آن صندوقی از چوب منبت کاری شده با عاج قراردارد و بر روی آن پنجره فولادی گرانبهائی قرار گرفته و سپس ضریح شش گوشه مقدس قرار دارد، درون آن قبر مطهر امام حسین (ع) و دو فرزندش علی اکبر (ع) و علی اصغر (ع) جای دارد و ضریح در سمت قبر علی اکبر (ع) یک متر عقب‌تر نشسته است این ضریح از جنس نقره خالص و سفید رنگ است طول ضریح امام حسین (ع) ۵/ ۵ متر و عرض آن ۴/ ۵ متر و ارتفاع آن ۳/ ۵ متر است و طول ضریح علی اکبر (ع) که به ضریح پدر بزرگوارش چسبیده ۲/ ۶ متر و عرض آن ۱/ ۴۰ متر است و برروی قسمت جلوئی ضریح این جملات نقش بسته است: (إن الداعی إلی حب آل محمد الطاهر ابن أبی محمد الطاهر سیف الدین نجل سیدنا محمد برهان الدین من بلاد الهند سنه خمس و خمسین و ثلثمائه بعد الألف ۱۳۵۵ ه ق).

در زاویه جنوبی ضریح، شهدای کربلا قرار دارند که در حدود یک متر و نیم با ضریح علی اکبر (ع) فاصله دارند و بسیاری از زائران در این منطقه پا نمی گذارند زیرا که معتقدند در زیر این قسمت قبور شهدای کربلا قرار گرفته است. ضریح شهدای کربلا پنجره‌ای نقره است که طول آن چهار متر و هشتاد سانتی‌متر است. روضه شریف بصورت مستطیلی است که طول آن از شمال به جنوب ۱۲۵ متر و عرض آن از شرق به غرب ۹۵ متر است و عبارتست از ضریح مطهر و ضریح شهدا و صحن وسیعی که پیرامون آنها را فراگرفته است. مساحت کل حرم شریف ۳۸۵۰

ص:۱۹۹

متر مربع است که قبر امام حسین (ع) در قلب آن قرار گرفته و بر بالای آن گنبدی بزرگ است که بر چهار ستون بزرگ مستطیل شکل ۳/ ۵۰* ۲/ ۵۰ متر قرار گرفته است. دیوارهای روضه شریف تماماً طلاکاری، کاشیکاری وآیینه کاری شده است.

رواق ها:

اشاره

اطراف حرم مطهر را چهار رواق فرا گرفته که هرکدام از آنها در یکی از جهات اربعه قرار گرفته و عرض هریک از این رواقها پنج متر و طول هرکدام از رواق‌های شمالی و جنوبی در حدود چهل متر و طول هرکدام از رواق‌های شرقی و غربی در حدود چهل و پنج متر است. زمین این رواق‌ها با سنگ مرمر سفید اعلا سنگ فرش شده است و وسط دیوارهای آن آیینه‌های بزرگی تعبیه شده است. ارتفاع سقف هرکدام از رواق‌ها ۱۲ متر است. رواق غربی به نام رواق سید ابراهیم مجاب معروف است زیرا قبر سید ابراهیم مجاب یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع) در آن قرار دارد، قبلًا به این رواق رواق (عمران بن شاهین) می گفتند.

رواق جنوبی

به نام رواق حبیب بن مظاهر معروف است و رواق شرقی به نام رواق فقها و رواق شمالی به نام رواق سلاطین معروف است و تمامی این رواق‌ها با کاشیکاری زیبا و نوشته‌هایی از آیات قرآن تزیین شده است. این رواق‌ها چندین در دارند که برخی از درها از نقره خالص ساخته شده و برخی نیز از چوب گرانبها ساخته شده است، تمامی این درها به داخل حرم شریف راه دارند و دو در نیز طلایی بوده و در وسط رواق جنوبی قرار دارند و شیشه‌ای شفاف آنها را می‌پوشاند و بر بالای هرکدام از درها آیاتی از قرآن کریم نوشته شده و زوار معمولًا در کنار این درها ایستاده و زیارتنامه می‌خوانند.

ص:۲۰۰

رواق شرقی

در گذشته به نام رواق آغا باقر معروف بود و امروزه به آن رواق فقها می گویند زیرا که سه تن از فقها در یکجا به خاک سپرده شده‌اند و بر روی قبر آنان صندوق زیبایی قرار داده‌اند که در سمت راست در حرم قرار گرفته است و این فقها عبارتند از:

۱. شیخ محمد باقر وحید بهبهانی مؤسس مدرسه اصولیه.

۲. سید علی طباطبائی صاحب کتاب ریاض العلماء.

۳. شیخ یوسف آل عصفور بحرانی صاحب کتاب الحدائق الناضره.

البته در کنار فقهای فوق الذکر فقهای دیگری نیز در این رواق به خاک سپرده شده‌اند که عبارتند از:

۱. سید کاظم رشتی (متوفی سال ۱۲۵۹ ه ق)

۲. سید احمد بن سید کاظم رشتی (مقتول سال ۱۲۹۵ ه ق)

۳. شاعر بزرگ حاج جواد بدقت (متوفی ۱۲۸۱ ه ق).

۴. عالم و شاعر بزرگ شیخ جعفر بن صادق الهر.

در رواق شرقی دو در وجود دارد که به صحن شریف باز می‌شوند و درکنار اولی کفشداری سید محمود آل طعمه قرار دارد و مقابل مسجد سید کاظم رشتی واقع شده است و در کنار در دومی کفشداری آل وهاب است که در مقابل در (علی اکبر) واقع شده است.

ص:۲۰۱

رواق غربی

یا رواق سید ابراهیم مجاب، رواقی است که مرقد سید ابراهیم مجاب در آن قرار دارد و بر روی قبر او صندوقی از چوب ساج قرار داده شده است البته در این رواق قبرهای دیگری نیز وجود دارد که مربوط به علمای بزرگ شیعه است و عبارتند از:

۱. سید عبدالله بحرانی صاحب مولفات گرانبهایی نظیر: (الافاضات الحسینیه) و کتاب (شرح المختصر النافع).

۲. سید محسن بن سید عبدالله بحرانی.

۳. سید محمد بن سید محسن بحرانی صاحب مؤلفاتی نظیر: (الفصول البهیه فی بعض أخبار الحجج المرضیه) و (کتاب هدایه العباد).

۴. سید محمد زینی حسینی، عالم و شاعر شیعی.

در این رواق دو اتاق وجود دارند که یکی از آنها قبرستان خانوادگی سادات آل نصر الله و دیگری قبرستان خانوادگی سادات آل جلوخان است

این رواق دو در دارد که به صحن حرم باز می‌شوند در اولی به در حبیب بن مظاهر معروف است و در کنار آن کفشداری آل شویخ است و در دومی به در سید ابراهیم مجاب معروف است و در کنار آن کفشداری سید جعفر آل طعمه قرار دارد و اخیراً کلیدار حرم مطهر در این رواق در دیگری نیز ساخت که به نام در سلطانیه معروف است و در کنار آن کفشداری سید هادی آل طعمه قرار دارد.

رواق جنوبی به نام رواق حبیب بن مظاهر معروف است که در سمت چپ آن قبر حبیب بن مظاهر یار با وفا و بزرگوار امام حسین (ع) قرار دارد و بر بالای قبر او

ص:۲۰۲

ضریحی نقره‌ای قرار دارد در مقابل ضریح حبیب بن مظاهر (کشکخانه(۱) (قرار دارد که قبرستان تعدادی از افراد خاندان آل طعمه است، همچنین در این رواق قبر تعدادی از علمای بزرگ شیعه قرار دارد که عبارتند از:

۱. سید محمد مهدی موسوی شهرستانی (متوفی سال ۱۲۱۶ ه ق)

۲. سید محمد حسین بن محمد مهدی شهرستانی.

۳. سید محمد حسین مرعشی حسینی معروف به شهرستانی متوفی سال ۱۳۱۵ ه ق و صاحب کتاب (غایه المسئول فی علم الاصول).

۴. میرزا محمد علی بن محمد حسن مرعشی، متوفی سال ۱۳۴۴ ه ق و صاحب کتاب (الدره الوجیزه من شرح الوجیزه).

این علما همگی در یک قبر به خاک سپرده شده‌اند که پشت قبور شهدا قرار دارد.

محل قتلگاه نیز در رواق جنوبی و در سمت جنوب‌غربی رواق قرار دارد که بصورت اتاقی است با دری نقره‌ای و سنگفرشی مرمری و سفید و نیز شامل سردابی با در نقره‌ای می‌باشد.

رواق شمالی به نام رواق سلاطین معروف است و علت این تسمیه، وجود قبور تعدادی از پادشاهان و شاهزادگان قاجار نظیر محمدعلی و نواده‌اش احمد در این رواق

۱- یا همان کشیکخانه

ص:۲۰۳

می‌باشد، همچنین در این رواق قبر عالم فاضل سید عبدالحسین حجت طباطبائی و خطیب مشهور سید حسن استرآبادی قرار دارد.

صحن مطهر:

صحن بزرگی اطراف مرقد مطهر را فرا می‌گیرد که برخی بدلیل اقامه نماز جماعت درآن، (جامع) می‌نامند. در گذشته صحن مذکور از داخل به شکل مستطیل بود، توسعه صحن در سال ۱۹۴۷ م از سمت شرقی آن آغاز شد و دو رکن داخلی صحن در سمت جنوب شرقی و شمال شرقی برداشته شد و صحن از داخل به شکل چهار ضلعی درآمد و از خارج نیز بصورت بیضی شکل شد. دیوار صحن به ارتفاع ۱۲ متر است که دو متر آن سنگ‌کاری شده و باقیمانده آن تا بالا با آیاتی از قرآن کریم بصورت کاشیکاری تزیین شده است در گذشته اطراف صحن امام حسین (ع) را مدارس دینی فرا گرفته بود که هرکدام دری به صحن شریف داشتند و طلاب علوم دینی از داخل صحن به مدرسه خود می‌رفتند، اما شهرداری کربلا اقدام به ویران کردن این مدارس و مساجد پیرامون صحن نمود و بجای آنها خیابانی ساخت که اطراف حرم را فراگرفت، از جمله بناهای ویران شده (مدرسه حسن خان) بود که بزرگترین مدرسه دینی کربلا به شمارمی‌رفت و درآن بزرگانی نظیر سید جمال الدین اسدآبادی پرورش یافته بودند و نیز مسجد حسن خان که یکی از شاهکارهای هنر معماری به شمارمی رفت، در این بازسازی‌ها مسجد به طور کامل و بخش وسیعی از مدرسه ویران شد. مدرسه مذکور در زاویه شمال‌شرقی صحن قرار داشت، در جهت غربی صحن مدرسه صدر اعظم، مدرسه زینبیه و مسجد بزرگ ناصری قرار داشت و در سمت شمال صحن مسجد قدیمی و تاریخی

ص:۲۰۴

(رأس الحسین) قرار داشت که گفته می‌شد سر مطهر امام حسین (ع) را قبل از بردن به کوفه در این محل گذاشته بودند و شیعیان را به این مسجد عنایت خاصی بود، اما این مسجد نیز در بازسازی حرم کاملًا ویران شد.

صحن شریف تا قبل از دوران شاه طهماسب صفوی دارای سه جهت شرق، غرب و جنوب بود و شاه طهماسب کسی است که جهت شمالی را به صحن افزود و صحن مطهر دارای چهار جهت گردید. مساحت کلی صحن ۱۵۰۰ متر مربع است لذا در بین عتبات عالیات حرم مطهر امام حسین (ع) بزرگترین صحن را دارد. دورتادور حرم مطهر ۶۵ ایوان، هرکدام با یک حجره قرار دارد که از بیرون و داخل کاشیکاری شده‌اند، این حجره‌ها برای طلبه‌های علوم دینی ساخته شده است و برخی از آنها برای سلاطین و شاهزادگان و علمای بزرگ و اشراف بنا شده است.

در سرتاسر صحن، حجره‌های پیرامون و رواق‌های آن، بسیاری از بزرگان در طول تاریخ دفن شده اند، برخی از این حجره‌ها به نام شخصیت دفن شده در آن معروف شده است.

در ضلع جنوبی صحن کتابخانه فعلی روضه مطهر قرار دارد و در ضلع شرقی صحن ایوان بزرگی قرار داشت که مقبره رهبر بزرگ شیعیان آیت الله میرزا محمد تقی شیرزای (رهبر قیام سال ۱۹۲۰ م عراق علیه انگلیسی‌ها) در آن واقع شده است و در هنگام توسعه حرم مطهر زاویه جنوب شرقی از بین رفت و قبر شیخ محمد تقی شیرازی داخل صحن شد، ابتدا بر روی آن پنجره‌ای نصب شد و بعدها این پنجره نیز برداشته شد.

ص:۲۰۵

از دیگر مشاهیر مدفون در این بقعه مطهر، میرزا تقی خان امیر کبیر است که پس از به قتل رسیدنش در کاشان، به کربلا منتقل و در مقبره‌ای در رواق شرقی حرم مطهر دفن گردید، همچنین قاجاریه نیز در رواق شمالی، دارای مقبره‌ای هستند که جمعی از آنان در آنجا مدفونند.

صحن شریف دو ایوان به نام‌های ایوان وزیر و ایوان ناصری دارد(۱):

ایوان وزیر: در جهت شمالی صحن ایوان بزرگی با پنجره‌ای آهنی و مشرف بر صحن قرار دارد، این ایوان منسوب به یکی از وزرای دولت قاجاری است که در پشت این ایوان دفن شده است. این ایوان قبلًا ایوان (لولو) نام داشت که درویشان درآن گرد هم می‌آمدند و در دهه اول محرم آن را سیاه پوش نموده، کشکول‌های خود را در آن می‌آویختند و مجلس سوگواری برای امام حسین (ع) برگزار می‌کردند. رهبری این گروه از دراویش را درویشی به نام سید مطهر برعهده داشت که شخصیت بسیار محبوبی بود و در مجلس او بسیاری از بزرگان شهر کربلا حضور می‌یافتند. در این ایوان بسیاری از علما مدفون شده‌اند که نام‌های ایشان بر روی سنگ نوشته‌های دیوار آن نقش بسته است. امروزه این ایوان تغییر شکل یافته و بعنوان در ورودی صحن به شمار می رود و به نام باب السلام معروف است.

۱- منظور دو ایوان بزرگ و اصلی صحن است ولی افزون بر اینها صحن ۶۵ ایوان کوچک هم دارد که در داخل آنها قبور پادشاهان، عالمان و حجره هایی برای نشستن طلبه ها به چشم می خورد(ویراستار)

ص:۲۰۶

ایوان ناصری:

در سمت غربی صحن قرار دارد و قبلًا به نام ایوان حمیدی معروف بود چون توسط سلطان عبدالحمید ثانی (از سلاطین عثمانی) ساخته شده بود. مقدمه ایوان قوس‌دار و به ارتفاع ۱۵ متر بوده که طول قاعده آن ۸ متر و عرض آن ۵ متر است و ساعتی بزرگ بر سر ایوان قرار داشت. تاریخ بنای این ایوان به سال ۱۲۷۵ ه ق باز می گردد. امروزه این ایوان نیز محل تردد زوار به صحن شریف شده است.

تکیه بکتاشیه:

از جاهای مهم و معروف صحن شریف است و سمت راست وارد شونده‌ای که از در باب القبله وارد صحن شود واقع است. این تکیه را (عبدالمؤمن دده) بنا کرد و بنای آن شبیه بنای صحن شریف است و در دوران حکومت عثمانی‌ها صوفیان ترک درآنجا گرد می‌آمدند و از مهمترین صوفیانی که به اینجا می‌آمدند فضولی شاعر بغدادی (متوفی سال ۹۶۳ ه ق) همچنین فرزندش فضلی شاعر و تعداد دیگری از شاعران ترک استانبولی بودند. سید احمد دده جد خاندان (دده) بعنوان متولی این تکیه بود اما در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید ثانی که دولت عثمانی به شدت با پیروان فرقه بکتاشیه از در مخالف درآمد، سید احمد مذکور نام تکیه را از بکتاشیه به نقشبندیه تغییر داد تا از مخالفت دولت درامان باشد. این تکیه مدفن سید احمد دده وفرزندانش می باشد.

این تکیه دو پنجره دارد که به صحن مشرف است ولی متأسفانه امروزه بعلت بازسازی های مکرر صحن شریف تمامی مشخصات تکیه مذکور از بین رفته است.

ص:۲۰۷

سقاخانه ها:

در گذشته صحن شریف چندین سقاخانه داشت و اولین سقاخانه در سال ۱۲۶۱ ه ق توسط احمد شکری یکی از نوادگان محمد نجیب پاشای عثمانی در سمت شرقی صحن شریف ساخته شد وی علاوه بر آب آشامیدنی، مقدار زیادی شکر نیز جهت مصرف زوار در سقاخانه خود می‌ریخت. در سال ۱۲۸۲ ه ق مادر سلطان عبد المجید عثمانی دستور داد تا سقاخانه دیگری در سمت جنوب‌شرقی صحن شریف ساخته شود، همچنین بعدها مرحوم حاج حبیب حافظ (جد خاندان آل حافظ) نیز سقاخانه دیگری مقابل سقاخانه فوق الذکر ساخت. در سال ۱۳۲۲ ه ق نیز سقاخانه‌ای در مدخل باب القبله ساخته شد، اما در سال ۱۳۶۳ ه ق در اثر توسعه و بازسازی حرم مطهر تمامی سقاخانه‌های مذکور ویران شدند.

گنبد مطهر:

گنبد مطهر بر روی روضه شریف قرار دارد و سرتاسرآن با طلا پوشیده شده است، در قاعده گنبد ده پنجره قرار دارد که عرض هرکدام ۱۳۱ سانتی‌متر است و فاصله هر پنجره تا پنجره بعدی ۱۵۵ سانتی‌متر است. ارتفاع گنبد از قاعده تا نوک آن حدود ۳۷ متر است و بر بالای آن چراغ پرنوری گذاشته شده است که شب‌ها روشن می‌شود، در سمت راست گنبد کتیبه‌ای قرار دارد که بر روی آن نوشته شده است: (تذهیب القبه الحسینیه علی عهد السلطان ناصرالدین‌شاه القاجاری، کتبه محمد حسین الشهیر بالمشهدی ۱۲۷۳ ه ق) و سمت دیگر گنبد نوشته دیگری قرار دارد که درآن چنین نوشته شده است: (لقد تشرف بتعمیر هذه القبه المبارکه

ص:۲۰۸

الشریفه المنوره بعون الله تعالی السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل السلطان ابن السلطان ناصرالدین‌شاه القاجاری خلد الله ملکه). بنابر گزارش اداره اوقاف کربلا گنبد مطهر از ۷۵۲۶ آجر طلا تشکیل شده است و مساحت گنبد ۳۰۱ متر مربع می‌باشد.

گلدسته ها

: در فاصله ده متری جنوب گنبد مطهر دو گلدسته بلند و طلایی قرار دارند که ارتفاع هر کدام حدود ۲۵ متر و قطر آنها ۴ متر است. این گلدسته‌ها در سال ۷۸۶ ه ق در دوران سلطنت سلطان اویس جلایری ساخته شدند و پسرش احمد جلایری اقدام به کاشیکاری این گلدسته‌ها با کاشی طلایی رنگ نمود، در سال ۱۳۵۶ ه ق گلدسته غربی کمی منحرف شد و یکی از سلاطین هند به نام سلطان طاهر سیف الدین دستور تخریب و بازسازی مجدد آن را صادر کرد. این گلدسته‌ها در سال ۱۳۷۳ طلاکاری شدند و قابل ذکر است که تعدادکل آجرهای طلایی دو گلدسته حدود ۸۰۲۴ آجر طلایی است.

گفتنی است که علاوه برگلدسته‌های مذکور درگذشته گلدسته سومی وجود داشت که به آن گلدسته (عبد) می‌گفتند که درکنار سقاخانه (الحافظ) قرار داشت و توسط والی بغداد مرجان امین‌الدین بن عبدالله در روزگار سلطنت ایلخانیان در سال ۷۶۷ ه ق بنا شد. (مرجان) از طرف سلطان أویس جلایری حکمران عراق بود و اندیشه استقلال در سر داشت و عاقبت نیز سر به طغیان برداشته و برعلیه سلطان شورید، سلطان نیز چون چنین دید با لشکری بزرگ بسوی بغداد پیشروی

ص:۲۰۹

کرد و بغداد را محاصره کرد و مرجان چون شکست خود را حتمی دید به شهر کربلا رفت و در حرم مطهر پناه گرفت و اقدام به ساختن گلدسته بزرگی در حرم کرد و مسجد بزرگی نیز در کنار حرم ساخت و درآمد خود از املاک بغداد وکربلا وعین تمر و رحالیه را وقف آن نمود و اموال زیادی را خرج بازسازی و تعمیر حرم مطهر کرد، چون سلطان جلایری این موضوع را دانست او را پذیرفت و از سرگناهش درگذشت و دوباره او را بعنوان والی عراق برگزید.

این گلدسته در فاصله بیست متری زاویه شرقی حرم قرار داشت و بزرگترین گلدسته در بین گلدسته‌های عتبات مقدس به شمارمی‌رفت بطوری که قطر آن بیست متر و ارتفاع آن چهل متر بود و با کاشیکاری بسیار زیبایی مزین شده بود، در سال ۹۸۲ ه ق شاه طهماسب صفوی آن را بازسازی کرد و صحن شمالی را به حرم مطهر اضافه کرد و این کار او سبب شد حرم مطهر در وسط قرارگیرد و چهار سمت آن باز بماند. مورخین تاریخ این بازسازی (۹۸۲) را به حروف أبجد برگرداندند که ماحصل آن (انگشت یار) بود.

در دوران حکومت عثمانی براثر ویرانی بالای گلدسته، دربار عثمانی (سال ۱۳۰۸ ه ق) دستور بازسازی مناره را صادر نمود، اما متأسفانه در دوران حکومت پادشاهی ملک فیصل اول و در سال ۱۳۵۴ ه ق (۱۹۳۵ م) بنا به دستور نخست وزیر یاسین الهاشمی گلدسته مذکور ویران شد و هدف پشت پرده دولت از این کار تصرف املاک و زمین‌های موقوفه‌ای بود که (مرجان) وقف حرم مطهر کرده بود، هنگام ویران کردن این گلدسته به سکه‌های قدیمی متعلق به دوران حکومت جلایری برخورد کردند که تمامی این سکه‌ها به موزه بغداد منتقل گردید. این کار باعث

ص:۲۱۰

خشم و ناراحتی علما و اهالی شهر کربلا شد و بسیاری از شعرا در رثای این گلدسته اشعاری سرودند وگفتنی است که یاسین هاشمی تنها به ویران کردن گلدسته حرم مطهر اکتفا نکرده و دستور داد تا برگزاری مراسم عزاداری حسینی و مراسم دهه اول محرم برچیده شود.

درهای صحن مطهر:

اشاره

صحن شریف درهای متعددی دارد که هرکدام به یکی از محلات شهرکربلا منتهی می‌شود. تعداد درها قبلًا هفت در بود و عبارت بودند از: باب القبله، باب الزینبیه، باب السلطانیه، باب السدره، باب الصحن الصغیر و باب الصافی و باب قاضی الحاجات، اما بعدها بر اثر توسعه صحن شریف دو در باب الصغیر و باب الصافی درهم ادغام شدند و یک درب به نام باب الشهداء جایگزین آنها شد، همچنین چهار در دیگر اضافه شد که عبارت بودند از: باب الرجاء، باب الکرامه، باب السلام و باب الرأس الشریف و درحال حاضر تعداد درهای صحن ده در می‌باشد و علت ساختن درب های اخیر ازدحام بیش از حد حرم مطهر در مراسم مختلف بود. همه درب ها از چوب مرغوب و اعلا ساخته شده‌اند، در اینجا به بررسی مختصری درباره درهای حرم مطهر می‌پردازیم:

۱. باب القبله:

قدیمی‌ترین در حرم مطهر است که بعنوان درب اصلی به شمار می‌رود و در وسط جهت جنوبی صحن شریف قرار دارد و بعلت واقع شدن آن در سمت قبله بدین نام خوانده می‌شود. این در از چوب مرغوب ساج و چوب نارنج و به ارتفاع ۶ متر ساخته شده است، عرض آن ۴ متر است و برروی در این آیه کریمه

ص:۲۱۱

نقش بسته است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً صدق الله العلی العظیم و در سمت چپ در نیز نام هدیه کننده در (خالق زادگان) نقش بسته و در پایین این عبارت نوشته شده است: (این در در دوره کلیداری سید عبدالصالح در روز پنجشنبه هشتم شعبان ۱۳۸۵ ه ق (۱۹۶۵ م) ساخته شده است) بر بالای این در ساعت بزرگی نصب است که پایین آن نوشته شده:

السلامُ عَلَیکَ یا أبا عَبدِالله

۲. باب الرجاء:

این درب بین باب القبله و باب قاضی الحاجات قرار دارد و در بیرون صحن کتیبه‌ای بالای آن قرار دارد که روی آن آیه کریمه زیر نوشته شده است:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآن خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَیَانَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ یَسْجُدَانِ صدق الله العلی العظیم) بالای در کاشیکاری زیبایی است و دقیقاً بالای درب کتیبه دیگری با این آیات نصب شده است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکَاهٍ فِیهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَهٍ الزُّجَاجَهُ کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبَارَکَهٍ زَیْتُونَهٍ صَدق الله العلی العظیم) ۱۳۹۶ ه ق. ارتفاع این در ۵ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است.

۳. باب قاضی الحاجات:

این در مقابل (سوق العرب) قرار دارد و وجه تسمیه آن به امام زمان (ع) است. ارتفاع در ۵ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است. تاریخ بنای این

ص:۲۱۲

درب به سال ۱۲۸۶ ه ق باز می گردد که این تاریخ بر روی مدخل خارجی در نگاشته شده است و از بیرون در بالاترین جای در این آیه کریمه نقش بسته است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ إِنَّمـا یُرِیـدُ اللَّهُ لِیُـذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْـلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً صَـدق الله العَلی العَظیم) به خط داعی الحق، اما بر سر در چوبی این آیه کریمه نوشته شده است: (بِسْم اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءنَا وَأَبْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنا وَنِسَاءَکُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَهَ اللَّهِ عَلَی الْکَاذِبِینَ صَدق الله العَلی العَظیم) به خط داعی الحق. ارتفاع در چوبی چهار متر و عرض آن سه متر است.

۴. باب الشهداء:

این در، وسط سمت شرقی حرم قرار دارد و از اینجا زوار بسوی حرم مطهر ابوالفضل (ع) می‌روند و این در به تبرک شهدای کربلا به نام باب الشهداء نامگذاری شده است و در بالاترین جای آن از بیرون این آیه نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتاً بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ به خط داعی الحق، اما بر بالای خود در این آیه کریمه نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَی نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبدِیلًا ارتفاع این در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۵. باب الکرامه:

در مذکور در منتهی الیه شمال شرقی صحن شریف و درکنار در باب الشهداء قرار دارد و علت این تسمیه کرامت امام حسین (ع) است در بالاترین نقطه در از بیرون این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم إِنَّ الَّذِینَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَهُ أَلَّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ

ص:۲۱۳

الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ به خط جواد عبد نصیف، اما در بالای خود در این آیه نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ به خط جواد عبد نصیف، ارتفاع این در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۶. باب السلام:

این در، وسط سمت شمال صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن به باب السلام اینست که مردم از این سمت به حضرت سلام می‌کردند و این در به کوچه‌ای به همین نام منتهی می‌گردد و در بالاترین نقطه در از بیرون این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِیدِ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْکَافِرُونَ هَذَا شَیْءٌ عَجِیب أَإِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَاباً ذَلِکَ رَجْعٌ بَعِیدٌ قَدْعَلِمْنَا مَا تَنقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنا کِتَابٌ حَفِیظٌ(۱) وبر بالای خود در کتیبه‌ای به خط کوفی قرار دارد که این آیه برآن نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلاهِ وَ إِیتَاءِ الزَّکَاهِ یَخَافُونَ یَوْماً تَتَقَلَّبُ فِیهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ(۲) مورخ ۱۳۹۲ ه ق (۱۹۷۳ م) به خط جلیل النقاش، ارتفاع این در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۱- سوره ق/ ۱۴

۲- (۲) سوره نور/ ۷۳۶

ص:۲۱۴

۷. باب السدره:

درب مذکور در منتهی الیه شمال غربی صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن درخت سدر کهنسالی است که در قرن اول هجری درکنار قبر مطهر امام حسین (ع) روییده بود و زوار با دیدن آن قبر امام حسین (ع) را در بین صحرا می‌یافتند وبسوی آن می‌شتافتند. بر بالاترین نقطه در از بیرون این آیه شریفه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّهِ زُمَراً حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزنَتُها سَلامٌ عَلَيْكُمْ طِبتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِين(۱) مورخ ۱۳۹۲ ه ق به خط جلیل النقاش، امـا بالای در چوبی کتیبه به خط کوفی وجود دارد که روی آن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالتِّينِ وَالزَّيتُونِ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيم ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ به خط جلیل النقاش ۱۳۹۲ ه ق. این قبلًا در باب القبله نصب شده بود و اکنون در باب السدره قرار دارد. ارتفاعش ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۸. باب السلطانیه:

این غرب صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه، ساخته شدن آن توسط یکی از پادشاهان عثمانی است. در بالاترین نقطه در از بیرون صحن این آیه شریفه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِين(۲) و اما بر بالای خود در و در سمت راست آن این آیه نوشته شده است

۱- سوره زمر/ ۳۷

۲- (۲) سوره شعراء/ ۱۹۲

ص:۲۱۵

: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ(۱) ودر سمت چپ آن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ(۲) به خط داعی الحق، ارتفاع این در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۹. باب الرأس الشریف:

این وسط سمت غربی صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن مقابل جایگاه سر مطهر امام حسین (ع) واقع شدن آن است. بر بالاترین نقطه در از بیرون صحن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبدِيلًا لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً(۳) مورخ ۱۳۷۲ ه ق، و اما روی خود این آیه کریمه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتحاً مُبِيناً لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهدِيَكَ صِرَاطاً مُسْتَقِيماًوَيَنصُرَكَ اللَّهُ نَصْراً عَزِيزاً هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَاناً. این در ۴ متر ارتفاع و ۳ متر عرض دارد و یک ساعت بزرگ بالای آن نصب شده است.

۱- سوره شعراء/ ۴۱۹۳

۲- (۲) سوره ذاریات/ ۱۹۱۸۱۷

۳- (۳) سوره احزاب/ ۲۴۲۳

ص:۲۱۶

۱۰. باب الزینبیه:

در سـمت جنوب غربی صـحن قرار دارد و علت تسـمیه آن تبرک به نام حضـرت زینب (س) است و مقام معروف به زینب (س) در همان نزدیکی قرار دارد و بر بالاترین نقطه آن از بیرون صـحن این آیه نوشـته شـده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِی مُـدْخَلَ صِـدْقٍ وَأَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُـلْطَاناً نَصِـیراً(۱) به خـط صـلاح شـیرزاد، امـا بالای در این آیه کریمه نوشـته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْـمُهُ یُسَـبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَال رِجَالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجَارَهٌ وَلا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ الله(۲) ارتفاع در ۴ متر وعرض آن ۳ متراست.

ج موزه یا گنجینه حرم مطهر امام حسین (ع)

گنجینه حرم مطهر در بخش شـمالی روضه شـریف قرار گرفته و عبـارت است از اتاق بسـیار کوچکی که در محکمی از چوب ساج دارد، این اتاق هیچگونه پنجره‌ای به بیرون ندارد و مهمترین آثاری که در این گنجینه نگهداری می‌شود عبارتند از:

۱. (حمایل شمشـیر) هدیه از طرف امیر تامپور حسن علی خان که نقش شش گل طلایی روی آن است و در وسط هر گل یک قطعه بزرگ زمرد سبز تعبیه شده است. سه بازوبند طلا نیز هست که یکی ازآنها مستطیل شکل با سنگهای گرانبهایی از

۱- سوره اسراء/ ۸۰

۲- (۲) سوره نور/ ۳۷۳۶

ص:۲۱۷

زمرد و یـاقوت و دیگری مربع شـکل بـا سه سـنگ یاقوت گرانبها وسه سـنگ زمرد و سومی کوچک بوده وسـنگ‌هایی از یاقوت و زمرد دارد.

۲. (شمشـیری قـدیمی) بـا قبضه‌ای طلا‌یی که آن را نیز حسن علی خان امیر تامپور هـدیه کرده است غلافی گرانبها دارد که دوزاده قطعه بزرگ زمرد و سیزده قطعه یاقوت سرخ اعلا در آن تعبیه شـده است همچنین در دسـته کنـده‌کاری شده آن زمرد و سـنگهای گرانبها تعبیه شده است.

۳. (زین طلاکـاری شـده) همراه بـا قلاـده و افسـار و سـینه‌پوش طلایی، آستر زین از پارچه گرانبهای سبز رنگ بوده و مهمیزهایی از نقره دارد.

۴. (آیینه بلنـد) با قاب طلاکاری شـده که بر روی آن هفتاد و هفت قطعه یاقوت سـرخ تعبیه شده و بالای آن تاجی مزین به یاقوت و زمرد و الماس معمولی وجود دارد.

۵. بازوبند گرانبهایی که در وسط آن دایره‌ای مزین به الماس و دو طرف آن دو سنگ زمرد دارد.

۶. دوگوشواره بزرگ طلایی که اطراف آن با مروارید مزین شده و در وسط آن یاقوت و زمرد تعبیه شده است.

۷. گل سینه طلایی که اطراف آن با الماس و یاقوت مزین شده و در وسط آن سنگ زمرد بزرگ وگرانبهایی قرار دارد و دارای سه شاخه است که بر سر هر شاخه سنگ زمردی قرار دارد که در وسط آن فیروزه تعبیه شده است.

ص:۲۱۸

۸. گل سینه طلایی به شکل سر خروس که با یاقوت تزیین شده وبر روی آن نوشته شده (وقف روضه شهدا ء کربلا سنه ۱۲۷۶)

۹. پیشانی‌بندی که از نود و سه قطعه طلای متصل بهم تشکیل شده و با سنگهای گرانبهای فیروزه و یاقوت مزین شده است.

۱۰. گردنبند مرواریدی که وزن آن پانزده مثقال است و در آن زمرد و یاقوت بکار رفته است.

۱۱. جامه‌ای گرانبها که درآن ۲۴ مروارید با ارزش تعبیه شده است.

۱۲. تاجی از پارچه سبز گرانبها، پر از مروارید و یاقوت سرخ گرانبها که حدود ۶۰۰ مروارید و ۳۱ قطعه لعل سرخ درآن بکار رفته است این تاج در صندوقی گرانبها ونقره‌ای نگهداری می‌شود.

۱۳. زیارتنامه‌ای مزین به یاقوت و زمرد و فیروزه.

۱۴. روپوش اسب که بر روی آن یازده قطعه طلا قرار دارد که در هر قطعه تعداد زیادی سنگ یاقوت و زمرد کار شده است.

۱۵. پرده‌ای مخملی که اطراف و وسط آن مروارید دوزی شده است.

۱۶. پرده‌ای مخملی که مروارید دوزی شده و بر روی آن نوشته شده (تقدیم أنیس الدوله)

ص:۲۱۹

۱۷. دو شمعدان بزرگ که پایه آن نقره‌ای و بالای آن طلایی است که وزن طلای هریک از آنها کمتر ۱۵۰۰ مثقال نیست و ایندو شمعدان هدیه مادر سلطان (عبد العزیز بن محمود عثمانی) است.

۱۸. قندیلی از طلا که وزن آن حدود ۴۰۰ مثقال است.

۱۹. گلابدان طلایی میناکاری شده که وزن آن ۱۲۷ مثقال بوده و با مرواریدهای ریزی تزین شده است و بنظر می‌رسد که خیلی قدیمی باشد.

۲۰. جعبه‌ای طلایی برای نگهداری قرآن که وزن آن ۱۳۱ مثقال است.

۲۱. شمشیر طلایی بسیار ارزشمندی که از طرف (میرزا محمد خان) اهدا شده و در داخل پنجره روضه شریف قرار داده شده است.

۲۲. دو سجاده مروارید دوزی شده که روی آنها نوشته شده (سبحان ربی الاعلی و بحمده).

۲۳. سجاده‌ای سفید که روی آن نام‌های دوازده امام نوشته شده است.

۲۴. مجموعه‌ای از سپر، شمشیر، تبر، خنجر و قمه‌های قدیمی که همگی ارزش تاریخی دارند.

۲۵. زرهی بسیار قدیمی که میخ‌هایی از طلا دارد و با سنگهای گرانبها و یاقوت مزین شده است و در داخل پنجره قبر شریف قرار دارد.

۲۶. فرشهای کوچک و بزرگ قدیمی و بسیار ارزشمند.

ص:۲۲۰

۲۷. یکصد پرده بسیار گرانبها که همگی ساخت هندوستان، ایران و سایر سرزمین های اسلامی است که از نظر اندازه متفاوت بوده و معمولًا طول آنها چهار متر و عرض آنها سه متر است. برخی از این پرده‌ها مروارید دوزی شده و برخی مزین به سنگهای گرانبها هستند و روی آنها نوشته‌هایی نظیر (بسم الله الرحمن الرحیم) و (لا اله الا الله) نوشته شده است.

۲۸. هشت بسته بزرگ حاوی پرده‌ها و پرچم‌های زربفت مختلف هندی و ایرانی که بسیاری از آنها بعلت رطوبت دیگر قابل استفاده نیستند.

۲۹. گل طلایی که روی آن تصویر پرنده‌ای کشیده شده والماس کاری شده که پنج الماس آن بزرگ و شش الماس آن کوچک است.

۳۰. چهار بازوبند مروارید دوزی شده.

۳۱. ده گل‌سینه (جقه) طلایی و مزین به مروارید و الماس.

۳۲ گردنبندها و دستبندهای طلایی که همگی مزین به سنگهای گرانبها است.

۳۳. مقدار زیادی طلا و نقره بصورت کف دست که برخی از آن مزین به سنگهای گرانبها است.

د کتابخانه حرم مطهر امام حسین (ع):

این کتابخانه در سمت شرقی روضه شریف قرار دارد و حاوی بیش از ۷۲ جلد قرآن خطی با ارزش و طلاکاری شده است، برای مثال می‌توان از قرآن خطی متعلق به سال ۶۹۳ ه ق نام برد که به خط یاقوت المستعصی خطاط معروف اسلامی

ص:۲۲۱

می‌باشد. در اینجا به توصیف برخی از مهمترین قرآن‌های خطی موجود در این کتابخانه می‌پردازیم:

۱. قرآن خطی که در سال ۱۲۲۵ ه ق توسط (محمد جعفر) وقف شد و خط آن، کوفی و بسیار قدیمی است. بر روی پوست نوشته شده و منسوب به (امام سجاد (ع)) است.

۲. قرآن خطی که در سال ۱۲۵۲ ه ق توسط أفق الدوله هندی وقف شد، قرآنی با ارزش که در حاشیه آن تفسیرآمده است وگفته می‌شود برای نوشتن و تزیین آن هفتاد هزار روپیه خرج شده است و خطاط آن (میرزا حسین) است.

۳. قرآن خطی که در سال ۱۲۵۲ ه ق توسط (نواب تاج الدوله) وقف شد و دو صفحه اول آن با نقش و نگارهای زیبایی مزین شده است.

۴. قرآن خطی که درسال ۱۲۴۳ ه ق توسط (فتحعلی شاه قاجار) وقف شد، قرآنی زیبا که لابلای سطورآن ترجمه فارسی آیات و در چهار طرف صفحات آن تفسیر فارسی نوشته شده است.

۵. قرآن خطی که در سال ۱۳۰۴ ه ق توسط (فرح سلطان خانم) وقف شد، این قرآن مزین بوده و در لابلای سطورآن ترجمه فارسی آیات با خطی سرخ نوشته شده است.

۶. قرآن خطی که در سال ۱۲۴۳ ه ق توسط (فتحعلی شاه قاجار) وقف شده است و به خط غلام حسین بن محمد جعفر است و در لابلای سطورآن ترجمه فارسی با خط سرخ نوشته شده است.

ص:۲۲۲

۷. قرآن خطی که در سال ۱۲۴۷ ه ق توسط (نواب رمضان علی خان) وقف شده است. سوره فاتحه، صفحه اول سوره بقره و صفحه آخر این قرآن طلاکاری شده است و لابلای سطورآن ترجمه فارسی آیات برنگ سرخ و ریز نوشته شده و خطاط آن محمد نظام کازرونی است.

۸. قرآن خطی که در سال ۱۳۰۴ ه ق که توسط (خفراء السلطان) وقف شد، ترجمه فارسی آیات لابلای سطورآن برنگ سرخ و در حاشیه آن خواص تلاوت قرآن ذکر شده است. خط آن ثلث و خطاط آن محمد نظام کازرونی است.

۹. قرآن خطی که در سال ۱۲۹۴ ه ق که توسط (ابوالحسن مشیر الملک) وقف شد، صفحه اول و دوم آن مذهب است و لابلای سطورآن ترجمه فارسی آیات نوشته شده است.

۱۰. قرآن خطی که توسط حسن علی میزرای فرمانفرما وقف شده و تاریخ وقف آن مجهول می‌باشد. چهار صفحه اول قرآن مذهب بوده و به خط (عبدالصمد) است.

۱۱. قرآن خطی که در سال ۱۲۵۹ ه ق توسط (محمد حسن) وقف شده و در صفحه‌ای ازآن سه سطرآن با آب طلا، سه سطر با مداد سرخ و سه سطر با مداد مشکی نوشته شده است. این قرآن را سلطان محمد بن محمد حسین گنابادی در سال ۱۰۰۸ ه ق نوشته است.

۱۲. قرآن خطی که در سال ۱۲۱۲ ه ق توسط (سید محمد تقی بن میرزا محمد حسین) وقف شده و در اول آن دائره‌ای همراه با علامتهای استخاره گرفتن نوشته

ص:۲۲۳

شده است و صفحه اول مزین است و لابلای سطورآن ترجمه آیات به زبان فارسی و با خط مشکی نوشته شده است.

۱۳. قرآن خطی که در سال ۱۲۳۶ ه ق توسط (جهان بیگم) وقف شده و خط آن کوفی است و صفحه اول وآخرآن افتادگی دارد و روی کاغذ سفید نوشته شده و بر جلد آن نوشته شده که به خط (علی بن ابیطالب (ع)) است و صحیح به نظر نمی رسد.

۱۴. قرآن خطی که در سال ۱۲۴۲ ه ق توسط (خیرالنساء خانم) وقف شده است و دو صفحه اول آن مذهب بوده و لفظ جلاله در تمام قرآن با آب‌طلا نوشته شده است.

ه شخصیت‌های مهم مدفون در حرم مطهر امام حسین (ع):

در طی سالیان متمادی بسیاری از بزرگان، شاهزادگان، امراء، شعرا و علما در حرم مطهر امام حسین (ع) به خاک سپرده شده‌اند که ما در اینجا برخی از این بزرگان را نام می‌بریم:

۱. زائده بن قدامه (متوفی سال ۱۶۱ ه ق)

۲. سلیمان بن مهران أعمشی (قرن اول هجری)

۳. حسن بن محبوب بجلی (قرن اول هجری)

۳. أبوحمزه ثمالی (متوفی سال ۱۲۸ ه ق)

۴. معاویه بن عماد دهنی (متوفی سال ۱۵۷ ه ق)

ص:۲۲۴

۵. جعفر بن الوشاء (متوفی سال ۲۰۸ ه ق)

۶. مهیار دیلمی (متوفی سال ۲۲۶ ه ق)

۷. عبدالله بن طاهر (متوفی سال ۳۰۰ ه ق)

۸. شیخ علی بن بسام بغدادی (متوفی سال ۳۰۲ ه ق)

۹. شیخ ابوالحسن محمد المزین (متوفی سال ۳۲۷ ه ق)

۱۰. شیخ ابوعلی أسکافی (متوفی سال ۳۳۶ ه ق)

۱۱. شیخ ابوبکر محمد بن عمر بن یسار تمیمی (متوفی سال ۳۴۴ ه ق)

۱۲. شیخ ابوعبدالله غضائری کوفی

۱۳. شیخ علی بروغندی از بزرگان صوفیه (متوفی سال ۳۵۹ ه ق)

۱۴. شیخ ابوعلی مغربی (متوفی سال ۳۶۴ ه ق)

۱۵. وزیر، احمد بن ابراهیم ضبی الکافی وزیرِ مؤید الدوله بویه (متوفی سال ۳۹۸ ه ق)

۱۶. شیخ ابوسهل صلعوکی (متوفی سال ۳۶۹ ه ق)

۱۷. ابو محمد حسن مرعشی طبری (متوفی سال ۳۰۸ ه ق)

۱۸. ظافر بن قاسم اسکندری شاعر (متوفی ۵۲۹ ه ق)

۱۹. امیر قطب الدین سنجر مملوک ناصر لدین الله عباسی (متوفی سال ۶۰۷ ه ق)

۲۰. جمال الدین قشمر الناصری (متوفی سال ۶۳۷ ه ق)

ص:۲۲۵

۲۱. جمال الدین علی بن یحی مخرمی (متوفی سال ۶۴۶ ه ق)

۲۲. امیر امین الدین کافور (متوفی سال ۶۵۳ ه ق)

۲۳. ابوالفتوح نصر بن علی نحوی ابن المخازن (متوفی سال ۶۰۰ ه ق)

۲۴. وزیر، افسنقر بن عبدالله ترکی (متوفی سال ۶۰۴ ه ق)

۲۵. شیخ احمد بن فهد حلی (متوفی سال ۸۴۱ ه ق)

۲۶. سلطان طاهر شاه پادشاه مملکت دکن هندوستان (متوفی سال ۹۵۷ ه ق)

۲۷. سلطان برمان نظام بن سلطان احمد هندی (متوفی سال ۹۶۱ ه ق)

۲۸. سلطان حمزه میرزا صفوی (متوفی سال ۹۹۷ ه ق)

۲۹. محمد بن سلیمان ملقب به (فضولی شاعر) (متوفی سال ۹۶۳ ه ق)

۳۰. شاعر صوفی فضلی بن فضولی (متوفی سال ۹۷۸ ه ق)

۳۱. شیخ محمد باقر وحید بهبهانی (متوفی سال ۱۲۰۸ ه ق)

۳۲. میرزا مهدی شهرستانی (متوفی سال ۱۲۱۶ ه ق)

۳۳. سید علی بن محمد طباطبائی صاحب الریاض (متوفی سال ۱۲۳۱ ه ق)

۳۴. میرزا شفیع خان صدر اعظم ایران (متوفی سال ۱۲۲۴ ه ق)

۳۵. سید کاظم رشتی یکی از رهبران شیخیه (متوفی سال ۱۲۵۹ ه ق)

۳۶. شیخ محمد تقی شیرازی حائری (متوفی سال ۱۳۳۸ ه ق)

ص:۲۲۶

حرم مطهر حضرت عباس (ع)

اشاره

این حرم در فاصله سیصد متری سمت شرقی حرم مطهر امام حسین (ع) قرار دارد و این مرقد حضرت ابوالفضل العباس (ع) چهارمین فرزند امیرالمومنین (ع) و بزرگترین پسر ام البنین که ملقب به ساقی، قمر بنی هاشم و پرچم‌دار امام حسین (ع) است.

قبیله بنی اسد پس از دفن امام حسین (ع) اقدام به دفن سایر شهدا و پس از آن اقدام به دفن حضرت ابوالفضل (ع) درهمان مکانی کردند که آن حضرت به شهادت رسیده بود.

الف. تاریخچه حرم مطهر ابوالفضل (ع):

مرقد مطهر حضرت ابوالفضل (ع) همیشه مورد احترام و تقدیر شیعیان بود و بنظر می‌رسد که ساختمان فعلی حرم را (محمد حسین صدر اعظم اصفهانی) در سال ۱۲۴۶ ه ق بنا کرده باشد.

در دوره‌های گذشته، اغلب کسانی که به ساخت مرقد امام حسین (ع) همت گماشته‌اند، به ساخت مرقد حضرت ابوالفضل (ع) نیز اهتمام نموده‌اند. در سال ۲۷۱ ه ق و در روزگار عضد الدوله بویه ساختمان مرقد بنا شد ودر سال ۱۰۳۲ ه ق شاه طهماسب صفوی دستور داد که گنبد حرم او را کاشیکاری کنند و پنجره‌ای بر روی صندوق آن نصب کنند و رواق و صحن آن حضرت را سروسامانی داد و آن را با فرشهای گرانبها آراست. پس از او شاه صفی دستور داد که چهار گلدسته در چهار طرف صحن بسازند.

در سال ۱۰۴۷ ه ق عثمانی‌ها به کربلا حمله کردند

ص:۲۲۷

واهالی به حرم مطهر ابوالفضل (ع) پناهنده و جنگ سختی بین آنان و سربازان عثمانی رخ داد و عاقبت عثمانی‌ها پیروز شدند و حرم را غارت کردنـد. در سال ۱۱۵۵ ه ق نـادر شاه هـدایای گرانبهائی به حرم مطهر ابوالفضل (ع) هـدیه کرد و در سال ۱۱۷۲ ه ق وزیر نادرشاه صندوق قبر شریف را تعویض کرد و رواق‌ها را بازسازی کرده چلچراغی برای روشنایی حرم مطهر اهداکرد(۱).

در سال ۱۲۱۶ ه ق(۲) پس از غارت حرم مطهر بوسیله وهابی‌ها، فتحعلی شاه قاجار دستور بازسازی حرم وکاشیکاری گنبد آن را صادر کرد و پس از او محمد شاه قاجار پنجره‌ای نقره‌ای بر روی ضریح آن حضرت قرار داد.

در سال ۱۲۵۹ ه ق سلطان أود هندوستان که نامش محمدعلی شاه بن سلطان ماجد علی شاه بود اقدام به تعمیر و بازسازی حرم مطهر ابوالفضل (ع) نمود.

در سال ۱۲۶۳ ه ق سلطان عبدالمجید خان عثمانی دو شمعدان بزرگ که با ورق‌هایی از طلا مزین شده بود به حرم مطهر هدیه کرد و این دو شمعدان تا کنون باقی مانده است.

۱- سلمان هادی آل طعمه، تاریخ مرقدالحسین(ع) و العباس(ع)، الطبعه الاولی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان

۲- (۲) سلمان هادی آل طعمه، کربلا و حرمهای مطهر، ترجمه حسین طبری، ص ۲۷۶

ص:۲۲۸

در سال ۱۲۶۶ ه ق سلطان عبدالمجید عثمانی اقدام به بازسازی و تعمیر حرم مطهر نمود و در همان سال مادر سلطان عبدالمجید مذکور پرده‌های بسیار گرانبهایی هدیه حرم مطهر نمود و همچنین نواب بهراء از حکمرانان هندوستان اقدام به تجدید بنای سقف ضریح با چوبهای گران قیمت نمود و شخصی به نام میرزا محمد باقر راجه مسؤول این کار گردید.

در قرن سیزدهم هجری محمد شاه قاجار اقدام به نصب ضریح نقره‌ای در حرم مطهر ابوالفضل (ع) کرد وحاج عبدالهادی استرآبادی را مسؤول این کار نمود.

در سال ۱۳۵۵ ه ق سید مرتضی تولیت آستانه حرم ابوالفضل (ع) اقدام به نصب در نقره‌ای در ایوان طلا نمود و در دو سوی لنگه‌های در دوبیت از شیخ یعقوبی را نوشت. در سال ۱۳۷۵ ه ق گنبد مرقد مطهر طلاکاری شد و درآن هنگام سید محسن حکیم دستور ساخت ضریحی طلایی را داد تا در اصفهان ساخته شود، ضریح مذکور پس از ساخته شدن، طی مراسم با شکوهی از شهرهای مرزی ایران و عراق عبورکرده وارد شهر کربلا شد و روی قبر مطهر نصب شد.

ب. توصیف حرم مطهر ابوالفضل (ع):

روضه شریف:

مساحت روضه مطهر بطورکلی بالغ بر ۴۳۷۰ متر مربع است و زمین آن سنگ‌کاری شده و دیوارهای آن آیینه‌کاری شده است و بر روی قبر مطهر پنجره‌ای نصب شده که از طلا و نقره ساخته شده است و بر روی گنبد طلایی آیات قرآن نقش بسته و درکنارآن دو گلدسته و یک ساعت بزرگ نصب شده است.

ص:۲۲۹

رواق‌ها:

اشاره

اطراف روضه مطهر چهار رواق بزرگ کاشیکاری و آیینه‌کاری شده قرار دارند که عبارتند از:

رواق شمالی:

این رواق قبلًا با دیواری از دو رواق شرقی و غربی جدا می‌شد که درحال حاضر این دیوار برداشته شده است. درگوشه شمالی این رواق اتاقی قرار دارد که در آن نقره‌ای است و منتهی به راهروی زیر زمینی می‌گردد که به قبر مطهر ابوالفضل (ع) می‌رسد وگویند که این مکان بر رودخانه علقمی مشرف بوده است. اتاق دیگری کنار این اتاق قراردارد که مقبره خاندان (آل النواب) است و درکنارآن کتابخانه حرم مطهر ابوالفضل (ع) واقع شده است و همچنین در این رواق قبور بسیاری از بزرگان و علما قرار دارد که از آنجمله است مقبره علامه سید کاظم بهبهانی که در زاویه شمال شرقی روضه قرار دارد در گوشه غربی این رواق درگذشته چاهی قرار داشت که ازآن آب کشیده و مخازن موجود را پر می‌کرده‌اند و با همت شخصی به نام (حاج رئیس) که وزیر شیخ خزعل حکمران خوزستان بود، موتوری با قدرت پنج اسب بخار خریداری و بر روی رودخانه حسینیه نصب شد و با لوله کشی توانست آب را به دو حرم مطهر برساند و بدینگونه بود که چاه مذکور و حوض آن پر شد و اکنون اثری از آنها برجای نمانده است. در سال ۱۳۶۷ ه ق دیوار حد فاصل رواق شمالی و حرم برداشته شد.

رواق غربی:

دو در دارد که یکی از درها (باب الرواق) نام دارد و به صحن شریف باز می‌شود و درکنارآن کفشداری شیخ محمود کشوان قرار دارد و در دوم معروف

ص:۲۳۰

به (باب المراد) است که درگوشه شمال غربی قرار دارد و در سال ۱۹۴۲ م افتتاح شد.

رواق شرقی:

در این رواق قبر تعدادی از خادمان حرم از خاندان آل طعمه وآل ضیاء الدین قرار دارد.

رواق جنوبی:

این رواق از طریق سه در به ایوان طلاـ متصل می گردد، در اول از جهت شـرق به کشـیک خانه مشـرف است و در دوم که در ایوان طلا است و در سوم نیز مشرف برکشیک خانه است و در سال ۱۳۶۷ ه ق حاج حسین حجار باشی تقبل کرد که از سنگهای باقیمانده از تعمیرکـاخ گلسـتان در ایران زمین روضه حرم مطهر ابوالفضـل (ع) را سـنگ فرش نمایـد و هزینه این کـار درآن روزگار بیش از پانزده هزار تومان و در حدود ۱۱۰۰ دینار عراقی بود(۱).

ایوان طلا:

ایـوانی است که در مقـدمه حرم مطهر قرار دارد و بر صـحن مشـرف است و مسـاحت آن حـدود ۳۲۰ متر است و بـا آجرهای مسـی آبکاری و با طلا مزین شده است. ایوان مذکور در دوران پادشاهی سلطان عبدالحمید عثمانی تا ارتفاع دو متر طلاکاری شد و سپس در سال ۱۳۰۹ ه ق (احترام الدوله) همسـر ناصـرالدین شاه قاجار دو طرف در موجود در ایوان طلا را طلاکاری کرد وسـپس یکی از پادشاهان هنـدی به نام أکمل آصف محمد علی شاه لکنهوری بخشـهای باقیمانده را طلاکاری کرد. در وسط این ایوان دری نقره‌ای به طول ۳ متر وعرض ۲ متر قرار گرفته است

۱- همان منبع، ص ۸۲۸۶

ص:۲۳۱

که آن را رجب علی طلافروش فرزند فتح الله شوشتری در سال ۱۳۵۵ ه ق ساخته است. ایوان طلا شش کفشداری دارد.

صحن شریف:

اشاره

مساحت کلی صحن شریف ۹۳۰۰ متر مربع است و چهار ایوان وسیع دارد که از همه طرف حرم مطهر را در برگرفته است و درآنها مقرنس کاریها و طاقهای هندسی زیبایی وجود دارد و ایوانهای مذکور عبارتند از:

ایوان بالاسر: در غرب صحن شریف قرار دارد و بر بالای آن کتیبه‌ای وجود دارد که این آیه برآن نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً و در وسط ایوان کتیبه‌ای است که مطالبی به فارسی بر روی آن نوشته شده است و قابل ذکر است که دراویش صوفیه در دهه اول محرم هر سال این ایوان را سیاه پوش کرده و شمشیرها وکشکول‌های خود را در داخل آن آویزان کرده به عزاداری می‌پرداختند به این دراویش، دراویش صحن عباس (ع) می گفتند تا بتوانند آنها را از دراویش صحن امام حسین (ع) متمایز کنند.

ص:۲۳۲

ایوان شرقی:

این ایوان در سمت شرقی صحن شریف قرار دارد و باب الرضا (العلقمی) درآن قرار دارد و دربالای آن کتیبه‌ای قرار دارد که در سال ۱۳۰۴ ه ق نصب شده و روی آن سوره الحمد نوشته شده است وکتیبه‌ای نیز در زیرآن قرار دارد که درآن سوره القدر نوشته شده است کاشیکاری این ایوان را حاج محمد جعفر نادر توکلی در همان سال بازسازی نموده است

ایوان شمالی:

که در بالای آن کتیبه‌ای است که تاریخ ۱۳۰۴ ه ق را برخود دارد(۱).

ایوان قبله:

این ایوان در مدخل باب القبله قرار دارد وکتیبه‌ای که بر روی آن نصب شده تاریخ ۱۳۰۴ ه ق را نشان می‌دهد و بر بالای ایوان ساعت بزرگی نصب شده است.

در اطراف صحن حجره‌ها و ایوان‌های متعددی قرار دارد که بسیاری از شخصیت‌های اسلامی از علما و سلاطین و وزراء درآن به خاک سپرده شده‌اند. صحن مطهر نیز به طرز زیبایی کاشیکاری شده است.

درب های صحن شریف:

اشاره

(۲)صحن ده در دارد که عبارتند از: باب الامام الحسن (ع)، باب الامام الحسین (ع) باب صاحب الزمان (ع)، باب موسی بن جعفر (ع)، باب امیرالمؤمنین (ع)، باب علی الهادی (ع)، باب الامام الجواد (ع)، باب الرضا (ع) و باب الرسول (ص) که به باب القبله و باب الفرات نیز معروف است.

۱. باب الحسن (ع):

در مذکور در سمت غربی صحن قرار دارد و زوار از طریق این در به حرم مطهر امام حسین (ع) مشرف می‌شوند طول این در ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است و بر بالاترین نقطه در از بیرون صحن این آیه کریمه نقش بسته

۱- همان منبع

۲- (۲) منظور ما اینجا دربهای جدید حرم است که از سال(۱۹۷۴ م) سامان دهی شده اند(ویراستار)

ص:۲۳۳

است: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ یَا أیها الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ. (۱)

۲. باب الحسین (ع):

این درکنار باب الامام الحسن (ع) قرار دارد، طول آن ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است و روی آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ ادْخُلُوهَا بِسَلامٍ آمِنِین(۲) و بالای آن لوحه‌ای قراردارد که بر روی آن نوشته شده است: (السَلامُ عَلیکَ یا ساقی عُطاشی کَربلا).

۳. باب صاحب الزمان (ع): علت تسمیه آن، تبرک به نام امام زمان (ع) است. طول در ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است، بالای آن این آیه نقش بسته است: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَیْلَهُ الْقَدْرِ لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلائِکَهُ وَالرُّوح.

۴. باب موسی بن جعفر (ع):

این درگوشه غربی صحن قرار دارد و طول آن بالغ بر ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است و بر بالای آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّار(۳).

۱- سوره احزاب/ ۵۳

۲- (۲) سوره حجر/ ۶۴۵

۳- (۳) سوره رعد/ ۲۴

ص:۲۳۴

۵. باب امیر المومنین (ع):

در سمت شرقی صحن قرار دارد و طول آن ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است.

۶. باب علی الهادی (ع):

در گوشه شمال شرقی صحن قرار دارد و طول آن ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است، این در به تازگی باز شده است.

۷. باب الجواد (ع):

در سمت شمال صحن قرار دارد و طول آن ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است و سقفی هلالی شکل و مزین به کاشیکاری دارد که بالای آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كأنها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَلا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ ويَضرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ(۱).

۸. باب الرسول (ص) یا باب القبله:

در سمت جنوبی صحن قرار دارد و بعلت اینکه رو به قبله است به باب القبله مشهور است، طول این در ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است و بالای آن ساعت بزرگی نصب شده که زیر این ساعت نوشته شده است: (السلام علیك یا أبا الفضل العباس). در سال ۱۳۸۲ کلیدار حرم مطهر ابوالفضل سید بدرالدین آل ضیاء کتابخانه‌ای به نام کتابخانه ابوالفضل العباس را در مدخل

۱- سوره نور/ ۳۵

ص:۲۳۵

این در بنا کرد و بنا به کوشش تعدادی از علمای فاضل کربلا- در این کتابخانه جلسات فرهنگی در خلال ماه رمضان بر پا می گردید.

۹. باب العلقم یا باب الرضا (ع):

در سمت شرقی صحن قرار دارد و در مقابل خیابان معروف العلقمی واقع شده است. در مذکور در سال ۱۳۷۵ ه ق (۱۹۵۶ م) باز شد و بعدها به باب الرضا (ع) معروف شد.

۱۰. باب الفرات:

در سمت شرقی صحن قرار دارد و طول آن ۴ متر و عرض آن ۳/ ۵ متر است و بالای آن کتیبه‌ای به خط کوفی وجود دارد که درآن این آیات نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ وَ وَضَعْنَا عَنْکَ وِزْرَکَ الَّذِی أَنقَضَ ظَهْرَکَ وَ رَفَعنَا لَکَ ذِکْرَکَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَی رَبِّکَ فَارغَبْ(۱).

سقا خانه ها:

درگذشته د

و سقاخانه در حرم مطهر ابوالفضل (ع) وجود داشته است که اولی در زاویه شرقی صحن و در مقابل مقبره (راجه) قرار داشته و توسط جمعیت (بهره) (فرقه اسماعیلیه) بنا شده بود وکنارآن دو نخل خرما و یک درخت سدر قرار داشت، و دومی درگوشه غربی صحن نزدیک باب السوق بنا شده بود و درکنارآن دو نخل خرما قرار داشت، متأسفانه هر دوی این سقاخانه‌ها ویران شده و درحال حاضر هیچ اثری ازآنها و درختان نخل کنارآنها وجود ندارد.

۱- سوره اعلی/ ۱۵۱۴

ص:۲۳۶

گنبد مطهر:

گنبد حرم مطهر ابوالفضل (ع) ۱۲ متر قطر دارد و شکل آن نیمه‌کروی و نوک‌تیز است وگردنی نسبتاً بلند دارد که پنجره‌هایی درآن تعبیه شـده است و در نمای داخلی گنبـد آیاتی از قرآن کریم نوشـته شـده است تاریـخ بنای گنبد طوریکه در کناره آن نوشته شده است سال ۱۳۰۵ ه ق است و در سال ۱۳۷۵ ه ق (۱۹۵۵ م) علامه شیخ محمد خطیب در تلگرافی از نخست وزیر عراق (دکتر محمد فاضل جمالی) خواست تا دولت عراق اقـدام به طلاکاری گنبـد مطهر نماید و دولت نیز این درخواست را پذیرفت وآن را طلاکاری کرد و برحسب مـدارک موجود در اداره اوقـاف کربلا تعـداد آجرهای طلای بکار رفته در این گنبـد بالغ بر ۶۴۱۸ آجر بوده است. ارتفاع گنبد از سطح زمین ۳۹ متر است.

گلدسته ها:

در انتهـای ایوان طلا و چسبیـده به دیوار روضه شـریف دوگلدسـته قرار دارنـد که قسـمت بالایی آنها طلاکاری شـده است و تعـداد آجرهای طلایی بکار رفته در آنها ۲۰۱۶ آجر است و نصف باقیمانده گلدسته‌ها کاشیکاری شده است.

در زیرکاشـیکاری‌ها با خط کوفی زیبایی کلمه‌های: الله، محمد، رسول وعباس نقش بسته است ارتفاع گلدسـته‌ها تا سـطح زمین ۴۴ متر است. این دوگلدسته را محمد حسین صدر اعظم ایران در سال ۱۲۲۱ ه ق بنا کرد وآن را کاشیکاری نمود. (۱)

۱- سلمان هادی آل طعمه، کربلا و حرمهای مطهر، ترجمه حسین طبری، ص ۵۳۲۴

ص:۲۳۷

ج. موزه وگنجینه حرم مطهر:

گنجینه حرم مطهر قبلًا در اتـاقی درگوشه‌ای از رواق جنوبی قرار داشت و درحـال حاضـر به مقبره آل خیرالـدین در صـحن شـریف منتقل شده است در این گنجینه آثارگرانبهای بسـیاری وجود دارد که برآورد ارزش مادی آنها مقدور نیست. از جمله اشـیاء موجود درآن فرشـی بسـیار نفیس است که با نخهای طلا بافته شـده و درآن سـنگهای گرانبها بکار رفته است و درکنارآن فرشـهای مختلف دیگر و لوسترهای بزرگ و شمشـیرهای منبت‌کاری شـده با سـنگهای گرانبها و طلاکاری شـده و ساعتهای دیواری طلاکاری شده و ساعتهایی ساخته شده از چوب آبنوس وجود دارد و ناوگانی از کشتی‌های کوچك زرین و لوح نقاشی سر مطهر امام حسین (ع) که از ایتالیا آورده شده است و برخی دیگر از آثار موجود در این گنجینه عبارتند از:

۱. دو شمعدان طلایی که یکی از آنها بزرگ بوده و وزن آن ۴۱۷ مثقال است و دیگری متوسط بوده و وزن آن ۴۰ مثقال است.

۲. دوشمعدان از جنس طلا و نقره که وزن هرکدام از آنها ۱۵ مثقال است.

۳. دو شمعدان نقره‌ای بزرگ که وزن هرکدام از آنها ۱۸۰۰ مثقال است.

۴. نود و هفت شمعدان نقره با حجم‌های مختلف که وزن هرکدام بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ مثقال است.

۵. سه کف دست طلایی که یکی ۲۹ مثقال و دوتای دیگر هر کدام ۶ مثقال وزن دارد.

ص:۲۳۸

۶. سه کف دست نقره‌ای که یکی ۱۳۴ مثقال و دوتای دیگر هر کدام ۱۱۰ مثقال است.

۷. هفتاد و چهار پرده از حریر و مخمل وگلابتون.

۸. دوازده پرچم قدیمی.

۹. شش قبضه شمشیر و سپری قدیمی.

۱۰ کمر بندی نقره‌ای و طلاکاری شده

۱۱. آینه‌ای از نقره.

۱۲. گردنبندی از نقره به وزن ۲۵ مثقال

۱۳. بازوبندهای طلسم از جنس نقره که وزن هرکدام ازآنها ۱۱۷ مثقال است.

۱۴. کلاه‌خودهای نقره‌ای متعدد که وزن هر کدام ۷۰ مثقال است.

د کتابخانه حرم مطهر:

این کتابخانه شامل قرآن‌های خطی بسیار نفیسی است که تعداد آنها به ۱۰۹ قرآن خطی بالغ می‌گردد و یکی از آنها قرآنی منسوب به امام علی (ع) می‌باشد. محتویات این کتابخانه در لیستی ثبت شده است که درکتابخانه موزه بغداد قرار دارد. استاد ناصر نقشبندی ذکر می‌کند که بین این آثار خطی سه قرآن بسیار نفیس به خط کوفی وجود دارد. کتابخانه حرم وگنجینه آن در یکجا نگهداری می‌شوند.

ه بزرگان مدفون در حرم مطهر ابوالفضل (ع):

۱. سید محمد بن محسن زنجانی (متوفی سال ۱۳۵۵ ه ق)

ص:۲۳۹

۲. شیخ علی بن زین العابدین پارچینی یزدی صاحب کتاب الزام الناصب فی احوال الحجه الغائب.

۳. علامه شیخ علی اکبر یزدی بفروئی از شاگردان علامه اردکانی.

۴. سید کاظم بهبهانی از شاگردان سید هاشم قزوینی.

۵. علامه سید عبدالله کشمیری.

۶. شیخ ملاعلی الیزدی مشهور به سیبویه.

۷. شیخ کاظم الهر.

سایر اماکن زیارتی در کربلا

۱. مرقد سید ابراهیم مجاب

مرقد این امامزاده در رواق غربی حرم مطهر امام حسین (ع) قرار دارد. نام کامل وی سید ابراهیم بن محمد بن موسی بن جعفر (ع) است، او نابینا بود و درکوفه زندگی می‌کرد و در سال ۲۴۷ ه ق که المنتصر فرزند متوکل عباسی اجازه داد شیعیان به زیارت کربلا مشرف شوند، به کربلا آمده و درآنجا سکونت اختیارکرد وگویند که چون سید ابراهیم مجاب به کربلا رسید به قبر شریف نزدیک شد وگفت: السلام علیك یا جداه، و از داخل روضه شریفه این ندا برخاست که: و علیك السلام یا ولدی، ازآن روز به بعد مردم او را (مجاب) لقب دادند. هنگامیکه سید ابراهیم مجاب درگذشت او را در صحن آن روزگار دفن کردند و بعدها که روضه شریفه بزرگتر شد محل ضریح سید ابراهیم در رواق غربی واقع شد. روی ضریح او

ص:۲۴۰

صندوقی از چوب ساج قرار دارد و درآن پنجره‌ای فولادی تعبیه شده که بعدها آن را تغییر داده وبجای آن پنجره‌ای برنزی نصب کردند که در سالهای اخیرآن را نیز تجدید نمودند. شیعیان پس از مشرف شدن به حرم معمولًا به زیارت سید ابراهیم مجاب نیز مشرف می شوند.

۲. مرقد حبیب بن مظاهر اسدی

اعتقاد شیعیان براین است که حبیب بن مظاهر اسدی از تمامی اصحاب امام حسین (ع) البته بجز خانواده‌اش والاتر است، بدین علت امام زین العابدین (ع) هنگام دفن، او را همراه با سایر شهدا دفن نکرده و قبر جداگانه‌ای درون حرم مطهر امام حسین به او اختصاص داد. زائران حرم مطهر امام حسین (ع) ابتدا به قبر حبیب بن مظاهر می‌رسند و بر وی سلام می‌کنند، گویی که او دربان حرم مطهر امام حسین (ع) است.

حبیب بن مظاهر یکی از یاران با اخلاص امام حسین (ع)، از اصحاب پیامبر اکرم (ص) و از خواص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بود که در تمامی جنگهای آن حضرت ملتزم رکاب بود و پس از شهادت حضرت علی (ع) به خدمت امام حسن مجتبی (ع) شتافت و پس از وی در خدمت امام حسین (ع) بود. او سرور و بزرگ قوم بنی اسد بود و امام حسین (ع) در روز عاشورا او را فرمانده جناح چپ لشکر خود نمود. بعد از طلوع آفتاب به لشکر ابن زیاد حمله کرد وشصت و دو نفر از لشکریان دشمن را کشته و عاقبت خود نیز در سن هفتاد وپنج سالگی به

ص:۲۴۱

شهادت رسید. بعد از حادثه عاشورا، پسرش قاسم به انتقام پدر برخاست و قاتلش را به قتل رساند.

قبر او همان طور که گفته شد در رواق حرم مطهر امام حسین (ع) و جدا از سایر شهدا می‌باشد.

۳. مرقد حر بن یزید ریاحی

مرقد حر بن یزید ریاحی در فاصله نه کیلومتری غرب شهرکربلا واقع شده است و علت اینکه جنازه او را به خارج از میدان معرکه منتقل کردند، این بود که قبیله او یعنی بنی تمیم خود را به میدان معرکه رساند، جنازه او را برداشته و به مکان فعلی آورده و به خاک سپردند.

در سال ۹۱۴ ه ق شاه اسماعیل صفوی موفق به فتح بغداد شد و همان سال گنبدی روی قبر حر بنا کرد و صحن کوچکی برایش ساخت. او اولین کسی بود که به ساختن (مرقد حر) اهتمام ورزید. در سال ۱۳۲۵ ه ق به همت حسین شجاع السلطان مرقد بازسازی شد و در سال ۱۳۳۰ ه ق سید عبدالحسین کلیدارآن را مجدداً بازسازی نمود و در سال ۱۹۶۳ م به همت حاج حسن وکیل به ناحیه (حر) برق رسید.

حر بن یزید ریاحی مرقدی زیبا با گنبدی کاشیکاری شده دارد که اطراف آن را باغ و بوستان فراگرفته است و بر در اصلی مرقد ابیاتی به عربی نوشته شده که به مقام و منزلت حر اشاره می کند.

ص:۲۴۲

در تاریخ آورده‌اند که چون شاه اسماعیل صفوی به زیارت کربلا آمد، برای کشف حقیقت محل دفن حر، دستور داد قبر وی را بشکافند و با اینکار وی را با دستمالی بر پیشانی و جسدی تروتازه یافتند و چون شاه درباره آن دستمال پرسید، به او گفته شد هنگامیکه حر در میدان نبرد زخمی شد، امام حسین با دست مبارک خود این دستمال را بر پیشانی او بست، شاه اسماعیل دستور داد دستمال را باز کنند و چون دستمال را باز کردند خون دوباره جاری شد و هرچه سعی کردند با دستمال دیگری جلوی خون را بگیرند ممکن نشد، لذا شاه اسماعیل دستور بستن مجدد همان دستمال را داد و پس از اینکه قبر را با احترام زیادی بستند شاه اسماعیل دستور داد گنبدی بر بالای قبر بسازند و خادمی برای آن تعیین کرد و موقوفاتی برآن جاری نمود.

۴. مرقد عون بن عبدالله

در نسبت این امامزاده تردیدهایی وجود دارد که آیا وی همان عون فرزند عبدالله بن جعفر طیار (ع) است که شهید کربلا بود و یا نواده امام حسن (ع) است؟ امروزه وی دارای بقعه و بارگاه باشکوهی در یازده کیلومتری شمال غربی کربلا- و درآغاز بزرگراه کربلا بغداد می‌باشد. این امامزاده بسیار مورد توجه مردمان عراق بوده و دارای نذری مجرب است، از اینرو همواره مزار او مملو از زائر و نذورات آنان است.

ص:۲۴۳

۵. خیمه‌گاه حسینی

در سمت جنوب غربی حرم مطهر خیمه‌گاه حسینی قرار دارد و بنا به نقل مورخان محل برافراشته شدن خیمه‌ها و چادرهای سید الشهداء (ع) و یاران او بود. این محل توسط سید علی طباطبائی (صاحب ریاض العلماء) ساخته شد. او پس از حمله وهابی‌ها به کربلا (سال ۱۲۱۷ ه ق) اقدام بساختن باروی شهرکربلا کرد و در همان هنگام این خیمه‌گاه را نیز بنا کرد و این محل را بعنوان گورستان انتخاب کرد و نام قبلی آن را که (الطرف) بود به (المخیم) تغییر داد البته این منطقه درگذشته‌های بسیار دور به محله (آل عیسی) مشهور بود. آل عیسی یکی از خاندان های علوی ساکن کربلا بودند که نسب و شجره‌نامه آنها به زید بن علی بن الحسین (ع) می‌رسد.

در سال ۱۲۷۱ ه ق همسرآصف الدوله دستور داد که ساختمان فعلی خیمه‌گاه ساخته شود و رباطی درکنارآن بنا شود. چندی بعد مدحت پاشا دستور داد که ساختمان خیمه‌گاه بازسازی شود تا درآن از ناصرالدین شاه و همراهانش پذیرایی شود.

در قرن دهم هجری شخصی به نام (عبدالمؤمن دده) هنگامیکه درکربلا ساکن بود، اتاقی در این محل ساخت و نهال‌هایی از درخت خرما کنارآن کاشت که امروزه این بوستان درکنار خیمه‌گاه قرار دارد وآن را بوستان دده می‌نامند. در سال ۱۹۷۸ م ساختمان خیمه‌گاه مجدداً بازسازی گردید. این ساختمان یکی از اماکن زیارتی معروف کربلا است که مردم بقصد تبرک و نذر وگرفتن حاجات به آن روی

ص:۲۴۴

می‌آورند. بر بالای در خیمه‌گاه سنگ مرمری قرار دارد که این ابیات برآن نقش بسته است:

یا زائراً خیم الحسین بکربلاطف فی جوانبها مع ساجم

فاذا وصلت الی خیام بنی الهدی‌اهل الفضائل من سلاله هاشم

واذکر اباالفضل المضرج بالدماوعلی الاکبر ثم القاسم

واذکرحسین السبط لما قد هوی‌فوق الصعید ولایری من راحم

ای کسیکه به زیارت خیمه‌گاه حسین درکربلا آمده‌ای، با چشم‌گریان اطراف آن طواف کن.

و هنگامیکه به خیمه‌گاه خاندان هدایت و اهل فضیلت نسل بنی‌هاشم رسیدی.

ابوالفضل (ع) خون آلود و علی اکبر و قاسم را به خاطرآور.

همچنین امام حسین (ع) را به یادآورکه بر روی خاک افتاده وکسی به او رحم نمی‌کند).

در این خیمه‌گاه همه ساله روزهای دوازدهم و سیزدهم محرم عزای بزرگی توسط زنان شیعه برگزار می‌شود. این مراسم در نیمه شعبان و اربعین حسینی نیز برپا می‌شود.

۶. تل زینبیه

این محل تپه‌ای مشرف بر میدان جنگ بود وگویند حضرت زینب (ع) برای دیدن اوضاع برادرش امام حسین (ع) بر بالای این تپه رفته بود، بهمین علت به نام تل

ص:۲۴۵

زینبیه معروف شد. این مقام در سال ۱۴۰۰ ه ق تجدید بنا شده است. در این مقام پنجره برنزی کوچکی قرار دارد و درکاشیکاری‌های داخل آن ابیاتی به زبان عربی و تصاویری که معرکه کربلا را نشان می‌دهد کشیده شده است. زائران معمولا بقصد زیارت و تبرک به این مقام می‌روند و این محل ساختار قدیمی خود را حفظ کرده و همچنان مرتفع می‌باشد منتهی درکنارآن مغازه‌هائی ساخته شده که فروشندگان درآنها مهر و تسبیح می‌فروشند. تل زینبیه به صحن مطهر امام حسین (ع) نزدیک است. هرکس این تل را زیارت کند می‌تواند صدای حضرت زینب (ع) را تصورکند، زمانیکه رو به گودال قتلگاه ایستاده و می‌گوید: (اخی حسین! یا بن امی یا حسین، ان کنت حیاً إما تری هجوم القوم علی مخدراتک و إن کنت میتاً فأمرنا و أمرُک الی الله ..) یعنی برادرم حسین! فرزند مادرم ای حسین! اگر زنده‌ای، مگر نمی بینی حمله این قوم را به عیالت و اگر مرده‌ای! که امر و تکلیف ما و شما در دست خداست).

۷. مقام کف دست راست وکف دست چپ ابوالفضل (ع)

مقام کف دست راست بین محله باب بغداد و باب الخان و نزدیک باب العلقمی صحن مطهر ابوالفضل (ع) واقع است و مقام کف دست چپ در فاصله ۵۰ متری باب القبله کوچک، صحن ابوالفضل (ع) و در مدخل بازار باب الخان واقع شده است. این دو مقام نشان دهنده محل قطع شدن دوکف دست ابوالفضل (ع) هنگام جنگ با لشکریان ابن زیاد است. مقام کف دست راست در اواسط قرن سیزدهم هجری قمری بر بقایای نهری که به نهر مقبره العباس مشهور بود و از بقایای نهر علقمه بود ساخته شد، اما مقام دوم در سال ۱۳۲۷ ه ق توسط مرد نیکوکاری که در

ص:۲۴۶

این باره خواب دیده بود، ساخته شد. وی دیوار خانه خود را شکافت و این مقام را درآن بنا کرد. مقام کف دست راست ابوالفضل پنجره‌ای برنزی است که در دیوار خانه‌ای درکوچه (الصخنی) نزدیک باب العلقمی قرار دارد و بر روی دیوار نقاشی دو ساعد بریده شده است که زیرآنها نوشته شده: (در این محل دست ابوالفضل (ع) قطع شده است). مقام کف دست چپ ابوالفضل (ع) نیز پنجره‌ای برنزی است با حاشیه آیینه‌کاری شده که در دیوار خانه‌ای کارگذاشته شده و بر روی آن ادعیه و اشعاری به زبان عربی نوشته شده که این اشعار متعلق به شاعر کربلایی شیخ محمد سراج است و در بالای آنها تصویر کف دستی کشیده شده است.

۸. مقام امام الزمان (ع)

مقام امام زمان درمیان نخلستانهای کرانه رودخانه فرات است که این شاخه از رودخانه به نام (نهر علقمه) مشهور است. جایگاه مذکور منسوب به حضرت حجت (ع) است و مردم درآن به نماز می‌پردازند. باب صاحب الزمان حرم مطهر امام حسین (ع) رو به این مقام باز می‌شود.

۹. مقام أم البنين

این مقام در گوشه جنوب‌غربی حرم مطهر حضرت ابوالفضل قرار دارد، اما بنظر می‌رسد که این انتساب سند و مدرک معتبری ندارد، زیرا همه می‌دانند که أم البنین در معرکه کربلا- حاضر نبوده است بهرحال قابل ذکر است که أم البنین (فاطمه بنت حزام کلابیه) است که برای حضرت علی (ع) چهار فرزند آورد که عبارت بودند

ص:۲۴۷

از: ابوالفضل العباس (ع)، عبدالله، جعفر و عثمان و بنابر روایات مشهور وی در شهر مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع مدفون شد.

سید سلمان آل طعمه درکتاب خود (کربلا فی الذاکره) می‌نویسد: زنان ساده لوح تکه‌ای گل بر دیوار این مقام می‌چسباندند، اگر این گل به دیوار چسبید می‌گویند که حاجتشان برآورده می‌شود و چنانچه بر روی زمین افتاد و به دیوار نچسبید می‌گویند که حاجتشان برآورده نخواهد شد، و اکنون مدتی است که این عادت از سرشان افتاده است.

در حقیقت این مقام محل دفن یکی از متولیان حرم مطهر ابوالفضل (ع) به نام (شیخ علی بن عبدالرسول) است که در سال ۱۱۸۷ ه ق درگذشت و در این محل به خاک سپرده شد و درحال حاضر زنان به این مقام آمده وگمان می‌کنند که این محل مقام أم البنین است و برآن پارچه سبز می‌بندند و حنا می‌مالند و ازآن حاجت می‌طلبند.

۱۰. مرقد أخرس ابن الکاظم

وی محمد بن ابی الفتح أخرس، از نوادگان حضرت موسی بن جعفر (ع) است که بقعه‌اش در محله‌ای به نام (الابتر)، در حومه کربلا قرار دارد.

۱۱. مرقد ابن حمزه

وی نواده امیرالمؤمنین (ع) و از امامزادگان والا مقام است. آرامگاهش درآغاز بزرگراه کربلا طویریج قرار دارد.

ص:۲۴۸

۱۲. مرقد احمد بن هاشم

وی از نوادگان حضرت موسی بن جعفر (ع) است که سال ۷۴۵ ه ق وفات یافت و آرامگاه او امروزه درکویری واقع در شمال‌غربی کربلا می‌باشد. قبر او صحن و سرای بزرگی دارد و در میان اعراب بادیه نشین بسیار معروف است چنانچه همواره به وی پناه آورده، نذر و نیاز می کنند.

شهر کربلا از دید جهانگردان

جهانگردان بسیاری از مسلمان و غیره در قرون گذشته ازکربلا دیدن کرده اند که خواندن خاطرات و مشاهدات آنان خالی از لطف نبوده و می توانـد برخی از امور را بر مـا روشن سـازد ازجمله این افراد (ابن بطوطه) است که در سـال ۷۲۶ ه ق از شـهرکربلا دیدن کرده است. او در سـفرنامه خود درباره کربلا چنین می گوید: (از حله بسوی کربلا مشـهد حسین بن علی (ع) حرکت کردیم. کربلا شهرکوچکی است که نخلسـتانها اطراف آن را گرفته‌اند و از رودخانه فرات آبیاری می‌شود. روضه مقدس امام حسین (ع) در داخل شهر واقع شـده و مـدرسه‌ای بزرگ و زاویـه‌ای دارد کـه درآن برای مسـافرین طعـام می‌دهنـد. خـدام و حاجبـان بر در روضـه امـام ایسـتاده‌اند و ورود به حرم بی اجازه آنان میسـر نیست و هنگام ورود عتبه شـریفه را که از نقره است باید بوسید. روی ضریح مقدس امام قندیلهای زرین و سیمین گذاشـته‌اند و از درهای آن پرده‌های حریرآویخته‌اند. مردم کربلا از دو طائفه‌اند: اولاد رخیک و اولاد فائز واین دو دائماً با هم در جنگ و نزاع‌اند. این دو

ص:۲۴۹

دسته پیرو مذهب امامیه و فرزندان یک پدرند معذلک اختلاف میان آنان به حدی است که شهر را به ویرانی کشیده‌اند).

(فلیپ کرملی) (۱۶۷۱ ۱۶۰۳ م) که جهانگرد فرانسوی بود، ازکربلا دیدن کرده و اهالی آن را به شجاعت و مهربانی توصیف کرده و می گوید که اهالی شهر شدیداً دیندار و مؤمن هستند.

(تاک سر) جهانگرد اروپائی که در سال ۱۶۰۴ م ازکربلا دیدن کرده و شهرکربلا را به نام (مشهد امام حسین) ذکر می کند. او ازآب‌وهوای آن بسیار تعریف می کند وآن را بهتر ازآب‌وهوای سایر شهرهای عراق می‌داند، او در شهرکربلا ازآب‌انبارهای عمومی با آب گوارا سخن می گوید و اظهار می‌داردکه شهرکربلا درختان بسیاری دارد و میوه‌هایی ازآن شبیه میوه‌های اروپایی است.

(دلاوال) (۱۶۵۴ ۱۵۸۶ م) جهانگردی اروپائی که علاوه بر بابل و ذوالکفل از شهرکربلا دیدن کرده و مردم آن را به خوبی ستوده است. اما میگوید که مردم این شهر نسبت به غریبه‌ها با احتیاط بیشتری برخورد می کنند.

در سال ۱۱۵۴ ه ق عبدالکریم کشمیری که یکی از درباریان نادرشاه افشار بود ازکربلا دیدن نموده و در سفرنامه خود که (بیان واقع) نام دارد درباره کربلا چنین می گوید:

روز سوم به خاک پاک کربلای معلّی، شفا بخش بیماریهای ظاهری و باطنی رسیدیم. از بغداد تا کربلای معلّی پانزده فرسخ است. چون مردم ایران بواسطه

ص:۲۵۰

تعدی حکام جبار از وطن خود فرار نموده درآنجا موطن گزیدند، شهر بزرگی آباد گردیده.

عامل دیگر آبادیهای بسیار، نهرآبی است که حسن پاشا حاکم بغداد قریب ده هزار تومان که دو لک روپیه هندوستان باشد صرف کرده، این نهر را از فرات آورده، اما هنوز به شهر نرسیده بود که حسن پاشا فوت شد. پس از وی میرزا اشرف جهان، از امرای شاه طهماسب، آب را به شهر رسانیده جاری ساخت. چنانکه به سبب آن آب شیرین بیرون شهر از بسیاری باغها و نخلستانها رشک جنه المأوی است.

وگنبد مبارک روضه منوره حضرت سیدالشهدا رضی اللّه تعالی عنه در میان شهر است و قبر مبارک حضرت عبدالله بن الحسین رضی اللّه تعالی عنه در پایین پدر بزرگوارشان است و گنج شهدا جانب قدوم مبارک ایشان است و در میان گنج، مقبره و قطعه زمینی که در وقت شهادت پیکر مقدس حضرت امام درآنجا افتاده بود، بیرون گنبد است به فاصله بیست قدم از قبر مبارک متصل دریچه که به جانب شمال است و درآن مکان به مقدار پیکر مطهر به طور صندوق گودی ساخته‌اند و از خیمه‌گاه خاک پاک آورده، درآن گود می‌اندازند و بالای آن تخته می گذارند. هرگاه زائری به اراده زیارت و اخذ خاک شفا می‌آید، چیزی به خادم داده، قدری از آن خاک پاک می گیرد. خاک کربلا که به اطراف و اکناف عالم می‌برند، همین است و این را خاک شفا می گویند و خواص و برکات خاک شفا بسیار و بی شمار است؛ ازآن جمله یکی این است که هرگاه جهازی در دریا از شدت باد و مخالفت هوا توفانی شود، می‌باید که مرد صالحی خاک مذکور را به

ص:۲۵۱

سمت باد بیندازد، که به حکم قادر بر حق جل شأنه همان وقت باد از شدت رو به کمی خواهد آورد ..

گنبد و مرقد حضرت عباس بن علی ابن ابی طالب (رضی الله عنه) نیز در شهر است. مردم آنجا می گفتند: هرکه در روضه ایشان آمده سوگند به دروغ بخورد، فی الحال به انواع بلاها مبتلا می گردد. گنبد حر شهید از شهر به فاصله یک فرسخ و قبر مادرش که مانع همراهی او با حضرت امام شده بود، بیرون گنبد چهل قدم دورتر است. هرکس به زیارت حر شهید برود، می‌باید سنگی چند به قبر مادرش بزند. حال اثری از قبر پیدا نیست، مگر همان سنگهایی که مردم به قبرش می‌زنند. ازکربلا تا نجف اشرف از راه بیا بان بی آب دوازده فرسخ است و از راه حلّه و ده ذی الکفل شانزده فرسخ است.

(کارستون نیپور) (۱۸۱۵ ۱۷۳۳ م) جهانگرد آلمانی که در سال ۱۷۶۵ م ازکربلا دیدن کرده و این شهر را با شهر نجف مقایسه نموده و معتقد است که تعداد جمعیت کربلا ـ و تعداد درختان این شهر از شهر نجف بیشتر است و ازجمله مطالب جالبی که نقل می کند، فراوانی کبوتران در حرم مطهر امام حسین (ع) و سایر مساجد کربلا است و اینکه مردم به آنها توجه خاصی دارند.

(پیر زین) (۱۸۱۸ ۱۸۹۶ م) جهانگرد اروپائی که در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی و پس از سال ۱۸۴۳ م که درآن نجیب پاشا والی عثمانی عراق بعلت قیام مردم شهرکربلا برعلیه عثمانی‌ها آنجا را به خاک وخون کشیده بود از شهرکربلا دیدن

ص:۲۵۲

کرده و ذکر می کند که این شهر با وسعت و بزرگی‌اش از مراکز استانهای ما بزرگتر است و جمعیت آن به مراتب از این شهرها بیشتر است.

(ژیرکوف) جهانگرد اروپائی که سال ۱۸۴۹ م ازکربلا دیدن کرده، در این باره می گوید: دو شهر نجف وکربلا در نزد شیعیان به (عتبات أئمه) معروف است و هر ساله از همه شهرهای شیعه نشین گروههائی برای زیارت عازم این شهرها می‌شوند که برآورد تعداد آنها ممکن نیست، این زوار هدایا و پولهائی را برای این دو مکان مقدس می‌آورند و این هدایا معمولًا هدایایی گرانبها می‌باشند. همچنین جنازه مردگان خود را جهت خاکسپاری به این دو شهر مقدس می‌برند.

(لوفتس) یکی از باستان شناسان معروف انگلیسی است که در سال ۱۸۵۳ م توانست از دو شهر نجف وکربلا دیدن نماید. او بطور مفصل از باغستانها و نخلستانهای موجود در مدخل شهر وگرداگرد آن سخن گفته و اظهار می‌دارد که ساختمانهای ساخته شده در بیرون باروی شهر نشان دهنده امنیت موجود در این شهر است.

(جون اشر) جهانگردی انگلیسی که در سال ۱۸۶۴ م ازکربلا دیدن کرد و مشاهده نمود که کربلا شهری شلوغ است که زوار از مناطق دور و نزدیک بسوی آن می‌روند تا به زیارت امام حسین (ع) مشرف شوند و این شهر از فعالیت تجاری آشکاری برخوردار است. او به شدت شیفته کربلا شده و می گوید در این شهر شاهد رکود و انحطاطی که بیشتر شهرهای اسلامی معروف آن روزگار را در برمی گرفته نبوده است.

ص:۲۵۳

(فوک) جهانگردی آمریکایی است که ورودش به شهرکربلا مصادف با آغاز ماه رمضان بود واز اینکه مردم چقدر به رویت هلال ماه توجه می‌کنند متعجب شده است. وی همچنین شاهد ازدحام مردم در بازارها برای خرید مواد غذایی مورد نیاز ماه رمضان بوده است و ذکر می‌کند که در این ماه مساجد درهای خود را بعد از افطار بروی مردم باز می‌کند و او شبهای ماه رمضان درکربلا را یکی از زیباترین شبهایی که در جهان دیده است توصیف می‌کند.

(دیو لافوا) (۱۹۱۶ ۱۸۵۱ م) بانوی نویسنده فرانسوی در سال ۱۸۸۱ م از شهرکربلا دیدن نموده وآن را یکی از مهمترین مراکز شیعه دانسته می‌گوید که این شهر پر از مدارس بزرگ مذهبی است که طلبه‌ها بیست سال و یا بیشتر ازآن را بمنظورکسب علم درآنجا می‌گذرانند تا بعدها به مقام مرجعیت نائل شوند و بتوانند به سؤالات مذهبی مردم پاسخ گویند و مشکلات اجتماعی آنها را حل کنند.

در دوران قاجار سفرنامه‌های فراوانی نوشته شده است که درآنها از شهر کربلا نیز یادی به میان آمده است. ازجمله این سفرنامه‌ها می‌توان سفرنامه (دختر فرهاد میرزای قاجار) را مثال زد که درباره کربلا چنین می گوید:

(صبح سه شنبه بیست و نهم شهر شوال ۱۲۹۷ روانه کربلای معلی شدیم. از جمعیت خدمه وگدایان چه بگویم که از حد تحریر بیرون است. تا وادی السلام نجف از دست جمعیت خلاصی نداشتم. از شدت ازدحام خلق روی تخت را نینداخته بودند. بیرون که آمدند ملتفت شدند و در صحرای وادی السلام مدتی معطل گشته، طلب مقبره حاجیه باجی کرده، پیدا نشد. فاتحه خوانده سوارگشته،

ص:۲۵۴

وقت غروب کنـار نهری که مرحوم محمـد اسـماعیل خان وکیل الملک ازآب فرات جـدا نموده و به نجف اشـرف برده، نماز ظهر و عصر را گزارده سوار شدیم.

دو ساعت از شب گذشـته، در یک فرسـخی کاروانسـرا هوا طوفانی گشـته در این صـحرای مخوف نعوذاً بالله طوری گشته که چشم چشم را نمی دید. اگر لطف الهی و توجه مولای مؤمنان نبود، جان به سـلامت در نبرده بودیم. با هزار مشـقت به کاروانسرا رسیدیم، در حـالتی که به تحریر خـارج است. قهـوه چی و یـک نفرکجـاوه کش از مـا مفقود گـشـته، شـمع هم در نزد قهوه چی بود. بـا هزار زحمت از باد و طوفان پناه به دیواری برده و خود را به خدای مهربان سپردیم. قهوه چی پیدا نشد. لابداً دو نفر عسـکرکه همراه سوار بودند انعام مخصوص دادند، درآن بیابان فرستاده فریاد می‌کردند و قهوه چی را به اسم صدا می‌کردند. نزدیک صبح بود که آنها را پیـدا نموده آوردنـد. احـدی گمان حیات آنها را نـداشت. خداونـد نخواست که مقتول عرب‌های دزد بشوند. شب را هر طور بود به روز آورده، طلوع آفتاب سوارگشـته به راه افتادیم. چهار ساعت به غروب مانده، روز چهارشنبه، سلخ شهر شوال المکرم، وارد کربلا شـدیم. در دم خیمه‌گـاه پیـاده شـده وضـو سـاخته، درآنجـایی کـه شـبیه حجلـه حضـرت قـاسم علیـه السـلام ساخته‌انـد، نمـاز ظهر و عصرگزارده در نزد خیمه‌های حضرت چاهی که حضرت علیه السلام نیزه مبارک را فرو کرده آب بیرون آمده و صحابه غسل کرده به جهـاد رفته‌انـد. عربی بارکرده که برود از چاه آب بیاورد. همین که رفت از چاه پایین برود، دختر خاله گفت: مبادا در چاه بیفتی، از وسط چاه، شـخص عرب در مقام حضـرت گفت: عجب! یعنی من در چاه می‌افتم؛ تا از زبانش این مطلب جاری گشته، بی اختیار در چاه افتاد، بطوریکه خالی از

ص:۲۵۵

خنده نبود. پس از اینکه از چاه بیرون آمده، به زبان فارسی و عربی گفت، تا توگفتی در چاه نیفتی، افتادم و الّا نمی افتادم. بعد داخل خیمه گاه گشته، زیارت نموده، مراجعت به خانه کردیم.

روز پنج شنبه، غُرَّه(۱) ذی قعده، صبحی به حرم مشرف گشته، در سر مقبره مرحوم شاهزاده یک سوره الرحمن خوانده و فاتحه خوانده برخاسته، به مقبره جان بی بی، والده نواب علیّه سرکار شاهزاده خانم رفته، قرآن را تا بازکردم، همان سوره الرحمن آمد، خوانده یک سوره عمَّ هم به جهت مرحوم عمادالدوله و سوره یسبح لله به جهت مرحوم صارم الدوله خوانده برخاستم. در بی اعتباری دنیا ازآن حالت به این حالت افتادن، قدری افسوس خورده وگریه کرده از خداوند طلب مغفرت نموده، به حرم مطهر حضرت عباس (ع) مشرف گشته. چون حرم مبارك دور است، هوا هم گرم بود، داخل حرم شده، همین قدرکه بوسیدم دیگر حالت زیارت خواندن باقی نبود. در مسجد زنانه توقف نموده، دختر خاله عیال (شیخ الرئیس) که سه سال بود به جهت تحصیل در سامره بود و حال به عزم زیارت کعبه معظمه آمده است به کربلا، در حرم پیدا شد. قدری صحبت نموده ازگرما آسوده گشته به حرم مشرف شدیم، زیارت نموده به منزل مراجعت کردیم. دیدم عمه شاهزاده آقاسید سعید و تاج الملوك و خانم و عروس عمه آقا سید سعید دیدن ما آمده، در منزل نشسته بودند. ساعتی با هم صحبت داشته، برخاستند. قدری کارهای آدمهایی

۱- روز اول ماه قمری(فرهنگ فارسی عمید ج سوم ص ۱۷۶۳(ویراستار)

ص:۲۵۶

که روانه طهران بودنـد، درست نموده، حسـاب آنهـا را پرداخته، نزدیـک به غروب حمـام رفته، به خـدا پنـاه از این حمـام که حمـام معتبر کربلا است، خداوند اجر اخروی مرحمت فرماید.

دو ساعت از شب جمعه دوم گذشـته، به حرم مطهر منور حضـرت خامس آل عبا مشـرف گشـته، با وجودی که خلوت شـده بود، به قدری جمعیت بود که راه نبود و دست به ضـریح مبارک نمی رسید. زیارت و نماز زیارت خوانده، دعای کمیل را چون شب جمعه بود در همانجـا خوانـده معـاودت به منزل کرده، صـبح جمعه دویم بعضـی ناتمـامی کارها را صورت داده، همه اهل حاج بیرون رفته بودند. قریب ظهر وضو ساخته به حرم مشـرف گشـته آسـتان مبارک را بوسـیده، نماز بجا آورده، بعد به حرم مبارک حضرت عباس مشـرف شده، زیارت خوانده، آسـتانه را بوسیده، مرخصی حاصل نموده، با هزار مشقت از دست گدا و خادمها که به تحریر در نمی آیـد بیرون آمده و از ازدحام خلق به سـلامت در رفته سوار شده روانه بیرون شدیم. در صـحرا، جایی که چادرهای اهل حاج را زده بودند، چادر زده بودند. داخل چادر شده با حالت خستگی، چاپار در شرف حرکت بود. مشغول تحریر شدم.

ص:۲۵۷

خلاصه درس فصل چهارم:

کربلا دومین شهر مقدس عراق است که در فاصله ۱۰۵ کیلومتری جنوب غربی بغداد و در حاشیه صحرا و در غرب رودخانه فرات و در سمت چپ آبراه (حسینیه) که از فرات منشعب شده قرار دارد. بنا به گفته مورخان، تاریخ این شهر به دوران بابلی‌ها می‌رسد و قبل از فتح اسلامی این منطقه گورستان مسیحیان بود. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که معنی کلمه (کربلا) که یک واژه قدیمی بابلی است، (نزدیکی به خدا) است و برخی دیگر معتقدند که این کلمه تحریف شده واژه عربی (کور بابل) به معنی روستاهای بابل است، برخی نام این منطقه را نینوا می‌دانند که در حال حاضر نام منطقه‌ای در شهرستان (سده الهندیه) در استان کربلا است. از نامهای دیگر منطقه: غاضریه، عقر بابل، نواوویس، الطف، الروضه، الحائر والحیر است علت تسمیه این منطقه به الحائر این بوده است که در دوران المتوکل خلیفه عباسی، خلیفه دستور داد که قبر شریف امام حسین (ع) را به آب ببندند تا ویران گردد و هنگامیکه آب رودخانه را بدین‌سو سرازیر کردند آب تا نزدیک قبر رسید و تنها گرداگرد آن را فرا گرفت و از همان زمان به نام الحائر (آب سرگردان) نامیده شد. برخی نیز اعتقاد دارند که واژه کربلا از کلمه آشوری (کرب) به معنی معبد (أیل) به معنی خدا مشتق شده است و معنی آن (معبد الهی) است. گروهی دیگر بر این گمان هستند که این واژه فارسی بوده و ریشه آن دو کلمه (کار) و (بالا) به معنی (کاری برجسته و با ارزش) است. با این هه به‌نظر می‌رسدکه ریشه کلمه کربلا از واژه عربی (الکربه) گرفته شده باشد که به معنی زمین نرم و سست است. مساحت کربلا- در حدود ۵۲۸۵۶ کیلومتر مربع است و خاک این شهر نرم و بدون سنگ و شن می‌باشد. گرداگرد شهر را باغهایی فرا گرفته که آب آنها از رودخانه فرات تأمین می گردد. شهر کربلا دارای دو راه ارتباطی است یکی از این راه‌ها، راه کربلا بغداد است که از شهر (مسیب) می‌گذرد و طول آن بالغ بر ۹۷ کیلومتر است و راه دوم نجف کربلا است و در هر دو مسیر باغها و نخلستان‌های متعدد گرداگرد کربلا- و راه‌های ارتباطی را فرا گرفته است. شهر کربلا به دو بخش (قدیمی) و (جدید) تقسیم می‌شود، قسمت قدیمی شامل هسته اولیه شهر است که تا حدودی همچنان بافت سنتی خود را حفظ کرده است و قسمت جدید شهر بعدها به آن اضافه شده و شامل خیابانهای پهن، ادارات دولتی، مدارس دینی و ساختمانهای جدید می‌شود. شهر کربلا در مسیر راه‌آهن بصره بغداد قرار دارد و شاخه‌ای از این راه‌آهن به کربلا رسیده و سپس به شهرستان (سده هندیه) که از توابع استان کربلا است منتهی می گردد و طول آن ۳۶ کیلومتر است.

ص:۲۵۸

علاوه بر حرم مطهر امام حسین (ع) و حرم مطهر ابوالفضل (ع) زیارتگاه‌های دیگری در شهر کربلا وجود دارد که شیعیان به زیارت آن اماکن متبرکه مشرف می‌شوند. این زیارتگاه‌ها عبارتند از:

مرقد سید ابراهیم مجاب (ع)، مرقد حبیب‌بن مظاهر اسدی، مرقد سایر شهدای کربلا، مرقد قاسم‌بن الحسن (ع)، نخل مریم، مقام حربن یزید ریاحی (ع)، خیمه‌گاه امام حسین (ع)، مقام حضرت مهدی (ع) تل زینبیه، مقام کف دست راست حضرت ابوالفضل (ع)، مقام کف دست چپ حضرت ابوالفضل (ع)، مقام امام جعفر الصادق (ع)، مقام عون بن عبدالله، مقام ابن فهد حلی، مقام فضه، مقام امام علی (ع)، مقام موسی بن جعفر (ع)، مقام علی‌اکبر (ع)، مقام رأس‌الحسین (ع)، مقام ام‌البنین (ع)، مقام أخرس بن الکاظم (ع)، مقام ابن حمزه.

اماکن سیاحتی کربلا:

اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از: دژالاخیضر، قلعه الهندی و خان العطشان

ص:۲۵۹

فصل پنجم شهر مقدس کاظمین

اشاره

ص:۲۶۰

ص:۲۶۱

شهر مقدس کاظمین

شهر مقدس کاظمین در سمت غربی شهر بغداد و در سوی دیگر رودخانه دجله قرار دارد. علت تسمیه این شهر به کاظمین وجود حرم مطهر امام موسی کاظم (ع) در این شهر است. عامه مردم عراق به این شهر (الکاظم) و (الکاظمیه) می گویند، برخی آن را (بلده الکاظم) و برخی دیگر (کاظمین) می‌نامند درگذشته‌های دور به این منطقه (المشهد الکاظمی) وگاهی نیز (مشهد موسی بن جعفر) وگورستان قریش نیز می گفته‌اند.

درآثار باستانی برجای مانده از دوره‌های مختلف تاریخی نظیرکلدانیها، بابلیها، آشوریها و ایرانیها اسمی از (منطقه کاظمیه) درمیان نیست و تنها اسمی که از این منطقه برجای مانده اسمی شبیه به اسامی یونانی است که (قطربل(۱) (می‌باشد. این اسم در اواخر قرن چهارم قبل از میلاد یعنی پس از درگذشت اسکندر مقدونی و به قدرت رسیدن حکومت سلوکیها در منطقه، شایع گردید. برخی از مطالعات باستان شناسی نشان می‌دهد که سکه‌های قدیمی فراوانی درکنار سکه‌های دوران اسلامی در این منطقه یافت شده است، در سال ۶۴۷ ه ق المستعصم بالله دستور بازسازی مرقد کاظمین را داد و هنگامیکه کارگران مشغول کندن زمین بودند به کوزه‌ای برخوردند که درآن تعدادی سکه یونانی و سکه‌های اسلامی قرار داشت، هنگامیکه این سکه‌ها را به المستعصم نشان دادند، دستور داد آنها را خرج بازسازی حرم مطهرکنند و مردم این سکه‌ها را به قیمتهای گزاف خریدند و مبلغ آن را که چندین برابر شده بود خرج بازسازی کردند. (۲)

۱- جعفر الخلیلی مؤسوعه العتبات المقدسه قسم الکاظمین ۱: ۱۰

۲- (۲) الحوادث الجامعه، فی اخبار سنه ۶۴۷

ص:۲۶۲

در دوره ساسانی نیز به این منطقه (طسوج قطربل) می‌گفتند که به معنی روستای قطربل بود و این منطقه توسط شاخه‌ای از رودخانه دجله که به (دجیل) معروف بود آبیاری می‌شد.

در سال ۱۴۵ ه ق منصور عباسی شروع بساختن بغداد کرد و بنابر روایت خطیب بغدادی در سال ۱۴۶ ه ق باروی شهر را ساخت و در سال ۱۴۹ هق خندقی برای آن کند و بدین گونه شهر تقریباً کامل شد. پس از ساختن شهر (منصور عباسی) دستور داد تا قبرستانی در شمال شهر برای خود و خانواده‌اش بسازند و این قبرستان بعدها به نام قبرستان (قریش) و یا (قبرستان بنی هاشم) معروف شد و شیخ مفید روایت می‌کند که این مقبره مخصوص بنی هاشم و اشراف بود. اولین کسی که در این قبرستان، در سال ۱۵۰ ه ق، به خاک سپرده شد (جعفر) پسر ابوجعفر منصور عباسی بود و پس از آن دفن کردن مردگان در این قبرستان شایع و متداول گردید(۱).

در ۲۵ رجب ۱۸۳ ه ق امام موسی بن جعفر (ع) به دستور هارون الرشید و به دست سندی بن شاهک مسموم شد و جسد مطهرآن حضرت به گورستان (قریش) برده شد و درآن به خاک سپرده شد که مرقد شریف وی همچنان درآنجا می‌باشد. برخی از مورخین معتقدند که آن حضرت در جایی به خاک سپرده شد که قبلًا آن را خریداری کرده بود. پس از دفن آن حضرت، مرقد ایشان به نام (مشهد باب التبن) معروف شد زیرا که نزدیک

۱- خطیب بغدادی تاریخ بغداد ج ۱ ص ۱۲۶

ص:۲۶۳

دروازه شرقی شهر (باب التبن) قرار داشت و درکنار مرقد آن حضرت نیز مسجدی قرار داشت که به (باب التبن) معروف بود. (۱) درآخر ماه ذی قعده ۲۲۰ ه ق نیز امام محمد جواد (ع) به شهادت رسید و درکنار قبر جدش امام کاظم (ع) به خاک سپرده شد(۲). پس از شهادت دو امام مذکور، شیعیان به تدریج در کنار این دو قبر مطهر ساکن شدند تا بتوانند ازآنها حمایت کرده و از زائران آنها پذیرائی کنند و در حقیقت این امر باعث شد که هسته اولیه شهرکاظمین تشکیل شود بویژه که این زمین بعلت نزدیکی به رودخانه دجله، مرغوبیت خاک، و نزدیکی‌اش به روستاها و مزارع و نخلستانهای بزرگ، مکانی مناسب برای سکونت به شمار می‌رفت.

از منابع تاریخی دوران عباسی در می‌یابیم که این منطقه بسرعت رشد نموده و بعنوان بخشی از بغداد و محله‌ای از محله‌های آن درآمد و جایگاه جرافیایی آن در دوران عباسی‌ها بین (منطقه حربیه) و (مقبره ابن حنبل) و (حریم طاهری) بود.

در سال ۳۳۴ ه ق (معز الدوله بویه) بغداد را فتح کرد و ازجمله کارهای عمرانی وی در بغداد اهتمام به مرقد امامان مذکور و ساختن مرقد و بارگاهی زیبا برای آنان بود. وی همچنین تعدادی از سربازان دلیر خود را برای خدمت به مردم و برقراری امنیت در این منطقه مستقرکرد و باتوجه به برقراری امنیت در دوران آل بویه و نزدیکی مقابر قریش به

۱- یاقوت حموی معجم البلدان‌ماده ب

۲- (۲) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ ج ۶ ص ۳۲۱

ص:۲۶۴

بغداد بسیاری از شیعیان بغداد در روزهای معینی از سال نظیر عاشورا و یا عید غدیر به زیارت این منطقه می‌رفتند.

در سال ۳۵۳ ه ق در روز عاشورا عزای عمومی اعلام شد و مردم به نوحه و زاری پرداختند و در عصر همان روز درگیری بسیار شدیدی بین شیعیان و سنیان در منطقه (قطیعه ام جعفر) و در مسیر راه کاظمین روی داد و تعداد زیادی زخمی شدند و غارتهای فراوانی صورت گرفت.

در سال ۳۵۴ ه ق برای اولین بار عید غدیر در بغداد جشن اعلام گردید و مردم شادی‌کنان با صدای بوق وکرنا و دسته دسته به زیارت حرم مطهرکاظمین رفتند.

سال ۴۴۹ ه ق خانه شیخ طوسی در محله کرخ بغداد توسط گروهی از اوباش غارت شد و شیخ طوسی در اثر این کار به شهر نجف هجرت کرد. (۱) در طی سالهای متعدد شهرکاظمین بارها دچار سیل گردید، تاریخ قوع این سیلها عبارتند از سالهای ۳۶۷، ۴۶۶، ۵۵۴، ۵۶۹، ۶۱۴، ۶۴۶ و ۶۵۴ ه ق و از همه شدیدتر سیل سال ۶۱۴ ه ق بود که باعث ویرانی بخشی از حرم مطهر و ویرانی شدید شهرکاظمین شد بطوریکه خلیفه (ناصر لدین الله) دستور تعمیر خرابیها را صادرکرد و دستور داد باروئی گرداگرد شهرکاظمین بسازند.

در دوران خلافات عباسی شهرکاظمین بعنوان محله‌ای تقریباً مستقل از بغداد و پرجمعیت با باروئی مستقل بود که علاوه بر نقیب علوی‌ها، نقیب دیگری بر امور مرقد و شهر نظارت می‌نمود.

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ ج ۹ ص ۴۳۹

ص:۲۶۵

در ماه محرم سال ۶۵۶ ه ق (۱۲۵۸ م) لشکریان مغول به رهبری هلاکو شهر بغداد را محاصره کردند، این شهر پس از چند روز محاصره عاقبت در روز هیجدهم محرم سقوط کرد و مغولها خرابی فراوانی به شهر وارد ساخته و تعداد زیادی از اهالی شهر را بقتل رساندند.

ابتدا قرار بود که عتبات مقدس شیعه از غارت مغولها در امان باشد اما واقعیت این بود که حرم مطهرکاظمین تنها حرم شیعه بود که مورد غارت و چپاول قرارگرفت و به آتش کشیده شد و لشکریان وحشی مغول غنائم فراوانی را از حرم مطهر غارت کردند، طلا و نقره و سنگهای گرانبهای به غارت رفته به حدی بود که سربازان آن را بر روی زین اسبهای خود می‌آویختند.

چندی بعد امیر قره‌ای به بغداد رسید و دستور داد عماد الدین عمر بن محمد قزوینی به اوقاف رسیدگی نماید و ساختمان حرم مطهرکاظمین و مسجد خلیفه را بازسازی نماید.

در قرن هشتم هجری، شهرکاظمین رشد زیادی کرد و از شهرهای شلوغ و پر زوار به شمار می‌رفت، (حمد الله مستوفی) اوایل قرن هشتم این شهر را چنین توصیف می‌کند: شهرکوچکی است که طول آن حدود شش هزارگام است و تعداد جمعیت آن حدود شش هزار نفر است.

در اوایل قرن دهم از لحاظ استقلال اداری شهر مستقلی به شمار می‌رفت. در سال ۹۲۶ ه ق که عراق تحت تصرف امپراتوری صفوی واقع شد، شاه اسماعیل صفوی به زیارت کاظمین مشرف شده و دستور داد اداره مخصوصی برای مدیریت شهر به وجود آید و دادگاهی شرعی به ریاست یک قاضی که لقب (شیخ الاسلام) را داشت تشکیل شود و همچنین دستور داد تا مرقد مطهرکاظمین تجدید بنا شود و حقوقی را برای خدام مرقد تعیین نمود.

ص:۲۶۶

در سال ۱۲۸۶ ه ق (مدحت پاشا) والی عثمانی عراق در بازنگری ساختار اداری، کاظمین را به شهرستان تبدیل کرد و این شهرستان یکی از شهرستانهای استان بغداد شد.

در سال ۱۳۰۲ ه ق (هدایت پاشا) فرمانده لشکر ششم ترکان عثمانی در بغداد، دستور داد که پل چوبی شناوری بر روی رودخانه دجله زده شود تا دو بخش کاظمیه و اعظمیه را بهم متصل سازد و اینگونه بود که کاظمین به بخش شرقی بغداد متصل شد.

شهرکاظمین در طی عمر بلند خود بسیاری از علما، فقها، شعرا، پزشکان و اندیشمندان را به جامعه عرضه نمود، در این شهر مدارس علمی فراوانی وجود داشت که از همه مهمتر مدرسه سید محسن اعرجی است که اوایل قرن سیزدهم هجری تأسیس شده است. در شهرکاظمین کتابخانه‌های بسیاری وجود دارد که کتب خطی نفیسی درآنها نگهداری می‌شود. اولین چاپخانه عراق که یک چاپخانه سنگی بود در سال ۱۲۳۷ ه ق در شهرکاظمین راه اندازی گردید.

شهرکاظمین در طی جنگ جهانی اول نقش مهمی در برابر تجاوز انگلیسی‌ها ایفا نمود و در روز ۲۰ ذی‌حجه ۱۳۳۲ ه ق بزرگان بصره از علمای کاظمین درخواست کمک کردند و علمای بزرگ شهرکاظمین فتوایی در خصوص دفاع از شهرهای اسلامی در برابر تجاوز انگلیسی‌ها صادرکردند و در روز سه شنبه دوازدهم محرم ۱۳۳۳ ه ق سید مهدی حیدری به همراهی تعدادی از مجاهدان به منظور جنگ با انگلیسی‌ها ازکاظمین عازم میدانهای جنگ شدند و در مراسم باشکوهی تمامی اهالی شهر به منظور توديع مجاهدين از شهر بیرون آمدند. همچنین اهالی کاظمین توانستند کمکهای زیادی را به مجاهدینی که از نجف وکربلا عازم میدان جنگ می‌شدند، بنمایند. اما با تمام این تلاشها و فداکاری‌ها عاقبت انگلیسی‌ها موفق شدند در روز ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۵ ه ق شهرکاظمین را تصرف کنند و بدین گونه پایان تسلط عثمانی وآغاز تسلط انگلیسی در این شهر اعلام گردید.

ص:۲۶۷

شهرکاظمین در طول مدت اشغال انگلیسی‌ها، هیچگاه از مقاومت دست نکشید و تمامی فرستادگان انگلیسی در نامه‌ها و یادداشتهای خود بر این مسأله صحه گذاشتند. ازجمله در نامه‌های (میس بیل) چنین می‌خوانیم: (شهرکاظمین شهری افراطی در اعتقاد به وحدت اسلامی است و در نبرد با انگلیسی‌ها بسیار مصمم و پابرجاست). همچنین فلیب آیرلاند درباره این شهر می‌گوید: دشمنی با انگلیسی‌ها در شهرکاظمین بسیار شدید بود و علمای این شهر تهدید کرده بودند که اگر کسی در همه پرسی به نفع تجاوز انگلیسی‌ها رأی دهد او را کافر اعلام خواهند کرد).

اماکن زیارتی در شهرکاظمین

اشاره

اماکن زیارتی فراوانی درکاظمین قرار دارد که مهمترین آنها حرم مطهر امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) می‌باشد.

۱ مرقد مطهرکاظمین:

الف تاریخچه حرم مطهرکاظمین:

در سال ۱۸۳ ه ق پس از دفن امام کاظم (ع) مرقد اولیه‌ای بر قبر ایشان ساخته شد.
در سال ۳۳۶ ه ق معزالدوله بویه به بغداد دست یافت و مرقد مطهرکاظمین را توسعه داده و بازسازی نمود.
در سال ۳۷۳ ه ق در روز عاشورا (عضد الدوله بویه) درگذشت و جنازه او به سمت غربی حرم مطهرکاظمین منتقل و درآنجا به خاک سپرده شد و بر روی سنگ قبر او نوشته شد: (این قبر عضدالدوله و تاج الملّه ابوشجاع بن رکن الدوله است که به امید خلاص در روز جزا مجاورت این امام همام (موسی الکاظم ع) را برگزید و الحمد لله و صلی الله علی محمد و عترته الطاهره). در سال ۴۰۲ ه ق (فخر الملک) به اهالی کرخ و باب الطاق که دو محله

ص:۲۶۸

شیعه نشین بغداد بودند اجازه برگزاری مراسم عاشورا را داد و شیعیان با سیاه پوش کردن خانه و مغازه‌ها به عزاداری پرداختند. در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان نیز (فخر الملک) هدایای زیادی را به حرم‌های مطهرکاظمین وکربلا و نجف فرستاد و به بیچارگان لباس و جامه و غذا و پول داد.

در سال ۴۴۳ ه ق در روز اول صفرآتش فتنه دوباره بین شیعیان و سنیان شعله‌ورگردید و در روز چهارشنبه ۲۳ صفر تعداد بیشماری از سنیان گرد آمده و به حرم مطهرکاظمین یورش بردند و تمامی زینت آلات آن را به غارت بردند و قبور برخی از افراد نظیر عوفی، ناشی و جذوعی را نبش نموده و جنازه‌های آنان را بیرون آورده وآتش زدند و برخی نیز جنازه‌های مدفون درآن حرم را بیرون کشیده و به گورستانهای دیگر شهر منتقل کردند و سپس پنجره چوبی حرم وگنبد را به آتش کشیدند وگروهی نیز قبر یکی از أئمه را کندند و تصمیم داشتند که یکی از امامان معصوم را از قبر بیرون آورند و او را به قبرستان سنیان برده و درکنار قبر احمد بن حنبل دفن کنند که در این هنگام نقیب علویان وگروهی از شیعیان بپا خاستند وآنان را از این کار منع کردند. اهالی کاظمین (کرخ) چون چنین دیدند دچار اندوه و حزن فراوان شدند و تمامی خانه‌ها و بازارها را سیاه پوش کردند. در این اغتشاشات مرقد مطهر دچارآتش سوزی شد و در سال ۴۵۰ ه ق (بساسیری) دوباره اقدام به بازسازی مرقد مطهر نمود.

در سال ۴۴۸ ه ق دوباره اذان سنیان در حرم مطهرکاظمین و مساجد (عتیقه) و (براثا) متداول گردید و جمله (حی علی خیر العمل) حذف شده و بجای آن (الصلاه خیر من النوم) رایج شد. همچنین سنیان بغداد هرجا که کتیبه‌ای با مضمون (محمد و علی خیر البشر) یافتند، آن را کندند.

در سال ۴۹۰ ه ق (مجد الملک قمی) اقدام به افزودن بخش‌هایی به مرقد مطهر نمود.

ص:۲۶۹

سال ۵۰۲ ه ق در ماه شعبان شیعیان و سنیان بغداد با یکدیگرآشتی نمودند و شیعیان موفق شدند که پس ازگذشت سالها برای اولین بار به مناسبت نیمه شعبان بیرون آمده و به حرم مطهر کاظمین مشرف شوند وکسی از سنیان معترض آنان نشود.

سال ۵۱۷ ه ق المسترشد بالله در روز عاشورا وارد بغداد شد و در این روز سنیان شهر بغداد سر به شورش برداشتند و بسوی حرم مطهرکاظمین یورش برده و درهای آن را کنده و به غارت بردند و چون این خبر به خلیفه رسید از اینکار برآشفت و دستور داد امیر الحاج به کاظمین رفته و شورشیان را مجازات نموده و اموال به غارت رفته را بجای خود بازگرداند و وی موفق شد که برخی از اثاث غارت شده را بازگرداند. (۱) در سال ۵۷۵ ه ق و در سالهای بعد ازآن خلیفه (الناصر لدین الله) اقدام به بازسازی مرقد مطهر نموده و بخشهای زیادی را به آن اضافه کرد. در دوران خلافت (الناصر) شیعیان تا حدودی از مزاحمت سنیان در امان بودند، زیرا که الناصر بر خلاف پدران خود به مذهب شیعه گرایش داشت و دستور داد که حرم مطهرکاظمین بعنوان پناهگاهی برای حاجتمندان و بیچارگان باشد وکسانی را که به آنجا پناه می‌بردند به نزد خود می‌پذیرفت و حاجات آنان را برآورده می‌کرد. (۲) در روز سوم رجب سال ۶۳۴ ه ق (المستنصر بالله) خلیفه عباسی به زیارت مرقد مطهرکاظمین مشرف شد و چون از زیارت بازگشت، ابوعبدالله حسین بن أقساسی را که

۱- ابن الساعی الجامع المختصر فی عنوان التواریخ و عیون السیر

۲- (۲) ابن الطقطقی الفخری فی التاریخ

ص:۲۷۰

(نقیب علویـان) بـود فرا خوانـد و سه هزار دینـار به او داد و دسـتور داد که این مبلغ را به علویـان نیازمنـد شـهرهای نجف وکـاظمین وکربلا بدهد. (۱) در سال ۶۴۱ ه ق (المستنصر بالله) خلیفه عباسی دستور داد که روضه امام حسین (ع) و مقتل آن حضرت، فقط در حرم مطهرکاظمین خوانده شود.

در سال ۶۴۷ ه ق (الحاکم) خلیفه عباسی دستور داد تا بارویی گرداگرد حرم مطهرکاظمین کشیده شود و هنگامیکه کارگران شروع به کندن زمین کردند، کوزه‌ای حاوی یک هزار درهم قدیمی از زیر خاک بیرون کشیدند که برخی از این سکه‌های یونانی و برخی اسلامی و ضرب شده در بغداد و واسط (کوت) بود. این سـکه را به خلیفه عرضه کردند و خلیفه دسـتور داد تا سکه‌ها را فروخته و درآمد حاصل ازآن را صرف بازسازی حرم مطهر نمایند.

در سال ۶۵۶ ه ق در روز پنجم صـفر لشـکر مغول به رهبری هلاکو به بغـداد حمله کرده، خلافت عباسـی را منقرض ساخته و سـبب ویرانی بسیاری از اماکن نظیر (جامع الخلیفه)، حرم مطهرکاظمین و همچنین قبور خلفای بنی عباس شد.

در سال ۷۶۹ ه ق سـلطان (اویس جلائری) پس ازآنکه سـیلابهای پی‌درپی خسارات کلی به حرم وارد کرد، اقـدام به بازسازی مرقد مطهر نمود.

در سال ۹۱۴ ه ق شاه اسـماعیل صـفوی پس از تصـرف بغـداد به زیارت مرقـد مطهرکاظمین آمـد و دسـتور داد تا امیر دیوان (خادم بیـک) به تعمیر و بازسـازی حرم مطهرکـاظمین بپردازد و روضه مطهر را بزرگتر نمایـد وکف رواقها را سـنگ مرمرکنـد همچنین دو صندوق ساخته روی دو قبر مطهر قرار دهند و سپس حرم و بیرون آن را

۱- ابن الجوزی المنتظم من تاریخ الملوک و الامم

ص:۲۷۱

کاشیکاری نموده و با آیات قرآنی و نوشته‌های تاریخی مزین کنند و بجای دوگلدسته موجود چهارگلدسته ساخته شود و مسجد بزرگی در سمت شمالی حرم ساخته شود که این مسجد بعدها به نام (مسجد صفوی) معروف شد و همچنین دستور داد تا حرم مطهر را فرش نموده و چلچراغ‌هایی درآن نصب شود و خدام و محافظین و اذان گویانی برآن گماشت. برخی از آثار صفوی تا روزگار ما باقی مانده است.

در روز ۲۴ جمادی الاول سال ۹۴۱ ه ق سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) وارد شهر بغداد شد. وی در روز ۲۸ جمادی به بازدید اماکن زیارتی عراق درکاظمین وکربلاـ و نجف پرداخت و هنگام زیارت حرم مطهرکاظمین حقوقی را برای خدام حرم در نظرگرفت و سپس دستور داد تا بنای حرم و مسجد را که شاه اسماعیل صفوی آغازکرده بود، ادامه دهند.

در سال ۱۰۳۲ ه ق شاه عباس کبیر دوباره بغداد را تصرف کرد و به زیارت مرقد مطهرکاظمین رفت و دستور داد که آثار ناشی از جنگ و اهمال را تعمیرکنند و ضریح بزرگی از فولاد بسازند وآن را روی دو صندوق موجود بر قبرها نهاده تا قبور مطهر هنگام درگیری و غارت و جنگ آسیب نبینند، اما بعلت بدی روابط بین ایران و ترکیه، ضریح مذکور عاقبت در سال ۱۱۱۵ ه ق به کاظمین رسید و نصب گردید.

در سال ۱۰۴۲ ه ق سیلاب شهر بغداد را فراگرفت و دیوارهای حرم را سست کرد، پس شاه صفی به (قزاق خان) امیرالامراء سابق شیروان دستور داد تا خرابی ناشی از سیل را تعمیر و بازسازی کند.

در سال ۱۰۴۵ ه ق شاه صفی پسر شاه عباس کبیر بازسازی‌هایی در حرم مطهرکاظمین انجام داد وی دستور داد تا گلدسته‌های حرم مطهرکاظمین و جاهای دیگری از صحن شریف بازسازی و تعمیر شود.

ص:۲۷۲

در سال ۱۱۵۳ ه ق نادر شاه افشار هدایای گرانبها و با ارزشی را برای عتبات عالیات و ازآن جمله حرم مطهرکاظمین (ع) فرستاد.

در سال ۱۲۰۷ ه ق آقا محمد خان قاجار دستور تکمیل اصلاحات صفوی‌ها را صادرکرد. همچنین دستور داد تا گلدسته‌ها ساخته شوند و سه صحن وسیع در سمت شرق، جنوب و غرب حرم بنا شوند و اینگونه بود که صحن امروزی ساخته شد.

در سال ۱۲۱۶ ه ق گنجینه حرم مطهر حضرت علی (ع) از نجف به کاظمین منتقل شد تا از حمله و غارت وهابی‌ها در امان باشد و مراتب به اطلاع حکومت ایران نیز رسید(۱).

فتح علی شاه نیز در دوران سلطنت خود دستور داد که داخل گنبدها را آب طلاـ و میناکاری وآیینه‌کاری کنند وی همچنین دیوارهای روضه مطهر را آیینه‌کاری نمود وگنبدها و مناره‌های چهارگانه را طلاکاری کرد.

در سال ۱۲۲۹ ه ق متمردین و شورشیان به سمت غربی بغداد یورش برده و سعی کردند تا به حرم مطهرکاظمین نزدیک شوند و حکومت محلی عراق نیزکاری برای ممانعت از تعدیات آنان انجام نداد، در این شرایط خطرناك بالغ بر چهل هزار نفر زائر ایرانی وارد عراق شده بودند که شورشیان به برخی ازآنان حمله کردند و زوار مذکور از روی ناچاری در عتبات مقدسه مستقر شدند تا امنیت برقرار شود، در بین زوار ایرانی یکی از حکمرانان ایران به همراهی خانواده‌اش و تعدادی از صاحب‌منصبان ایرانی حضور داشتند و چون کار دشوار شد حکمران ایرانی مستقیماً با حکومت محلی عراق صحبت کرد و ازآنان خواست تا کاری کنند که زوار ایرانی بتوانند پس از زیارت با امنیت کامل به

۱- عباس الغزاوی تاریخ العراق بین احتلالین

ص:۲۷۳

کشورشان بازگردند و حکومت عراق نیز شخصی به نام (داود أفندی) را بعنوان فرمانده نظامی برگزید و لشکریانی را برای تنبیه متجاوزین گسیل کرد.

در سال ۱۲۵۵ ه ق منوچهر خان ملقب به (معتمد الدوله) ایوان کوچک را در رواق جنوبی طلاکاری کرد.

در سال ۱۲۵۵ ه ق نیز سلطان محمود ثانی پادشاه عثمانی پرده‌ای زربفت وگرانبها را که قبلًا بر روی قبر پیامبر قرار داشت به حرم مطهرکاظمین هدیه کرد. این پرده در یکی از شبهای قدر ماه رمضان بر روی ضریح مطهر قرار داده شد.

در سال ۱۲۷۰ ه ق ناصرالدین شاه قاجار یکی از علمای معروف آن روزگار را که شیخ عبد الحسین طهرانی نام داشت به عراق فرستاد و به وی که معروف به (شیخ العراقین) بود اختیارات وسیعی داد تا در طرحهای توسعه و عمران عتبات مقدسه در عراق فعالیت کند.

در سال ۱۲۸۱ ه ق برنامه توسعه عمرانی حرم مطهرکاظمین آغاز شد و اینکار تا سال ۱۲۸۵ ه ق ادامه یافت و در این توسعه، اصلاحات بسیاری در روضه، رواقها و ایوانهای حرم مطهر داده شد.

در سال ۱۳۰۱ ه ق شاهزاده فرهاد میرزا قاجار پروژه عمرانی وسیعی را درکاظمین به اجرا درآورد که طی آن زیرزمین‌هایی برای دفن مردگان ساخته شد وگلدسته‌های حرم از محل وقوف مؤذن تا نوک آن طلاکاری شد و باروی مرتفع دو طبقه‌ای برای حرم ساخته شد و دو ساعت بزرگ بر روی دو در اصلی حرم نصب گردید.

ب. بزرگان مدفون در حرم مطهرکاظمین:

بسیاری از بزرگان و علما در حرم مطهرکاظمین مدفونند که برخی ازآنها عبارتند از:

ص:۲۷۴

۱. ابومنصور محمد بن محمد مبارك کرخی (متوفی سال ۵۹۸ ه ق)

۲. ابوالفتح نصر الله بن محمد معروف به (ابن أثیر) (متوفی سال ۵۵۸ ه ق)

۳. مؤیدالدین ابوالحسن محمد بن محمد قمی وزیر (متوفی سال ۶۴۳ ه ق)

۴. خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی سال ۶۷۱ ه ق)

۵. امیر عضدالدوله بویه (متوفی سال ۳۷۳ ه ق)

۶. یحیی بن محمد نقیب علویین بصره (متوفی سال ۶۱۳ ه ق)

۲. مسجد براثا:

یکی از زیارتگاه‌های شیعیان در بغداد مسجد براثا است، این مسجد در حقیقت مسجدی است که حضرت علی پس از بازگشت از جنگ نهروان درآن نماز خواند. جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند که: حضرت علی (ع) پس از بازگشت از جنگ خوارج بهمراه یکصد هزار نفر در مسجد براثا نماز خواند. در این میان راهبی نصرانی که درآن نزدیکی بود از صومعه خود بیرون آمد و پرسید: فرمانده این لشکر کیست؟ گفتیم: این مرد است. پس جلوآمد و سلام داد و عرض کرد: ای سرور من! آیا شما پیامبرید؟ حضرت فرمود: نه، پیامبر سرور و مولای من بود که مدتی پیش درگذشت. راهب پرسید: آیا شما وصی و جانشین او هستید؟ حضرت فرمود: بله سپس حضرت او را به نشستن دعوت کرد و از او پرسید که چرا این سؤال‌ها را می‌پرسد؟ راهب عرض کرد: من این صومعه را به خاطر این مکان که به آن (براثا) می گویند ساختم و در کتابهای وحی الهی خوانده‌ام که پیامبری از پیامبران خدا و یا وصی پیامبری با جمع انبوهی در اینجا فرود خواهد آمد و نماز خواهد خواند و اکنون آمده‌ام که اسلام بیاورم. پس آن راهب اسلام آورد و همراه ما به کوفه آمد و چون به کوفه رسیدیم حضرت علی (ع) به او فرمود: آیا می‌دانی که چه کسی در اینجا

ص:۲۷۵

نماز خوانده است؟ راهب گفت: حضرت عیسی و مادرش مریم (ع) حضرت علی فرمود: آیا می‌خواهی بدانی چه کسی دیگر در اینجا نماز خوانده است؟ گفت: آری. حضرت فرمود: حضرت ابراهیم (ع).

مسجد براثا در محله براثای بغداد قرارگرفته است، و قبل از بنای بغداد در منطقه مذکور روستایی به نام (براثا) قرار داشت و حضرت علی (ع) در بازگشت از جنگ نهروان درکنار این روستا توقف نمود و در این منطقه نماز خواند. (۱) این مسجد بارها و بارها از طرف خلفای عباسی مورد تخریب قرارگرفت، چرا که شیعیان درآن گرد می‌آمدند و محل تجمعی برای آنان به شمار می‌رفت. خلیفه الراضی(۲) بالله عباسی این مسجد را کاملا با خاک یکسان کرد ولی مدتی بعد بنا به دستور (بجکم ماکانی) امیرالامرای بغداد آن را بازسازی کردند. (۳) پس از ضعف روز افزون خلافت عباسی و قدرت گرفتن خاندان شیعی آل‌بویه و بنی حمدان، شیعیان عراق دوباره قدرت گرفتند و مدرسه بزرگی در بغداد به وجود آمد و بزرگانی نظیر شیخ مفید، سید رضی و سید مرتضی و شیخ طوسی درآن به تدریس اشتغال ورزیدند و گویند که شیخ مفید در مسجد براثا تدریس می کرد.

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ماده(ب)

۲- (۲) عبدالحق بغدادی، مراصد الاطلاع

۳- (۳) خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱ ص ۱۰۹۱۱۱

ص:۲۷۶

گفته می‌شود شیعیان عراق تا اواسط قرن پنجم هجری نمازهای جمعه خود را در مسجد براثا اقامه می‌کردند تا اینکه عاقبت یکی از علمای شیعه به نام ابن ادریس حلی فتوا داد که نماز جمعه باید فقط بشرط حضور امام عادل و یا اجازه او برپا شود و بدین گونه بود که شیعیان از خواندن نماز جمعه خودداری کردند.

۳ مسجد المنطقه:

این مسجد در محله (المنطقه (کاظمین قرار دارد و به نام (مسجد العتیقه) نیز شهرت دارد. بنا به گفته روایات، امیرالمومنین (ع) در یکی از سفرهای خود، در این مسجد نمازگزارده است. (۱)

۴. آرامگاه شیخ مفید:

مقبره شیخ مفید در شرق رواق جنوبی حرم مطهر قرار دارد. وی یکی از بزرگان شیعه و فقها و متکلمان چیره دست و توانا بود که در سال ۴۱۳ هق درگذشت. بر روی قبر او ضریحی فولادی و قدیمی قرار دارد. قطعه شعری بر سنگ مرمر بالای قبرش نوشته شده که امام زمان (ع) در رثای فوت او سروده است:

لاصوت للناعی بفقدک انه یوم علی آل الرسول عظیم

۵. آرامگاه ابن قولویه:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه از بزرگان و فقها و محدثین امامیه است. وی در سال ۳۶۸ ه ق درگذشت وآرامگاهش در شرق رواق جنوبی بهمراه شیخ مفید است. (۲)

۱- عبدالحق بغدادی، مراصد الاطلاع

۲- (۲) وی استاد شیخ مفید است و کتاب کامل الزیارات وی مشهور است(ویراستار)

ص:۲۷۷

۶. آرامگاه خواجه نصیرالدین طوسی:

خواجه نصیرالدین طوسی از بزرگان جهان علم و دانش و از مشاهیر دانشمندان است که دوست و دشمن بر جلالت قدر و عظمت مقام او اتفاق نظر دارند. او در سال ۶۷۱ ه ق درگذشت و درگور یکی از خلفای بنی‌عباس که در جوار حرم مطهرکنده وآماده شده بود مدفون گردید. بر روی مقبره او ضریحی فولادی و قدیمی قرار دارد.

۷. مرقد امامزاده موسی بن ابراهیم:

وی موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع) و برادر زاده امام رضا (ع) بود و مأمون او را برای تسخیر یمن و سرکوب شورش آن نواحی فرستاد وی نیز پس از تسخیر یمن، مردم آنجا را به امامت حضرت رضا (ع) دعوت کرد.

۸. آرامگاه سید رضی و سید مرتضی:

(۱)این دو برادر از اعیان و مشاهیر بزرگ امامیه در قرن پنجم هجری به شمار می‌آیند و هردو از شاگردان شیخ مفید بودند. آنان فرزندان حسین بن موسی بن ابراهیم بن موسی کاظم (ع) بودند. سید رضی در سن چهل سالگی درگذشت اما برادرش سید مرتضی عمری طولانی یافت و در سن هشتاد سالگی درگذشت. قبر این دو بزرگوار در دو ساختمان جداگانه بیرون صحن مطهر و در نزدیکی یکدیگر در جنوب‌شرقی دیوار صحن قرار دارد.

۱- این دو یزرگوار در ابتدا در این مکان دفن شدند و پس از آن به کربلا منتقل شدند و در آنجا به خاک سپرده شدند و لذا این مکان محل دفن اولیه این عزیزان است(ویراستار)

ص:۲۷۸

۹. آرامگاه ابو یوسف قاضی:

وی در سال ۱۶۶ ه ق به منصب قضاوت در بغداد، پایتخت خلافت بنی عباس برگزیده شد و نخستین کس در اسلام است که بعنوان (قاضی القضات) شهرت یافت. قبر او در جنوب شرقی صحن مطهر درون یکی از حجره‌ها می‌باشد.

شهرکاظمین از دید جهانگردان

در سال ۵۸۰ ه ق (ابن جبیر) جهانگرد معروف از بغداد دیدن کرده است و درباره دو بخش غربی و شرقی آن سخن گفته است، وی در این باره چنین می گوید:

(دریکی از محلات بغداد قبر معروف کرخی واقع است و او یکی از مشهورترین صالحین است و در راهی که به محله باب البصره منتهی می‌شود مرقدی با شکوه وجود دارد که درآن قبری است که بر روی آن نوشته شده این قبر عون و معین فرزندان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) هستند و همچنین در سمت غربی بغداد قبر امام موسی بن جعفر (ع) قرار دارد وهمچنین در این بخش قبور بسیاری از صلحا و اولیاء و بزرگان گذشته وجود دارد و در سمت شرقی بغداد در منطقه رصافه محله باب الطاق قرار دارد و در این محله گنبدی سفید وجود دارد که گنبد قبر ابوحنیفه است و محله به نام او معروف است و در نزدیکی این محله قبر احمد بن حنبل است و در همان سمت نیز قبر ابوبکر شبلی و حسین بن منصور حلاج و بسیاری دیگر از بزرگان متصوفه قرار دارد. قسمت غربی بغداد پر از باغهای میوه است و به همین علت تأمین کننده میوه بخش شرقی است). (۱)

۱- ابن جبیر، سفرنامه ابن جبیر

ص:۲۷۹

(ابن بطوطه) جهانگرد معروف در سال ۷۲۶ ه ق ازکاظمین دیدن کرده و درباره آن چنین می گوید: (قسمت غربی بغداد پیش از سایر نقاط آن آباد گردیده و اکنون بیشترآن خراب است معذلك سیزده محله این قسمت هنوز هم دایر می‌باشد. هریك از این محله‌ها مانند یك شهر مستقلی است که دو یا سه حمام دارد و در هشت تا از آنها مسجد جامع هست. از جمله این محله‌ها باب البصره است که جامع منصور خلیفه درآن قرار دارد و بیمارستان بغداد که نخست بصورت کاخ بزرگی بوده و اکنون ویرانه‌ای بیش نیست درکنار دجله بین باب البصره و محله شارع واقع شده است. قبر معروف کرخی که از زیارتگاه‌های بغداد است در محله باب البصره واقع است. در راه باب البصره زیارتگاه معتبر دیگری وجود دارد که در داخل آن روی قبر بزرگی این عبارت نوشته شده است: (این قبر عون از فرزندان علی بن ابی طالب (ع) است) و قدری آن طرف‌تر قبر موسی کاظم (ع) پسر امام صادق (ع) و پدر امام رضا (ع) قرار دارد که قبر جواد (ع) هم درکنارآن می‌باشد روی این دو قبر ضریح چوبین کارگذاشته شده که سطح آن را با ورق نقره پوشانیده‌اند و هردو قبر در داخل حرم قرار دارد). (۱) در سال ۱۷۶۵ م جهانگرد معروف آلمانی (کارستون نیپور) در سفر خود به کشورهای عربی که هزینه آن را پادشاه دانمارك متقبل شده بود به خاورمیانه سفرکرد و مدتی نه چندان کوتاه را در شهرهای عراق به سر برد وی در یادداشتهای خود درباره کاظمین چنین می گوید:

(در شمال‌غربی بغداد و در فاصله چهل و پنج دقیقه راه، در غرب رودخانه دجله، روستای بزرگی قرار دارد که به آن کاظمین می گویند و درآنجا مسجد بزرگی واقع شده

۱- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه ترجمه محمد علی موحد

ص:۲۸۰

است که قبر دو امام از ائمه شیعه یعنی امام کاظم (ع) و نوادهاش امام جواد (ع) درآنجا قرار دارد و این مسجد اسلامی بسیار افتخارآفرین است وگنبد وگلدسته‌های آن با معماری اسلامی مزین شده است و شیعیان معتقدند که امام کاظم سرور شهیدان است وگروه‌گروه به زیارت او می‌روند. اکثریت ساکنین روستای کاظمین از شیعیان هستند و این طایفه آزادی چندانی برای تبلیغ مذهب خود در بغداد ندارند، و هر روزگروهی ازآنها به زیارت حرم مطهرکاظمین مشرف می‌شوند و چنانچه میسر نشود که مردگان خود را برای خاکسپاری به شهر نجف ببرند، این مردگان را درکنار قبر مطهر امام کاظم (ع) به خاک می‌سپارند. (۱) جهانگرد و باستانشناس انگلیسی (کیو پورتر) در سال ۱۸۱۸ م که عازم ایران بود در مسیر راه خود از بغداد عبورکرده و در سفرنامه خود که آن را در سال ۱۸۲۲ م منتشرکرد درباره کاظمین چنین می‌گوید:

(شهر جدید بغداد در سمت ساحل شرقی رودخانه دجله (در سمت رصافه) قرارگرفته و درآنسوی رودخانه دجله محله (قلعه الطیور) قرار دارد و در شمال این محله مرقد امام موسی کاظم (ع) یکی از امامان دوازده گانه و شهید شیعه واقع شده است و نواده‌اش امام نهم یعنی محمد التقی (ع) نیز درکنار او مدفون است.

وی سپس ادامه داده و می‌گوید: پس از غارت و چپاولگری وهابی‌ها در سال ۱۸۰۱ م و حمله آنان به شهرهای شیعه نشین وسط عراق، بسیاری از شیعیان از ترس به شهرکاظمین

۱- کارستون نیبور، یاداشتها، ترجمه مصطفی جواد، مجله سومر شماره ۱ و ۲، سال ۱۹۶۴ بغداد

ص:۲۸۱

نقل مکان نمودند و به همین علت جمعیت این شهر فزونی گرفت و در حال حاضر به شهر بزرگی تبدیل شده است که روزانه پذیرای تعداد زیادی از زوار می‌باشد). (۱) در نوامبر سال ۱۸۳۴ م جهانگرد انگلیسی (جیمز بیلی فریزر) موفق شد که از بغداد دیدن نماید. وی در سفرنامه خود که به سفرنامه فریزر معروف است درباره کاظمین چنین می گوید:

(شبانه بسوی کاظمین حرکت کردیم، کاظمین روستایی است که در فاصله سه میلی شمال بغداد قرار دارد و درآن ضریح امام شیعیان حضرت موسی کاظم (ع) که هارون الرشید پس از مدتی طولانی که وی را زندانی کرد عاقبت او را به شهادت رساند و زندان وی تا روزگار ما باقی مانده است. حرم مطهر ظاهراً خیلی بزرگ است و دوگنبد طلایی و چهارگلدسته دارد) (۲).

در سال ۱۸۵۰ م (جیمز فلیکس جونز) به منظور مساحی و بررسی علمی شمال بغداد و غرب دجله به عراق آمد و یادداشتهایی در این باره نوشت که این یادداشتها در سال ۱۸۵۷ م در مجموعه برگزیده سجلات حکومت بمبئی جلد چهل و سوم منتشرگردید. او درباره کاظمین چنین می گوید:

۱- کیوپورتر، سفرنامه

۲- (۲) جیمز بیلی فریزر، سفرنامه فریزر به بغداد در سال ۱۸۳۴

ص:۲۸۲

(بعد از اینکه از بغداد خارج شدیم و باروهای ویران شده آن (در سمت کرخ) را پشت سر گذاشتیم و بمدت ۵۰ دقیقه راه سپردیم تا به کاظمین رسیدیم که از دور منظره گنبد طلایی و گلدسته‌های آن در بین نخلستانها جلوه‌ای بسیار زیبا به آن داده بود).

وی سپس ادامه داده می‌گوید: (صحن پیرامون حرم مطهر مربع شکل بود و بوسیله کاشیکاری بسیار زیبا و هنرمندانه‌ای مزین شده بود و بر روی دیوارها نیز لوحه‌هایی از آیات قرآن و سخنان مذهبی با حروف عربی زیبایی نقش بسته بود .... در مسیر راه ما به مردمی برخوردیم که از همه سو عازم کاظمین بودند، این افراد از هر ملت و طایفه‌ای بودند و برخی از آنان تبتی و برخی کشمیری و افغانی و ایرانی و عرب بودند و تعدادی از آنها سواره و تعدادی دیگر نیز پیاده عازم زیارت بودند و برخی دیگر را دیدیم که در کنار جاده سجاده‌های خود را رو به قبله پهن کرده بودند و با خلوص نیت مشغول عبادت بودند ... و شاید کمتر جائی را بتوان سراغ کرد که مردم از هر قوم و طایفه‌ای چنین مخلصانه درآن جمع شوند و به عبادت مشغول گردند).

سپس جونز ادامه داده می‌گوید: (کمی که از کاظمین دور می‌شویم، به منطقه تاجی می‌رسیم که صحرای عراق از کنارآن آغاز می‌شود و پس از تاجی دریاچه عقرقوف قرار دارد که آب آن از سیلابهای رودخانه فرات تأمین می‌شود و رودخانه فرات پنجاه میل تا اینجا فاصله دارد و این رودخانه از همین طریق به رودخانه دجله متصل می‌گردد و بدین گونه می‌توان گفت که شهر کاظمین و نخلستانها و باغهای آن از همه سو با آب احاطه شده است و گویی جزیره‌ای در بین دریای متلاطم است). (۱)

۱- جیمز فلیکس جونز، تتبعات فی جوار سورا عیدیین سلسله مختارات من سجلات حکومه بومبی، المجد ۴۳

ص:۲۸۳

در سال ۱۸۶۶ م جهانگرد هلندی (نایهولت) به عراق سفر کرد و مدت طولانی در عراق ماند و به مطالعه جامعه شناسی مردم عراق پرداخت و سفرنامه جالبی در مورد عراق نوشت که بعدها این سفرنامه به انگلیسی ترجمه شد. وی در این سفرنامه درباره کاظمین چنین می گوید:

(یکی از زیباترین و دل‌انگیزترین جاهایی که در بغداد به دیدن آن رفتم زیارت کاظمین بود وکاظمین شهرکوچکی است که شیعیان مخلص و وفادار در اطراف مرقد امام موسی کاظم (ع) برپا کرده‌اند و در حدود یک فرسخ با بغداد فاصله دارد. برای رفتن به کاظمین ما از بازار بزرگ بغداد بسوی ساحل سمت راست دجله رفتیم و سپس مسیر منحنی رودخانه را بسوی بالا پیمودیم، که ازآنجا منظره بغداد به زیبایی نمایان بود، وپس از نیم ساعت راهپیمایی در ساحل غربی رودخانه دجله به نخلستان بسیار زیبایی رسیدیم و در مسیر با افراد زیادی از عرب‌ها و فارس‌ها و هندی‌ها برخورد کردیم که بیشترشان سواره عازم کاظمین بودند و چون از نخلستان بیرون آمدیم و رودخانه دجله در پشت سر ما قرارگرفت از دور دوگنبد طلایی حرم مطهر امام موسی بن جعفر (ع) نمایان شد و نیم ساعتی نگذشت که اولین خانه‌های کاظمین پدیدار شدند. شهرکاظمین شهرکوچک و زیبایی است که بازار مجهز و بسیار خوبی دارد و درهای حرم با قفل و زنجیر بسته می‌شود و زوار در هنگام ورود به حرم و یا خروج ازآن با احترام زنجیرها و قفلها را می‌بوسند و تا آنجایی که به من اجازه داده شد ازآن دیدن کنم این بود که حرم مطهر از مسجد بزرگی ساخته شده که چهارگلدسته در چهار سوی آن قرار دارد و در اطراف صحن اتاقها و حجره‌هایی برای تدریس و یا سکونت طلاب علوم دینیه ساخته شده است). (۱)

۱- نایهولت، الرحله، ترجمه میربصری، بغداد

ص:۲۸۴

در سال ۱۸۸۱ م جهانگرد فرانسوی خانم (مادام دی لافوا) به همراهی همسرش مهندس (مارسل دی لافوا) از ایران به عراق سفرکرده و از اماکن زیارتی کاظمین وکربلا دیدن نمود و مطالب زیادی را درباره این دو شهر در سفرنامه خود ذکر می کند. این سفرنامه بعدها به زبان فارسی ترجمه و در ایران به چاپ رسید و قسمتی ازآنکه مربوط به عراق بود به عربی ترجمه و در سال ۱۹۵۸ م در بغداد منتشر شد.

مادام دی لافوا به همراهی همسرش و یکی از کارمندان کنسولگری فرانسه در بغداد سوار تراموای شهر شد و در مسیرش از باغها و بوستانهای شهر دیدن کرد و در وصف این باغها قلم فرسایی نمود و سپس از دور به توصیف گنبدهای طلایی وگلدسته‌های کاظمین می‌پردازد و چون به شهرکاظمین می‌رسد اولین چیزی که توجه او را به خود معطوف می کند، این است که کوچه‌های کاظمین ازکوچه‌های بغداد تمیزتر است و میدان بزرگ کنار در حرم مطهر پر از دکانهای متعدد میوه فروشی و سبزیجات است و سپس به توصیف حرم مطهر پرداخته و اظهار می کند که درهای حرم به صحن بزرگی منتهی می گردند و در چهارگوشه صحن چهارگلدسته بلند وجود دارد که بالای آنها طلاکاری شده و پایین آنها با کاشیهای فیروزه فام کاشیکاری شده است. در دو سوی گنبدها برج‌های کوچی قرار داشت که همانند برج‌های جنگی بنظر می‌آمد. در کنار حرم مطهر و مسجد، مدرسه و حمام‌ها و حجره‌هایی برای استفاده زوار قرار داشت. (۱) سپس مادام دی لافوا اظهار می کند که: (قافله‌های زوارکه از خارج شهر برای زیارت کاظمین می‌آمدند مجبور بودند که در مسیر خود از وسط شهر بغداد عبورکنند و در

۱- مادام دی لافوا: الجرء الخاص بالعراق من الرحله

ص:۲۸۵

هنگام عبور از شـهر بچه‌های بغـداد از دور به آنان سـنگ پرتاب کرده و به آنان دشـنام می‌دادند و سـپس بسوی بارهای آنان که بر پشت چهارپایان نهاده بودند یورش برده و هرچه را می‌توانسـتند به سرقت می‌بردند و سـپس بسوی کوچه‌های تنگ و باریک بغداد فرار می‌کردنـد و زوار بیچـاره ناچـار بودنـدکه این همه اذیت وآزار را تحمـل کننـد و لب به شـکایت نگشاینـد، چراکه می‌دانسـتند مسؤولین ترک عثمـانی هیـچ توجهی به شـکایتهای آنـان ننموده وآنهـا هسـتند که بچه‌ها را به این کارهای زشت و ناپسـند تحریک می‌کنند).

در سال ۱۸۸۸ م باستانشـناس انگلیسـی (سر ارنست والیس) از عراق دیدن کرد و چندین ماه در عراق ماند تا آثار باستانی این کشور را مورد مطالعه قرار دهد. وی پس از بازگشت سـفرنامه مفصـلی درباره عراق نوشت و در دو جلد در سال ۱۹۲۰ م به چاپ رساند و نام این سـفرنامه را (در ساحل دجله و فرات) گـذاشت. او در این کتاب درباره کاظمین چنین می‌نویسـد که توانسـته است با عبور از بازار به حرم مطهر برسـد و به شـدت تحت تأثیر گنبدهای طلایی و گلدسـته‌ها وکاشـیکاری زیبای دیوارهای صـحن و روضه شـریف قرارگرفت، وی معتقـد است که زیبـایی و رنگ‌آمیزی این اماکن چیز بسـیار زیبایی است که تا بحال نظیرآن را ندیـده است. سـپس (ارنست والیس) به ساعت بزرگی اشاره می‌کند که در صـحن شریف نصب شده است و اظهار می‌کند که به خانه میرزا صفوی رفته و از پشت بام خانه صحن شریف و حرم مطهر را بدقت تماشا کرده و از اینکار لذت برده است، و اینکه میرزا صفوی مذکور مطالب زیادی درباره نفایس و ذخایر موجود درگنجینه حرم مطهر برای وی تعریف کرده است). (۱)

۱- ارنست والیس، علی ضفاف النیل و دجله

ص:۲۸۶

شهر بغداد

اشاره

شهر بغداد پایتخت عراق و بزرگترین شهرآن است این شهر درکنار رودخانه دجله قرار دارد و فاصله چندانی با شهر باستانی تیسفون که پایتخت امپراتوری ساسانی بود ندارد. شهر بغداد مشهورترین شهر جهان اسلام است و بیش از پنج قرن پایتخت خلافت عباسیان بود که بر بخش عظیمی از جهان اسلام حکمرانی نمودند. بنا به قولی این شهر درحال حاضر بعد از شهرهای قاهره، جاکارتا و تهران چهارمین پایتخت بزرگ جهان اسلام است. جمعیت این شهر درحال حاضر در حدود شش میلیون نفر است و زبان رسمی آن زبان عربی است و اکثریت ساکنین این شهر را عربها تشکیل می‌دهند و اقلیتهای مذهبی یهودی و مسیحی اندکی نیز در شهر ساکن هستند، و اقلیتهای نژادی دیگر نظیرکردها و ترکمانها و ایرانیها نیز در این شهر ساکن می‌باشند.

شهر بغداد پس از تأسیس به شدت رشد کرد بطوریکه تنها سه سال پس از ساخته شدن جمعیت آن به بیش از نیم میلیون نفر رسید که در مساحتی معادل ۳۲۰۰ هکتار پراکنده بودند.

این شهر را ابوجعفر منصور دوانیقی در سال ۱۴۵ ه ق (۷۶۲ م) بنا نهاد و در دوران خلافت هارون الرشید به اوج عظمت رسید بطوریکه در سال ۱۸۴ هق جمعیت آن به بیش از یک میلیون نفر رسید اما از سال ۲۵۷ ه ق به بعد و پس از حمله ایرانیها، مغولها، تاتارها و بالاخره عثمانیها و همچنین بر اثر سیلابهای مکرر رودخانه دجله و بروز بیماری وبا، به تدریج از اهمیت و عظمت شهر کاسته شد. این شهر در سال ۱۹۲۱ م مجدداً بعنوان پایتخت عراق انتخاب شد.

ص:۲۸۷

اماکن زیارتی و دیدنی بغداد

۱. مرقد نواب اربعه امام زمان (ع):

نواب اربعه به چهارتن از بزرگان و معتمدان شیعه بغداد گویند که طی هفتاد سال دوران غیبت صغری، عهده‌دار ارتباط میان امام زمان (ع) و شیعیان بوده‌اند و اموال و نامه‌های شیعیان را به امام (ع) و پاسخ آن حضرت را به آنها منتقل می‌نمودند. این چهار تن عبارت بودند از:

۱. ابوعمرو عثمان بن سعید عمری اسدی

۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید معروف به شیخ خلانی

آرامگاه این پدر و پسر در یکی از میادین مهم و مرکزی شهر بغداد به نام (ساحه الخلانی)، درون مسجدی به نام (جامع الخلانی) قرار دارد. بر روی قبرآن دو، ضریحی نقره‌ای و گنبدی بلند با کاشیهای سبز قرارگرفته است.

۳. شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (متوفای ۳۲۶ ه ق)

آرامگاه او درمیان بازارکهن و قدیمی بغداد، معروف به (سوق العطارین) واقع شده و دارای صحن و سرا وگنبد و ضریح است و زیارتگاه شیعیان می باشد.

۴. شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمری

آرامگاهی درون بازار مشهور به (سوق الخفافین) کمی پایین‌تر از مدرسه المستنصریه دارد.

ص:۲۸۸

۲. مرقد شیخ کلینی:

وی بزرگترین محدث و روایت نگار شیعه به شمار می‌رود وکتاب کافی او یکی از چهار کتب روایی معتبر شیعه می‌باشد. وی در سال ۳۲۹ ه ق در بغداد درگذشت، امروزه مشهور میان مردم آن است که قبر وی در مسجد صفوی معروف به تکیه مولوی خانه در شرق بغداد (رصافه) و در نزدیکی پل شهدا می باشد.

۳. مرقد ادریس حسنی:

وی نواده حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی (ع) است و امامزاده جلیل القدری است. قبر وی در محله (کراده) واقع شده و دارای بقعه و بارگاهی است و مردم بدو اعتقاد فراوانی دارند.

۴. آرامگاه بشر حافی:

وی از اعیان متصوفه است و بنا به نقل مورخان مردی فاسق بود که لحظاتی چند شرف حضور امام کاظم (ع) را درک نمود و هدایت گردید. آرامگاهش در محله اعظمیه بغداد است.

۵. آرامگاه بهلول:

او پسر عموی هارون الرشید و از شیعیان پاک و وفادار بود و داستانهای او با منحرفین مشهور است. آرامگاهش در محله کرخ در نزدیکی قبر مشهور به (ست زبیده) می‌باشد.

۶. قبر سید سلطان علی:

او علی بن اسماعیل فرزند امام صادق (ع) است و به گفته روایات، کسی است که شکایت عمویش حضرت امام موسی بن جعفر (ع) را نزد هارون کرد لیکن بزودی به نفرین

ص:۲۸۹

حضرت گرفتارآمد و به هلاکت رسید، قبر او در (محله الفضل) واقع در شارع الرشید بغداد است و سنیان برای او و برادرش محمد مزاری ساخته‌اند.

۷. قبر قنبر علی:

او خادم امام دهم (ع) بود. امروزه آرامگاهش در شرق بغداد در محله (قنبر علی) است. (۱)

۸. مدرسه مستنصریه:

دانشگاهی است جهت تدریس علوم دینی مذاهب چهارگانه اهل سنت که به دستور مستنصر بالله عباسی در سال ۶۳۱ ه ق ساخته شد و ساختمان آن تاکنون باقی است. این مدرسه نمایانگر نمونه مدارس آن دوره است و از ساختمان عظیم و بزرگ و شبستانها و اتاقهای تدریس فراوان برخوردار است. امروزه این مدرسه در سمت شرق بغداد (رصافه) و در بازار خفافین، در نزدیکی پل الشهدا قرار دارد.

۹. مسجد صفویه:

این مسجد امروزه به نام (الآصفیه) شهرت دارد و قبلًا به نام (دار القرآن المستنصریه) مشهور بود و همزمان با مدرسه المستنصریه ساخته شده است. این بنا در فاصله کوتاهی از مدرسه مستنصریه قرار دارد. در یکی از اتاقهای این مسجد که پنجره آن به بازار باز

۱- حضرت علی(ع) نیز غلامی بدین نام داشته است که نام اصلی وی ابوالشعثاء مولی بن معمرست و علی(ع) خود نام قنبر بر وی نهاد به هر روی شاید این نام متشابه بین دو نفر باشد لازم به یاد آوری است که قبری به همین نام درحمص سوریه نیز وجود دارد(ویراستار)

ص:۲۹۰

می‌شود، آرامگاه مرحوم شیخ کلینی و قاضی ابوالفتح کراجکی از بزرگان امامیه ومتوفای سال ۴۴۹ ه ق قرار دارد.

۱۰. قصر عباسی:

قصر عباسی یکی از کاخهای دوره اخیر عباسیها در بغداد است که شرق بغداد و نزدیک رودخانه دجله قرار دارد. این کاخ دارای تالارها و ایوانهایی است با گچبریهای زیبا و دیدنی.

۱۱. مسجد خفافین:

مسجدی برجای مانده از دوره عباسی‌ها که در سال ۵۹۹ ه ق به دستور زمرد خاتون ساخته شد. این مسجد در مجاورت مدرسه مشهور نظامیه است که توسط نظام الملک طوسی ساخته شده و امروزه اثری ازآن باقی نمانده است.

۱۲. مسجد الخلفا:

این مسجد در وسط شارع الرشید، معروفترین خیابان بغداد، قرار دارد. ساختمان اصلی‌آن، که به دستور المکتفی بالله عباسی در سال ۲۹۰ ه ق ساخته شده بود، از بین رفته است و تنها گلدسته آجری آن باقی مانده و ساختمان کنونی به سبک معماری آن دوره ساخته شده است.

۱۳. قبر ابوحنیفه:

ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی پیشوا و مؤسس مذهب حنفی است که جد او از مردم کابل بوده و در دوره‌ای، از شاگردان امام صادق (ع) به شمار می‌آمده است. وی درسال ۱۵۰ ه ق درگذشت و در مقبره‌ای مشهور به (مقبره خیزران) که در شمال شرقی دجله است دفن گردید. امروزه قبرش در نزدیکی پلی است که بغداد را به شهرکاظمین وصل می‌کند و

ص:۲۹۱

خلفای عثمانی صحن و سرا برای او ساخته‌اند و باتوجه به اینکه اکثریت سنی‌های عراق پیرو مذهب حنفی هستند، این محل زیارتگاه مهم سنی‌های عراق نیز به شمار می‌رود.

۱۴. قبر عبدالقادر گیلانی:

وی مؤسس یکی از فرقه‌های مهم تصوف است که در شهر گیلان غرب کرمانشاه بدنیا آمد و در بغداد به تحصیل پرداخت و در سال ۵۶۱ ه ق درگذشت و در یکی از مدارس بغداد دفن گردید. بعدها صوفیان معجزات و خرق عاداتی به او نسبت دادند و قبر او را توسعه و ترمیم نمودند. امروزه آرامگاه او در محله‌ای به نام (باب الشیخ) قرار دارد.

۱۵. قبر شیخ عمر سهروردی:

وی یکی از صوفیان شافعی مذهب بود که در سال ۵۳۹ ه ق در روستایی به نام (سهرورد) که یکی از قُرای ماوراءالنهر است بدنیا آمد و در سال ۶۳۲ هق درگذشت و در یکی از مقابر عمومی بغداد دفن گردید. معجزاتی به وی نسبت داده‌اند و عوام الناس برای او صحن و سرایی ساختند. قبر وی امروزه در محله ای به نام (شیخ عمر) در شرق بغداد واقع است.

در شهر حلب سوریه نیز قبری منسوب به شیخ سهروردی است که نگارنده ازآن دیدن نموده است این قبر در مسجدی به نام مسجد سهروردی در وسط شهر حلب قرار دارد، اما صحت انتساب آن به سهروردی مورد شک و تردید است.

ص:۲۹۲

۱۶. قبر زبیده خاتون:

در سمت غربی دجله (کرخ) گوری است منسوب به زبیده خاتون همسر هارون الرشید و برخی از محققان را عقیده دارند که این گور متعلق به زبیده خاتون نیست بلکه قبر زمرد خاتون مادر خلیفه عباسی الناصر لدین الله است.

۱۷. قبر شیخ معروف کرخی:

وی یکی از بزرگان صوفیه بغداد است که در سال ۲۰۰ ه ق درگذشت وآرامگاه وی در نزدیکی قبر زبیده خاتون در محله کرخ می‌باشد.

۱۸. باب الطلسم:

این دروازه تنها دروازه باقیمانده از برج و باروی کهن بغداد است که در سمت شرق دجله (رصافه) می‌باشد.

۱۹. آرامگاه احمد بن حنبل:

در نزدیکی رصافه همچنین قبر عبدالله احمد بن حنبل پیشوا و مؤسس مذهب حنبلی واقع شده است که گنبد ندارد و می‌گویند بارها روی آن گنبد ساخته‌اند ولی بعدها آن گنبد تخریب شده است و جالب است بدانیم که پیروان ابن حنبل ساختن گنبد و بارگاه بر قبور مردگان را حرام و بدعت می‌دانند.

۲۰. قبور برخی از بزرگان صوفیه:

نزدیک قبر ابن حنبل قبر ابوبکر شبلی واقع شده که از بزرگان متصوفه بوده است. تربت صوفی نامدار (سری سقطی) و (بُشر حافی) و (داود طائی) و (ابوالقاسم جنید بغدادی) نیز در همین مکان می‌باشند.

ص:۲۹۳

خلاصه درس فصل پنجم:

شهر مقدس کاظمین در سمت غربی شهر بغداد و در سوی دیگر رودخانه دجله قرار دارد. علت تسمیه این شهر به کاظمین وجود حرم مطهر امام موسی کاظم در این شهر است. عامه مردم عراق به این شهر (الکاظم) و (الکاظمیه) می گویند، برخی آن را (بلده الکاظم) و برخی دیگر (کاظمین) می‌نامند در گذشته‌های دور به این منطقه (المشهد الکاظمی) و گاهی نیز (مشهد موسی‌بن جعفر) و گورستان قریش نیز می گفته‌اند. در آثار باستانی برجای مانده از دوره‌های مختلف تاریخی نظیر کلدانیها، بابلیها، آشوریها و ایرانیها اسمی از (منطقه کاظمیه) در میان نیست و تنها اسمی که از این منطقه برجای مانده اسمی شبیه به اسامی یونانی است که (قطربل) می‌باشد. این اسم در اواخر قرن چهارم قبل از میلاد یعنی پس از درگذشت اسکندر مقدونی و به قدرت رسیدن حکومت سلوکیها در منطقه، شایع گردید. برخی از مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که سکه‌های قدیمی فراوانی در کنار سکه‌های دوران اسلامی در این منطقه یافت شده است، در سال ۶۴۷ ه. ق المستعصم بالله دستور بازسازی مرقد کاظمین را داد و هنگامیکه کارگران مشغول کندن زمین بودند به کوزه‌ای برخوردند که در آن تعدادی سکه یونانی و سکه‌های اسلامی قرار داشت، هنگامیکه این سکه‌ها را به المستعصم نشان دادند، دستور داد آنها را خرج بازسازی حرم مطهر کنند و مردم این سکه‌ها را به قیمت‌های گزاف خریدند و مبلغ آن را که چندین برابر شده بود خرج بازسازی کردند. در دوره ساسانی نیز به این منطقه (طسوج قطربل) می گفتند که به‌معنی روستای قطربل بود و این منطقه توسط شاخه‌ای از رودخانه دجله که به (دجیل) معروف بود آبیاری می‌شد. در سال ۱۴۵ ه. ق منصور عباسی شروع بساختن بغداد کرد و بنابر روایت خطیب بغدادی در سال ۱۴۶ ه. ق باروی شهر را ساخت و در سال ۱۴۹ ه. ق خندقی برای آن کند و بدین گونه شهر تقریباً کامل شد. پس از ساختن شهر (منصور عباسی) دستور داد تا قبرستانی در شمال شهر برای خود و خانواده‌اش بسازند و این قبرستان بعدها به نام قبرستان (قریش) و یا (قبرستان بنی‌هاشم) معروف شد و شیخ مفید روایت می کند که این مقبره مخصوص بنی‌هاشم و اشراف بود. اولین کسی که در این قبرستان، در سال ۱۵۰ ه. ق به‌خاك سپرده شد (جعفر) پسر ابوجعفر منصور عباسی بود و پس از دفن کردن مردگان در این قبرستان شایع و متداول گردید. در ۲۵ رجب ۱۸۳ ه. ق امام موسی‌بن جعفر (ع) به دستور هارون‌الرشید و به‌دست سندی‌بن شاهك مسموم شد و جسد مطهر آن حضرت به گورستان (قریش) برده شد و در آن به خاك سپرده شد که مرقد شریف وی همچنان در آنجا می‌باشد. برخی از مورخین معتقدند

ص:۲۹۴

که آن حضرت در جایی به خاک سپرده شد که قبلًا آن را خریداری کرده بود. پس از دفن آن حضرت، مرقد ایشان به نام (مشهد باب التبن) معروف شد زیرا که نزدیک دروازه شرقی شهر (باب التبن) قرار داشت و در کنار مرقد آن حضرت نیز مسجدی قرار داشت که به (باب التبن) معروف بود. در آخر ماه ذی‌قعده ۲۲۰ ه. ق نیز امام محمد جواد (ع) به‌شهادت رسید و در کنار قبر جدش امام کاظم (ع) به خاک سپرده شد.

ص:۲۹۵

ص:۲۹۶

ص:۲۹۷

ص:۲۹۸

ص:۲۹۹

فصل ششم شهرمقدس سامرا

اشاره

ص:۳۰۰

ص:۳۰۱

شهر مقدس سامرا

شهر مقدس سامرا در ساحل شرقی رودخانه دجله و در فاصله ۱۱۸ کیلومتری شمال بغداد قرار دارد. این شهر روی طول جغرافیایی ۴۳ درجه و ۴۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۳۵ دقیقه واقع شده است. سامرا از شمال به تکریت و از جنوب به بغداد و از غرب به رمادی و از شمال‌غربی به موصل و از جنوب‌شرقی به دیالی محدود می‌شود. در این شهر مرقد دو امام همام علی الهادی (ع) و حسن العسکری (ع) قرار دارد. تولد و غیبت امام زمان (عج) در شهر سامرا بوده و محل غیبت آن حضرت (عج) زیارتگاه هزاران نفر از شیعیان دلسوخته می‌باشد. اکثر اهالی شهر از برادران اهل تسنن می‌باشند.

درگذشته گرداگرد شهر را بارویی از آجر وگچ بشکل دایره‌ای و به قطر ۶۸۰ متر فراگرفته بودکه محیط آن به ۲ کیلومتر و ارتفاع آن به ۷ متر می‌رسید. این بارو ۱۹ برج و چهار دروازه داشت که عبارتند از: باب القاطول، باب الناصریه، باب الملطوش و باب بغداد. این بارو تا سال ۱۳۵۶ ه ق (۱۹۳۶ م) پابرجا بود.

بیشتر خانه‌های سامرا از آجر ساخته شده و باغهای عمومی و خصوصی فراوانی دارد. این شهر موزه‌ای دارد که حاوی آثار خطی وکتابهای فراوانی است. برحسب تقسیمات اداری وکشوری شهر سامرا مرکز شهرستان سامرا و بخشی از استان صلاح الدین عراق می‌باشد.

ص:۳۰۲

شهرستانهای استان صلاح الدین (سامرا):

استان صلاح الدین دارای هشت شهرستان است که عبارتند از: تکریت، الدور، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بالاخره شهرستان بیجی.

تاریخچه شهر سامرا

امپراتوری ایران در سال ۳۶۳ م (قبل از ظهور اسلام) پس از کشته شدن ژولیان امپراتور رم شرقی، موفق شد که این منطقه را از دست رومی‌ها خارج کرده و درآن دژی بسیار محکم به نام (سومیر) بنا کند. این شهر بعدها بعنوان پایتخت خلافت عباسی انتخاب شد و المعتصم بالله عباسی اولین خلیفه عباسی است که پایتخت خود را از بغداد به این شهر منتقل کرد و نقل است وقتیکه المعتصم بقصد یافتن محل مناسبی برای ساختن پایتخت به شمال بغداد سفر کرد، پس از پیمودن راهی طولانی عاقبت به دیری مسیحی رسید و سه روز درآن اقامت کرد و آب‌وهوای منطقه را مناسب دید، لذا دیر را بقیمت چهار هزار دینار از مسیحیان خرید و در سال ۲۲۱ ه ق نقشه شهر را کشید و شروع بساختن اماکن مختلف شهر نمود و پس از مدتی فرماندهان نظامی و لشکریان خود را به شهر منتقل کرد و به تدریج مردم از اطراف و اکناف بسوی شهر مذکور روانه شدند. این شهر درآغاز به نام (عسکر) و بعدها به نام (سرمن رأی) یا (سامرا) معروف گردید و از سال ۲۲۰ ه ق تا ۲۷۹ ه ق و در دوران خلافت شش خلیفه عباسی (معتصم، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهتدی و معتمد) بمدت ۵۸ سال پایتخت عباسی به شمار می‌رفت. (۱)

۱- طاهر مظفر الحمید، العماره العباسیه فی سامراء

ص:۳۰۳

در سال ۲۲۳ ه ق افشین فرمانده نظامی المعتصم، درحالیکه بابک خرمدین و برادرش را دستگیر کرده بود وارد شهر سامرا شد.

در سال ۲۴۵ ه ق متوکل عباسی شهر متوکلیه و مسجدجامع با مناره مارپیچ آن را که به (ملویه) معروف شد، بنا نمود و این شهر را بعنوان مقر خلافت خود اعلام کرد، مهاجرت مردم به این شهر که در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا بود باعث خالی شدن شهر سامرا از سکنه شد(۱).

در سال ۲۵۴ ه ق امام هادی (ع) به شهادت رسید و در سامرا مدفون شد.

در سال ۲۵۵ ه ق امام زمان در سامرا متولد شد

در سال ۲۶۰ ه ق امام حسن العسکری (ع) به شهادت رسید و درکنار مرقد پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد و به تدریج در اطراف این مرقد مطهر خانه‌ها و بازارها بنا گردید و شهر سامرا رونق گرفت و این رونق خود را حتی بعد از سقوط دولت عباسی بوسیله مغولها حفظ کرد.

در سال ۲۷۹ ه ق معتمد عباسی شش ماه قبل از وفاتش این شهر را بقصد انتقال مجدد پایتخت به شهر بغداد ترک کرد و از آن پس شهر بغداد دوباره بعنوان پایتخت خلفای عباسی انتخاب شد و این امر باعث از رونق افتادن شهر سامرا شد.

در سال ۳۳۳ ه ق امیر ناصرالدوله حمدانی که از امرای شیعه بود و خلیفه عباسی دست نشانده او به شمار می‌رفت اقدام به توسعه سامرا نمود و بارویی دورتادور شهر بنا کرد.

۱- یونس شیخ ابراهیم السامرائی، تاریخ مدینه سامرا المجلد الاول و الثانی

ص:۳۰۴

در سال ۴۴۵ ه ق یکی از فرماندهان به نام بساسیری علیه سلجوقی‌ها در این شهر قیام کرد.

در سال ۱۲۵۰ ه ق به همت و سرمایه یکی از پادشاهان هندوستان، جناب شیخ زین العابدین سلماسی اقدام به تعمیر باروی شهر نمود.

در سال ۱۲۵۸ ه ق به همت یکی دیگر از پادشاهان هند به نام أمجد علی‌شاه، سید ابراهیم قزوینی اقدام به تجدید بنای باروی شهر نمود.

در سال ۱۲۸۶ ه ق (

۹۶۸۱

م) والی عثمانی عراق (مدحت پاشا) شهر سامرا را بعنوان شهرستانی وابسته به بغداد اعلام کرد و اولین قائم مقام وی در این شهرستان شخصی به نام (علی بیک) بود.

در سال ۱۲۹۲ ه ق میرزای بزرگ محمد حسن شیرازی از شهر نجف به شهر سامرا مهاجرت کرد و مدت بیست و یک سال در این شهر زندگی کرد و عاقبت در سال ۱۳۱۲ ه ق در این شهر درگذشت. میرزای شیرازی اقدام به بازسازی بخشهای مختلف شهر نموده و مدرسه علمی بزرگی درآن بنا کرد و طلاب علوم دینی را به این شهر دعوت نمود.

در سال ۱۲۹۴ ه ق (۱۸۷۸ م) در دوران حکومت عثمانی اولین پل بر روی رودخانه فرات زده شد و باعث شد که این شهر با ساحل دیگر رودخانه مرتبط شود.

در سال ۱۲۹۶ ه ق (۱۸۷۹ م) گروهی از کردها به نام (هماوند) به شهر سامرا یورش برده وآن را تاراج کردند.

در سال ۱۲۹۹ ه ق (۱۸۸۱ م) اولین مدرسه ابتدایی در شهر سامرا بنا شد.

ص:۳۰۵

در سال ۱۳۱۸ ه ق میرزای شیرزای درحالیکه در شهر سامرا مستقر بودند فتوای معروف خود مبنی بر تحریم تنباکو را صادر کردند.

در سال ۱۳۳۵ ه ق (۱۹۱۷ م) انگلیسی‌ها در خلال جنگ جهانی اول شهر سامرا را تصرف کردند.

در سال ۱۳۳۵ ه ق (۱۹۱۷ م) تعـدادی از دزدان به بالای گنبد مطهر مرقد امامان معصوم (ع) رفته و ۲۵ آجر طلاکاری شده گنبد را بسرقت بردند.

در سال ۱۳۳۹ ه ق (۱۹۲۰ م) دامنه قیـام عراقیها علیه انگلیس (انقلاب سال ۱۹۲۰) به کربلا رسـید و با تلاش سید محمد صدر اهالی سامرا نیز در این انقلاب مردمی شرکت نمودند.

در سال ۱۳۴۳ ه ق (۱۹۲۴ م) شـهر سامرا دچار اپیـدمی وبا شـد و بر اثر میزان بالای ابتلا، تعـداد زیادی از اهالی شـهر تلف شدند و بسیاری نیز جهت گریز از بیماری شهر را ترک نمودند.

در سال ۱۳۵۹ ه ق (۱۹۴۱ م) اهالی شـهر مجـدداً برعلیه انگلیسـی‌ها قیام کردند و این واقعه در دوران حکومت رشـید عالی گیلانی اتفاق افتاد و هنگامی روی داد که استاندار بغداد اعلام کرد انگلیسی‌ها قصد تصرف ایستگاه راه‌آهن سامرا را دارند.

در سال ۱۳۷۵ ه ق (۱۹۵۵ م) دولت اقـدام بساختن خیابانی کرد که از دروازه (قاطول) آغاز می‌شـد و به در مرقـد مطهر امام حسـن عسـکری (ع) منتهی می گردیـد. دولـت همچنیـن اقـدام بـه بنـای ساختمـان شـهرداری، بیمارسـتان، مـدرسه، اداره برق و اداره پسـت وتلگراف در شهر نمود.

ص:۳۰۶

در سال ۱۹۵۲ م پروژه آبرسانی (ثرثار) افتتاح شد تا بتواند مزارع اطراف شهر را آبیاری نماید.

در سال ۱۹۷۶ م شهر سامرا که تا آن روز بعنوان مرکز شهرستان سامرا وابسته به استان بغداد بود، از این استان جدا شده و به استان صلاح الدین پیوست.

محله‌های شهر سامرا:

محله‌های شهر سامرا عبارتند از: محله العابد، محله البوجول، محله البو بدری، محله البو نیسان، محله الغربیه، محله القاطول، محله القلعه، محله الشرقیه.

خیابانهای شهر سامرا:

خیابانهای مهم سامرا عبارتند از: شارع الخلیج، شارع السریحه (معروف به شارع الاعظم)، شارع الحیر الاول، شارع أبی احمد بن الرشید، شارع برغمش الترکی.

مساجد شهر سامرا:

مساجد مهم سامرا عبارتند از: مسجد جامع (این مسجد را المعتصم خلیفه عباسی در سال ۲۲۱ ه ق بنا کرد)، مسجد القلعه، مسجد حسن پاشا، مسجد حمید حسون، مسجد سید درویش، مسجد البو رحمان، مسجد علی بن أبی طالب (ع)، مسجد حاج صالح رحمانی، مسجد الارقم، مسجد اولاد الحسن (ع)، مسجد فاروق. همچنین مسجد ابودلف و مناره مارپیچ آن (در فاصله پانزده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) از آثار باستانی مهم این شهر به شمار می‌رود.

ص:۳۰۷

آثار باستانی سامرا:

مناره مارپیچ (ملویه)، قصـر بلکورا (در سال ۲۴۷ ه ق بوسـیله المعتز عباسـی ساخته شد)، قصـر العاشق و المعشوق (در سال ۲۶۴ ه ق بوسـیله معتمـد عباسـی ساخته شـد)، قصـر المعتصم (یا جوسق خاقانی که بوسـیله المعتصم عباسـی ساخته شـد)، قصـر المختار، قصـر الوزیری، قصـر العروس، قصـر الجعفری، شـهر متوکلیه (در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) قصر الجص، گنبد صلیبیه، دار العامه، تپه الصوان و بالاخره باروی شهر سامرا.

مدارس دینی سامرا:

شامل مدرسه علمیه جعفریه و مدرسه علمیه اهل تسنن است.

کتابخانه‌های سامرا:

کتابخانه‌های عمومی و خصوصـی سامرا عبارتنـد از: کتابخانه محمـد بن عبدالملک زیات، کتابخانه فتح بن خاقان، کتابخانه عمومی عسـکریین، کتابخانه امام محمـد مهـدی (ع)، کتابخانه عمومی سامرا، کتابخانه ابن بطوطه، کتابخانه عمومی نسخ خطی عسـکری در مدرسه آیت الله شیرازی.

شخصیتهای مهم تاریخی سامرا:

در سامرا شخصـیتهای مهمی نظیرآیت الله سـید محمد حسن شیرازی (متوفی سال ۱۳۱۲ ه ق)، ابراهیم بن محمـد بن منصور سامری، ابراهیم بن ابی العباس سامری، احمد بن حسن بن حسان سامری، أحمد بن سـری بن سنان اطروش، محمد بن ادریس سامری، محمد بن حسن زید سامری، احمد محمد امین راوی، أیوب توفیق خطیب می‌زیستند.

ص:۳۰۸

اماکن زیارتی سامرا

۱. مرقد مطهر عسکریین:

مهمترین زیارتگاه شهر سامرا مرقد مطهر دو امام همام یعنی حضرت علی الهادی (ع) و فرزند برومندشان حسن العسکری (ع) می‌باشد که دارای حرم و بارگاهی مجلل با گنبدی طلایی است که از دور دستها قابل مشاهده است وکنار این گنبد طلایی گنبد دیگری قرار دارد که کاشیکاری شده است وآن محل مشهد صاحب الزمان (ع) و سرداب غیبت آن حضرت است و در زیرگنبد مذکور مسجد بزرگی قرار دارد.

در حرم مطهر عسکریین که بصورت شش گوشه ساخته شده است علاوه بر دو امام هادی (ع) و عسکری (ع) نرجس خاتون همسرگرامی امام حسن عسکری (ع) و والده مکرمه امام زمان (ع) و حکیمه خاتون دختر امام جواد (ع) و امامزاده حسین فرزند امام هادی (ع) و تعدادی دیگر از اهل بیت (ع) مدفون شده‌اند وگنبد طلایی در وسط صحن شریف قرارگرفته است. دو امام همام پس از شهادت در منزلشان به خاک سپرده شدند و تا سالها شیعیان برای زیارت به این خانه می‌آمدند، این خانه درکنارمسجدی بود که گویند محل نماز خواندن آن دو امام (ع) بود و وقتیکه در خانه مذکور بسته بود شیعیان در پشت پنجره خانه تجمع می‌کردند وآن حضرات را زیارت می‌کردند و سپس به مسجد مذکور می رفتند و نماز زیارت می‌خواندند و سالها این وضعیت ادامه داشت وگویند اولین کسی که بر سر قبور مطهر این امامان گنبدی ساخت، ناصر الدوله حمدانی بود که در سال ۳۳۳ ه ق گنبدی بر سر قبرآنان بنا نمود و این گنبد بارها تجدید بنا و ترمیم گردید تا

ص:۳۰۹

اینکه عـاقبت در قرن دوازدهم به همت حکمران خوی (احمـد دنبلی خوئی، متوفی سال ۱۲۰۰ ه ق) و با هزینه زیادی صـحن این دو امام (ع) بطوریکه امروز موجود است بنا شد و برای آن روضه، رواق، گنبدی عالی وگلدسـته ساخت، برای سـرداب مطهر نیز صحن جداگانه‌ای با ایوان و راه و پله‌ای جدا همچنین برای زنان دهلیز و سـردابی مستقل ساخت. در سال ۱۲۸۵ ه ق ناصرالدین شاه دستور داد تا گنبـد حرم مطهر را طلاکاری کننـد که این امر بر روی گنبد نیز نوشـته شده است. گنبد حرم مطهر عسـکریین بزرگترین گنبد اماکن مقـدس شـیعه است بطوریکه محیط آن ۶۸ مـتر و قطرآن ۲۲ متر و ۴۳ سانتی متر می‌باشـد و تعـداد آجرهای طلای آن بالغ بر هفتاد و دو هزار عدد آجر است. درکنار این گنبد دوگلدسـته طلایی قرار دارند که ارتفاع هرکدام ازآنها از سطح زمین ۳۶ متر و از سطح بام صـحن بالغ بر ۲۵ متر می‌باشـد. در زیرگنبـد حرم مطهر، ضـریح نقره‌ای زیبایی قرار دارد که ساخته هنرمندان اصـفهانی در دهه شـصت میلادی است. درون حرم و قسـمتهایی از رواقها بطرز زیبایی آیینه کاری شـده و از یادگارهای ملک فیصل اول پادشاه هاشـمی عراق است و بوسـیله ایوانی فراخ و سـقف‌دار به صـحنی که گرداگرد حرم را فراگرفته راه می‌یابد. داخل صـحن شریف ۴۵ ایـوان وجود دارد که ۱۶ ایوان سـمت غرب و ۹ ایوان سـمت جنوب و ۲۰ ایوان سـمت شـرق قرارگرفته‌اند و یکی از ویژگیهای این صحن آن است که فاقد حجره می‌باشد.

۲. مرقد مطهر نرجس خاتون:

نرجس خـاتون همسـر امـام حسن عسـکری (ع) و مادر مکرمه حضـرت مهـدی (ع) می‌باشـد و قبر مطهرآن بانوی بزرگوار در پشـت ضریح امام حسن عسکری (ع) قرارگرفته و پس از زیارت دو امام همام شایسته است که به زیارت این بانوی پرهیزگار رفت.

ص:۳۱۰

۳. مرقد حکیمه خاتون:

حضرت حکیمه دختر امام جواد (ع) و عمه امام حسن عسکری (ع) از زنان پرهیزگار دوران خویش بود وآن حضرت حرمت فراوانی نزد برادرش امام هادی (ع) و برادر زاده‌اش امام حسن عسکری (ع) داشت. وی شاهد تولد امام زمان بود و او را در قنداق پیچیده به نزد امام حسن عسکری (ع) آورد. قبر شریف این بانوی پرهیزگار پایین پا و چسبیده به ضریح عسکریین است و شیخ عباس قمی گوید برای این بانوی فاضله در کتب مزار زیارتنامه مخصوصی ذکر نشده است و سزاوار است که او را با همان زیارتنامه حضرت معصومه قم زیارت کنند. حکیمه خاتون در سال ۲۶۰ ه ق درگذشت.

۴. قبر مطهر حسین بن علی الهادی (ع):

وی سیدی جلیل القدر و عظیم الشأن بوده و در بعضی از روایات، از امام حسن عسکری (ع) و برادرش حسین بن علی به سبطین تعبیر شده است وآنان را به اجداد طاهرشان یعنی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) تشبیه کرده‌اند، همچنین در روایتی آمده است که صدای حضرت حجت شبیه صدای عمویشان حسین بوده است و سید احمد اردکانی یزدی در شجره الاولیاء گوید که حسین فرزند حضرت هادی (ع) از زاهدان و عابدان روزگار بود و به امامت برادر خود اعتراف داشت.

۵. سرداب غیبت:

مشهد صاحب الزمان و سرداب غیبت از زیارتگاه‌های مهم سامرا است و در حقیقت سرداب بخشی از خانه مسکونی حضرت عسکری (ع) بود که درآن به عبادت می‌پرداخت و پس از او محل سکونت امام زمان (ع) بوده است. این محل از دیر باز مورد توجه شیعه بوده است و از آنجا که عبادتگاه سه امام بوده، قداست و احترام ویژه‌ای دارد. گفتنی است که بوسیله پله‌هایی می‌توان به زیرزمین رسید. فضای اصلی وکهن زیرزمین عبارت است از

ص:۳۱۱

تالاری مربع‌مستطیل به ابعاد ۳* ۵ متر. در شرق این تالار فضایی است که پنجره‌ای از چوب دارد و محل عبادت امام (ع) بوده است. پنجره این نمازخانه یکی از ارزشمندترین قطعات باقیمانده از دوران عباسی‌ها است و دارای کتیبه‌ای کهن می‌باشد. این پنجره به دستور الناصر لدین الله عباسی (از خلفای علاقمند به اهل بیت (ع) بود) در سال ۶۰۶ ه ق ساخته شده است. در کاشیکاری درون این بقعه نام ناصر الدین شاه قاجار ثبت شده است که در سفر عتبات خود به زیارت این جایگاه تشرف یافته است. خادمان سرداب در این بقعه کوچک حفره‌ای تعبیه کرده‌اند و ازآن به زائران خاک می‌دهند که فاقد هرگونه توجیه و دلیل شرعی است. کاشیکاری‌های صحن و سردر ورودی‌ها از دوره قاجاریه می‌باشند.

۶. مرقد سید محمد (ع)

سید محمد فرزند بزرگوار امام علی النقی (ع) است که در سال ۲۵۲ ه ق درگذشت و مرقد ایشان در شهر بلد در جاده اصلی کاظمین سامرا و در فاصله هشت فرسنگی شهر سامرا قرار دارد. این امامزاده مورد احترام فراوان شیعیان عراق بوده وآنان را نسبت به وی اعتقادی عظیم است و معمولًا تمامی کسانیکه به زیارت امامان معصوم سامرا می‌روند، به زیارت این جناب نیز نائل می‌گردند. کرامات بسیاری از این بزرگوار نقل شده است و در بزرگواری ایشان همین بس که ایشان قابلیت و صلاحیت امامت را داشتند و فرزند بزرگ امام هادی (ع) بودند و در فوت او، حضرت امام حسن عسکری (ع) گریبان خود را چاک نمود و شیخ نوری اعتقاد عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش سعی نمود.

ص:۳۱۲

کتیبه‌ای بدین صورت بر ضریح شریفش نوشته شده است (هذا مرقد السید الجلیل ابی جعفر محمد بن الامام ابی الحسن علی الهادی (ع) عظیم الشأن جلیل القدر کانت الشیعه تزعم انه الامام بعد ابیه (ع) فلما توفی نص ابوه علی اخیه ابی محمد الزکی وقال له احدث الله شکراً فقد احدث فیک امراً خلفه ابوه فی المدینه طفلًا وقدم علیه فی سامرا مشتداً و نهض الی الرجوع الی الحجاز ولمّا بلغ بلد علی تسعه فراسخ مرض و توفی و مشهده هناک ولما توفی شق ابومحمد علیه ثوبه و قال فی جواب من عابه علیه قد شق موسی علی اخیه هارون وکانت وفاته فی حدود اثنین و خمسین بعد المأتین) یعنی این مرقد سید جلیل ابوجعفر محمد فرزند امام هادی است که فردی عظیم الشأن است و شیعیان را این گمان بود که او پس از امام هادی به امامت خواهد رسید و چون درگذشت امام هادی (ع) بر امامت حسن عسکری (ع) اشاره فرمود، هنگامیکه امام هادی (ع) از مدینه به سامرا می‌رفت سید محمد کودکی بیش نبود و بعدها چون به بلوغ رسید راهی سامرا شد و چندی در سامرا بود تا آنکه تصمیم گرفت به مدینه برگردد و چون نه فرسنگی از سامرا دور شد و به بلد رسید در همین جا بیمار شده و درگذشت و چون این خبر به امام حسن عسکری (ع) رسید از شدت اندوه گریبان خود را چاک کرد و چون براین کار او خرده گرفتند فرمود که حضرت موسی نیز در مرگ برادرش هارون گریبان خود را پاره کرد)

۷. قبر امامزاده محمد دری

از نوادگان امام کاظم (ع) (متوفی سال ۳۰۰ ه ق)

ص:۳۱۳

ص:۳۱۴

ص:۳۱۵

ص:۳۱۶

ص:۳۱۷

ص:۳۱۸

خلاصه درس فصل ششم:

شهر مقدس سامرا در ساحل شرقی رودخانه دجله و در فاصله ۱۱۸ کیلومتری شمال بغداد قرار دارد. این شهر روی طول جغرافیایی ۴۳ درجه و ۴۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۳۵ دقیقه واقع شده است. سامرا از شمال به تکریت و از جنوب به بغداد و از غرب به رمادی و از شمال‌غربی به موصل و از جنوب‌شرقی به یالی محدود می‌شود. در این شهر مرقد دو امام همام علی‌الهادی (ع) و حسن‌العسکری (ع) قراردارد. تولد و غیبت امام زمان (عج) در شهر سامرا بوده و محل غیبت آن حضرت (عج) زیارتگاه هزاران نفر از شیعیان دلسوخته می‌باشد. اکثر اهالی شهر از برادران اهل تسنن می‌باشند. در گذشته گرداگرد شهر را بارویی از آجر و گچ بشکل دایره‌ای و به قطر ۶۸۰ متر فرا گرفته بود که محیط آن به ۲ کیلومتر و ارتفاع آن به ۷ متر می‌رسید. این بارو ۱۹ برج و چهار دروازه داشت که عبارتند از: باب القاطول، باب الناصریه، باب الملطوش و باب بغداد. این بارو تا سال ۱۳۵۶ ه. ق (۱۹۳۶ م) پابرجا بود. بیشتر خانه‌های سامرا از آجر ساخته شده و باغهای عمومی و خصوصی فراوانی دارد. این شهر موزه‌ای دارد که حاوی آثار خطی و کتابهای فراوانی است. برحسب تقسیمات اداری و کشوری شهر سامرا مرکز شهرستان سامرا و بخشی از استان صلاح‌الدین عراق می‌باشد. شهرستانهای استان صلاح‌الدین (سامرا): استان صلاح‌الدین دارای هشت شهرستان است که عبارتند از: تکریت، الدور، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بلاخره شهرستان بیجی.

آثار باستانی سامرا: مناره مارپیچ (ملویه)، قصر بلکورا (در سال ۲۴۷ ه. ق بوسیله المعتز عباسی ساخته شد)، قصر العاشق و المعشوق (در سال ۲۶۴ ه. ق بوسیله معتمد عباسی ساخته شد)، قصر المعتصم (یا جوسق خاقانی که بوسیله المعتصم عباسی ساخته شد)، قصر المختار، قصر الوزیری، قصر العروس، قصر الجعفری، شهر متوکلیه (در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) قصر الجص، گنبد صلیبیه، دار العامه، تپه الصوان و بالاخر باروی شهر سامرا

ص:۳۱۹

ص:۳۲۰

فصل هفتم

اشاره

ص:۳۲۱

شهر حله

اشاره

شهر حله شهری قدیمی در میانه عراق و مرکز استان بابل می‌باشد این شهر بین راه بغداد به نجف و در فاصله هشتاد کیلومتری جنوب‌شرقی بغداد قرار دارد. این شهرکهن، یکی از مراکز مهم حوزه‌های علمی شیعه است و بسیاری از بزرگان شیعه مانند، علامه حلی و محقق حلی از این شهر برخاسته‌اند و امروزه استان بابل یکی از استانهای شیعه‌نشین مهم عراق است. در نزدیکی حله شهر باستانی (هاشمیه) قرار دارد که روزگاری پایتخت اولیه عباسی‌ها بود. در این شهر ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور دوانیقی خلافت کردند و منصور پس از ساختن بغداد پایتخت خود را به بغداد منتقل کرد. دهها نفر از سادات جلیل القدر بنی الحسن (ع) به دست این دو تن در این شهر به شهادت رسیدند. برخی ازآنها را از مدینه بدین شهرآورده، زندان نموده و سپس درگورهای دسته‌جمعی دفن کردند و یا در دیوارها و ستونها جای دادند و برآنها ساختمان بنا کردند.

اماکن زیارتی و تاریخی حله

۱. مرقد امامزاده حمزه:

این امامزاده به (حمزه الغربی) شهرت دارد، وی ابویُعلی حمزه بن القاسم بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس (ع) است. او از راویان حدیث و از علمای بزرگوار شیعه بوده وآرامگاهش در روستای (مزیدیه) در نزدیکی حله می‌باشد. بر قبر اوگنبد و ضریح و رواق و صحن بزرگی ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

ص:۳۲۲

۲. مرقد امامزاده قاسم:

فرزند بزرگوار امام موسی بن جعفر (ع) و برادر تنی امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) است. او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه (سورا) در اطراف حله مخفی گردید و پس از وفات درآرامگاه کنونی‌اش دفن شد. امروزه قبر او زیارتگاه مردم است و صحن و سرا و بارگاه باشکوهی دارد و میان مردم به استجابت دعا و نذر مشهور است.

این دو امامزاده بزرگوار و صحیح النسب، مشهورترین امامزادگان این منطقه هستند و شهرت این دو به گونه‌ای است که نام شهر مدفن آنان، از نام اصلی به نام این دوتن تغییر یافت و در میان مردم به شهر (حمزه و قاسم) مشهور شده است.

۳. مسجد رد الشمس:

درآغاز بزرگراه کربلاـ به حله بقعه‌ای است با گنبد مخروطی که بنابر روایات تاریخی، امیرالمؤمنین (ع) هنگام بازگشت از جنگ صفین در این بقعه نماز ظهر و عصر را پس ازآنکه خورشید به اراده پروردگار و خواست حضرت (ع) از وضعیت غروب به ظهر بازگشت، بجای آورد. این واقعه پیشینه تاریخی کهنی دارد و تمامی مورخان و محدثان درباره آن سخن گفته و آن را یکی از معجزات حضرت علی (ع) شمرده‌اند(۱).

۴. تپه حراقه:

جایگاه و تپه‌ای است که حضرت ابراهیم (ع) را در زمان نمرود بر منجنیق نهادند و به آتش افکندند. امروزه فضای باز روبروی تپه به گونه‌ای است که گویی آثار برافروختن آتشی

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به الکافی ج ۴ ص ۵۶۱، وسائل الشیعه، ج ۵ ص ۱۸۰

ص:۳۲۳

عظیم بر روی زمین نمایان است. این جایگاه در دهکده‌ای به نام (برس) در شمال حله واقع است.

۵. آرامگاه ابراهیم احمر العینین:

وی ابراهیم بن عبدالله المحض بن الحسن المثنی فرزند امام حسن مجتبی (ع) است. او عالم، عابد، زاهد و شجاع بود و در سال ۱۴۵ ه ق علیه ابوجعفر منصور قیام کرد و پس از جنگ و خونریزی به دست لشکریان منصور به شهادت رسید و سر او را بریدند و به هاشمیه پایتخت منصور بردند. امروزه در محل دفن سر او در هاشمیه، در نزدیکی رودخانه (الجربوعیه) آرامگاهی ساخته‌اند.

۶. آرامگاه ابو دمیعه:

او محمد بن علی بن الحسین فرزند زید بن علی بن الحسین (ع) است که آرامگاهش در (محله الطاق) است. وی امامزاده‌ای والامقام است و در سال ۱۴۰ ه ق درگذشت، قبر او از زیارتگاه‌های مشهور شهر حله است.

۷. آرامگاه حسن الاسمر:

ابومحمد حسن الاسمر از نوادگان زید شهید است و آرامگاهش در روستای (زبید) در حومه حله قرار دارد.

۸. آرامگاه محمد الادرع:

ابوجعفر محمد الادرع از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) است و آرامگاهش در روستایی در جنوب حله واقع است.

ص:۳۲۴

۹. آرامگاه اسماء بنت عمیس:

اسماء بنت عمیس از زنان پیشتاز در اسلام است که بهمراه شوهرش جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کرد و پس از شهادت جعفر به همسری ابوبکر درآمد و محمد بن ابی بکر را برایش بدنیا آورد و پس از مرگ ابوبکر و شهادت حضرت فاطمه (س) به همسری امیرالمؤمنین علی (ع) درآمد و برایش یحیی را بدنیا آورد. آرامگاهی در حومه شهر هاشمیه به او نسبت داده می‌شود و در نزدیکی این آرامگاه قبر فرزندش یحیی قرار دارد.

۱۰. آرامگاه اسماعیل طباطبا:

او نواده حسن مثنی فرزند امام حسن (ع) است وآرامگاهش در هاشمیه است.

۱۱. مرقد حضرت ایوب:

این پیامبر عظیم الشأن یکی از انبیای بنی اسرائیل است که خداوند به منظورآزمایش، وی را به انواع بلایای دنیوی مبتلا ساخت وآن حضرت در تمامی آن بلایا صابر و شکیبا بود. وی در سرزمین عراق وفات یافت وآرامگاهش در چهار فرسنگی جنوب شهر حله، به سمت کوفه، در منطقه‌ای به نام (الرازنجیه) قرار دارد.

۱۲. مرقد بکر بن علی:

این مرقد در اطراف حله و در سمت راست جاده شهر (کفل) به حله و نزدیک جاده اصلی کوفه به حله، در فاصله شش کیلومتری حله واقع شده است. مرقد دارای گنبدی کوچک و بنای آن به اواخر دوران عثمانی‌ها در عراق باز می گردد. مرقد در سال ۱۳۸۷ ه ق تجدید بنا شده و روی آن گنبد بزرگتری از آجر ساختند که ارتفاع آن به ۹ متر می‌رسد. مساحت حرم زیرگنبد ۲۵ متر مربع است و روی قبر مطهرش ضریحی ازآهن قرار دارد و بر قبر

ص:۳۲۵

وی لوحی با این متن وجود دارد: (این قبر بکر بن أبی طالب است که مادرش لیلی دختر مسعود بن خالد تمیمی است)

در بررسیهای بعمل آمده در خصوص این اسم، متأسفانه هیچگونه اثری ازآن یافت نشده است و برخی از محققین معتقدند که منظور از بکر همان ابوبکر بن علی بن أبی طالب است که در مورد اسم او اختلاف نظر است، برخی او را عبدالله و برخی عبید الله و برخی محمد می‌دانند و همچنین درباره نام مادرش برخی معتقدند که مادرش لیلی دختر مسعود بن خالد دارمی است و برخی می گویند که مادرش (أم ولد) است. بهرحال بررسی عمیق در این خصوص را باید به صاحبنظران مربوطه محول نمود.

حرم مرقد در سال ۱۴۱۲ ه ق تجدید بنا شد و تعدادی از رواقها به آن افزوده شد و در سال ۱۴۱۶ ه ق نیز ایوانی به حرم اضافه شد.

ضریح در سمت شمالی حرم واقع شده و از آهن آبکاری شده با آلومنیوم ساخته شده و مساحت آن ۱/ ۵* ۲ متر و بلندی آن ۲/ ۵ متر است. بخش جلویی ضریح از سه پنجره تشکیل شده که روی آن سوره حمد نقش بسته است. دیوار اطراف ضریح دیوارآجری سیمانی بوده و روی آن نام ائمه اطهار نقش بسته است.

حرم دارای سه رواق است که در سال ۱۴۱۲ ه ق ساخته شده‌اند، دو رواق آن متعلق به زنان و یک رواق متعلق به مردان است. رواق مردان در سمت راست حرم قرار دارد و محرابی نیز درآن تعبیه شده است و دو رواق سمت چپ و شمال حرم متعلق به زنان می‌باشد.

مرقد ایوانی دارد که مساحت آن از رواقها کوچکتر است و بوسیله دری چوبی به طول دو متر و عرض دو و نیم متر از حرم جدا می گردد که روی در مذکورآیه (بسم الله الرحمن الرحیم ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل أحیاء عند ربهم یرزقون) نقش بسته و

ص:۳۲۶

زیرآن نوشته شده است: (السلام علیك یا من فدی لأخیه الحسین بنفسه. السلام علیك أیها الشهید أبوبكر بن علی بن أبی طالب). مرقد دارای صحنی به طول ۶۰ و عرض ۴۰ متر است و باتوجه به این امر بایـد مساحت كل مرقد ۲۴۰ متر مربع باشد. صحن دو اتاق دارد كه یكی متعلق به خدام مرقد و دیگری بعنوان انبار مورد استفاده قرار می گیرد. بخشی ازكف صحن موزاییك و بخش دیگرآن سیمانی است.

۱۳. قبر ابوالعباس سفاح:

ابوالعباس سفاح اولین خلیفه عباسی است. او در سال ۱۳۶ ه ق درگذشت وگور او درون مخروبه‌ای در شهر قاسم است.

۱۴. آرامگاه عبدالله المحض:

او نوه امام حسن (ع) است كه در سال ۱۴۵ ه ق زنده بگورگردید وآرامگاهش در هاشمیه است.

۱۵. آرامگاه عبدالله بن زید:

او برادر یحیی بن زید شهید است. مدفنش در ۱۷ كیلومتری شهركفل و در حومه هاشمیه است.

۱۶. آرامگاه عمران بن علی (ع):

عمران بن علی بن ابی طـالب (ع) یكی از فرزنـدان حضـرت علی (ع) است كه بنـا به نقـل مورخـان در جنگ نهروان مجروح شـد و هنگام انتقال به كوفه در نزدیكی حله شهید شده، و در همانجا دفن گردید. آرامگاهش در یك كیلومتری شمال حله واقع است.

۱۷. آرامگاه عون بن علی:

از امامزاده‌های مدفون در حومه شهر هاشمیه است.

ص:۳۲۷

۱۸. آرامگاه قاسم بن موسی الکاظم (ع):

آرامگاهش در جنوب شهر حله واقع است.

۱۹. آرامگاه محمد الدیباج:

محمد دیباج و چهارتن دیگر از سادات بنی الحسن (ع) در بقعه‌ای در هاشمیه مدفونند.

۲۰. آرامگاه ابن ادریس حلی:

ابن ادریس حلی از بزرگـان فقهـای امـامیه است و از وی کتاب مشـهوری به نام (السـرائر) بر جای مانـده است که خود نیز بـدین نام شهرت یافته و به (صاحب السرائر) معروف شد. ابن ادریس در سال ۵۹۸ ه ق درگذشت وآرامگاه باشکوهش اینک درون شهر حله واقع است.

۲۱. آرامگاه ابن حماد واسطی:

ابن حماد از بزرگان فقهای امامیه است که قبرش در (محله الجامعیین) حله می‌باشد.

۲۲. آرامگاه ابن سعید حلی:

شیخ نجیب الدین یحی بن احمد حلی یکی از فقهای نامدار شـیعه است و نویسـنده کتاب (جامع الشـرائع) است. او در سال ۶۸۹ ه ق در حله درگـذشت و در خانه خود مـدفون شـد. آرامگاه وی امروزه در (محله الطاق) شـهر حله قرار دارد و بر قبرش گنبد و سـرایی ساخته‌اند. در پیرامون قبر او، آرامگاه گروهی از بزرگان شیعه نیز قرار دارد.

۲۱. آرامگاه محقق حلی:

محقـق حلی یکی از علمـای بزرگ امـامیه و نویســنده کتـاب (شـرائع الاســلام) اسـت. او در سـال ۶۷۶ ه ق در حلـه درگذشـت وآرامگاهش درحله مشهور است.

ص:۳۲۸

شهر بصره

اشاره

شهر بصره نخستین شهر اسلامی ساخته شده در عراق است که در سال ۱۴ ه ق تأسیس شد و زمان ساختن آن شش ماه قبل از تأسیس کوفه بوده است. این شهر در آغاز محل استقرار لشکریان اسلام بود وگویند که این شهر بر بقایای پادگان ایرانیان، در منطقه‌ای به نام (الخربیه) ساخته شده است و درکنارآن بقایای شهرکهن (طریدون) قرار دارد و ظاهراً یکی از شهرهای تمدن بابل و یا آشور بوده است. شهر بصره نقش مهمی در تاریخ و علوم اسلامی ایفا کرده و مرکز یکی از مدارس مهم فقه وکلام و زبان عربی به شمار می‌رفته است.

اماکن دیدنی بصره

۱. مسجد جامع بصره:

این مسجد به مسجد امام علی (ع) نیز شهرت دارد و نخستین مسجد ساخته شده در عراق است. حضرت علی (ع) پس از واقعه جمل در این مسجد نماز گزارد و درباره آن پیشگویی نمود که سیل عظیمی این مسجد را غرق خواهد کرد که صدها سال بعد این سیل بوقوع پیوست و این حادثه جزو غیبگویی‌های آن حضرت شمرده شد. امروزه از این مسجد تنها قسمتی از گلدسته و باروی آن باقی مانده است.

۲. آرامگاه زید بن صوحان:

او از یاران با وفای امیرالمؤمنین (ع) بود که در سال ۳۶ ه ق در جنگ جمل به شهادت رسید وآرامگاهش در (کوت الزین) بصره قرار دارد.

ص:۳۲۹

۳. قبر حسن بصری:

او از تابعین و مشایـخ معروف صوفیه است که سال ۲۱ ه ق در مـدینه بدنیا آمد و سال ۱۱۰ ه ق در بصـره درگذشت و بر قبر او بنای کهنی از قرن هفتم با گنبدی مخروطی قرار دارد.

۴. آرامگاه ملاصدرا:

صدر الدین شـیرازی یکی از علمای برجسـته شـیعه و از فلاسـفه معروف است که در حین سفر حج درگذشت و در یکی از اتاقهای پیرامون قبر حسن بصری به خاک سپرده شد.

۵. قبر زبیر بن عوام:

زبیر بن عوام عمه زاده پیـامبر (ع) و یکی از رهبران جنـگ جمـل بود که بهمراهی طلحه غـائله جمـل را برپا کرد، اما در میانه جنگ پشـیمان شد و هنگام فرار از میدان جنگ به دست مردی به نام (ابن جرموز) بقتل رسـید. حکومت عثمانی برای گور او که در بیابان بود ساختمانی ساخت که امروزه اطراف آن شهری به نام (الزبیر) ساخته شده است و این شهر تا بصره ۳۰ کیلومتر فاصله دارد.

ص:۳۳۰

خلاصه درس فصل هفتم:

شهر حله شـهری قـدیمی در میـانه عراق و مرکز اسـتان بابل می‌باشـد این شـهر بین راه بغـداد به نجف و در فاصـله هشـتاد کیلومتری جنوب شـرقی بغداد قرار دارد. این شـر کهن، یکی از مراکز مهم حوزه‌های علمی شیعه است و بسیاری از بزرگان شیعه مانند، علامه حلی و محقق حلی از این شـهر برخاسـته‌اند و امروزه اسـتان بابل یکی از اسـتان‌های شیعه‌نشین مهم عراق است. در نزدیکی حله شهر باسـتانی (هاشـمیه) قرار دارد که روزگـاری پـایتخت اولیه عباسـی‌ها بـود. در این شـهر ابوالعبـاس سـفاح و ابـوجعفر منصور دوانیقی خلافت کردنـد و منصور پس از ساختن بغـداد پایتخت خود را به بغداد منتقل کرد. دهها نفر از سادات جلیل‌القدر بنی‌الحسن (ع) به دست این دو تن در این شـهر به شـهادت رسـیدند. برخی از آنها را از مـدینه بـدین شـهر آورده، زندان نموده و سـپس در گورهای دسته‌جمعی دفن کردند و یا در دیوارها و ستون‌ها جای دادند و بر آنها ساختمان بنا کردند.

اماکن زیارتی و تاریخی حله:

۱ مرقـد امـامزاده حمزه: این امـامزاده به (حمزه الغربی) شـهرت دارد، وی ابـو یُعلی حمزه بن القـاسم بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس (ع) است. او از راویان حدیث و از علمای بزرگوار شـیعه بوده و آرامگاهش در روسـتای (مزیدیه) در نزدیکی حله می‌باشد. بر قبر او گنبد، ضریح، رواق، و صحن بزرگی ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

ص:۳۳۱

ص:۳۳۲

۲ مرقد امامزاده قاسم: فرزند بزرگوار امام موسی‌بن جعفر و برادر تنی امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) است. او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه (سورا) در اطراف حله مخفی گردید و پس از وفات در آرامگاه کنونی‌اش دفن شد. امروزه قبر او زیارتگاه مردم است و صحن و سرا و بارگاه باشکوهی دارد و در میان مردم به استجابت دعا و نذر مشهور است. این دو امامزاده بزرگوار و صحیح النسب، مشهورترین امامزادگان این منطقه هستند و شهرت این‌دو به‌گونه‌ای است که نام شهر مدفن آنان، از نام اصلی به نام این دو تن تغییر یافت و در میان مردم به شهر (حمزه و قاسم) مشهور شده است.

سایر اماکن زیارتی عبارتند از: مسجد ردالشمس، تپه حراقه، آرامگاه ابودمیعه، آرامگاه حسن الاسمر، آرامگاه اسماء بنت عمیس، محمد الادرع، آرامگاه اسماعیل طباطبا، مرقد ایوب نبی و غیره.

ص:۳۳۳

ص:۳۳۴

فصل هشتم دیگر اماکن زیارتی و سیاحتی عراق

اشاره

ص:۳۳۵

دیگر اماکن زیارتی در عراق

۱. مرقد سلمان فارسی

مرقد سلمان فارسی یا (سلمان پاک) در شهر مدائن فعلی است و بنا بگفته شیخ عباس قمی از تکالیف زوار در کاظمین رفتن به مدائن به منظور زیارت عبد صالح الهی جناب سلمان فارسی می باشد که اول ارکان اربعه شیعه به شمار می‌رود و رسول اکرم (ص) او را از اهل بیت (ع) خود شمرده است.

پس از رحلت رسول اکرم (ص)، سلمان به عنوان فرماندار مدائن برگزیده شد و پس از کسب اجازه از امیرمؤمنان علی (ع) بدین منطقه رهسپار شد و تا آخر عمر در شهر مدائن زیسته و در همان جا فوت کرده و به خاک سپرده شد.

۲. مرقد حذیفه یمانی

حذیفه یمانی از بزرگان اصحاب رسول خدا (ص) و از یاران خاص امیرالمؤمنین (ع) است که مرقد وی نیز در مدائن می‌باشد. حذیفه از جانب خلیفه دوم سالها والی مدائن بود، سپس او را عزل کرد و جناب سلمان والی آنجا شد و چون سلمان وفات کرد، حذیفه مجدداً والی آنجا شد تا آنکه خلافت به امیرالمؤمنین (ع) رسید وآن حضرت او را برحکمرانی مدائن ابقا فرمود و هنگامیکه حضرت علی (ع) برای جنگ جمل از مدینه راهی بصره گردید، حذیفه وفات یافت و در همان شهر مدائن به خاک سپرده شد.

۳. مرقد ابراهیم اشتر

ابراهیم بن مالک اشتر نخعی در ماه جمادی الثانی سال ۷۱ هجری قمری در جنگ با لشکریان بنی امیه به فرماندهی (محمد بن مروان) به شهادت رسید و درمنطقه‌ای به نام

ص:۳۳۶

مسکن در نزدیکی رودخانه دجیل در فاصله یکصد کیلومتری شمال غربی بغداد به خاک سپرده شد.

ابراهیم اشتر همانند پدرش مالک اشتر سوارکاری دلاور و یکی از پیروان مخلص و وفادار اهل بیت بود. هنگامیکه مختار ثقفی در سال ۶۶ ه ق به خون خواهی امام حسین (ع) درکوفه قیام کرد. ابراهیم اشتر به او پیوسته و با او بیعت نمود و هنگامیکه لشکر بنی امیه به فرماندهی (عبید الله بن زیاد) برای سرکوب قیام مختار به عراق گسیل شد ابراهیم اشتر نیز در رأس لشکری برای مقابله با آنان برخاست و دو لشکر در منطقه‌ای بین اربیل و موصل به نام (خازر) بهم رسیدند و جنگ سختی بین آنان در گرفت و ابراهیم اشتر توانست در این جنگ تعدادی از فرماندهان برجسته بنی امیه رابه قتل برساند که مهمترین آنها عبارت بودند از: عبید الله بن زیاد، حصین بن نمیر، شرحبیل بن ذی الکلاع، ابن حوشب، غالب باهلی.

در هنگام کشته شدن مختار در سال ۶۷ هجری قمری بوسیله مصعب بن زبیر، ابراهیم اشتر حاکم موصل و جزیره بود و مصعب نیز او را بر پست خود باقی گذاشت تا بتواند جلوی حمله امویان را بگیرد.

عبدالملک بن مروان در طی نامه‌ای به ابراهیم اشتر از او خواست که به بنی امیه بپیوندد تا وی را به حکومت عراق برگزیند اما اشتر این پیشنهاد را رد کرد و درنتیجه عبد الملک لشکری را به فرماندهی (محمد بن مروان) به مقابله با او فرستاد و جنگ سختی بین آنها در منطقه مسکن در گرفت و ابراهیم اشتر در این جنگ به شهادت رسید و بنا به نقل مسعودی درکتاب مروج الذهب پس از شهادت ابراهیم اشتر سرش را بریده، به نزد عبدالملک فرستادند و جسد او را آتش زدند.

ص:۳۳۷

مرقـد کنونی ابراهیم اشتر ظـاهراً همان مکانی است که جسـد مطهرش را آتش زدنـد و این مرقـد امروزه در صـحرای مابین بغـداد و سامرا روی زمین مرتفعی بصورت ساختمانی مربعی شـکل با گنبدی فیروزه‌ای قرارگرفته است و مردم این مرقد را به نام مرقد (شـیخ ابراهیم) می‌نامند.

مرقد ابراهیم اشتر امروزه در شهرسـتان فارس اسـتان صـلاح الدین و در فاصـله ۴۵ کیلومتری کاظمین واقع شـده است. این مرقـد در خیابانی خاکی، منشـعب از جاده اصـلی سامرا کاظمین و درکنار پل اسـحاقی قرار دارد. گنبـد مرقـد از بیرون با کاشـیهای فیروزه فام پوشانـده شـده و از درون بـا کاشـیکاری وکاشی‌نوشـته‌هایی از آیات قرآن تزیین شـده است. در پایین گنبـد دوازده پنجره قرار دارد وگنبد روی شـش ستون هفت متری بنا شده که تا ارتفاع دو متری با مرمر پوشانده شده‌اند. ضریح مرقد از جنس برنز زرد بوده و قبلًا درحرم امامزاده سـید محمد فرزند امام هادی قرار داشت که درسال ۱۳۸۵ ه ق به این مکان منتقل شده است ابعاد ضـریح ۳* ۴/ ۲۵ متر و ارتفـاع آن ۲/ ۵ مترمی‌باشـد. گرداگرد ضـریح را حرمی مربعی شـکل به ابعاد هیجـده متر و با چهار در بزرگ آهنی فراگرفته است. صـحن خـاکی بـوده و اطراف آن را دیواری مسـتطیلی شـکل به طول ۱۰۰ مـتر و عرض ۸۰ متر احـاطه کرده که از بلوکهـای سیمانی ساخته شـده است. مرقـد دارای برق و وسایل خنک کننده می‌باشد و تعداد خادمان آن سـیزده نفر است که بصورت شـیفتی خدمت می کنند.

ص:۳۳۸

۴. مرقد دو طفلان مسلم بن عقیل

این مرقد در فاصله سه کیلومتری شرق (مسیب) (۱) قرار دارد. و علی رغم آنکه روایت شیخ صدوق تنها روایتی است که قصه شهادت آنان را به تفصیل نقل کرده است اما برخی از علمای شیعه در صحت انتساب آن به فرزندان مسلم تردید داشته‌اند با این وجود بسیاری معتقدند که این محل مرقد طفلان مسلم بن عقیل است که محمد اصغر و ابراهیم نامیده می‌شدند و در حادثه کربلا موفق شدند که از معرکه جان سالم به در برده و پس از مدتی راهپیمائی راه را گم کرده و توسط دشمنان اسیر شده و به زندان می‌افتند اما زندانبان آنان را فراری داده وآن دو به خانه زنی از شیعیان پناهنده می‌شوند اما حارث بن عروه طائی که از سرکردگان عبید الله بن زیاد بود آنان را دستگیر نموده و درکنار شط فرات در سال ۶۲ ه ق به شهادت می‌رساند و نیز در همین روایت آمده است که محمد اصغر در سال ۵۲ ه ق و ابراهیم در سال ۵۳ ه ق بدنیا آمده بودند.

بنابر روایات موجود ظاهراً مرقد فعلی محل شهادت آنان بوده است و قاتل پس ازکشتن این دو طفل و جدا کردن سر آنها و ارسال سرها برای ابن زیاد جسد مطهرشان را در رودخانه فرات انداخت. اجساد بنا به روایتی توسط مردم از آب گرفته شده و در همان جا مدفون شدند و برخی نیز معتقدند که این محل زندان آن دو بوده است.

۱- مسیب نام شهری در ساحل رودخانه فرات است که در حدود ۴۲ کیلومتر از« حله» فاصله دارد، این شهر بر روی زمینهای:« مسیب بن نجبه فزاری» بنا گردید، شخص مذکور یکی از رهبران جماعت توابین بود که بعد از شهادت امام حسین(ع) به خونخواهی او برخواستند، وی نیز در نبرد« عین الورده» در سال ۶۵ ه. ق به شهادت رسید.

ص:۳۳۹

دربندی درکتاب خود (اسرار الشهاده) می گوید: (قبر آن دو در مکانی مشهور در نزدیکی شهر مسیب است، هرچند که ما تا کنون حتی یک روایت در مورد تعیین محل دقیق دفن آنها نیافته‌ایم اما اجماع علمای شیعه بر این است که آنها در این مکان به شهادت رسیده، دفن شده‌اند. به تواتر نقل شده که فضلا و علمای شیعه بقصد زیارت آنها به این مرقد مطهر مشرف می‌شده‌اند. (۱)

حرزالدین درکتاب خود مراقد المعارف در این باره می گوید: (قرنها می گذرد و این محل در طی قرون گذشته بعنوان مرقد طفلان مسلم مطرح بوده است و بجز گروه بسیار اندک، هیچکدام از مشاهیر بزرگ و علمای امامیه بدین امر معترض نشده‌اند. در دوران ما نیز بسیاری از علمای محقق و پژوهشگر شیعه به زیارت آن مرقد مشرف شده‌اند. تمام شیعیان ساکن در عراق این مرقد را متعلق به طفلان مسلم بن عقیل می‌دانند، همچنین شیعیان ایران و تمامی زائران عتبات عالیات نیز به این امر معتقد می‌باشند و به زیارت مرقد رفته و برای آن هدایا و نذوراتی برده‌اند و این امور خود بهترین دلیل در صحت انتساب آن به فرزندان مسلم بن عقیل است) (۲).

بنابر شواهد مذکور اولین بنایی که در این محل ساخته شده بوسیله سلطان اسماعیل صفوی و در حدود سالهای ۹۲۰ تا ۹۳۰ ه ق بود که شامل دو گنبد و یک حرم کوچک بوده است

۱- اسرار الشهاده تالیف آغا بن عابد دربندی، ص ۲۴۲

۲- اسرار الشهاده تالیف آغا بن عابد دربندی، ص ۲۴۲

ص:۳۴۰

. براساس اظهارات شیخ علی قسام نماینده آقای حکیم درشهر (مسیب) بنای فعلی مرقد توسط حاج محمد حسین صدر وزیر سلطان فتحعلی قاجار در سال ۱۲۲۰ ه ق (۱۸۰۵ م) احداث شد. وی علاوه بر حرم صحن بزرگی برای مرقد ساخت که از وسط به دو بخش تقسیم شده بود، قسمت اول مخصوص استراحت زائران و قسمت بعدی مخصوص نگهداری چهارپایان آنان بود. در سال ۱۳۵۵ ه ق گروهی از تجار ایرانی بخش مخصوص چهارپایان را پس از ویران کردن به صحن مرقد افزودند و درآن اتاقهایی برای استراحت زوار ساختند. در سال ۱۳۷۶ ه ق نیز دولت عراق مبلغی را برای نوسازی صحن اختصاص داد که با آن بخش غربی صحن ساخته شد. در سال ۱۳۸۱ ه ق تجار فوق الذکر ایرانی مرقد را به آب لوله کشی تجهیز نمودند و برخی دیگر از مؤمنین در سال ۱۳۸۴ ه ق هزینه برق‌رسانی آن را تأمین کردند. در سال ۱۳۹۴ ه ق مرقد تجدید بنا شد و با نقوش و خطوط زیبای اسلامی مزین گردید. مقبره کنار مرقد نیز به پارکینگ ماشین تبدیل شد تا زائران از آن استفاده کنند.

در داخل حرم دو ضریح قرار دارند که ضریح شرقی متعلق به ابراهیم بن مسلم بن عقیل و ضریح غربی متعلق به برادرش محمد بن مسلم بن عقیل است و فاصله بین دو ضریح شش متر است و هرکدام از آنها ۳ متر طول، ۲ متر عرض و ۲/ ۲۵ متر ارتفاع دارند و در تاریخ ۱۳۰۱ ه ق از برنز زرد ساخته شده‌اند و ضریحی چوبی داخل هرکدامشان قرار دارد که توسط اداره اوقاف استان بابل عراق در سال ۱۳۹۵ ه ق (۱۹۷۵ م) نصب گردیده است.

ص:۳۴۱

بر بالای دو ضریح دو گنبد بزرگ قرارگرفته که با کاشیکاریهای فیروزه‌ای رنگ وکتیبه‌ای از آیات قرآنی تزیین شده‌اند و در پایین آیات قرآنی هر گنبد پانزده پنجره کوچک وجود دارد که نور از آنها به داخل حرم می‌تابد.

طول حرم ۲۴ متر و عرض آن از سمت جنوب به شمال بیش از ۱۲ متر است و در حرم شمعدان کوچکی وجود دارد که بر روی آن به زبان فارسی متن زیر کنده کاری شده است: (وقف مرقد مطهر طفلان جناب مسلم (ع) نمود نواب علیّه عالیه شمس الدوله حرم محترم پادشاه به تاریخ شهر صفر سنه ۱۲۸۷ ه ق). (۱)

۱- هنگامیکه حاج علی بن حسین هلال(متوفی، ۱۳۵۲ ه. ق) قبر دو طفلان مسلم را بازسازی می کرد به دو سنگ قبر برخورد که نوشته بود محمد بن مسلم و ابراهیم بن مسلم(ویراستار به نقل قول از ره توشه عتبات عالیات ص ۳۲۱)

ص:۳۴۲

آثار باستانی مهم عراق

اشاره

عراق پیشینه تاریخی بسیار کهنی دارد و این امر باعث شده است که آثار باستانی فراوانی را در خود جای دهد که از آنجمله می‌توان به شهرهای باستانی بابل، اورک، اریدو، نینوی و غیره اشاره کرد. ما در این فصل بصورت مختصر برخی از مهمترین این آثار را معرفی می‌کنیم.

۱. مسجد جامع سامرا (المتوکل):

این مسجد درکنار رودخانه دجله و در شمال غربی بغداد قرار دارد. مسجد مستطیلی شکل بوده و مساحت کلی آن بالغ بر ۳۸۰۰۰ متر مربع می‌باشد، یعنی در حدود چهار هکتار است که نیمی از آن با سقفی چوبین متکی بر ۴۶۴ ستون پوشیده می‌شده است. امروزه همه آن به اضافه موزاییک کاریهای سطح دیوارها کلًا از بین رفته است و فقط مناره مشهور این مسجد که به نام ملویه بوده و با پلکانی مارپیچی به قسمت مسطح نوک منتهی می‌شود، پابرجاست.

این مسجد در فاصله سالهای ۸۴۸ و ۸۵۲ میلادی ساخته شده و امروزه بصورت مخروبه درآمده است. در ضلع شمالی مسجد مناره تک و بزرگی ساخته شده است که آوای مؤذن از فراز آن مؤمنان را به نماز فرا می‌خواند. با آنکه شکل این مناره یادآور زیگوراتهای باستانی بین النهرین است، سازنده‌اش طرح آن را احتمالًا نه از زیگوراتهای یاد شده بلکه ازگونه‌ای برج حلزونی در ایران ساسانی که هدف از آن تاکنون برکسی روشن نشده، الهام گرفته است. برخی تصور دارند که متوکل خلیفه عباسی پس از نوشیدن شراب با اسب از این مناره بالا ـ می‌رفت، هرچند که پهنای پله‌های این مناره امکان انجام چنین کاری را می‌دهد، اما به هرحال از صحت انتساب چنین اسطوره‌ای به متوکل اطلاع چندانی در دست نیست.

ص:۳۴۳

منـاره مـذکور بیرون مسـجد در فاصـله بیست و هفت مـتری شـمال آن قرارگرفته و بر خـط محوری محراب مسـجد واقع است. بـدنه حلزونی مناره بر روی قاعده‌ای دو طبقه و مربعی شـکل قرارگرفته که اضـلاع طبقه پایین آن ۳۱/ ۸ متر و اضلاع طبقه بالایی آن ۳۰/ ۵ متر می‌باشد، ارتفاع این قاعده تزیین شده از سطح زمین ۴/ ۲ متر است. این گلدسته بدنه استوانه‌ای شکلی دارد که پلکانی مارپیچ و مخالف جهت عقربه‌های ساعت گرداگرد آن را گرفته و به بالاترین قسـمت مناره ختم می‌شود. قطر انتهای این مناره مارپیچ ۳ متر و ارتفاع آن از سـطح زمین ۵۰ متر است. بنا به روایت مورخان متوکل مبلغ پنـج میلیون دینار عباسـی برای ساختن این مسـجد هزینه کرده است.

۲. قصر اخیضر:

کاخ اُخیضـر یکی از نخستین کاخهای سالم مانده مسلمانان در عراق است که در نیمه دوم سده هشتم میلادی ساخته شده است. این کـاخ که احتمالًا بزرگترین کاخ اسـلامی است، در جنوب کربلا و در فاصـله ۴۸ کیلومتری آن قرار دارد، و در قرن گذشـته سـالم از زیر خاک بیرون آورده شـد. دیوارهای بلند و برج دار آن از بیرون بیشتر به دیوارهای مسـجد بزرگ سامرا شـباهت دارد. این تشابه، بازتابی از انعطاف پـذیری مختص نخستین بناهای بزرگ اسـلامی است، زیرا با تغییراتی نسـبتاً جزئی می‌شد آنها را متناسب با هدف خاصـی از نو به کار گرفت. از بیرون به ندرت می‌توان تفاوتهای موجود میان یک مسجد، کاخ و یا کاروانسرا را تشخیص داد: وجه مشترک این بناها عموماً ظاهر عبوس و مسـتحکم آنها بود که حکایت از ضـعف نظامی آنها می‌کرد. دیوارهای بلنـد را احتمالًا برای حفاظت در برابر قبایل چادرنشین غارتگر می‌ساختند.

ص:۳۴۴

در نقشه ساختمانی کاخ اخیضر کارکرد دوگانه مسکونی و اداری آن دیـده می‌شود. مجموعه با شکوه ورودی، شامل یک دروازه عظیم و تالاری بزرگ بین اتاقهای گنبـددارکوچک که به یک حیاط بزرگ منتهی می‌شود و در پشت آن یک تالار پذیرایی وجود دارد که اتاقهایی در چهار طرف آن ساخته شده است. در دو جناح این محور تشریفاتی، چهار حیاط کوچکتر واقع شده که جملگی در هریـک از دو ضـلع شـمالی و جنوبی خود سه اتـاق دارنـد. این اتاقهـای مجتمع، ظاهراً مسـتقلند و احتمالًا بعنوان واحـدهایی برای زنـدگی چنـد خـانواده یـا مهمانخـانه مورد اسـتفاده قرار می‌گرفتنـد. در سـمت راست تالاـر ورودی، یکی از اجزای ثـابت این گونه کاخهـای اولیـه یعنی مسـجد دیـده می‌شـود کـه به پیکره کـل کـاخ چسبیـده است، البته مسـجد را گـاهی جـداگانه می‌ساختنـد. در بیشترکاخها حمام‌های بسیار زیبا و با شکوه ساخته می‌شد، که پاره‌ای از مشـخصات و اجزای فنی آنها مانند شـبکه‌های گرمایش به تقلید از حمام‌های سـنتی رومی می‌باشد. حمام های کاخ اخیضـر در نزدیکی مسـجد قرار دارند و مانند حمام‌های روزگارکلاسیک کهن، احتمالًا کارهـایی جز وظـایف بهـداشتی داشـته‌اند. غالبـاً تالارهـایی متصـل به این حمام‌ها ساخته می‌شدنـد که احتمالًا بعنوان مکانهای خوش گذرانی و سرگرمی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

تزئینات کاخ اخیضر خیلی ساده بوده و به گچکاری وآجرکاری تزیینی بسیار ساده محدود می‌شود. از این لحاظ آثار به دست آمده ازکاخهای غربی در سوریه و فلسطین به مراتب غنی تر بوده‌اند.

۳. شهر اور:

بنا به گفته باستان‌شـناسان این شـهرکه (اورکلدانیین) نام دارد کهن‌ترین شـهر جهان به شمار می‌رود و در پنج هزار سال قبل از میلاد ساخته شده است. نام کنونی اور (الورقاء) است و نام سومری آن (اورك) است که در تورات با نام (اِرك) ذکر شده است.

ص:۳۴۵

این شهر امروزه در سمت غرب رودخانه فرات و در پانزده کیلومتری جنوب شهر ناصریه مرکز استان قادسیه قرار دارد و از مهمترین آثار باقیمانده این شهر برج زیگورات آن است که نخستین نمونه از این گونه برجها در جهان کهن می‌باشد. این زیگورات کمی بیش از ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده و چند قرن از نخستین هرم مصری قدیمی‌تر است. در نگاه نخست کوهی از خشت خام را می‌بینیم که در اثر عواملی همچون زمان، آب وهوا و تاخت و تاز دشمنان تقریباً بصورتی بی شکل در آمده است. ساختمان زیگورات از دوطبقه ساخته شده است و پشته‌ای که پایه زیگورات محسوب می‌شود و سطوح جانبی آن با آجر مستحکم شده است، بیش از دوازده متر ارتفاع دارد. پله‌های متعدد این پشته به سطح وسیعی منتهی می‌شود که محل بنای پرستشگاه است. سه پلکان خرپشته‌ای، هر یک با یکصد پله در یک نقطه به دروازه برج‌دار زیگورات می‌رسند و از آنجا احتمالًا پلکان دیگری به زیارتگاه یا پرستشگاه منتهی می‌شود.

این پرستشگاه سومری به نام (معبد سفید) معروف شده زیرا بدنه آجری آن سراسر گچ اندود بوده است. محوطه درونی و اصلی ساختمان یا مقصوره آنجا که پیشکش و نذر نثار پای پیکره خداوند می گردید تالار باریک و بلندی است که در طول تمام معبد ادامه یافته و دو طرفش را اتاقهای کوچکتری متعاقب یکدیگر فرا گرفته است. اما ورودی اصلی مقصوره در سمت جنوب غربی قرار دارد و برخلاف انتظاری که داریم، در جهت مقابل پله‌ها و یا در یکی از جناحهای باریک معبد قرار نگرفته است. برای پی بردن بعلت این وضع باید زیگورات و معبد را همچون مجموعه واحدی در نظر آورد: بدین معنی که نقشه مجتمع ساختمانی آن به نحوی طرح شده بود که هر پرستنده برای صعود از پله های سمت مشرق به درون مقصوره می‌بایستی تاحد امکان از پیچهای بیشتری عبور کند. به عبارت دیگر راه عبور عابدان بسوی معبد شبیه به نوعی مارپیچ حلزونی زاویه‌دار بوده است، این خاصیت راه ورود به پرستشگاه از مختصات بناهای دینی بین النهرین است. پس از این و

ص:۳۴۶

در طی ۲۵۰۰ سال بعد ساختمانها پیوسته بصورت زیگوراتهای برج مانند بلندتر و با طبقات بیشتر تکامل یافت. نمونه برجسته‌ای ازآنها که به طرز استثنائی محفوظ برجای مانده، زیگوراتی است که توسط عیلامی‌ها در (دور اونتاشی) نزدیک شوش باستان (چغازنبیل امروزین در ایران) ساخته شده است و معیاری کامل از عظمت و تفصیل این گونه بناهای دینی را نشان می‌دهد.

بتی که معبد سفید برای پرستش آن ساخته شده بود از بین رفته است، اما به نظر می‌رسد که این معبد متعلق به خدای (آنو) خدای آسمان بوده است.

زیگورات اور نمونه مناسبی از معابد قدیمی دوره سومری نوین است. در این دوره معماران می‌کوشیدند بلندترین وکوه‌پیکرترین بنای ممکن را روی زمین برپا دارند. ساختمان این زیگورات، کوه محکمی از خشت خام با نما سازی ضخیمی از آجر پخته با ملات قیری است. آجر پخته را به این علت با ملات قیر در نما سازی بکار می‌بردند که بر قدرت و استحکام ساختمان در برابر سیلها و اثر سایر عوامل طبیعی بیفزایند. طبقات زیگورات، احتمالًا به رنگهای متفاوت با معنی نمادینی ساخته می‌شده‌اند و احتمالًا سطح پشته آنها را درختکاری و گیاهکاری می‌نمودند. ارتفاع زیاد این بنا و دشواری صعود و دستیابی به نوک زیارتگاه احتمالًا مانند مذاهب دیگر، نمادی ازگونه‌ای تدارک دشوار روح برای روشنایی گرفتن از خدا به شمار می‌رفته است. بدون تردید بلندی زیگوراتهای بزرگ که ظاهراً به قلب آسمان می‌رسیدند، تأثیر ژرفی بر مردمان کهن داشت و دلیل آن وجود زیگورات بلندی در بابل به نام برج بابل که ارتفاع آن نشانه‌ای از غرور بلند پروازانه نوع بشر است.

ص:۳۴۷

۴. قلعه اربیل:

این قلعه در وسط شهر اربیل در شمال عراق قرار دارد و مساحت آن حدود یکصد و ده هزار متر مربع است و ارتفاع کلی قلعه از سطح شهر حدود ده متر است. بازدید کننده از دو طریق می‌تواند به داخل قلعه راه یابد یکی بوسیله پله‌ها و دیگری راه باریک و شیبداری است که ماشین‌رو نیز می‌باشد. باستان‌شناسان علت ارتفاع قلعه را اینگونه توجیه می‌کنند که طی قرون متمادی این قلعه مسکونی بوده و نسلها یکی پس از دیگری بر خرابه‌های نسل قبلی خانه ساختند و این امر منجر به مرتفع شدن قلعه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نام شهر و قلعه آن در آثار برجای مانده از چهار هزار سال قبل آمده است و این قلعه مقر اصلی عبادت الهه عشق و بارووری (عشتار) بوده است. یکی از مشهورترین ساکنین شهر و قلعه مذکور پادشاه قدرتمند آشوری (سنحاریب) بود که توانست آب آشامیدنی را با کانال کشی شهر و قلعه به آنجا برساند. در الواح گلی برجای مانده از آن روزگار آمده است که سنحاریب می‌گوید: من سنحاریب پادشاه جهان و پادشاه آشور هستم، سه کانال در کوههای خانی که از کوههای شهر اربیل است حفرکردم، آب چشمه‌های چپ و راست را به شهر هدایت کردم سپس کانالی کشیدم که آب را به وسط شهر زادگاه الهه (عشتار) می‌رساند.

پس از سقوط بابل، شهر اربیل همانند سایر شهرهای بین النهرین به تصرف پادشاهان هخامنشی درآمد و سالها تحت تصرف ایرانیان باقی ماند و عاقبت یکی از پادشاهان ایران در این شهر به قتل رسید وگویند که وی گنجهای خود را در قلعه اربیل مخفی کرده بود.

ص:۳۴۸

اسکندر مقدونی هنگام حمله به شرق در دشتهای شهر اربیل با ارتش ایران درگیر شد و جنگی بزرگ در این منطقه درگرفت که عاقبت به پیروزی اسکندر مقدونی انجامید. یکی از ساکنان قلعه این حادثه تاریخی را بصورت نقاشی ترسیم کرد و این لوحه ارزشمند تاریخی بعدها از اربیل به بمبئی هندوستان و از آنجا به موزه ناپل در ایتالیا منتقل شد. گفته می‌شود که نقاش برجسته (لوبرون) شاهکار خود را از این نقاشی الهام گرفت و امروزه اثر وی در موزه قصر ورسای فرانسه قرار دارد.

شهر اربیل در روزگار عباسی‌ها بسیار شکوفا شد. ازجمله مورخین عرب که از قلعه اربیل یاد کرده‌اند یاقوت حموی است که می گوید: در طرفی از شهر اربیل قلعه‌ای استوار با خندقی عمیق وجود دارد که زمینهای وسیعی را در برگرفته است. این قلعه بر روی تپه خاکی بزرگی قرارگرفته و در آن بازارها و خانه‌های رعیتها و مسجدی قرار دارد و بسیار شبیه قلعه حلب است اما از آن بزرگتر و زمینهای آن وسیعتر است.

۵. طاق کسری:

طاق کسری قسمتی از قصر سلطنتی پادشاهان ساسانی است که در شهر تیسفون یا مدائن پایتخت قدیمی ایران قرار دارد و در حقیقت بلندترین طاق آجری است که از روزگارکهن تا کنون برجای مانده است. این قصر مسکن بسیاری از پادشاهان ساسانی بود و از آن همه جلال و جبروت، امروزه تنها ایوان عظیم آن باقی مانده است که بر فراز آن شکافی عمیق نمایان است و گفته می شود که هنگام تولد رسول اکرم (ص) این شکاف پدید آمده است. این طاق در ۳۰ کیلومتری جنوب بغداد و در سمت غرب رودخانه دجله قرار دارد. بلندی این طاق آجری ۳۰ متر و عرض آن ۴۸ متر و قطر دیوارهای آن ۷ متر است. در این قصر بود که در سال ۵۳۲ ق. م پیمان صلح ایران و روم معروف به صلح پایدار میان دو دولت

ص:۳۴۹

ایران و روم شرقی منعقد شد. در هنگام سقوط این شهر، وقتی که اعراب وارد آن شدند از عظمت آن در شگفت ماندند و چون شهر بنا به روایتی از دوازده شهر تشکیل می‌شد، نام آن را مدائن گذاشتند که در زبان عربی جمع مدینه و به معنی (شهرها) است. کاخ عظیم مدائن را ابتدا شاپور ذوالاکتاف در قرن سوم میلادی بنا نمود و بعدها انوشیروان آن را توسعه داد.

بسیاری از شاعران عرب و ایرانی به دیدار بقایای این قصر شتافته و احساسات خود را در قالب قصیده و یا غزل بیان کرده‌اند و از مهمترین آنها خاقانی است که قصیده معروف خود (ایوان مدائن) را سروده است و در مطلع آن چنین گوید:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظرکن هان‌ایوان مدائن را آیینه عبرت دان

درکنار طاق کسری قبر دوتن از صحابه رسول اکرم (ص) قرار دارد که یکی از آنها سلمان فارسی و دیگری حذیفه یمانی است.

ص:۳۵۰

۶. شهر باستانی بابل:

شهر باستانی بابل یکی از مهمترین آثار باستانی عراق است. این شهر در سال ۲۳۵۰ ق. م تشکیل شد. خرابه‌های این شهر در نزدیکی شهر حله قرار دارند. معنی کلمه بابل در زبان اکدی (باب الاله) یا دروازه خدایان است و پیشینیان آن را به نامهای مختلفی از جمله (بابلونیا) می‌خواندند نام این شهر در قرآن نیز آمده است. (۱) این شهر بعد از سقوط تمدن سومری بعنوان پایتخت امپراتوری بزرگ بابل بر صحنه روزگار ظاهر شد امپراتوری بزرگی که حمورابی آن را در ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد پایه گذاری کرد و از خلیج فارس در جنوب تا شمال رودخانه دجله امتداد داشت مدت پادشاهی حمورابی ۴۳ سال بود و در این مدت بابل به اوج شکوفایی خود رسید.

شهر بابل در دو سوی رودخانه فرات قرار داشت و از جمله آثار مهم این شهر باغهای معلق بابل بود که یکی از عجائب هفتگانه جهان باستان به شمار می‌رفت و اکنون ویرانه‌ای بیش نیست. از دیگر آثار این شهر دروازه‌ای معروف به دروازه عشتار و معبد بزرگ مردوک می‌باشد. اقتصاد شهر بابل بیشتر متکی برکشاورزی و دامداری بود. شهر بابل حاوی طبقات متعدد اجتماعی بود از جمله طبقه اشراف، عامه مردم و بردگان و بعلت عدم دسترسی منطقه به سنگ و درخت بابلی‌ها خانه‌ها و معابد خود را از گل پخته و یا آجر می‌ساختند. درحال حاضر غالب آثار باستانی شهر بابل در موزه‌های آمریکا و انگلستان و

۱- سوره بقره/ ۱۰۲

ص:۳۵۱

سایرکشورهای اروپایی نگهداری می‌شود و تنها تعداد اندکی از آنها در موزه بغداد نگهداری می‌شود.

این شهر تا سال ۵۳۸ ق. م رونق داشت و در این سال که به تسخیر کورش درآمد، به تدریج رونق و اعتبار گذشته خود را از دست داد. امروزه این شهر در ۹۰ کیلومتری جنوب بغداد و در فاصله چند کیلومتری شمال شهر حله قرارگرفته است.

۷. شهر باستانی متوکلیه:

این شهر توسط متوکل خلیفه عباسی ساخته شد، شهر مذکور در فاصله ۲۰ کیلومتری سامرا به سمت شهر تکریت قرار دارد وگفته می‌شود متوکل برای ساختن این شهر یک میلیون و پانصد هزار دینار طلا هزینه نمود و دستور داد که خیابانهای آن را پهن بگیرند و درآن قصرهای متعددی برای خود و درباریانش بسازند. وی در این شهر مسجدی به نام ابو دلف با گلدسته‌ای مارپیچ ساخت که بسیار شبیه مسجد جامع سامرا بود اما مساحت آن و ارتفاع گلدسته مارپیچ آن بسیار کمتر بود. همچنین دستور داد قناتی از نزدیکی رودخانه دجله بسوی شهر مذکور کشیده شود تا بتوان بدین وسیله آب شهر را تأمین نمود. وی دستور داد تا علاوه بر ساختن بازار بزرگ شهر برای هر محله نیز بازاری ساخته شود. کار بنای شهر در سال ۲۴۵ ه ق آغاز شد و شهر شامل سه بخش عمده بود: بخش اول محله جنوبی شهر بود که (عربایا) نام داشت و محل سکونت مردم معمولی و عادی شهر بود، بخش دوم شهر محله میانی بود که مخصوص سکونت فرماندهان نظامی بود و در شمال آن مسجد ابودلف قرار داشت و بخش سوم شهر محله شمالی آن بود که مخصوص قصر دارالخلافه، دیوانهای دولتی و قصرهای متوکل بود. این قسمت بوسیله بارویی کاملًا از سایر قسمتهای شهر جدا می‌شد، این بارو سه دروازه بزرگ داشت که سواره با نیزه‌اش می‌توانست به راحتی از آنها عبور کند. پس از اتمام ساخت شهر، متوکل و درباریانش در اول ماه محرم

ص:۳۵۲

سال ۲۴۷ ه ق به شهر متوکلیه منتقل شدند اما متوکل نتوانست مدت زیادی را در این شهر بگذراند، و عاقبت در روز چهارم شوال سال ۲۴۷ ه ق بر اثر توطئه پسرش (منتصر) توسط تعدادی از غلامان ترک به قتل رسید و پس ازآن پسرش منتصر به خلافت رسید و چند روز بعد منتصر دستور داد که محل خلافت مجدداً به سامرا منتقل شود و خود و لشکریانش به شهر سامرا بازگشتند و شهر متوکلیه غیر مسکونی شد. درحال حاضر آثار برجای مانده از شهر متوکلیه در کنار رودخانه دجله و در ۱۰ کلیومتری شمال سامرای امروزی همچنان پابرجاست و می‌توان باروی بزرگ و ۴/ ۵ کیلومتری آن را براحتی مشاهده کرد. مساحت این شهر در حدود ۵۴۰ هکتار بوده است و از مهمترین آثار باقیمانده در این شهر مسجد ابودلف است که نقشه آن شباهت بسیاری به مسجد جامع سامرا دارد. ابودلف از معدود فرماندهان عرب لشکر متوکل بود که (قاسم بن عیسی بن ادریس بن معقل عجلی) نام داشت و در سال ۲۲۶ ه ق وفات یافت. وی و فرزندانش از شیعیان معتقد و از سران حکومت عباسی در زمان هارون الرشید و پس از آن بودند. مسجد ابودلف در حقیقت نمونه کوچکتر مسجد جامع متوکل است و ابعاد آن ۱۳۸* ۲۱۵ متر بوده و بارویی به ضخامت ۱/ ۶ متر دارد. این مسجد دارای هیجده دروازه است وگلدسته آن شبیه ملویه است، با این تفاوت که ارتفاع آن ۱۹ متر است.

۸. قصر عاشق و معشوق

یکی از قصرهای معروف دوران عباسی است. آثار برجای مانده از این قصر در نزدیکی شهر سامرا قرار دارد. این قصر را معتمد عباسی در سال ۲۶۴ ه ق بنا نمود. این قصر آجری برجها و باروهای متعددی داشته که امروزه قسمتهایی از این برج و باروها برجای مانده است.

ص:۳۵۳

البته گفتنی است که قصرهای باستانی سامرا، مجموعه‌ای متعدد از قصرها است که خلفای هوسران عباسی پس از انتقال پایتخت به شهر سامرا آنها را برای خوشگذرانی و برگزاری مجالس جشن و سرور و شادمانی خود بنا کردند و قصر عاشق و معشوق یکی از این مجموعه قصرها می‌باشد و نام دیگر قصرهای عباسی که در سمت شمال غربی مسجد جامع متوکل و در شهر متوکلیه بنا گردید عبارتست از:

قصر الجعفری، قصر العروس، قصر المختار، قصر الوحید، قصر الجعفری المحدث، قصر الغریب، قصر الصبح، قصر الملیح، قصر بستان الایتاخیه، قصر التل، قصر الجوسق، قصر برکوارا، قصر القلائد، قصر الغرد، قصر المتوکلیه، قصر البهو، قصر اللؤلؤه و غیره.

۹. شهر حیره:

در چند کیلومتری شهر کوفه آثار و خرابه‌های شهر حیره، پایتخت پادشاهان سلسله مناذره قرار دارد. این سلسله از پادشاهان، دست نشانده امپراتوری ساسانی بودند و از مرزهای غربی امپراتوری در برابر اعراب بادیه نشین و رومیان دفاع می‌کردند. گفته می‌شود ساختمانهای کوفه پس از ظهور اسلام و فتح عراق از آجرهای این شهر ساخته شده است. امروزه می‌توان آثار مخروبه‌ای از یک شهر کامل با خیابانها وکوچه‌ها وکلیساها و غیره در آن مشاهده کرد.

۱۰. شهر آشور:

در یکصد کیلومتری جنوب شهر موصل و در سمت راست رودخانه دجله، خرابه‌های شهر آشور، پایتخت باستانی امپراتوری آشور قرار دارد. قلعه این شهر با کاوش‌های باستان‌شناسان سر از خاک درآورده و امروزه به نام (قلعه شرقاط) مشهور است. علاوه بر

ص:۳۵۴

این تعدادی معبد و بویژه معبد با برج گردان که شهرت ویژه‌ای دارد، در این شهر وجود دارند.

۱۱. شهر کالح:

شهر کالح دومین پایتخت امپراتوری آشور است که سمت چپ رودخانه دجله و در فاصله ۳۵ کیلومتری جنوب‌شرقی شهر موصل واقع است. خرابه‌های این شهر باستانی، امروزه به نام (خرائب نمرود) شهرت دارد و در نیمه قرن نوزدهم از زیر خاک بیرون آورده شد. از این شهر آثار باستانی مهمی کشف شده که بسیاری از قطعات آن زینت بخش موزه‌های جهان است.

۱۲. شهر نینوا:

شهر نینوا آخرین پایتخت امپراتوری آشور است که خرابه‌هایش سمت چپ رودخانه دجله و مقابل شهر موصل کنونی قرار دارد، بگونه‌ای که هنگام ورود به شهر موصل باید از میان دیوارهای قطور برج و باروی آن گذشت. این شهر در سال ۱۰۸۰ ق. م پایتخت شد و به سرعت رو به توسعه و عمران نهاد و در آن می‌توان آثار معابد وکاخها و قلعه‌های عظیم و مجسمه‌های خدایان باستانی آشور را مشاهده کرد.

۱۳. شهر حضر:

شهر حضر درآغاز یک پادگان نظامی بود و بعدها به تدریج به شهر مهمی تبدیل گردید. این شهر در قرن اول پیش از میلاد در فاصله یکصد و چهل کیلومتری جنوب غربی موصل و در دشت محصور بین دو رودخانه دجله و فرات ساخته شد. در این شهر امروزه می‌توان

ص:۳۵۵

آثار باستانی جالب توجهی را دیـد که عبارتند از: قلعه‌های سـنگی، کاخها، معابد، مقابر حکام و پادشاهان و مجسـمه‌های خدایان و غیره.

ص:۳۵۶

۱۴. شهر بورسیبا:

در پانزده کیلومتری جنوب‌غربی حله به سمت نجف، تپه‌ای مصنوعی از آجر به ارتفاع ۴۴ متر دیده می‌شود که به (برس نمرود) با (برج نمرود) شهرت دارد و گفته می‌شود این تپه برج مانند جایگاهی است که نمرود از روی آن حضرت ابراهیم (ع) را به آتش افکند. در دشت روبروی این تپه، زمین بسیار وسیعی دیده می‌شود که همچون آجر پخته می‌باشد و گفته می‌شود که بر روی این زمین آتش نمرود برای سوزاندن ابراهیم (ع) افروخته شده است.

ص:۳۵۷

ص:۳۵۸

ص:۳۵۹

ص: ۳۶۰

خلاصه درس فصل هشتم:

شهر مدائن یکی از شهرهای باستانی عراق است. این شهر پایتخت دولت ساسانیان بود و پس از سقوط آن در حمله اعراب به ایران به تصرف مسلمانان درآمده و امروزه مرقد دو تن از یاران پیامبر (ص) در این شهر قرار دارد. در شهر مدائن مرقد سلمان فارسی و مرقد حذیفه یمانی قرار گرفته و یکی از زیارتگاه‌های شیعیان به‌شمار می‌رود. در این شهر علاوه بر مراقد فوق‌الذکر باقیمانده طاق کسری نیز وجود دارد که بخشی از قصر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی می‌باشد. نام قدیمی مدائن تیسفون است و نام مدائن بعد از تصرف شهر توسط اعراب بر آن نهاده شد.

شهر مسیب یکی دیگر از شهرهای زیارتی عراق است که در آن قبر دو طفلان مسلم واقع شده است. که یکی ابراهیم و دیگری محمد نام داشتند.

عراق آثار باستانی فراوانی دارد که از جمله این آثار می‌توان موارد ذیل را ذکر نمود:

۱. مسجد جامع سامرا

۲. قصر أخیضر

۳. شهر أور

۴. قلعه اربیل

۵. شهر باستانی بابل

۶. شهر باستانی متوکلیه

۷. قصر عاشق و عشوق

۸. شهر حیره

۹. شهر آشور

۱۰. شهر کالح

۱۱. شهر نینوا

۱۲. شر حضر

۱۳. شهر بورسیبا

ص:۳۶۱

مجموعه سؤالات کتاب:

۱. واژه عراق از چه زمانی در شعر جاهلی عرب ظهور کرده ست؟

۲. معنی واژه (ایراک) در زبان فارسی قدیم چیست؟

۳. مساحت جغرافیایی عراق چقدر است؟

۴. عراق با جمهوری اسلامی ایران چند کیلومتر مرز مشترك دارد؟

۵. دو رودخانه مهم عراق را ذکر نمایید و بگویید که از کجا سرچشمه می گیرند؟

۶. سه دریاچه عراق را نام برید؟

۷. مرکز تجمع ترکمان‌های عراق در چه شهری است؟

۸. صابئه عراق در کجای این کشور سکونت دارند؟

۹. خلاصه‌ای از انقلاب سال ۱۹۲۰ م عراق علیه انگلیس‌ها بنویسید؟

۱۰. عراق چند استان دارد؟ پنج استان آن را نام ببرید؟

۱۱. مرکز استان التامیم چیست؟

۱۲. قبرهای منسوب به نبی یونس و نبی شیت در کدام استان قرار دارند؟

۱۳. قبرهای منسوب به نبی هود ونبی صالح در کدام استان قرار دارند؟

۱۴. شهر واسط در عراق توسط چه کسی ساخته شد؟

۱۵. فاصله شهر نجف اشرف تا کربلای معلی چند کیلومتر است؟

۱۶. معنی لغوی نجف را بنویسید؟

۱۷. شاه عباس صفوی در چه زمانی بر شهر نجف و سایر شهرهای عراق دست یافت؟

۱۸. نام سه محله از محله‌های نجف را نام برید؟

۱۹. حرم مطهر حضرت علی (ع) چند در دارد؟ سه‌تای آن‌ها را نام ببرید؟

۲۰. سه مکان زیارتی دیگر در شهر نجف را نام ببرید؟

۲۱. مقام امام زین‌العابدین (ع) در کجا قرار دارد؟

۲۲. علت تسمیه مسجد حنانه بدین نام چه بوده است؟

ص:۳۶۲

۲۳. قبرستان معروف نجف چه نام دارد؟

۲۴. محل بنای شهر کوفه بنا به پیشنهاد کدامیک از یاران پیامبر (ص) بوده است؟

۲۵. مسجد کوفه در چه سالی تأسیس شد؟

۲۶. مرقد مسلم بن عقیل در کجا قرار دارد؟

۲۷. هانی‌بن عروه کیست؟

۲۸. مهم‌ترین کار مختار ثقفی چه بود؟

۲۹. میثم تمار در چه سالی به شهادت رسید؟

۳۰. مسجد سهله در کجا واقع شده است و از چه جهت اهمیت دارد؟

۳۱. مسجد صعصعه منسوب به چه کسی است؟

۳۲. مرقد کمیل در کجا قرار دارد؟

۳۳. خانه امام علی (ع) در کوفه در اصل منزل چه کسی بوده ست؟

۳۴. علامه مجلسی درباره مسجد حضرت یونس در کوفه چه نظری دارد؟

۳۵. فاصله شهر کربلا تا بغداد چند کیلومتر است؟

۳۶. کدام قبیله اقدام به دفن اجساد شهدای کربلا نمود؟

۳۷. اولین کسی که بر روی قبر مطهر امام حسین (ع) گنبدی از آجر و گچ ساخته که بود و در چه سالی؟

۳۸. استان کربلا چند شهرستان دارد؟ نام ببرید؟

۳۹. سه محله از محله‌های کربلا را نام ببرید؟

۴۰. سایر زیارتگاه‌های مهم کربلا را نام ببرید؟

۴۱. دژ الاخیضر از اماکن سیاحتی کدام استان عراق است؟

۴۲. صحن مطهر امام حسین (ع) چند در دارد؟ سه‌تای آنها را نام ببرید؟

۴۳. علت تسمیه در حرم مطهر امام حسین (ع) به باب‌السدره چه بوده است؟

۴۴. فاصله حرم مطهر حضرت ابوالفضل (ع) تا حرم مطهر امام حسین (ع) چقدر است؟

ص:۳۶۳

۴۵. مرقد حر بن یزید ریاحی در کجا قرار دارد؟

۴۶. اولین کسی که به ساختن مرقد حربن یزید ریاحی اهتمام ورزید چه کسی بود و در چه سالی؟

۴۷. علت تسمیه تل زینبیه بدین‌نام چه بوده است؟

۴۸. در مورد دو مقام کف دست راست و دست چپ حضرت ابوالفضل (ع) چه می‌دانید؟

۴۹. علت تسمیه شهر کاظمین بدین‌نام چیست؟

۵۰. نام قدیمی محلی که امام کاظم (ع) در آن مدفون شدند چه بود؟

۵۱. اولین پادشاهی که اقدام به ساختن مرقد و بارگاه بر روی قبر امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) نمود که بود؟

۵۲. سه مکان زیارتگاهی دیگر در شهر بغداد نام برید؟

۵۳. چه کسی در مسجد براثا نماز خوانده است؟

۵۴. نواب اربعه امام زمان (ع) را نام برید؟

۵۵. مرقد شیخ کلینی مؤلف کتاب کافی در چه شهری است؟

۵۶. در حرم مطهر عسگریین در کنار مرقد امام هادی (ع) و امام عسگری (ع)، چه کسان دیگری از اهل‌بیت مدفون هستند؟

۵۷. سه اثر باستانی موجود در استان صلاح‌الدین (سامرا) را نام ببرید؟

۵۸. شهر سامرا تا بغداد چقدر فاصله دارد؟

۵۹. در شهر بلد کدامیک از امامزادگان مهم شیعه مدفون هستند؟

۶۰. از سرداب غیبت چه می‌دانید؟

۶۱. سلمان فارسی در کجا مدفون است؟

۶۲. اولین ولی مدائن که در زمان خلیفه دوم به این مقام منصوب شد چه نام داشت؟

۶۳. مرقد ابراهیم پسر مالک‌اشتر در کجا قرار دارد؟

۶۴. نام دو طفلان مسلم چه بود؟ و در کجا مدفون هستند؟

۶۵. ذوالکفل کی بود و در کجا مدفون است؟

ص:۳۶۴

ص:۳۶۵

۶۶. مهمترین مشخصه مسجد جامع سامرا، گلدسته آن است، این گلدسته چه خصوصیتی دارد؟

۶۷. زمان تقریبی ساخت زیگورات اور در چه بستر زمانی می‌باشد؟

۶۸. قلعه اربیل در گذشته مقر پرستش کدامیک از خدایان بوده است؟

۶۹. اثر باستانی طاق کسری در کجا قرار دارد؟

۷۰. بکر بن علی کیست و در کجا مدفون است؟

۷۱. شهر باستانی بابل در کجا قرار دارد و معنی کلمه بابل چیست؟

۷۲. شهر باستانی متوکلیه در کجا قرار دارد و توسط چه‌کسی ساخته شده است؟

۷۳. متوکل عباسی در چه سالی پایتخت خود را به شهر متوکلیه منتقل کرد؟

۷۴. قصر عاشق و معشوق توسط چه کسی و در چه سالی ساخته شد؟

۷۵. خلفای عباسی قبل از بغداد چه شهری را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند؟

۷۶. تپه حراقه کجاست و داستان آن چیست؟

۷۷. امامزاده حمزه کیست و در کجا مدفون است؟

۷۸. مسجد ردالشمس در کدام شهر واقع شده است؟

۷۹. آرامگاه ادریس حلی عالم بزرگ شیعه در چه شهری قرار دارد؟

۸۰. آرامگاه ملا صدرا در کدام‌یک از شهرهای عراق قرار دارد؟

۸۱. زبیر ابن العوام کیست و در کجا مدفون شده است؟

۸۲. قبر منسوب به اسماء بنت عمیس در چه شهری قرار دارد؟

ص:۳۶۶

فهرست منابع و مآخذ

۱ قرآن کریم

۲ الارشاد، شیخ مفید

۳ الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی شهاب‌الدین ابی الفضل احمدبن علی، بیروت، نشر دار صادر

۴ الامالی، شیخ طوسی

۵ اماکن سیاحتی و زیارتی عراق، محمد رضا قمی، نشر مشعر، ۱۳۸۳

۶ الامام الحسین و اصحابه، شیخ فضل علی قزوینی، چاپ نجف

۷ اسرار الشهاده، آغابن عابد دربندی

۸ بحارالانوار، علامه مجلسی، ۱۱۰ جلدی، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق

۹ تهذیب الحکام، شیخ طوسی، ۱۰ جلدی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه. ش

۱۰ تاریخ مرقد الحسینی و العباس، سلمان هادی آل طعمه، الطبعه الاولی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت

۱۱ تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۵۴

۱۲ تاریخ المراقد الحسینی و اهل بیته و انصاره، محمد صادق الکرباسی، المرکز الحسینی للدراسات، لندن، الطبعه الاولی سنه ۱۹۹۸، رجوع کنید به کتاب عتبات عالیات عراق تألیف دکتر اصغر قائدان ص ۱۷۹

۱۳ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی

۱۴ تاریخ العراق بین احتلالین، عباس الغراوی، چاپ بغداد، ۱۹۳۵۶ م

۱۵ تتبعات فی جوار سور المیـدیین، جیمز فیلکس جونز، سلسـله مختارات من سـجلات حکومه بومبی، المجلد ۴۳، سنه ۱۸۵۷ بومبی الهند

۱۶ تاریخ مدینه سامرا، یونس شیخ ابراهیم السامرایی، المجلد الاول و الثانی، الطبعه الاولی، سنه ۱۹۷۱ م، بغداد

ص:۳۶۷

۱۷ الجامع المختصر فی عنوان التواریخ و عیون السیر، مصطفی جواد، چاپ بغداد، ۱۹۳۴ م

۱۸ الحوادث الجامعه و التجارب النافعه فی المائه السابعه، کمال‌الدین عبد الرزاق ابن فوطی بغدادی، بغداد، مکتبه العربیه، ۱۳۵۱ ق

۱۹ الرحله، ترجمه میر بصری، بغداد

۲۰ الرحله، ابن جبیر محمد بن احمد، دار بیروت للطباعه، ۱۴۰۱ ه. ق

۲۱ دایره المعارف تشیع، زیر نظر سید جوادی، مؤسسه دایره المعارف تشیع، ۱۳۶۹

۲۲ سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر محمد علی موحد، از: علمی و فرهنگی تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱

۲۳ سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، تالیف محمد صادق نجمی، دفتر انتشارات اسلامی قم

۲۴ سفرنامه کیو پورتر، چاپ ۱۸۲۲ م لندن

۲۵ سفرنامه فریزر به بغداد در سال ۱۸۳۴، جیمز بیلی فریزر، ۱۹۶۴، المعارف، بغداد

۲۶ العراق قدیماً و حدیثاً، عبدالرزاق حسینی، الطبعه السابعه، سنه ۱۹۸۲ م، بغداد

۲۷ عتبات عالیات عراق، دکتر اصغر قائدان، نشر مشعر، بهار ۱۳۸۳

۲۸ العماره العباسیه فی سامراء، طاهر مظفر الحمید، الطبعه الاولی عام ۱۹۷۶ بغداد

۲۹ علی ضفاف النیل و دجله، ارنست والیس، عام، ۱۹۲۰، لندن

۳۰ الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب، علامه عبدالحسین امینی، (متوفی ۱۳۴۹ ش) دارالکتب الاسلامیه، طهران، الطبعه الثانیه، ۱۳۶۶ ش

۳۱ فرهنگ فارسی عمید، دوره ۳ جلدی، امیر کبیر، ۱۳۸۲

۳۲ الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه مصر رحمانیه، ابن الطقطقی، محمد بن طباطبا بی‌تا

۳۳ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، بیروت، دارالصادر، ۱۹۶۵ م

ص:۳۶۸

۳۴ کربلا و حرمهای مطهر، سلمان هادی آل طعمه، ترجمه حسین صابری، نشر مشعر، پاییز ۱۳۷۸

۳۵ الکافی، ثقه الاسلام کلینی، ۸ جلدی، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵ هجری

۳۶ موسوعه النجف الاشرف، جعفر الدجیلی، بیروت، الطبعه الاولی، سنه الاولی ۱۹۹۳ م

۳۷ مشهد الامام و مدینه النجف، محمدعلی جعفر التمیمی، الطبعه الاولی، عام ۱۹۵۸، مطبعه دار النشر و التألیف، نجف

۳۸ مراقد التعارف، محمد حسین حرزالدین، نجف، ۱۳۸۹

۳۹ ماضی النجف و حاضرها، الطبعه الاولی، سنه ۱۹۸۶

۴۰ موسوعه العتبات المقدسه، قسم النجف، المجلد الاول، الطبعه الثانیه، سنه ۱۹۸۷، بیروت

۴۱ مروج الذهب و معادن الجوهر، مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳

۴۲ مستدرک الوسایل، محدث نوری، ۱۸ جلدی، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۸ ه. ق

۴۳ المنتظم، ابن جوزی ابن قیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲ م

۴۴ وسایل الشیعه الی التحصیل السائل الشریعه، شیخ حر عاملی، موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۲۹ جلدی، ۱۴۰۹ ه. ق

۴۵ یادداشت‌ها، کارستن نیبور، ترجمه مصطفی جواد، مجله سومر، سال ۱۹۶۴ بغداد

۴۶ الرحله، مادام دی لافوا، بغداد، عام ۱۹۵۸

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹